

بسمه تعالی



دانشگاه کردستان

سال دهم
شماره سی و هشت
بهار ۱۴۰۰
شاپا: ۲۸۷۵ - ۲۳۲۲



فصلنامه علمی مطالعات شهری

صاحب امتیاز: دانشگاه کردستان

مدیر مسئول: هوشمند علیزاده

سردبیر: مظفر صرافی

معاون سردبیر: کیومرث ایران دوست

مدیر داخلی: کیومرث حبیبی

کارشناس نشریه: محمد بشیر رباطی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی):
کیومرث ایران دوست، برنامه ریزی شهری، دانشیار، دانشگاه کردستان
مصطفی بهزادفر، طراحی شهری، استاد، دانشگاه علم و صنعت ایران
جهانشاه پاکزاد، طراحی شهری، استاد، دانشگاه شهید بهشتی
پروین پرتوی، شهرسازی، استاد، دانشگاه تهران
کیومرث حبیبی، شهرسازی، دانشیار، دانشگاه کردستان
مهرداد حجازی، مهندسی عمران، دانشیار، دانشگاه اصفهان
اسفندیار زبردست، برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، استاد، دانشگاه تهران
حسن سجاذزاده، شهرسازی اسلامی، دانشیار، دانشگاه بوعلی سینا
علی سلطانی، طراحی شهری، استاد، دانشگاه شیراز
هیمن شهابی، ژئومورفولوژی، دانشیار، دانشگاه کردستان
اسماعیل شیعه، شهرسازی، استاد، دانشگاه علم و صنعت
میرستار صدر موسوی، برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، استاد، دانشگاه تبریز
حاجی حسین عزیزی، زمین شناسی، استاد، دانشگاه کردستان
صدیقه لطفی، برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، استاد، دانشگاه مازندران
فرشاد نوریان، شهرسازی، دانشیار، دانشگاه تهران

اعضای تحریریه بین‌المللی:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

داورهای این شماره (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی): بمانیان، محمدرضا؛ پژوهان، موسی؛ پورباقر، سمیه؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ حقی، محمدرضا؛ خاکزند، مهدی؛ خلیقی، نینا؛ رفیعیان، مجتبی؛ سجاذزاده، حسن؛ سرور، رحیم؛ سعیدی، مهدی؛ شاهمرادی، بهزاد؛ شیعه، اسماعیل؛ عادل، زینب؛ قره‌بگلو، مینو؛ کهزادی، سالار؛ لطفی، صدیقه؛ محمدی، اکبر؛ محمدی، حمید؛ مدیری، آتوسا؛ اسدیپور، علی؛ مولانایی، صلاح‌الدین؛ نژاد ابراهیمی، احد؛ یوسفی، زاهد.

تلفن: ۰۸۷ - ۳۳۶۶۶۷۷۱

شنبه الی سه شنبه ساعت ۱۲-۱۳

www.urbstudies.ir

urbstudies@uok.ac.ir

ساعت تماس:

آدرس وب سایت نشریه:

آدرس ایمیل نشریه:

طرح جلد: کورش عنبری

صفحه‌آرا: جواد ده‌ده جانی

ویراستار فارسی: فرحناز نوبخت

ویراستار انگلیسی: نوید برادران همتی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشانی: سنندج، بلوار پاسداران، دانشگاه کردستان، دانشکده هنر و معماری، گروه مهندسی شهرسازی - کد پستی: ۶۶۱۷۷ - ۱۵۱۷۵

این فصلنامه طی نامه شماره ۱۶۱۹۲۷ به تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۲ مدیر کل امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

با درجه علمی-پژوهشی منتشر می‌شود.

ناشر: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

این نشریه در «ایران ژورنال» نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICEST) به نشانی www.ricest.ac.ir و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام به نشانی www.isc.gov.ir نمایه می‌شود.

مطالعات شهرک فهرست

- شناسایی و اولویت بندی شاخص های کیفیت محیطی در پهنه های ساحلی
مجتبی رفیعیان، گل کو گیاه چی
۳
- تبیین نقش منزلت اجتماعی محله در گرایش به بازآفرینی آن با کاربست مدل معادلات ساختاری
نمونه مورد مطالعه: بافت میانی شهر اراک | فاطمه اسمعیل پور، محمدحسین سرائی، نجما اسمعیل پور
۱۷
- تبیین عملکردی و شناسایی ارزش های مکان های عمومی رودخانه محور از منظر طراحی شهری
سید مجتبی صفدرنژاد، سید عبدالهادی دانشپور، مصطفی بهزادفر
۳۱
- تحلیل سوبیه های مفهوم مشارکت در فرآیند طراحی فضاهای عمومی
سودا نوروزی، علی جوان فروزنده
۴۹
- تاثیر شاخص های کیفیت ادراک محیط سکونتی بر کنش متقابل اجتماعی پیوسته در محله باغ شاطر تهران
محمدحسن سعیدی مطلق، ناصر براتی
۶۳
- رویکرد مسکن اندک افزا به مثابه سیاست ارتقای مسکن در سکونتگاه های غیررسمی
مطالعه موردی: شهر چابهار | علیرضا نظرنیا، لیلیا زارع، فریبرز دولت آبادی
۷۷
- بررسی مؤلفه های تأثیرگذار بر اجتماع پذیری مجتمع های مسکونی با رویکرد حفظ خلوت
نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاہ مشهد | سحر برهانی فر، محمد ابراهیم مظہری، ویدا تقوایی، بهزاد وثیق، رضا اشرف زاده
۹۱
- بررسی اثر زمینه گرایی بر تاب آوری فضایی در بازار تاریخی تبریز با تمرکز بر قابلیت های فضایی
راحله عبدالهی، اسلام کرمی، احد نژاد ابراهیمی، لیلیا رحیمی
۱۰۷
- رنسانس خیابانی، تبیینی بر بازخوانی حیات اجتماعی بخش مرکزی شهر زنجان
عیسی پیری، لیلیا هاشمی
۱۲۱

شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های کیفیت محیطی در پهنه‌های ساحلی^۱

مجتبی رفیعیان^۲ - استاد، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
گل‌کو گیاه‌چی - دانش‌آموخته کارشناس ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۲ آبان ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش: ۱۱ خرداد ۱۳۹۹

چکیده

مناطق ساحلی به دلیل ارائه فضاها و فرصت‌های متنوع از گذشته تاکنون با تقاضای بالای جمعیت روبه‌رو بوده که این موضوع با بروز معضلات و آشفتگی‌های متعددی در ابعاد مختلف ساحل همراه بوده است. این معضلات در حوزه‌های متعددی از جمله حوزه‌های محیط‌زیستی، کاربری اراضی، سیاسی و امنیتی، مقرراتی و حقوقی در نواحی ساحلی کشور و از جمله بندر انزلی دیده می‌شود. در شهر بندرانزلی طبق اسناد توسعه شهری و گزارشات مطالعاتی دستگاه‌های اجرایی، پهنه ساحلی شهر در سال‌های گذشته دچار افول مشهودی شده؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد موجبات بروز آسیب‌های محیط‌زیست، افول اقتصادی و مسائل اجتماعی متعددی را در قالب کاهش کیفیت محیط ایجاد کرده است. بنابراین می‌توان گفت مسئله پیش‌رو، شناسایی مؤلفه‌های حاکم بر ظرفیت‌های توسعه‌ای در پهنه ساحلی بندرانزلی است که دچار زوال شده و مدیریت مداخلات می‌تواند فرایندهای بهبود کیفیت را موجب شود. روش تحلیل داده‌ها بهره‌گیری از مدل معادلات ساختاری (SEM) است که با استفاده از نرم‌افزار SmartPIS 3 صورت گرفت. برای آزمون مدل، با استفاده از پرسشنامه و براساس آرای کاربران فضا (مصرف‌کنندگان)، کیفیت محیطی در نواحی ساحلی متشکل از نُه شاخص برآورد و مورد سنجش قرار گرفت. ضریب استاندارد شده مسیر میان مصرف‌کننده و کیفیت محیطی (۰/۸۶) بیانگر این مطلب است که الگوی آماری کاربران به میزان ۸۶ درصد از تغییرات متغیر کیفیت محیطی را تبیین می‌کند. کیفیت محیطی پهنه‌های ساحلی با نُه شاخص سنجیده می‌شود که از میان آنها، نفوذپذیری اولویت نخست در تحلیل کیفیت محیطی ساحلی دارد و سایر شاخص‌های مطرح مانند انعطاف‌پذیری، سازگاری، کارایی، با‌معنابودن، تناسب، تنوع، اجتماع‌پذیری و پایداری به ترتیب در اولویت‌های دوم تا نهم قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: کیفیت محیطی، معادلات ساختاری، سواحل شهری، انزلی.

نکات برجسته

- اولویت‌بندی شاخص‌های کیفیت محیطی با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) انجام شد.
- نرم‌افزار smart PLS جهت آنالیز داده‌ها استفاده شد.
- شاخص‌های کیفیت محیطی زیست مناطق ساحلی براساس نظرات کاربران بررسی شد.
- نفوذپذیری موثرترین عامل در مطلوبیت مناطق ساحلی است.

۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی شهری با عنوان «شناسایی عوامل موثر بر ارتقای کیفیت محیطی پهنه‌های ساحلی شهر بندرانزلی از منظر برنامه‌ریزی شهری» است که به وسیله گل‌کو گیاه‌چی و با راهنمایی مجتبی رفیعیان در دانشگاه تربیت مدرس دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: rafiei.m@modares.ac.ir

۱. مقدمه

RIVM (2002); RMB (1996), Porteous (1971), and Marans (1969) (2002) Workshop livability (Latifi & Sajadzade, 2014) و همچنین پژوهش‌هایی که در ایران در این حوزه صورت گرفته، ویژگی‌های یک پهنه ساحلی با کیفیت محیطی بالا را شناسایی و شاخص‌های آن را معرفی کرده و اولویت هر یک را بسنجد.

۲. چارچوب نظری

مبانی نظری این پژوهش از دو رکن تشکیل شده است. نخست، قلمروی فیزیکی پژوهش که شامل مناطق ساحلی است و دیگر، کیفیت محیطی که به عنوان لنز نظری پژوهش ایفای نقش می‌نماید.

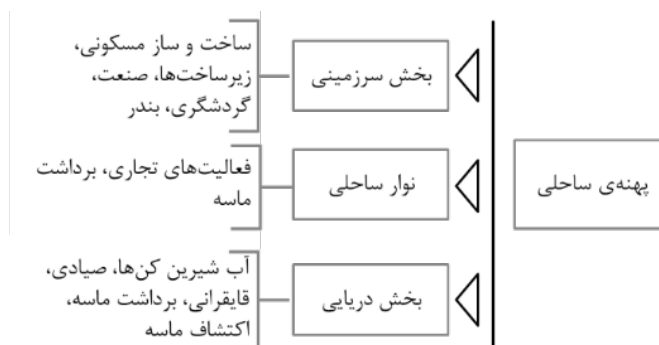
۲.۱. ساحل شهری و ارزش‌های کیفی آن

سواحل از گذشته تاکنون همواره مورد توجه انسان‌ها بوده است. پیدایش نخستین تمدن‌ها در جوار آب‌ها و مناطق ساحلی بوده و جوامع انسانی همواره برای رفع نیازهای خود از مزایای مناطق ساحلی بهره می‌بردند. این مناطق فرصتی برای تأمین غذا، تجارت و دسترسی به سایر نقاط فراهم نموده و با کشف منابع دریایی اهمیت آن بیش از پیش شده است (Ports & Maritime, 2014). برخورداری از مناطق ساحلی از مزیت‌های اقتصادی، موجب ایجاد ویژگی‌های منحصربه‌فردی در این مناطق شده است؛ مانند (۱) سرعت بالای شهرنشینی و تراکم بالای جمعیت، (۲) جذب گردشگر فصلی بیش از ظرفیت زیست‌محیطی منطقه و (۳) وجود تضاد و تعارض منافع میان ذی‌نفعان و ذی‌نفعان (Lins-de-Barros, 2017). جاذبه‌های اقتصادی سواحل تا بدانجا تأثیرگذار بوده که طبق طرح جامع مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی ایران، در آغاز قرن بیست و یکم، حدود دو سوم مردم جهان یعنی رقمی معادل ۷/۳ میلیارد نفر در حاشیه ۶۰ کیلومتری از دریا زندگی می‌کنند (Ports & Maritime, 2014).

پهنه‌های ساحلی به سه بخش سرزمینی، نوار ساحلی و بخش دریایی قابل تقسیم هستند (تصویر شماره ۱). براساس مطالعاتی که در سطح سواحل کشور انجام گرفته، مناطق ساحلی به مقتضای گستره وسیع جغرافیایی، در حوزه اقتصادی و اجتماعی از گوناگونی بسیاری برخوردارند و از این رو مسائل آنها نیز گسترده و متنوع است (جدول شماره ۱).

سواحل و فضاهای پیرامون آن همواره مورد توجه جوامع انسانی بوده است. این امر را می‌توان ناشی از وجود دو قلمرو خشکی و آبی در این مناطق دانست (Vice President, 2010). این مناطق ضمن این که بخش وسیعی از جمعیت زمین را در خود جا می‌دهند، خدمات متنوعی از جمله خدمات تفریحی و اقتصادی را برای ساکنان مناطق ارائه می‌کنند که هم برای افراد محلی و هم برای گردشگران بسیار جذاب است (Morales, Arreola-Lizárraga, & Grano, 2018). تقاضای قابل توجه جمعیت برای بهره‌مندی از مناطق ساحلی، معضلات و اختلالاتی را در سیستم این مناطق به وجود آورده است. این معضلات به زعم معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، در حوزه‌های متعددی از جمله حوزه‌های محیط‌زیستی، کاربری اراضی، سیاسی و امنیتی، مقرراتی و حقوقی و... دیده می‌شود (Vice President, 2010). لزوم نگاه یکپارچه و همه‌جانبه به این مناطق را توجیه می‌نماید. از این روزه اوایل دهه ۹۰ میلادی در جهان و با فاصله‌ای کمتر از یک دهه در ایران (اواخر دهه ۷۰ شمسی) تدوین طرح جامع مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی آغاز شده که پیونددهنده برنامه‌ریزی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی است.

از سال ۱۹۷۶ مفهومی با عنوان «کیفیت محیطی» در حوزه شهرسازی (برنامه‌ریزی و طراحی شهری) بیان شده که ناظر بر تمامی جنبه‌های یک محیط و فضای شهری است (Rafieian, Taghvaea, khademi, & Alipur, 2012). مفهوم نام‌برده در طول چند دهه گذشته، بارها از سوی نظریه‌پردازان مورد بحث قرار گرفته (Ovsianikova & Nikolaenko, 2003; Poll, 1997; Van Kamp, et al., 2003) و تکامل یافته است. شاید بتوان از نظر محتوایی دهه اخیر را دوره بلوغ مفهوم کیفیت محیطی دانست اما از نظر اجرایی و عملیاتی همچنان موانع متعددی پیش روی آن است. نیاز به رویکرد یکپارچه و همه‌جانبه به مناطق ساحلی در مقیاس‌های فضایی خرد و کلان و همچنین چندبعدی بودن مفهوم کیفیت محیطی (Kesalkheh & Dadashpoor, 2013) این فرصت را فراهم نموده که با تأکید بر مفهوم کیفیت محیطی به مناطق ساحلی نگریسته شود و شاخص‌های آن و میزان اثرپذیری هر کدام مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد. در واقع این پژوهش به دنبال آن است که با بهره‌گیری تعاریف ارائه شده در باب کیفیت محیطی مانند Lansing



تصویر شماره ۱: پهنه‌های مناطق شهری و فعالیت‌های آن

منبع: (Almasi & Shanehshazzadeh, 2008)

جدول شماره ۱: گونه‌بندی مشکلات مناطق ساحلی در کشور

مشکلات	موضوع
فقدان همکاری و تشریک مساعی میان سازمان‌های مختلف، نبود تعریف مناسب درباره مالکیت خصوصی و عمومی نوار ساحلی، فرسایش و آسیب دیدگی خطوط ساحلی و زیرساخت‌های آن، ساخت‌وساز نامتعادل در نوار ساحلی	عمومی
تخلیه پسماندهای خشک و تر شهری، صنعتی و کشاورزی به دریا، آلودگی نواحی ساحلی ناشی از کمبود زمین برای دفع پسماند، آلودگی منابع دریایی	طبیعی و محیط‌زیستی
کاهش منابع آبی، کمبود امکانات و تسهیلات مرتبط با گردشگری، بهره‌وری نامناسب فعالیت‌های کشاورزی و استفاده نامناسب از زمین	اقتصادی
ساخت‌وساز و توسعه غیرقانونی، دسترسی محدود و انحصاری به دریا، فقدان طرح کاربری اراضی مناسب برای توسعه منطقه ساحلی، مشکل مالکیت زمین و خط ساحلی، تغییر غیرقانونی کاربری اراضی، کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل	فضایی (کاربری زمین)
نرخ بالای آلودگی به ویژه در دریای خزر، تغییرات نامطلوب و سریع در بافت فرهنگی مناطق ساحلی، اتصال ضعیف مناطق ساحلی به مناطق داخلی کشور، فقر و عدم توسعه	فرهنگی-اجتماعی

منبع: (Ports & Maritime, 2014)

آیرن ون کمپ^۲، بنتلی، الپیار، متیو کرمونا و... مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (Carmona, 2019; H. Hataminejad, Manuchehri) Miandoabi, Baharlu, Ebrahimpur, & Hataminejad, 2012; Latifi & Sajadzade, 2014; Taghvaei, Maroufi, & Pahlavan, 2013; Van Kamp et al., 2003; Yavuz & Kuloğlu, 2014). در نخستین کنفرانس هیئتات سازمان ملل در سال ۱۹۷۶ مفهوم کیفیت محیط شهری برای نخستین بار در یک مجمع رسمی بین‌المللی مطرح شد. در این کنفرانس کیفیت محیطی را برآورده کردن نیازهای اساسی انسان و عدالت اجتماعی مترادف دانستند که این نیازها عبارتند از غذا، مسکن، شغل، بهداشت و سلامت، آزادی، شرافت، امکان پیشرفت فردی و توزیع عادلانه درآمدهای توسعه (Rafieian, Asgharizadeh, & Farzad, 2009, p. 35).

در مناطق شهری، مشکلات مناطق ساحلی مشهود است. شهرهای ساحلی نه تنها مشکلات ذاتی مناطق ساحلی مانند فرسایش ساحل و سیل را تجربه می‌کنند بلکه با مشکلات عادی یک مرکز بزرگ شهری مانند جرم، آلودگی و نابرابری نیز روبه‌رو هستند. بسیاری از شهرهای ساحلی به علت حجم بالای فعالیت گردشگری فشار بالای محیط‌زیستی را متحمل می‌شوند (Lins-de-Barros, 2017). از سویی جذب بالای جمعیت این مناطق وجود ارزش‌های کیفی مانند اجتماع‌پذیری و تأمین امنیت کاربران فضا را الزامی می‌نماید (Silva - Cavalcanti, Costa, & Pereira, 2018).

۲.۲. کیفیت محیطی سواحل

کیفیت محیطی مفهومی است که در دهه‌های گذشته به وسیله نظریه‌پردازان متعددی از جمله جین جیکوب، کوین لینچ، پسیون^۱،

جدول شماره ۲: شاخص‌های کیفیت محیط شهری از دیدگاه صاحب‌نظران مطالعات شهری

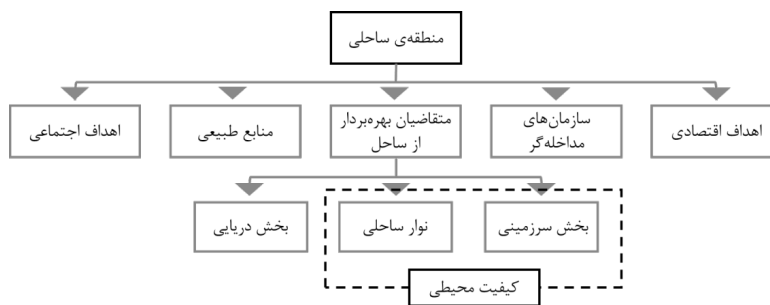
شاخص‌های کیفیت محیط	نظریه پرداز
انتخاب فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط، استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر وجود بناها با سن‌های مختلف در یک ناحیه، توجه به عنصر خیابان، نفوذپذیر بودن بافت که به مفهوم پیشنهاد استفاده از بلوک‌های کوچکتر شهری است، اختلاط اجتماعی و انعطاف‌پذیر بودن فضاها	(Jane Jacobs 1961)
باز بودن، راحتی، جذابیت، نگهداری، صدا و ارتباط آنها با ساکنان محله	Lansing and Marans (1969)
سرزندگی، معنی (حس)، سازگاری، دسترسی، کنترل و نظارت، همچنین دو فوق معیار: فوق معیار کارایی و فوق معیار عدالت	Kevin A. Lynch (1981)
نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری بصری، غنا، قابلیت شخصی‌سازی، مصرف انرژی، پاکیزگی حمایت و پشتیبانی از حیات	Bentley (1985 & 1990)
سرزندگی، هویت و کنترل، دسترسی به فرصت‌ها، تخیل و شادی، اصالت و معنا، زندگی اجتماعی و همگانی، خوداتکایی شهری، محیطی برای همه	Jacobs. A & Appleyard. D (1987)
آلودگی آب، آلودگی هوا، صدا، زباله، شلوغی و ترافیک	Roomana N. Siddiqui (2003)
دسترسی، سخت‌فضا و نرم‌فضا، فضای همگانی، ایمنی و امنیت، منظر شهری، اختلاط و تراکم، همه‌شمول بودن و مدیریت زمانی فضا	Matthew Carmona
تمیزی و پاکیزگی، دسترسی، راحتی، همه‌شمولی، پایداری، کاربردی، تمایز، ایمنی و امنیت، محکم، سبز و بدون آلودگی و تحقق‌پذیری	Carmona and de Magalhaes (2009)

منبع: (Carmona, 2019; Hajinejad, Rafieian, & Zamani, 2011; Latifi & Sajadzade, 2014; Taghvaei et al., 2013; Yavuz & Kuloğlu, 2014).

ارائه شده در باب این مفهوم دو موضوع قابل استخراج است: ۱) کیفیت محیطی مفهومی است که به آرا و نظر مصرف‌کنندگان (کاربران) محیط وابسته است و ۲) کیفیت محیطی از ابعاد مختلف محیط نشأت می‌گیرد و مفهومی و رای مجموع ابعاد محیط است.

با توجه به تعاریف فوق می‌توان نتیجه گرفت، کیفیت محیطی مفهومی وابسته به نظر کاربران (متقاضیان بهره‌بردار) از فضا است که با توجه به سه پهنه فیزیکی مناطق ساحلی و تعریف و کارکرد هر یک، در دو بخش سرزمینی و نوار ساحلی قابلیت بروز می‌یابد (تصویر شماره ۲).

با توجه به یافته‌های پیشین می‌توان اذعان نمود، سنجش کیفیت محیطی امری است که بر آرا و نظر استفاده‌کنندگان (کاربران) از محیط وابسته است. برای مثال لنینسینگ و مارانس (Lansing and Marans) کیفیت محیطی را اینگونه تعریف نموده‌اند: «یک محیط با کیفیت بالا، حسی از رفاه و رضایت را برای افراد از طریق شاخص‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا نمادین باشند، به همراه دارد» و یا پُرت اُس (Porteous) (1971) کیفیت محیطی را یک موضوع پیچیده می‌داند که در بر دارنده ادراک انتزاعی، طرز تلقی و ارزش‌هایی است که در بین افراد و گروه‌ها متفاوت است (Latifi & Sajadzade, 2014). از تعاریف



تصویر شماره ۲: ارتباط پهنه ساحلی و کیفیت محیطی

با گذشت تقریباً سه دهه از کنفرانس ریودوژانیرو (۱۹۹۲)، همچنان ردپای اصول توسعه پایدار را می‌توان در طرح‌ها و برنامه‌های شهری دید. همانگونه که در مرور تغییرات برنامه‌ریزی سواحل شهری دیده شد، این حوزه نیز از ابتدای دهه ۹۰ دچار تغییرات اساسی گشت و در قرن حاضر تکامل یافته است. در دهه نخست قرن بیست و یکم، در کنفرانس مرکز بین‌المللی شهرها در مورد آب، اصول اساسی برای توسعه پایدار ساحلی شهری تعریف و تشریح شد. همچنین مدیریت مبتنی بر اکوسیستم که تحت تأثیر تغییرات دهه ۹۰ میلادی شکل گرفت، نه تنها وضعیت فیزیکی ساحل را در نظر گرفت بلکه عوامل طبیعی و انسانی را نیز تحت تأثیر شرایط ساحل در مقیاس‌های مختلف مکانی و زمانی تعریف نمود (Morales et al., 2018). مقایسه تطبیقی دو حوزه برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزی سواحل شهری نمایانگر اشتراک اصول در موارد بسیاری از جمله بحث‌های هویتی، مشارکت، دسترسی، تنوع و انعطاف‌پذیری است. با وجود قرابت این دو حوزه می‌توان از برخی اصول برنامه‌ریزی شهری مانند مشوق‌ها و تراکم بهره‌جست و آن را به حوزه برنامه‌ریزی سواحل شهری وارد نمود. همچنین تأکید بر یکپارچگی فضایی در برنامه‌ریزی سواحل شهری نشان از وجود آسیب در انقطاع فضایی در این قلمرو دارد که بایستی در دستور کار متخصصان و مجریان این حوزه قرار گیرد (جدول شماره ۳).

۲.۳. رهیافت‌های برنامه‌ریزی شهری در سواحل شهری

در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی رویکردها و تفکرات حاکم بر مدیریت و برنامه‌ریزی مناطق ساحلی، غالباً راه‌حل‌های کوتاه‌مدت برای حل و فصل مشکلات و چالش‌های این مناطق ارائه می‌نمودند (Kay & Alder, 1998). از ابتدای دهه ۱۹۹۰، سواحل و برنامه‌ریزی آن مورد توجه جوامع بین‌المللی قرار گرفت که از دستاوردهای توجه جهانی به این حوزه می‌توان به انتشار بیانیه‌ها و راهنماهایی از سوی سازمان‌های جهانی مانند FAO اشاره نمود. در همان سال‌ها، مدل برنامه‌ریزی مسکن در برنامه‌ریزی مناطق ساحلی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه استفاده شد. اما از ابتدای سده حاضر تغییر نگرشی در میان کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه صورت گرفت و این اعتقاد به وجود آمد که برای بهره‌وری موفق از سواحل و توسعه آن، رویکرد برنامه‌ریزی پایدار و یکپارچه که در آن گروه‌های ذی‌نفع دولتی و خصوصی مستقر در منطقه، سازمان‌های غیردولتی و عمومی در فرآیند برنامه‌ریزی مشارکت و تعامل می‌نمایند، نیاز است. از عرصه‌های ظهور این تفکر می‌توان از طرح‌های مدیریت یکپارچه نواحی ساحلی نام برد (Carter, Schmidt, & Hirons, 2015; Kay & Alder, 1998). از ابتدای سده حاضر، جریان‌های فکری و اصول حاکم بر حوزه‌های شهری و محیط‌زیستی، تحت تأثیر مبانی توسعه پایدار قرار گرفته است.

جدول شماره ۳: مقایسه تطبیقی اصول برنامه‌ریزی شهری و توسعه پایدار سواحل شهری در قرن بیست و یکم

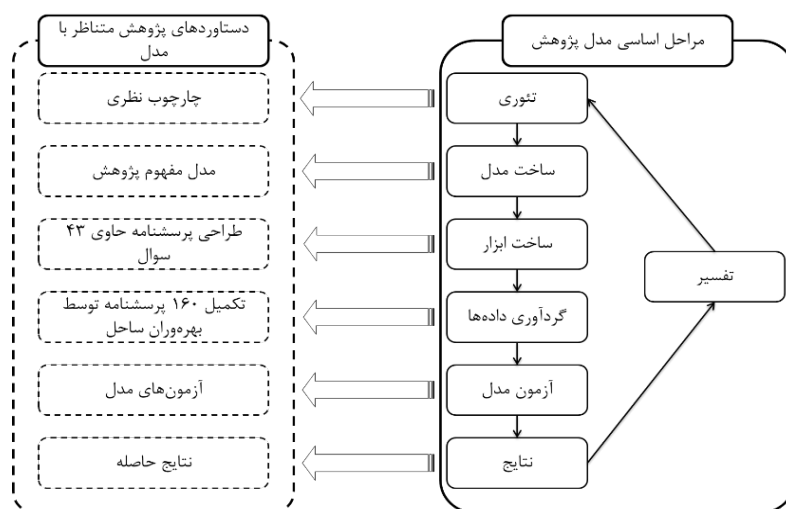
اصول	برنامه‌ریزی شهری	سواحل شهری	اصول	برنامه‌ریزی شهری	سواحل شهری
پایداری	*	*	تنوع	*	*
هویت	*	*	فضای باز	*	-
یکپارچگی فضایی	-	*	سازگاری	*	-
مشارکت اجتماعی و نهادی	*	*	مشوق‌ها	*	-
تعامل گروه‌های مختلف	-	*	انعطاف‌پذیری	*	*
دسترسی	*	*	تراکم	*	-

منبع: (Kriken, Enquist, & R., 2015; Yildiza, Senlierb, & Guzelc, 2015)

۳. روش شناسی پژوهش

روش مدل‌سازی معادلات ساختاری از روش‌های قدرتمند تحلیل چندمتغیره در آمار است که توان لازم را برای درک و شناسایی ابعاد محتوایی حاکم بر تحقیقات کیفی دارد. از مزایای این مدل می‌توان به تخمین روابط چندگانه و قابلیت سنجش متغیرهای پنهان نام برد. آشکارترین تفاوت بین مدل‌سازی معادلات ساختاری و تکنیک‌های پیشین، به کارگیری روابط چندگانه مربوط به هر یک از متغیرهای وابسته است. به بیان ساده‌تر، مدل‌سازی معادلات ساختاری مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون چندگانه را با تعیین مدل ساختاری به کار گرفته شده در برنامه آماری، به طور همزمان تخمین می‌زند. یکی دیگر از قابلیت‌های مهم مدل‌سازی معادلات ساختاری، امکان وارد

ساختن متغیرهای پنهان یا مکنون در تحلیل داده‌هاست. روش‌های تحلیل آماری پیشین، متغیرهای مکنون را با استفاده از آماره‌هایی مانند میانگین و یا مجموع سئوال‌ات مربوط به آن متغیر تعریف می‌نمود که همین امر باعث ایجاد خطای اندازه‌گیری در سنجش متغیرهای پنهان می‌شد و متعاقباً نتایج حاصل را تحت تأثیر قرار می‌داد. از آنجایی که یک سازه مکنون مفهومی است، فرضی و مشاهده نشده، می‌بایست آن را با متغیرهای قابل مشاهده یا قابل اندازه‌گیری که همان سئوال‌ات یا شاخص‌ها هستند، سنجید. در مدل‌سازی معادلات ساختاری، یک متغیر مکنون با بررسی میزان سازگاری با سئوال‌اتش، به صورت غیرمستقیم قابل اندازه‌گیری می‌شود و همین امر باعث کاهش خطای اندازه‌گیری در محاسبات می‌گردد (Davari & Rezazadeh, 2017, p. 33).



تصویر شماره ۲: مراحل اساسی مدل پژوهش

منبع: (Davari & Rezazadeh, 2017, p. 20)

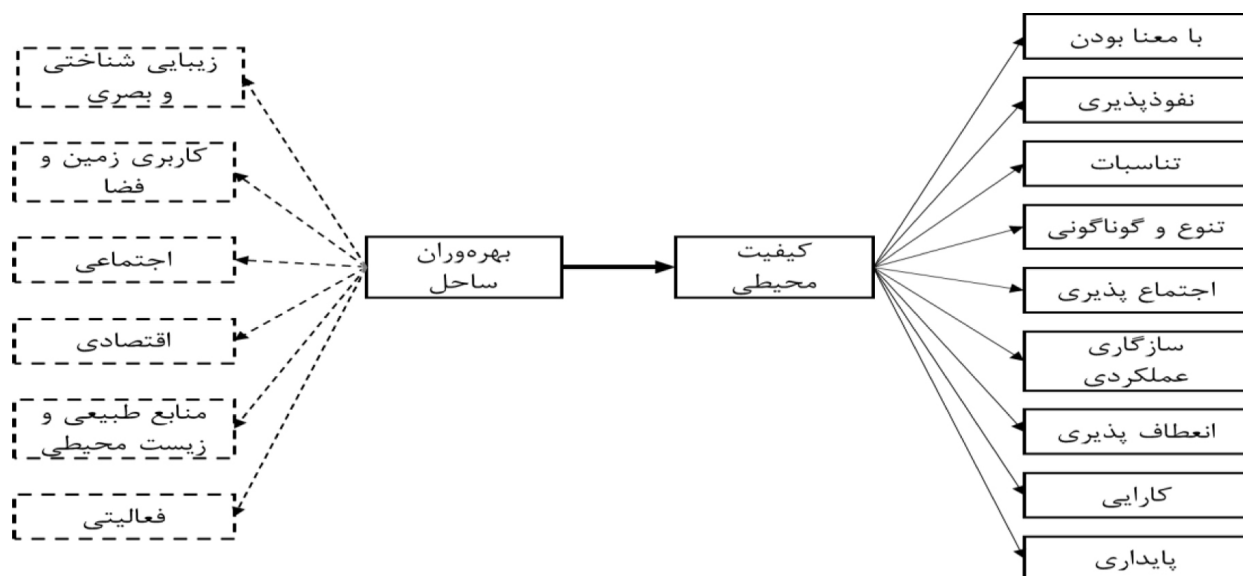
(t-values)، معیار R Squares، معیار Q^2 (Stone-Geisser criterion) و تکنیک بوت استرپ^۱ مدل ساختاری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

۳.۱. تدوین مدل مفهومی پژوهش

برای شناسایی مفهومی که زیر چتر کیفیت محیطی قرار دارند، از مطالعاتی که در گذشته به وسیله سایر پژوهشگران صورت گرفته، استفاده می‌شود. این پژوهش از مطالعه‌ای که به وسیله رفعیان و همکاران با عنوان «بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری» صورت گرفته و در سال ۱۳۹۱ منتشر شده، بهره برده است. از نکات ارزشمند این تحقیق، جمع‌بندی تمامی نظریه‌های موجود در حیطه کیفیت محیطی و استخراج مفاهیم مشترک آن‌هاست. بنابر جمع‌بندی پژوهش بیان شده، مفاهیم مشترک کیفیت محیطی در نظریه‌های مختلف شامل نُه مورد است؛ سازگاری عملکردی، نفوذپذیری، تنوع و گوناگونی، اجتماع‌پذیری، انعطاف‌پذیری، با معنا بودن، تناسب، پایداری و کارایی (تصویر شماره ۴).

مدل معادلات ساختاری، یک ساختار علی خاص بین مجموعه‌ای از سازه‌های غیرقابل مشاهده است که از دو مؤلفه تشکیل شده است: یک مدل ساختاری که ساختار علی بین متغیرهای پنهان را مشخص می‌کند و یک مدل اندازه‌گیری که روابط بین متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده شده را تعریف می‌کند (Samavati & Ranjbar, 2018). این معادلات همه روابط میان سازه‌هایی (متغیرهای پنهان مستقل و وابسته) را که در تحلیل وجود دارند، ترسیم می‌کند. سازه‌ها همان عناصر غیرقابل بررسی یا مکنون (پنهان) هستند که با یک یا چند متغیر مشاهده شده (شاخص یا سؤال) می‌توان آنها را تعریف نمود (Davari & Rezazadeh, 2017, pp. 19-20). روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی از دو مرحله اصلی تشکیل شده است: ۱- بررسی برازش مدل مفهومی و ۲- آزمون روابط میان سازه‌ها. پس از جمع‌آوری داده‌ها بر مبنای طیف لیکرت و مقیاس تفاوت معنایی، پایایی شاخص‌ها، روایی همگرا و روایی واگرایی آنها از طریق ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی می‌گردد. همچنین با کمک ضرایب معناداری (مقادیر

1 bootstrap



تصویر شماره ۴: مدل مفهومی پژوهش

همانگونه که بیان شد، ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. این ابزار به صورت مجموعه سئوالاتی مکتوب که حول متغیرهای مسئله تحقیق تنظیم شده، ساخته شده است و پاسخگویان به شکل غیرحضور و حضور آن را تکمیل نموده‌اند. داده‌های جمع‌آوری شده پس از ورود به نرم‌افزار SPSS، از طریق نرم‌افزار Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (جدول شماره ۵).

۴. بحث و یافته‌ها

در تصویر شماره ۵ دوایر اصلی در مدل معادلات ساختاری نشان دهنده یک متغیر پنهان و هر مستطیل نشان دهنده یک متغیر قابل مشاهده است. متغیرهای پنهان در مدل پژوهش حاضر عبارتند از: ابعاد اجتماعی، اقتصادی، بصری، منابع طبیعی، فعالیت، کاربری، اجتماع پذیری، نفوذپذیری، پایداری، تنوع، سازگاری، با معنا بودن، کارایی و انعطاف پذیری و کیفیت محیطی.

۳.۲. نمونه مورد مطالعه

برای شناسایی شاخص‌های کیفیت محیطی در پهنه‌های ساحلی، بخشی از پهنه ساحلی شهر بندرانزلی به طول شش کیلومتر، مورد مطالعه قرار گرفته است. علت انتخاب این محدوده برای منطقه استوار است که شهر ساحلی بندرانزلی از جمله مقاصد مهم گردشگری در شمال کشور و میزبان مسافران و مخاطبان بسیاری در طول سال است (Naghsh-e-Jahan-Pars, 2013). با توجه به رویکرد برنامه‌ریزی محور پژوهش، جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی استفاده‌کنندگان (کاربران) پهنه ساحلی مورد مطالعه است.

به منظور جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای حاوی ۴۳ سؤال اصلی که برگرفته از مطالعات پیشین و تست مقدماتی سئوال‌ات بوده، به وسیله بهره‌وران ساحل تکمیل گردید. برای تعیین حجم نمونه لازم در نرم‌افزار PLS، حجم نمونه حدود یکصد پرسشنامه برآورد گردید که برای اطمینان از صحت محاسبات و کاهش خطای محاسباتی در نهایت ۱۶۰ پرسشنامه توزیع و تکمیل شده است (جدول شماره ۴).

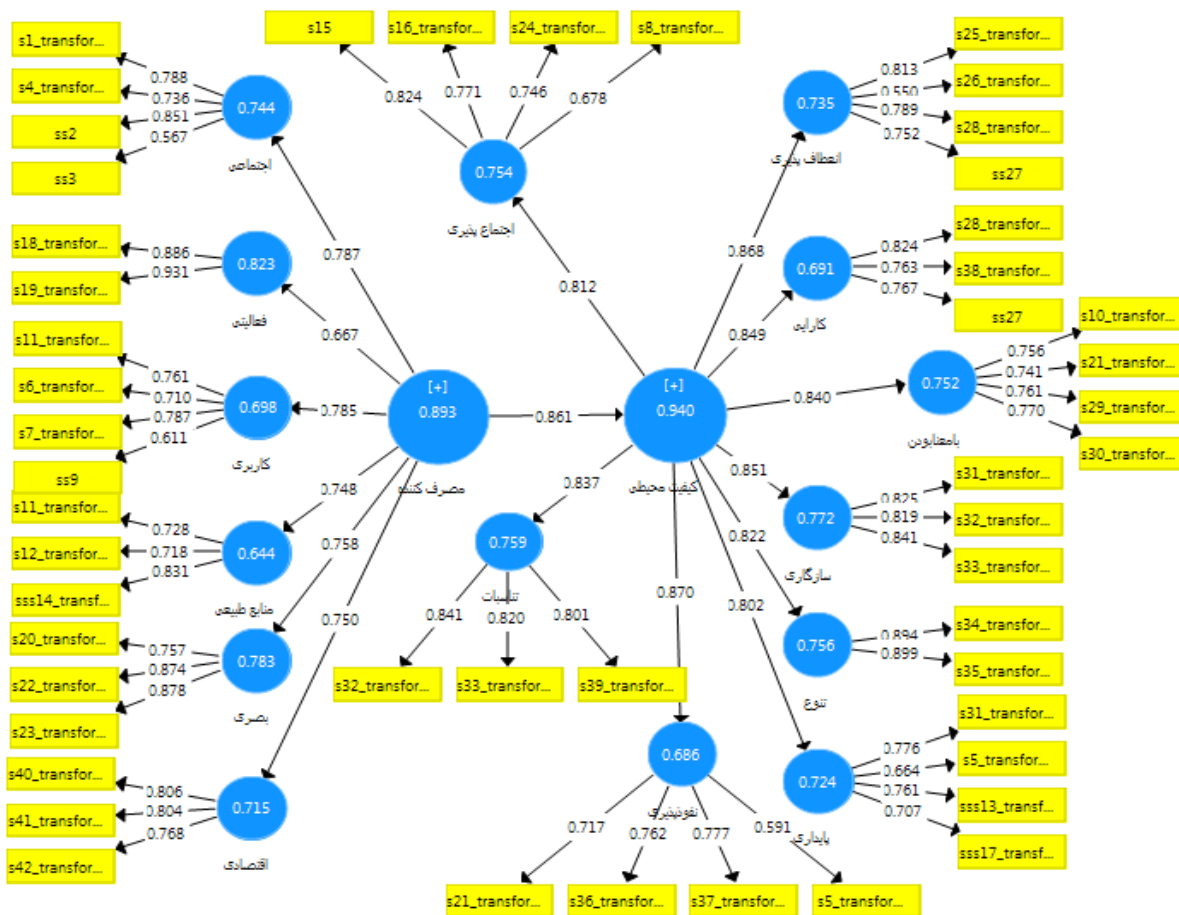
جدول شماره ۴: اطلاعات توصیفی مخاطبان

سن	تعداد	درصد	جنسیت	تعداد	درصد
۲۵-۱۵	۲۹	۱۸/۱۲	زن	۸۷	۵۴/۳۷
۳۵-۲۵	۴۱	۲۵/۶۲	مرد	۶۱	۳۸/۱۲
۴۵-۳۵	۳۲	۲۰	نامشخص	۱۲	۷/۵
۵۵-۴۵	۲۶	۱۶/۲۵	محل سکونت	تعداد	درصد
۶۵-۵۵	۱۹	۱۱/۸۷	بومی	۱۴۲	۸۸
بیش از ۶۵	۴	۲/۵	غیربومی	۱۸	۱۲
نامشخص	۹	۵/۹۲			

جدول شماره ۵: گویه‌های تعریف شده

متغیر	عامل	گویه	عامل	گویه
صرف‌کنندگان	اجتماعی	s1- وجود ایمنی	کاربری زمین و فضا	s6- وجود زیرساخت‌های مناسب
		s2- وجود امنیت		s7- ارائه خدمات شهری
		s3- وجود امنیت در شب		s9- وجود فضاهای باز
		s4- امکان حضور اقشار مختلف اجتماعی		s11- حفظ حریم دریا برای ساخت و ساز
	فعالیتی	منابع طبیعی و زیست محیطی	s18- وجود فعالیت‌های مختلف در فضا	s11- حفظ حریم دریا برای ساخت و ساز
			s19- سرزندگی و پویایی (فعالیت‌های شاد و زندگی بخش)	s12- حفاظت از محیط
			s42- نوع مالکیت	s14- جمع‌آوری زباله‌ها
	اقتصادی	بصری و زیبایی شناختی	s40- به صرفه بودن هزینه‌های استفاده از محیط	s20- میزان زیبایی پهنه ساحلی
			قیمت زمین	s22- هماهنگی در فرم و اندازه ساختمان‌ها
			s23- هماهنگی در رنگ و نما ساختمان‌ها	s23- هماهنگی در رنگ و نما ساختمان‌ها
	اجتماع‌پذیری	انعطاف‌پذیری	s8- کیفیت فضای بازی کودکان	s25- انعطاف‌پذیری فضای باز
			s24- وجود فضاهای تعامل	s27- ارائه خدمات به معلولان
s15- آسایش اقلیمی			s26- انعطاف‌پذیری ساختمان‌ها	
s16- آسایش صوتی / عدم وجود سروصدای ناشی از ترافیک موتوری			s28- امکان استفاده افراد از فضا بدون مانع	
بامعنابودن	پایداری	s30- وجود هویت	s17- پاکیزگی زمین، آب، هوا	
		s29- حفظ ارزش‌های فرهنگی	s5- امکان پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری	
		s10- وجود نقاط شاخص	s31- سازگاری فعالیتی با زمینه	
		s21- عدم گیج‌کنندگی فضا	s13- تصفیه آب‌های سطحی و فاضلاب پیش از ورود به زیستگاه	
نفوذپذیری	سازگاری عملکردی	s5- امکان پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری	s31- سازگاری فعالیتی با زمینه	
		s37- در دید بودن مناظر طبیعی و ارزشمند	s32- سازگاری ظاهری و نمای بنا با زمینه	
		s21- عدم گیج‌کنندگی فضا	s33- سازگاری مقیاسی با زمینه	
تناسبات	تنوع و گوناگونی	s36- کیفیت معابر پیاده و سواره	s34- تنوع بصری	
		s21- عدم گیج‌کنندگی فضا	s35- تنوع فضایی	
تناسبات	کارایی	s32- سازگاری ظاهری و نمای بنا با زمینه	s28- امکان استفاده افراد از فضا بدون مانع	
		s39- تناسب در اندازه فضاها (مانند نسبت ارتفاع ساختمان‌ها به عرض خیابان)	s38- دریافت حس مثبت از فضا	
		s33- سازگاری مقیاسی با زمینه	s27- ارائه خدمات به معلولان	

منبع: Adams, 2013; Firuzjah Shokri, Ahmadi, & Mahdavi, 2017; Garau & Pavan, 2018; H. Hataminejad, Hamidi, & Mohamadi Kazemabadi, 2018; H. Hataminejad et al., 2012; Kriken et al., 2015; Lotfi, Manuchehri Miandoab, & Ahar, 2012; Rafieian & Khodayi, 2009; Rafieian et al., 2012; Tabibiyani & Mansuri, 2014



تصویر شماره ۵: مدل ساختاری پژوهش به همراه ضرایب استاندارد شده

از سنجش روایی همگرای مدل، ارائه شده است. در صورتی که مقدار AVE کمتر از ۰/۵ باشد، نشان از عدم روایی همگرا دارد و مقادیر بیش از ۰/۵ روایی همگرا را تأیید می‌نماید.

براساس نتایج حاصله عدد استاندارد برای تحلیل بارعاملی روابط، ۰/۴ است. بر این مبنا، بارزترین شاخص‌های کیفیت محیطی در یک پهنه ساحلی با نفوذپذیری آن مرتبط هستند. انعطاف‌پذیری و سازگاری نیز به ترتیب در رتبه دوم و سوم قرار دارند. در جدول شماره ۶ نتایج حاصل

جدول شماره ۶: معیارهای روایی و پایایی مدل

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا (AVE)	متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا (AVE)
اجتماع‌پذیری	۰/۷۴۹	۰/۸۴۲	۰/۵۷۲	فعالیتی	۰/۷۹۱	۰/۹۰۴	۰/۸۲۵
اجتماعی	۰/۷۲۱	۰/۸۲۸	۰/۵۵۲	منابع طبیعی	۰/۶۳۴	۰/۸۰۴	۰/۵۷۹
اقتصادی	۰/۷۰۷	۰/۸۳۵	۰/۶۲۹	نفوذپذیری	۰/۶۷۷	۰/۸۰۶	۰/۵۱۲
انعطاف‌پذیری	۰/۷۰۶	۰/۸۲۰	۰/۵۳۸	پایداری	۰/۷۱۰	۰/۸۱۸	۰/۵۳۱
بامعنابودن	۰/۷۵۲	۰/۸۴۳	۰/۵۷۳	کارایی	۰/۶۸۸	۰/۸۲۸	۰/۶۱۷
زیبایی-بصری	۰/۷۸۵	۰/۸۷۶	۰/۷۰۲	کاربری	۰/۶۸۸	۰/۸۱۱	۰/۵۱۹
تناسبات	۰/۷۵۸	۰/۸۶۱	۰/۶۷۴	مصرف‌کننده فضا	۰/۸۸۸	۰/۸۹۱	۰/۶۲۴
تنوع	۰/۷۵۶	۰/۸۹۱	۰/۸۰۴	کیفیت محیطی	۰/۹۳۶	۰/۹۶۱	۰/۷۳۱
سازگاری	۰/۷۷۱	۰/۸۶۸	۰/۶۸۶				

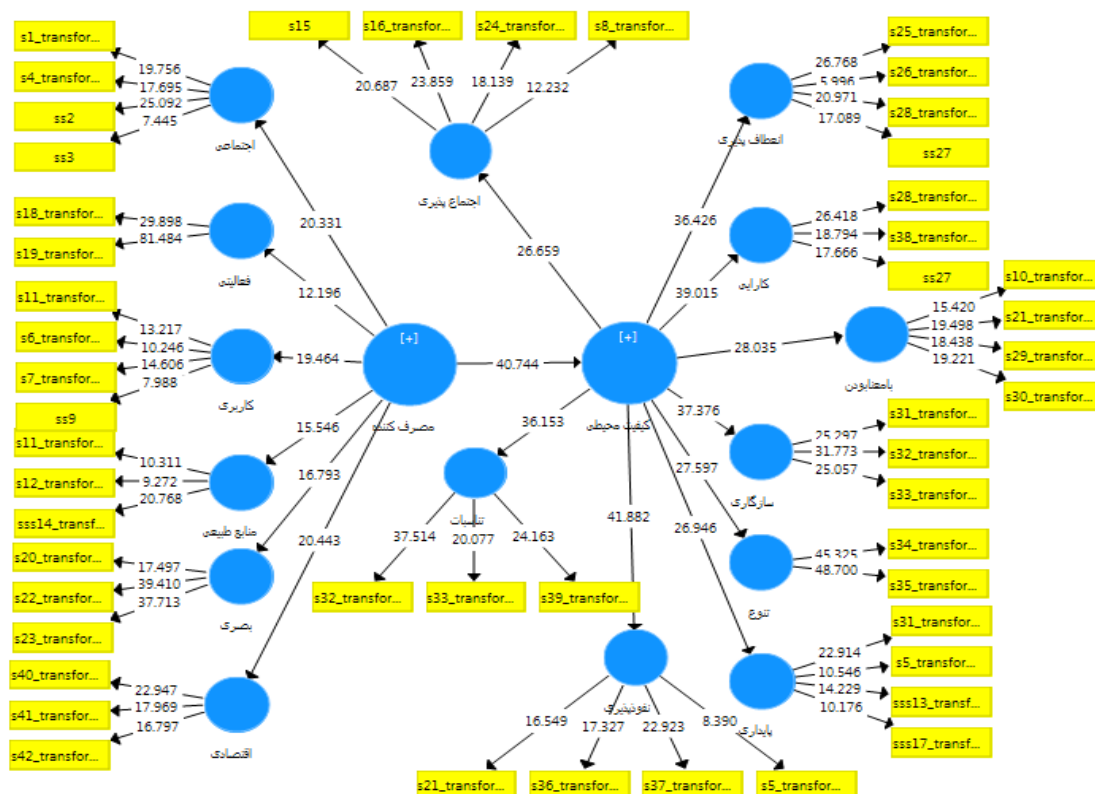
روایی واگرا و با توجه به ماتریس به دست آمده، می‌توان دید سه بعد سازگاری، انعطاف‌پذیری و تناسب، فاقد روایی واگرا هستند و در سایر موارد اختلاف اعداد قابل اغماض است. بنابراین بایستی توجه نمود از ۱۵ مدل اندازه‌گیری تنها در مورد سه مدل نام برده روایی واگرا وجود ندارد. با توجه به نتایج حاصل از محاسبه ضریب معناداری Z در نرم‌افزار PLS، می‌توان با ضریب اطمینان ۹۹ درصد ادعان نمود، رابطه میان تمامی متغیرهای پنهان مدل معنادار است و نیاز به تغییر روابط و اصلاح مدل نیست (تصویر شماره ۶).

با توجه به خروجی‌های حاصل از نرم‌افزار، شاخص‌های کیفیت محیطی بالاترین همبستگی را با سازه مربوط به خود دارند که این امر مهر تأییدی بر طراحی مناسب مدل است.

روایی واگرا براساس ماتریس فورنل و لاکر محاسبه شده است (جدول شماره ۷). با توجه به این که محققان با تکیه به مبانی نظری و منابع مورد مطالعه، سوالات یکسانی برای اندازه‌گیری شاخص‌های مختلف در پرسشنامه قرار داده‌اند، پیش از مدل‌سازی، عدم روایی واگرا در برخی از سازه‌ها قابل پیش‌بینی بود. پس از مدل‌سازی و تست

جدول شماره ۷: روایی واگرا (ماتریس فورنل و لاکر)

کاربری زمین	کارایی	پایداری	نفوذپذیری	منابع طبیعی	فعالیتی	سازگاری	تنوع	تناسبات	بصری	بامعنا بودن	انعطاف‌پذیری	اقتصادی	اجتماعی	اجتماع‌پذیری
														۰,۷۵
													۰,۷۴۳	۰,۴۷
												۰,۷۹۳	۰,۴۶۸	۰,۵۷
											۰,۷۳	۰,۵۸۱	۰,۵۲۲	۰,۷۳
										۰,۷۶	۰,۷۴	۰,۶۲۷	۰,۵۶۳	۰,۶
									۰,۸۴	۰,۵۸	۰,۶۱	۰,۵۶	۰,۴۱۸	۰,۶۷
								۰,۸۲۱	۰,۶۴	۰,۵۸	۰,۶۷	۰,۶۲۳	۰,۴۵۵	۰,۶۸
							۰,۹	۰,۷۰۵	۰,۵۸	۰,۶۵	۰,۶۸	۰,۶۲۴	۰,۴۲۷	۰,۶۱
						۰,۸۲۸	۰,۶۹	۰,۹۲۲	۰,۶۲	۰,۶۲	۰,۶۸	۰,۶۱۸	۰,۵۱۹	۰,۶۸
					۰,۹۱	۰,۴۲	۰,۴	۰,۳۹۶	۰,۴۷	۰,۵۳	۰,۵۲	۰,۴۵	۰,۴۳۳	۰,۵
				۰,۷۶	۰,۳۹	۰,۴۰۵	۰,۴۱	۰,۳۸۵	۰,۴۱	۰,۵۳	۰,۴۶	۰,۴۶۱	۰,۵۳۲	۰,۴۹
			۰,۷۲	۰,۵۹	۰,۵	۰,۶۶	۰,۶۷	۰,۶۶۷	۰,۶۱	۰,۷۴	۰,۷	۰,۵۷۹	۰,۵۴۷	۰,۶۳
		۰,۷۳	۰,۷۴	۰,۷	۰,۴۶	۰,۷۰۱	۰,۵۹	۰,۶۰۳	۰,۵۳	۰,۶۱	۰,۶	۰,۵۵۳	۰,۵۲۶	۰,۵۹
	۰,۷۹	۰,۶	۰,۷۳	۰,۵۲	۰,۴۷	۰,۶۶۴	۰,۶۶	۰,۶۷۲	۰,۵۷	۰,۶۸	۰,۸۶	۰,۵۸۶	۰,۵۴۶	۰,۶۸
۰,۷۲	۰,۵۱	۰,۵۷	۰,۵۷	۰,۷۱	۰,۳۷	۰,۵۲	۰,۴۶	۰,۵۱۲	۰,۴۹	۰,۵۲	۰,۵	۰,۴۲۹	۰,۵۹۳	۰,۵۴



تصویر شماره ۶: ضرایب معناداری Z

با توجه به مقادیر به دست آمده از محاسبه R Squares، نُه متغیر انعطاف‌پذیری، اجتماع‌پذیری، نفوذپذیری، بامعنابودن، پایداری، کارایی، تناسب، تنوع و سازگاری متغیرهای وابسته به متغیر کیفیت محیطی محسوب می‌شود و این متغیر مستقل نُه شاخص نام‌برده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به زبان ساده‌تر در صورتی که یک پهنه ساحلی واجد کیفیت محیطی مطلوب باشد، نُه متغیر نام‌برده در آن پهنه دیده خواهد شد. در گام بعد، بایستی میزان تأثیر متغیر مستقل (کیفیت محیطی) بر زیرشاخص‌ها مورد سنجش واقع شود. معیار مورد استفاده در این مرحله Q^2 است.

جدول شماره ۸: معیار R Squares

متغیر	R Squares	ارزیابی	متغیر	R Squares	ارزیابی
نفوذپذیری	۰/۷۵۶	بسیار قوی	اجتماع‌پذیری	۰/۶۶۰	قوی
انعطاف‌پذیری	۰/۷۵۳	بسیار قوی	پایداری	۰/۶۴۳	قوی
کیفیت محیطی	۰/۷۴۱	بسیار قوی	اجتماعی	۰/۶۲۰	قوی
سازگاری	۰/۷۲۴	بسیار قوی	کاربری	۰/۶۱۷	قوی
کارایی	۰/۷۲۰	بسیار قوی	بصری-زیبایی	۰/۵۷۵	نسبتاً قوی
بامعنابودن	۰/۷۰۵	بسیار قوی	اقتصادی	۰/۵۶۲	نسبتاً قوی
تناسب	۰/۷۰۱	بسیار قوی	منابع طبیعی	۰/۵۶۰	نسبتاً قوی
تنوع	۰/۶۷۶	قوی	فعالیتی	۰/۴۴۵	نسبتاً قوی

جدول شماره ۹: معیار Q^2

متغیر	مقدار	ارزیابی	متغیر	مقدار	ارزیابی
اجتماع‌پذیری	۰/۳۵۶	قوی	سازگاری	۰/۴۷۱	قوی
اجتماعی	۰/۳۱۹	قوی	فعالیتی	۰/۳۴۶	قوی
اقتصادی	۰/۳۳۰	قوی	منابع طبیعی	۰/۳۰۶	قوی
انعطاف‌پذیری	۰/۳۷۹	بسیار قوی	نفوذپذیری	۰/۳۶۲	بسیار قوی
بامعنابودن	۰/۳۷۸	بسیار قوی	پایداری	۰/۳۱۲	قوی
بصری	۰/۳۷۵	بسیار قوی	کارایی	۰/۴۲۱	بسیار قوی
تناسبات	۰/۴۴۸	بسیار قوی	کاربری	۰/۳۰۰	قوی
تنوع	۰/۵۱۶	بسیار قوی	کیفیت محیطی	۰/۲۷۹	نسبتاً قوی

۵. بحث و نتیجه‌گیری

طبق خروجی‌های نرم‌افزار PLS، براساس مبانی نظری پژوهش و آرای کاربران فضا (مصرف‌کنندگان)، کیفیت محیطی در نواحی ساحلی متشکل از نُه شاخص است. ضریب استاندارد شده مسیر میان مصرف‌کننده و کیفیت محیطی (۰/۸۶) بیانگر این مطلب است که مصرف‌کننده به میزان ۸۶ درصد از تغییرات متغیر کیفیت محیطی را تبیین می‌کند. کیفیت محیطی پهنه‌های ساحلی با نُه شاخص سنجیده می‌شود که از میان آنها، نفوذپذیری در اولویت نخست بوده و سایر شاخص‌ها مانند انعطاف‌پذیری، سازگاری، کارایی، بامعنابودن، تناسب، تنوع، اجتماع‌پذیری و پایداری به ترتیب در اولویت‌های دوم تا نهم قرار می‌گیرند (جدول شماره ۱۰).

با توجه به جدول شماره ۹ مدل ساختاری پژوهش از لحاظ میزان پیش‌بینی و تبیین سازه‌های وابسته مورد تأیید قرار می‌گیرد. GOF معیاری مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است؛ بدین معنی که به وسیله این معیار، محقق می‌تواند پس از برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل پژوهش خود، برازش کلی را نیز کنترل نماید. این معیار به وسیله تنهانس و همکاران (۲۰۰۵) ابداع شده و طبق فرمول زیر محاسبه می‌گردد. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی شده‌اند.

$$GOF = \sqrt{\text{communalities}} \times \sqrt{R^2} \quad (1)$$

طبق رابطه شماره (۱)، برازش مدل کلی برابر با عدد ۰/۶۳۶ است که مدل را قوی ارزیابی می‌نماید.

جدول شماره ۱۰: میزان تأثیر کیفیت محیطی بر شاخص‌ها (اعداد درون جدول حاصل ضرب مقدار تأثیر در عدد ۱۰۰ است)

شاخص	درصد تأثیر	زیرشاخص	درصد تأثیر
نفوذپذیری	۸۷/۰	امکان پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری	۵۹/۱
		عدم گیج‌کنندگی فضا	۷۱/۷
		کیفیت معابر پیاده و سواره	۷۶/۲
		دردیدبودن مناظر طبیعی و ارزشمند	۷۷/۷
انعطاف‌پذیری	۸۶/۸	انعطاف‌پذیری فضای باز	۸۱/۳
		انعطاف‌پذیری ساختمان‌ها	۵۵/۰
		ارائه خدمات به معلولان	۷۵/۲
سازگاری	۸۵/۱	امکان استفاده افراد از فضا بدون مانع	۷۸/۹
		سازگاری فعالیتی با زمینه	۸۲/۵
		سازگاری ظاهری و نمای بنا با زمینه	۸۱/۹
		سازگاری مقیاسی با زمینه	۸۴/۱
کارایی	۸۴/۹	ارائه خدمات به معلولان	۷۶/۷
		امکان استفاده افراد از فضا بدون مانع	۸۲/۴
		دریافت حس مثبت از فضا	۷۶/۳
بامعنا بودن	۸۴/۰	وجود نقاط شاخص	۷۵/۶
		عدم گیج‌کنندگی فضا	۷۴/۱
		حفظ ارزش‌های فرهنگی	۷۶/۱
		وجود هویت	۷۷/۰
تناسب	۸۳/۷	سازگاری ظاهری و نمای بنا با زمینه	۸۴/۱
		سازگاری مقیاسی با زمینه	۸۲/۰
		تناسب در اندازه فضاها (مانند نسبت ارتفاع ساختمان‌ها به عرض خیابان)	۸۰/۱
تنوع	۸۲/۲	تنوع بصری	۸۹/۴
		تنوع فضایی	۸۹/۹
اجتماع‌پذیری	۸۱/۲	کیفیت فضای بازی کودکان	۶۷/۸
		آسایش اقلیمی	۸۲/۴
		آسایش صوتی / عدم وجود سروصدای ناشی از ترافیک موتوری	۷۷/۱
		وجود فضاهای تعامل	۷۴/۶
پایداری	۸۰/۲	امکان پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری	۶۶/۴
		تصفیه آب‌های سطحی و فاضلاب پیش از ورود به زیستگاه	۷۶/۱
		پاکیزگی زمین، آب، هوا	۷۰/۷
		سازگاری فعالیتی با زمینه	۷۷/۶

انعطاف‌پذیری فضای باز، ارائه خدمات به معلولان، انعطاف‌پذیری ساختمان‌ها و امکان استفاده افراد از فضا بدون مانع تعریف شده است. بنابراین در صورت وجود کیفیت محیطی در یک پهنه ساحلی انتظار می‌رود چهار زیرشاخص نام‌برده در وضعیت مطلوبی قرار گیرند. همچنین با توجه به شاخص‌های بیان شده به وسیله صاحب‌نظران و محققان در رابطه با شاخص‌های کیفیت محیطی (جدول شماره ۲) و مقایسه تطبیقی یافته‌های پیشین با یافته‌های پژوهش حاضر (جدول شماره ۱۱) در می‌یابیم شاخص تناسبات که شامل تناسب سازگاری ظاهری و نمای بنا با زمینه، تناسب در اندازه فضاها (مانند نسبت ارتفاع ساختمان‌ها به عرض خیابان) و سازگاری مقیاسی با زمینه می‌گردد، در تعاریف ارائه شده از کیفیت محیطی مغفول مانده است. همچنین به شاخص کارایی که شامل امکان استفاده افراد از فضا بدون مانع، دریافت حس مثبت از فضا و ارائه خدمات به معلولان می‌گردد نیز به نسبت سایر شاخص‌ها کمتر توجه شده است.

طبق مدل طراحی شده و با اتکا به تصویر شماره ۵، مصرف‌کننده به میزان ۸۶ درصد در سنجش کیفیت محیطی تأثیرگذار است. به بیان ساده‌تر، شاخص‌هایی که برای کیفیت محیطی در نظر گرفته شده، موفق به بیان و سنجش آن تا ۸۶ درصد است. پهنه‌های با کیفیت محیطی مطلوب، دارای تهِ شاخص هستند که نفوذپذیری قوی‌تر و قدرتمندتر از سایر ویژگی‌ها محسوب می‌شود. طبق مدل، تغییرات کیفیت محیطی تا ۸۷ درصد بر نفوذپذیری پهنه ساحلی تأثیرگذار است. در این پژوهش، نفوذپذیری از طریق چهار زیرشاخص تعریف شده است که عبارتند از: عدم گیج‌کنندگی فضا، کیفیت معابر سواره و پیاده، دردیدبودن مناظر طبیعی و ارزشمند و امکان پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری. بنابراین پهنه‌های ساحلی با کیفیت، بیشترین تأثیر را بر چهار زیرشاخص نام‌برده دارد. پس از نفوذپذیری، متغیر انعطاف‌پذیری بیش از سایر متغیرها تحت تأثیر کیفیت محیطی است. کیفیت محیطی تا ۸۶/۷ درصد تغییرات انعطاف‌پذیری یک پهنه ساحلی را تبیین می‌کند. در این تحقیق انعطاف‌پذیری با چهار زیرشاخص

جدول شماره ۱۱: مقایسه تطبیقی یافته‌های پژوهش حاضر با ادبیات نظری

Carmona and de Magalhaes (2009)	Matthew Carmona	Roomana N. Siddiqui (2003)	Jacobs. A & Appleyard. D (1987)	Bentley (1985 & 1990)	Kevin A. Lynch (1981)	Lansing and Marans (1969)	Jane Jacobs (1961)	پژوهش حاضر	شاخص‌ها
*	*		*	*	*		*	*	نفوذپذیری
*	*	*	*		*	*	*	*	اجتماع‌پذیری
*			*	*	*			*	با معنا بودن
*					*			*	کارایی
				*	*		*	*	سازگاری
*		*		*		*		*	پایداری
	*			*			*	*	تنوع
	*			*			*	*	انعطاف‌پذیری
								*	تناسبات
-	منظر شهری اختلاط و تراکم	شلوغی و ترافیک	تخیل و شادی خوداتکایی شهری	خوانایی قابلیت شخصی سازی	کنترل و نظارت عدالت	صدا و ارتباط آنها با ساکنان محل شان	توجه به عنصر خیابان	-	سایر موارد

منبع: با تلخیص (Carmona, 2019; Hajinejad et al., 2011; Latifi & Sajadzade, 2014; Taghvaei et al., 2013; Yavuz & Kuloglu, 2014).

محیط گردشگری ساحلی با توجه به معیارهای گردشگری پایدار (مطالعه موردی: سواحل شهر رامسر) از اسماعیل شیعه و سجاد علی‌پور. مقایسه یافته‌ها حاکی از آن است که پژوهش حاضر تعداد بیشتری از شاخص‌ها را بررسی نموده و مواردی مانند با معنا بودن، تناسبات، انعطاف‌پذیری و سازگاری را نیز در نظر گرفته و وجود آن را برای یک پهنه ساحلی با کیفیت محیطی مطلوب، لازم دانسته است (جدول شماره ۱۲).

همچنین برای مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های سایر محققان در داخل کشور، به سه پژوهش در این زمینه مراجعه شده است که عبارتند از پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی از طریق کیفیت محیطی از منوچهر طبیبیان و یاسر منصور، مقاله ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری (مطالعه موردی: ساحل بوشهر) به وسیله رضا قشقایی و همکاران، همچنین پژوهشی با عنوان تحلیل عوامل کیفیت بخش

جدول شماره ۱۲: مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها

ردیف	شاخص‌ها	پژوهش حاضر	طبیبیان و منصور	قشقایی و همکاران	شیعه و علی‌پور
۱	نفوذپذیری	*		*	*
۲	اجتماع‌پذیری	*	*		*
۳	با معنا بودن	*			
۴	کارایی	*			*
۵	سازگاری	*			
۶	پایداری	*		*	*
۷	تنوع	*		*	
۸	انعطاف‌پذیری	*			
۹	تناسبات	*			
۱۰	سایر موارد	-	-	-	خدمات رفاهی و گردشگری

منبع: (Ghashghayi, Movahed, & Mohamadzadeh, 2016; Shi'e & Alipur Eshliki, 2010; Tabibiyan & Mansuri, 2014).

References:

- Adams, M. (2013). Quality of urban spaces and wellbeing.
- Almasi, Z., & Shanehshazzadeh, A. (2008). Nezam-e payesh va arzyabi baraye modiriati-e yek parchehye manategh-e saheli-e Iran [Monitoring System of Integrated Coastal Zone Management of Iran]. Paper presented at the Coastals, ports and marine structures.
- Carmona, M. (2019). Place value: place quality and its impact on health, social, economic and environmental outcomes. *Journal of Urban Design*, 24(1), 1-48. doi: 10.1080/13574809.2018.1472523
- Carter, H. N., Schmidt, S. W., & Hirons, A. C. (2015). An international assessment of mangrove management: incorporation in integrated coastal zone management. *Diversity*, 7(2), 74-104.
- Davari, A., & Rezazadeh, A. (2017). Modelsazi-e moadelat-e sakhtari ba narmafzar-e PLS [Structural equation modeling with PLS]. Tehran: Jahad-e daneshgahi.
- Firuzjah Shokri, P., Ahmadi, H., & Mahdavi, M. K., A. . (2017). Sanajesh-e mizan-e rezayatmandi-

- ye sokunati-ye shahrivandan az keyfiat-e mohit dar mahaleh-ha-ye shahri (motale'e-ye moredi: mahalat-e shahr-e Babolsar) [Measuring the level of citizens' residential satisfaction with the quality of the environment in urban neighborhoods (Case study: Babolsar neighborhoods)]. Motale'at-e Sakhtar va Karkard-e Shahri, 14, 31-52.
- Garau, C., & Pavan, V. M. (2018). Evaluating Urban Quality: Indicators and Assessment Tools for Smart Sustainable Cities. *Sustainability*, 10(3), 575.
 - Ghashghayi, R., Movahed, K., & Mohamadzadeh, H. (2016). Arzyabi-ye hes-e ta'alogh be makan ba takid bar avamel-e kalbadi va mohiti dar savahel-e shahri (motale'e-ye moredi: savahel-e Bushehr) [Evaluation of sense of place with an emphasis on physical and environmental factors in urban coastal areas (Case study: Boushehr Town)]. *Pajuhesh-ha-ye Joghrafiya-ye Barnamerizi-ye Shahri*, 2, 161-282.
 - Hajinejad, A., Rafieian, M., & Zamani, H. (2011). Barresi va rotbeh bandi-ye avamel-e moaser bar rezayatmandi-ye shahrivandan az keyfiyat-e zendegi (motale'e-ye moredi: moghayese-ye baft-e ghadim va jadid-e shahr-e shiraz)
 - [Assessment and Ranking of the Effective Factors on level of Citizen Satisfaction with Environmental Quality of Life (Case Study: Old and New Urban Pattern of Shiraz City)]. *Pazhuhesh-haye Joghrafiya-ye Ensani*, 43(77), -.
 - Hataminejad, H., Hamidi, A., & Mohamadi Kazemabadi, L. (2018). Sanjesh-e mizan-e rezayatmandi-ye sakenan az keyfiat-e mohit-e shahri dar baft-ha-ye farsudeh pas az farayand-e nosazi (motaleat-ye moredi: mahalate asadi va safamantaghe-ye 31 Tehran) [Evaluation of residents' satisfaction with the quality of the urban environment in the Deteriorated after Renewal process (Case study: Shahid Asadi and Safa neighborhoods in Region 13 of Tehran)]. *Pajuhesh haye mohite Zamin*, 31, 15-27.
 - Hataminejad, H., Manuchehri Miandoabi, A., Baharlu, I., Ebrahimpur, A., & Hataminejad, H. (2012). Shahr va edalat-e ejtemaei: tahlili bar nabarabari-ha-ye mahaleh-ei (motaleat-e moredi: mahale-ha-ye ghadimi-ye shahr-e Miandoab) [City and Social Justice: Analytic Inequalities of Neighborhood (The Case Study: The Old Neighborhoods Miandoab City)]. *Pajuhesh-ha-ye Joghrafiya-ye Ensani*, 8, 41-63.
 - Kay, R., & Alder, J. (1998). *Coastal planning and management*: CRC Press.
 - Kesalkheh, S., & Dadashpoor, H. (2013). Assessment Residential Environmental Quality of Traditional and New Neighborhoods, in a Rapid Grown City, Tehran. Paper presented at the 48th ISOCARP Congress.
 - Kriken, J. L., Enquist, P., & R., R. (2015). Shahr-sazi, noh asl baraye barnamerizi baraye gharn-e bist-o yekom [Urban planning, not the principle of planning for the 21st century] (N. Azimi & A. Asgari, Trans.). Rasht: Guilan University.
 - Latifi, A., & Sajadzade, H. (2014). Arzyabi-ye tasir-e mo'alefe-ha-ye keyfiat-e mohiti bar olgu-ha-ye raftari dar park-ha-ye shahri [The evaluation of environmental quality factors on the Behavioral patterns in urban parks- Case study: Mardom park of Hamadan City]. *Motaleat-e Shahri*, 11, 5-20.
 - Lins-de-Barros, F. M. (2017). Integrated coastal vulnerability assessment: A methodology for coastal cities management integrating socioeconomic, physical and environmental dimensions - Case study of Região dos Lagos, Rio de Janeiro, Brazil. *Ocean & Coastal Management*, 149, 1-11. doi:https://doi.org/10.1016/j.ocecoaman.2017.09.007
 - Lotfi, S., Manuchehri Miandoab, A., & Ahar, H. (2012). Shahr va edalat-e ejtemaei: tahlili bar nabarabari-ha-ye mahale-yi (mored-e motale'e: mahalat-e Maragheh) [City and Social Justice: Analytic Inequalities of Neighborhood (The Case Study: The Old Neighborhoods Miandoab City)]. *Pajuhesh-ha-ye Joghrafiye-ye Ensani*, 2, 41-63.
 - Morales, G. G., Arreola-Lizárraga, J. A., & Grano, P. R. (2018). Integrated Assessment of Recreational Quality and Carrying Capacity of an Urban Beach. *Coastal Management*, 46(4), 316-333. doi:10.1080/08920753.2018.1474070
 - Naghsh-e-Jahan-Pars, O. C. (2013). Tarh-e tose'e va omran (jameh) shahr-e Anzali [Development plan (comprehensive) of Anzali city]. Retrieved from Tehran:
 - Ovsianikova, T. Y., & Nikolaenko, M. N. (2015). Quality assessment of urban environment. *IOP Conference Series: Materials Science and Engineering*, 71, 012051. doi:10.1088/1757-899x/71/1/012051
 - Poll, H. F. P. M. V. (1997). he perceived quality of the urban residential environment: a multi-attribute evaluation. (Doctor of Philosophy), University of Groningen,
 - Ports & Maritime, O. (2014). Tarh-e yekparcheye modiriati-e manategh-e saheli-ye Iran [Integrated

- Coastal Zones Management of Iran]. Tehran.
- Rafeian, M., Asgharizadeh, Z., & Farzad, M. (2009). Matlubiat sanj-ye mohit-ha-ye shahri (roykard-ya, shakhes-ha, ravesh-ha) [Urban environments desirability (approaches, indicators, methods)]. Tehran: Shahr.
 - Rafeian, M., & Khodayi, Z. (2009). Barresi-ye shakhes-ha va meyar-ha-ye moaser bar rezayatmandi-ye shahrivandan az faza-ha-ye omumi-ye shahri [Investigating the indicators and criteria affecting citizens' satisfaction with urban public spaces]. Faslnameh-ye Rahbord, 53, 227-248.
 - Rafeian, M., Taghvaea, A., khademi, M., & Alipur, R. (2012). Barresi-ye tatbighi-ye ruykard-ha-ye sanjesh-e keyfiat dar tarahi-ye faza-ha-ye omumi-ye shahri [A comparative study of quality assessment approaches in the design of urban public spaces]. Anjoman-e Elmi-ye Mehmari va Sharsazi-ye Iran, 4, 35-43.
 - Samavati, S., & Ranjbar, E. (2018). Bazshenasi-ye avamel-e moaser bar shadi dar faza-ha-ye omumi-ye shahri. Motale'e-ye moredi: mahdudeh-ye piyadeh rah-e markaz-e tarikhi-ye Tehran [Identifying factors affecting happiness in urban public space (Case Study: Pedestrian Zone of Historic Part of Tehran)]. Motale'at-e Shari, 29, 3-18.
 - Shi'e, E., & Alipur Eshliki, S. (2010). Tahlil-e avamel-e keyfiat bakhsh-e mohit-e gardeshgari-ye saheli ba tavajoh be meyar-ha-ye gardeshgari-ye paydar, motale'e-ye moredi: savahel-e shahr-e Ramsar [Investigates the Contributory Factors of Coastal Tourism Improvement with Regard to Sustainable Tourism Criteria; Case Study: Ramsar Coast]. Armanshahr, 5, 155-167.
 - Silva-Cavalcanti, J. S., Costa, M. F., & Pereira, P. S. (2018). Rip currents signaling and users behaviour at an overcrowded urban beach. Ocean & Coastal Management, 155, 90-97.
 - Tabibiyani, M., & Mansuri, Y. (2014). Ertegha-ye keyfiat-e mohiti va rezayatmandi az zendegi dar mahalat-e jaded-e ba olaviyatbandi-e eghdamat bar اساس nazar-ha-ye sakenan (nemune-ye moredi: Kashan) [Improving environmental quality and life satisfaction in new neighborhoods by prioritizing actions based on residents' opinions (Case study: Kashan)]. Mohitshenasi, 4, 1-14.
 - Taghvaea, A. A., Maroufi, S., & Pahlavan, S. (2013). Arzyabi-ye tasirat-e mohit-e shahri bar ravabe-t ejtemaei-ye shahrivandan morede-e motale'e: mahaleh-ye Abkuh-e shahr-e Mashhad [Evaluation of the Effects of Environmental Quality on Residents' Social Relations: Aab-Kooh Sector in Mashhad City]. Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning, 3(1), 43-54.
 - Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & De Hollander, A. (2003). Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. Landscape and urban planning, 65(1-2), 5-18.
 - Vice President, S. P. a. O. (2010). Rahnama-ye motale'at-e taein-e Harim-e savahel-e darya-ha, daryacheh-ha, talab-ha va khor-ha [Guide to the study of the boundaries of seas, lakes, lagoons and estuaries]. Tehran.
 - Yavuz, A., & Kuloğlu, N. (2014). Permeability as an indicator of environmental quality: Physical, functional, perceptual components of the environment. World Journal of Environmental Research, 4(2).
 - Yıldız, R., Şenlierb, N., & Güzelc, R. A.-B. İ. (2015). Sustainable urban design guidelines for waterfront developments. Paper presented at the 2nd International Sustainable Buildings Symposium.

نحوه ارجاع به مقاله:

رفیعیان، مجتبی؛ گیاه‌چی، گل‌کو (۱۴۰۰) شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های کیفیت محیطی در پهنه‌های ساحلی، مطالعات شهری، ۱۰ (۳۸)، ۱۶-۳. doi: 10.34785/J011.2021.284/Jms.2021.133.3-16

http://www.urbstudies.uok.ac.ir/article_61437.html

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تبیین نقش منزلت اجتماعی محله در گرایش به بازآفرینی آن با کاربری مدل معادلات ساختاری

نمونه مورد مطالعه: بافت میانی شهر اراک^۱

فاطمه اسمعیل پور - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
محمدحسین سرائی^۲ - دانشیار، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
نجمه اسمعیل پور - استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۰ تیر ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۲۰ مهر ۱۳۹۹

چکیده

تفکیک محل زندگی اقشار مختلف در شهرها در رابطه با پایگاه اجتماعی-اقتصادی آنها در تمام طول تاریخ و در تمام مناطق جغرافیایی جهان وجود داشته است. مکتب اکولوژی شهری تمایز در شهرها را ناشی از سه جنبه «پایگاه اجتماعی-اقتصادی»، «پایگاه خانوادگی» و «پایگاه قومی-نژادی» خانوارها می‌داند. هدف مقاله حاضر بررسی نقش پایگاه اجتماعی-اقتصادی طبقات منزلتی بالا بر ارزش بالای زمین در بافت میانی شهر اراک و تأثیر آن بر بازآفرینی محلات درونی شهر است. ماهیت پژوهش کاربردی و کمی و روش آن توصیفی و علی است. برای بررسی علل گرایش به بافت درونی و تأثیرات آن بر این بافت، از ابعاد مختلف تحلیل داده‌های پرسشنامه و مصاحبه عمیق با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار smart-PLS استفاده شد. یافته‌ها نشان داد: اصالت و منزلت اجتماعی طبقه ساکن در بافت میانی شهر اراک سبب افزایش قیمت بالای زمین و مهمترین علت گرایش به این بافت است ($T \text{ value} = 2.682$). در درجه بعد دسترسی آسان این بافت به مرکز شهر عامل گرایش به آن و افزایش قیمت زمین در این بافت است. تأثیر پایین بودن هزینه حمل و نقل، در تصمیم افراد برای انتخاب این محلات برای زندگی تأیید نشد ($T \text{ value} = 1.306$). بازآفرینی این بافت در تغییرات دموگرافی آن و خروج ساکنان بومی و طبقات منزلتی پایین - به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی در این محلات به سبب اعیان سازی - مورد تأیید قرار گرفت ($T \text{ value} = 23.861$). خروجی ماتریس دستیابی نهایی و ترسیم مدل ساختاری تفسیری، دو متغیر حمل و نقل و منزلت اجتماعی را در ناحیه وابستگی، متغیر قیمت مسکن را در ناحیه پیونددهنده و متغیرهای تغییرات دموگرافی و تنوع کاربری را در ناحیه مستقل قرار داد. اصالت و منزلت اجتماعی بافت میانی شهر اراک سبب شده این بافت در شهر اراک برخلاف نظریه برگس - که آن را بافتی با محله‌های افسرده با ظاهری اندوه‌بار و گاهی مخروبه، محل سکونت مهاجران و طبقات کم درآمد شهری معرفی می‌کند - به منطقه‌ای جذاب برای بسیاری از شهروندان این شهر و محل سکونت اقشار بالای اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود. نگارندگان در ادامه، برنامه‌ریزی دقیق برای انجام اقدامات لازم به منظور کاهش تأثیرات منفی توسعه مجدد را پیشنهاد می‌کنند.

واژگان کلیدی: بازآفرینی، منزلت و پرستیژ اجتماعی، شهر اراک، اعیان سازی، روش معادلات ساختاری.

نکات برجسته

- اعتبار و هویت بافت‌های میانی اراک در گرانی زمین‌های آن موثر بوده و سبب تخریب واحدهای مسکونی قابل استفاده آن شده است.
- برخلاف نظریه Bergess - که بافت مرکزی شهرها را بافتی با محله‌های دلگیر با ظاهری غم‌انگیز، گاه مخروبه و محل زندگی مهاجران و شهرهای کم درآمد توصیف می‌کند - قیمت بالای زمین و سودآوری سرمایه‌گذاری در بافت میانی اراک، این بافت را جذاب کرده و به محل اقامت طبقات بالای اجتماعی و اقتصادی تبدیل کرده است.

۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی شهری با عنوان "تبیین الگوهای رشد شهر با تأکید بر استراتژی‌های توسعه میان‌افرا (نمونه موردی شهر اراک)" است که به وسیله نویسنده نخست و با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه یزد دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: msaraei@yazd.ac.ir

۱. مقدمه

شهرها اغلب از یک هسته متولد و از آنجا شروع به رشد به اطراف کرده اند. در گذشته هسته اولیه شهر (ارگ) محل زندگی حکمرانان شهری و شاهزادگان و طبقات اجتماعی وابسته به آنها بود (MirMohammadi, 1996:179). با فاصله گرفتن از مرکز شهر، طبقات اجتماعی ساکن در محله‌ها هم تغییر می‌کرد؛ به طوری که رض یا حومه که آخرین حلقه شهر و بیرون از دیوارهای شهر بود، محل سکونت روستاییان و کشاورزان بود که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در مرتبه پایین‌تری قرار داشتند. در دوره‌های رشد و شکوفایی شهر بر اثر گسترش فیزیکی شهر، دیوار دور شهرها تخریب و شهرها وارد مرحله جدیدی از تغییرات فیزیکی و اجتماعی شدند. اختراع اتومبیل امکان جابه‌جایی انسان‌ها را فراهم آورد و آزادی بیشتری برای انتخاب محل زندگی در اختیار افشاری قرار داد که دسترسی بیشتری به وسایل نقلیه داشتند. اختراع اتومبیل و فرسودگی مراکز شهرها باعث جابه‌جایی افشار مرفه به بیرون شهرها شد. با جابه‌جایی این افشار، افراد ساکن در بافت مرکزی شهرها اغلب شامل افرادی می‌شد که از نظر اقتصادی توانایی بازسازی این بافت را نداشتند و در نتیجه با کاهش ارزش زمین در این بافت‌ها، جابه‌جایی افشار کم‌درآمد مرکز شهرها شروع و چرخه پژمردگی شهری در این بافت‌ها شدت گرفت. برگس از منطقه پیرامون هسته به عنوان منطقه گذار نام برده است (shokouei, 1994:511). او این منطقه را در شهرهای بزرگ محل سکونت افراد کم‌درآمد و مهاجران می‌داند. در این دوره با افزایش فاصله از مرکز شهر، پایگاه اجتماعی - اقتصادی افزایش می‌یابد. در حال حاضر طبقات با موقعیت منزلتی و عادات و رفتارهای خاص یکسان معمولاً در کنار یکدیگر جمع می‌شوند. در این میان طبقات با موقعیت منزلتی بالا در جذب سرمایه‌گذاری‌ها به محلات خود موفق‌ترند.

شهر اراک در سال ۱۱۲۷ قمری به دستور فتحعلی شاه و به دست یوسف خان گرجی برای مقابله شورش‌های اهالی فراهان، گلپایگان و چهارلنگ بنا نهاده شد (seiedi, 2001:55). سپس حاکم شهر، شهر را توسعه داد و عمارت دیوانی را مرمت و از دیگر شهرها از هر قبیله ارباب صنایع را از بلاد مجاور به این شهر آورد و سکنی داد. در پی رونق تجارت فرش در شهر، کمپانی زینگلر در سال ۱۲۶۱ هجری شمسی شعبه خود را در شهر سلطان آباد ایجاد کرد. به دنبال رونق اقتصادی و رشد شهرنشینی و تحولات فضایی، ابعاد جدیدی به شهر بخشید و موجب شد تا شهر سلطان آباد که از اواخر قرن سیزدهم هجری قمری با محدودیت فضا مواجه شده بود، در زمین‌های پیرامون قلعه گسترش یابد. در پی تحولات محلات جدید، بافت ارگانیک شهر به وجود آمد (Ibid:64). وجه دیگر این تحولات، تفکیک محله‌های فقیرنشین و اعیانی بود که با توپوگرافی شهر شکل گرفت (نخستین جدایی‌گزینی گروه‌های منزلتی). عباس‌آباد با برخورداری از شرایط آب‌وهوایی بهتر به عنوان یک محله اعیانی مورد توجه تجار، ثروتمندان و خارجی‌ان مقیم سلطان‌آباد واقع می‌شود. بافت میانی اراک هنوز هم محل سکونت افشار با منزلت اجتماعی بالاست. در زمان حکومت پهلوی و پس از انقلاب با استقرار صنایع بزرگ و در نتیجه مهاجرت‌های زیاد به شهر، جمعیت شهر افزایش و در نتیجه گسترش فیزیکی زیادی رخ می‌دهد. با وجود تحولات فیزیکی، در حال حاضر بافت میانی بالاترین قیمت مسکن و زمین

در شهر اراک را دارد (مصاحبه حضوری، بنگاه‌های معاملات املاک، ۱۳۹۸) و سکونت در آن آرزوی بسیاری از شهروندان است. قیمت زمین و ارزش افزوده این بافت تقاضای زیادی برای سکونت در آن را به وجود آورده، به طوری که بخش عمده‌ای از ابنیه مسکونی موجود در آن پیش از رسیدن به کیفیت تخریبی از سوی مالکان و سازندگان، تخریب و به آپارتمان‌های نوساز تبدیل می‌شوند (مصاحبه با کارشناس سازمان بازآفرینی شهرداری اراک). جایگزینی واحدهای تک‌خانوار با آپارتمان‌های چندخانوار بدون توجه به تأمین سایر نیازهای سکونتی وابسته باعث بروز مشکلاتی در وضعیت کنونی شده و روند نامناسبی را برای آینده به تصویر می‌کشد. هدف این مقاله مدل‌سازی علل گرایش و دلایل بالا بودن ارزش زمین در این بافت و تأثیر منزلت اجتماعی آن در بازآفرینی و بررسی تأثیرات بازآفرینی است.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. زمینه‌های پیدایش و تعریف بازآفرینی

جرقه‌های اولیه در زمینه ناپایداری اکوسیستم از اوایل دهه ۱۹۵۰ با انتشار دو کتاب با عنوان "بهار خاموش" اثر راشل کارسون^۱ و "محیط زیست مصنوعی" اثر مورای بوکچین^۲ امریکایی در سال ۱۹۶۲ توجه بیشتر اندیشمندان امر توسعه را به خود معطوف ساخت که مفروضات والگوی فعلی توسعه کلاسیک که توسعه و رشد را با شعار (توسعه به هر قیمتی) تبلیغ می‌کرد، مورد تردید جدی قرار داد. به دنبال آن روزاک^۳ در کتاب "بیابان در کجا پایان می‌پذیرد" و شوماخر^۴ در کتاب "کوچک زیباست" مباحث برجسته‌ای در باب توسعه پایدار مطرح کردند (shorcheh, 2017:262). به دنبال نگرانی‌های زیست‌محیطی در اجلاس آینده مشترک ما در سال ۱۹۸۷ و گزارش خانم برانت لند مسئله پایداری به صورت جدی دنبال شد. در یک جمع‌بندی کلی در تمامی اجلاس‌هایی که طی سال‌های ۱۹۷۲-۲۰۰۲ انجام شد، نگرانی جوامع انسانی از بهره‌برداری بیش از حد از طبیعت و فشار وارده بر محیط زیست مشهود است.

علاوه بر نگرانی‌های زیست‌محیطی عوامل دیگری هم در کنترل رشد اسپیرال و توجه به بازآفرینی مؤثر بود. عواملی چون افزایش قیمت سوخت و در نتیجه افزایش هزینه حمل‌ونقل، تغییرات دموگرافی، وضعیت توپوگرافی و محدودیت فضایی توسعه، فراهم بودن زیرساخت‌ها در بافت‌های میانی و ... جدول شماره ۱ به جمع‌بندی این عوامل از نظر پژوهشگران پرداخته است.

در این زمان برای کنترل رشد شهرها مفاهیم جدیدی چون رشد هوشمند، توسعه درونی، بازآفرینی و ... خلق شد. با وجود تنوع اصطلاحات، هدف تمام این واژه‌ها توسعه پایدار شهرها بود. اصطلاح مبهم و انعطاف پذیر بازآفرینی، یکی از راهکارهای کاهش رشد افقی شهرها و کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی رشد آنهاست. رهیافت بازآفرینی شهری به دنبال ایجاد توسعه اقتصادی و گسترش رقابت، ارتقای پایداری محیط ساخته شده، افزایش هویت فرهنگی، کیفیت

1 Rachel Carson

2 Murray Bookchin

3 Roszak

4 Schumacher

جدول شماره ۱: معرف برخی از عوامل گرایش به رشد درونی

ابعاد	مؤلفه‌ها	پژوهشگران
کالبدی	عوامل جغرافیایی و محدودیت زمین، تک هسته‌ای بودن شهر، زیرساخت‌ها، حمل و نقل عمومی نامناسب	قربانی (Ghorbani, 2004: 43) و مافی (Mafi et al, 2017: 13).
اجتماعی	افزایش خانوارهای مجرد، کاهش جمعیت یا کاهش رشد جمعیت، منزلت اجتماعی بافت‌های میانی، حس تعلق ساکنان بافت‌های میانی، ترجیحات خانوار، افزایش نرخ تشکیل خانوار	بنا (Behnta, 2010: 18)، مرکز تحقیقات سیاست‌های شهری دانشگاه نیوجرسی آمریکا (McConnell, S., DEPALMA, 2006: 36)، (17: 2006)، و Wiley، آیینی و اردستانی (Aini & Ardestani, 2009: 49)، گزارش لندن (Johnson, 2015: 10)
اقتصادی	قیمت زمین، هزینه حمل و نقل به مرکز شهر، کمبود یا فقدان مسکن قابل استطاعت، کندشدن توسعه صنعت یا رکود صنایع	بنا
حقوقی	تعیین محدوده و نظارت جدی بر آن، تعیین حد نصاب تفکیک و تراکم	بنا و مک کانل و ویلی (McConnel & Wiley, 2010: 2).

بازآفرینی فضایی برای حمایت از برنامه‌های خاص فراهم شده و امکان تعامل را ایجاد می‌کند، زندگی خیابانی را غنی کرده و ساکنان دسترسی راحت‌تری به کالاها و خدمات دارند (Fung, 2012: 20).

۲.۲. مفهوم (پرستیژ) منزلت اجتماعی

وبر منزلت را حاصل تأیید دیگران می‌داند. در این صورت طبقه اجتماعی را می‌توان به صورت "گروهی از افراد با موقعیت‌های مشابه در بازار کار و یا از لحاظ فرهنگی و یا گروهی از افراد با سبک زندگی و فرهنگی همسان" تعریف کرد. بنا بر نظریه فرهنگی-اقتصادی وبر در باب سرمایه‌داری، شرایط اقتصادی به تنهایی تعیین‌کننده شیوه و محل زندگی فرد نیست. او بین طبقه و موقعیت‌های منزلتی تمایز می‌گذاشت. موقعیت طبقه‌ای مشابه که متشکل از علائق اقتصادی و شرایط بازار است، طبقات اقتصادی را شکل می‌دهد. حال آن که موقعیت منزلتی مشابه ناشی از ارزیابی اجتماعی مثبت یا منفی مشخص هستند و "گروه‌های منزلتی" را پدید می‌آورند (Kubatova, 2017: 67). منزلت، متأثر از سبک زندگی خاص و سبک زندگی، نمایشی از منزلت است. سبک زندگی برآمده از گروه منزلتی، موقعیت طبقه‌ای اعضای این گروه را متأثر می‌سازد؛ این بدان معناست که هر گروه منزلتی خاص کیفیت یا شیوه خاصی از کسب ثروت را ترجیح می‌دهند. قشر بندی‌های اجتماعی در وهله نخست به واسطه منابع اقتصادی پدید نمی‌آیند بلکه بر اساس شیوه‌ای به وجود می‌آیند که در آن این منابع اقتصادی از سوی گروه منزلت مربوطه ارزش‌گذاری می‌شود. برای پیوستن به گروه بامنزلتی خاص غیر از منابع اقتصادی، منابعی چون آموزش و مهارت‌های متنوع، پیشینه خانوادگی و ... باید وجود داشته باشد. این منابع در سبک و محل زندگی گروه منزلتی خاصی منعکس می‌شود (کوباتوا و قربانی، ۱۳۹۶: ۶۳).

۲.۳ پرستیژ (منزلت اجتماعی) محله

یکی از مکاتب مهم در زمینه جدایی‌گزینی فضایی، مکتب اکولوژی است که معتقد است تمایز مسکونی در اکثریت شهرهای توسعه یافته وجود دارد به طوری که دنیای صنعتی تحت سلطه سه بعد "پایگاه اجتماعی اقتصادی"، "پایگاه خانوادگی" و "پایگاه قومی-نژادی" است (Pinch & Knox, 2009: 117). نظریه پردازان مختلفی از جمله گیدنز، پارک، زیمل و ... نیز از زوایای مختلف به موضوع جدایی‌گزینی در

زندگی شهروندان و ارتقای مدیریت شهری در نواحی فرسوده، نابسامان و متروک شهری است (Izadi et al, 2020: 244). این اصطلاح اشاره به تغییراتی دارد که مشخصه آن وجود برخی ترکیب‌های زیراست: تلاش برای افزایش سودآوری (اجاره) زمین از طریق سرمایه‌گذاری و توسعه مجدد فضاهای شهری، برنامه‌ریزی و پروژه‌های توسعه اقتصادی از طریق احیای فضاهای شهری، تجدید حیات و یا نوسازی ساختمان‌ها و زیرساخت‌های شهری و تحولات جمعیت‌شناختی در راستای افزایش سکونت طبقه متوسط به بالا (Pinch & Knox, 2009: 117). رابینسون بازآفرینی را مجموعه‌ای از اقدامات با هدف بهبود کیفیت زندگی ساکنان از طریق تسهیل یا سازماندهی دارایی‌های محلی و مشارکت مدنی در فضایی که از نظر منابع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا زیرساختی در محرومیت هستند، تعریف می‌کند (Rabbiosi, 2020: 1). بازآفرینی شهری از طریق پیشرفت کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی سبب احیای همه جانبه بافت می‌شود (Aminzadeh & dadras, 2013: 100). مفاهیم مهم بازآفرینی شهری را در شش مقوله می‌توان مطرح نمود: (۱) بازآفرینی یک فعالیت مداخله‌گر است، (۲) عملیات بازآفرینی با فعالیت مشترک بخش‌های اجتماعی، عمومی و خصوصی صورت می‌گیرد، (۳) بازآفرینی فعالیتی است که در طول زمان همراه با تحولات اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی تغییرات قابل ملاحظه‌ای در ساختارهای اداری به وجود می‌آورد، (۴) بازآفرینی به بسیج تلاش‌های جمعی می‌پردازد و پایه‌ای برای مذاکرات به منظور اتخاذ راه‌حل‌های مناسب ارائه می‌دهد، (۵) فرایند بازآفرینی مبتنی بر عملکرد عناصر مختلف سیستم شهری است و (۶) بازآفرینی مستلزم یکپارچگی در مدیریت تغییر است (Tofangchi Mahyari, 2015: 4). اسمیت معتقد است زمانی که سرمایه‌گذاری بر روی زمین آغاز می‌شود، قیمت‌ها افزایش و نظرها به سوی خانه‌های ساکنان بومی معطوف و پدیده اعیان‌سازی رخ می‌دهد. سرمایه‌گذاران و توسعه‌گران از طریق ظاهر سازی‌های جذاب، تقاضا را به مکان‌های خاص هدایت نموده و پیامد آن بازآفرینی اعیان‌سازی آن مکان است (Massoud, 2019: 66). کارنگی و نوریس بازآفرینی در یکی از محلات ایرلند را باعث کاهش انگ محله و انسجام اجتماعی آن دانسته‌اند (Carnegie, Norris, 2015: 495). مانه نیز در کتاب خود به نام «طرد اجتماعی و مناطق داخلی شهرهای اروپا» به بررسی تأثیرات بازآفرینی پرداخته و تغییرات اجتماعی را از مهمترین پیامدهای بازآفرینی دانسته است (Mangen, 2004: 166).

اجتماعی ثروتمندان، به عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی با تمرکز بر سه محله ثروتمند استرالیا پرداخته است. این مطالعه از یک روش ترکیبی از جمله بررسی بیش از هزار نفر از ساکنان و مصاحبه‌های عمیق با چهل و شش نفر از آنها استفاده کرده و به این نتیجه دست یافت که محلات باپرستیژ باید به عنوان فضاهایی شناخته شوند که در آن سرمایه‌ها در اشکال متنوع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تولید و جمع می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی در این محلات از طریق برخوردهای زودگذر با چهره‌های آشنا در کافه محله خود یا شبکه‌های فشرده‌تر با همسایگان، با سایر اعضای کلوپ ورزشی محلی یا با والدین دیگر در مدرسه فرزندان خود شکل می‌گیرد که می‌تواند منبعی برای قدرت آنها باشد (Wiesel, 2019: 461). مطالعه اندرسون رابطه‌ای قوی میان ادراک ساکنان از شهرت محله و خروج از محله را نشان می‌دهد. نارضایتی ناشی از مشکلات اجتماعی و جرم و جنایت، دلایل اصلی دور شدن از محله‌های محروم است. همچنین او در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که روابط اجتماعی قوی در داخل محله به شدت باعث کاهش قصد حرکت می‌شود (Andersen, 2008: 79).

در ایران نیز مطالعاتی در حوزه پژوهش حاضر انجام شده است که اغلب به قشر بندی‌های فضایی و جدایی‌گزینی‌های فضایی اقشار پایین اشاره دارند. به عنوان نمونه قادری به خوشه بندی فرهنگی-اجتماعی محله‌های شهر تهران پرداخته است. در این طرح با دو شاخص قدرت اقتصادی و پایگاه اجتماعی به قشر بندی اجتماعی و با دو شاخص تعلق محلی به خوشه بندی محلات پرداخته و در پایان به این نتیجه دست یافته که نابرابری آشکاری بین ساکنان شهر تهران بر مبنای مناطق بالا و پایین شهر تهران وجود داشته و بین سه شاخص قدرت اقتصادی، پایگاه اجتماعی با تعلق محلی رابطه مستقیم و با شاخص استفاده از خدمات محله رابطه معکوس وجود دارد (Ghadery, 2018: 731). تیموری و همکاران با بررسی مصرف‌گرایی نمادین و جدایی‌گزینی فضایی در شهر تبریز در دو محله ولیعصر و کوی فردوس دریافتند: بین مصرف‌گرایی نمادین و جدایی‌گزینی اکولوژیک رابطه وجود دارد. نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون در پژوهش آنها نشان داد ۳۹ درصد از علت جدایی‌گزینی در این دو محله، در ارتباط با مصرف‌گرایی است (Teymouri et al, 2017: 6). در مرتبط‌ترین پژوهش موجود با مقاله حاضر، اعظم‌زاده و جهانگیری رابطه موقعیت منزلتی محله و احساس امنیت در بین ساکنان مناطق شهر تهران را بررسی کرده و دریافتند: موقعیت منزلتی ذهنی (ارزیابی ساکنان محله از موقعیت اجتماعی محله خود) و عینی (قیمت و ارزش زمین و مسکن) محله بر احساس امنیت ساکنان تأثیر دارد. افراد با انتخاب محلات مسکونی منطبق با موقعیت منزلتی خود از طریق احساس تعلق به محل و ساکنان آن به امنیت دست می‌یابند (Azam zadeh & Jahangiri, 2014: 37).

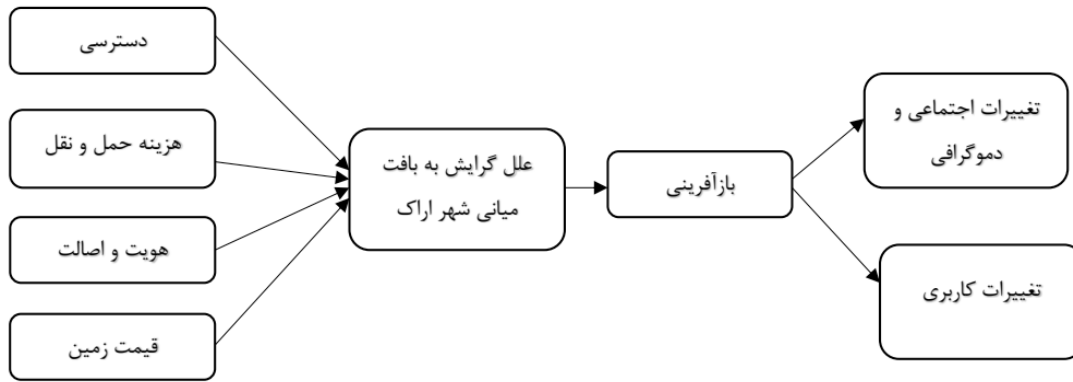
هر چند در رابطه با گرایش مردم به بازآفرینی محلات شهری، پژوهش‌های زیادی انجام شده اما در باب ارتباط بین نقش منزلت اجتماعی بر بازآفرینی، پژوهش‌ها معدود است. نوآوری پژوهش حاضر از آن جهت است که قصد آزمون رابطه این دو متغیر را در محله‌ای با موقعیت منزلتی بالا در شهر اراک دارد.

بر اساس مبانی نظری و یافته‌های مطالعات پیشین و مطالعات اکتشافی نگارندگان به صورت مصاحبه با اهالی بافت میانی اراک -

شهرها پرداخته‌اند. ورث مانند پارک به جدایی‌گزینی سکونتی که عامل ایجاد محله‌های متفاوت است، معتقد است. همچنین او شهر را به مثابه مجموعه‌ای از جهان‌های اجتماعی متفاوت می‌داند که هر بخش آن به وسیله گروه یا قشری با ارزش‌های خاص خود اشغال گردیده است. گیدنز در توجه به مفهوم مکان به ماهیت اجتماعی محله‌ها اشاره دارد و معتقد به وجود گروه بندی‌های توزیعی در جهت ایجاد جدایی فضایی در شهر است و بر جدایی‌گزینی‌های طبقاتی با ویژگی‌ها و سبک‌های زندگی متفاوت اشاره می‌کند (Afrough, 2009: 118). از نظر بورديو مصرف، عامل و نشانه تمایل افراد و تفاوت در سبک‌های زندگی است و شیوه‌های مصرف راهی برای ایجاد تمایز است (بودریار، ۱۳۸۹: ۷۱) و از نظر وبلن مصرف تظاهری و نمایش بیش از حد کالا نماد بلندپایگی و روش‌هایی است که از طریق آن افراد می‌کوشند تا خود را برتر از دیگران نمایش دهند (Veblen, 2007: 81). ویسل یکی از عادات محلات باپرستیژ را محافظه کاری و فردگرایی می‌داند. مشارکت سخت با سایر گروه‌های قومی و نژادی، نشانه‌ای از محافظه کاری‌های حومه‌های مرفه است. اوهارا نیز در مورد عادات طبقات منزلتی آورده است: ارزش‌های خانوادگی هسته اصلی پارادایم محافظه‌کارانه است. هنجارگرایی خانواده سنتی در تفکر محافظه‌کارانه به عنوان پایه و اساس جامعه تلقی می‌شود (O'Hara, 2016: 127). ویژگی خاص یک محله می‌تواند به ساکنان انتقال یابد. هولمزویست در بررسی محله ثروتمند Djursholm در استکهلم، استدلال می‌کند که تشعشع و هاله‌ای از بزرگی و عظمت از محله برمی‌خیزد. برجسب "روایی" گاهی برای توصیف محله‌های باپرستیژ به وسیله ساکنان سایر محلات استفاده می‌شود (Holmqvist, 2017: 43). در مقابل محلات با منزلت اجتماعی، برخی از محلات دارای انگ هم وجود دارند که ساکنان آن همیشه آرزوی گریز از آن را دارند. دیویس و مونک چشم‌اندازی از سرمایه‌داری وحشیانه و متعصب معاصر را به تصویر کشیده‌اند که به وسیله جدایی فضایی شدید ثروت در سرتاسر جهان مشخص و جزیره مصنوعی از ثروتمندان با انزوای اجتماعی و امنیت فیزیکی و معماری خاص مشخص می‌شود (Davis & Monk, 2011: xv).

هاروی معتقد است افراد ثروتمند به خاطر داشتن انحصار طبقاتی و بهره‌مندی از رانت انحصاری می‌توانند قیمت بالایی را برای خرید یک ملک پیشنهاد دهند تا مانع از ورود طبقه ضعیف و متوسط به محله‌های مسکونی خود شوند (Harvey, 1985: 71). در واقع می‌توان گفت که افراد با شیوه مصرف و عادات مشابه سعی در تفکیک فضایی خود از سایر گروه‌ها و طبقات جامعه دارند. زندگی در محله‌های مرفه بدون در نظر گرفتن پایگاه اقتصادی خود نوعی پرستیژ و منزلت و بلند پایگی به شمار می‌رود. همان طوری که مصرف یک مارک یا یک برند، در نظر بسیاری از مصرف‌کنندگان از بار معنایی خاصی برخوردار بوده و نشانه به حساب می‌آید، سکونت در این محلات هم نوعی نشانه پرستیژ به حساب می‌آید. همین مسئله عینیت خود را در فضا به صورت جدایی‌گزینی سکونتی‌های این افراد نشان می‌دهد؛ یعنی فضا را به عنوان مارک و برند تفکیک می‌کنند (Teymouri et al, 2017: 6).

ویسل در مقاله‌ای با عنوان "تمایز، انسجام و شبکه‌های اجتماعی در حومه ثروتمند استرالیا" به بررسی نقش محلات در تولید شبکه‌های



تصویر شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش - علل گرایش به بافت میانی شهر اراک و تأثیرات بازآفرینی

قاعده نخست ۱۰: ضرب در تعداد شاخص‌های مدل اندازه‌گیری که دارای بیشترین شاخص در میان مدل‌های اندازه‌گیری مدل اصلی پژوهش است.

قاعده دوم: ۱۰ ضرب در بیشترین روابط موجود در بخش ساختاری مدل اصلی پژوهش که به یک متغیر مربوط می‌شوند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۸). حجم نمونه براساس قاعده نخست به ۹۰ و براساس قاعده دوم ۷۰ نفر بود که براساس بیشترین شاخص (قاعده نخست) حجم نمونه انتخاب شد.

مدل معادلات ساختاری^۲، روابط درونی بین متغیرها را تشخیص و تأثیر یک متغیر را بر سایر متغیرها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد (AliAkbari, & Akbari, 2018:10). همچنین معادلات ساختاری می‌تواند به اولویت‌بندی و تعیین سطح عناصر یک سیستم اقدام کند که کمک شایانی برای اجرای بهتر مدل طراحی شده می‌کند (Talib et al, 2011: 232). مراحل مختلف آن شامل این گام‌هاست: ۱) مدل‌سازی ساختاری تفسیری، ۲) ارزیابی و برازش مدل، ۳) برازش مدل ساختاری و ۴) برازش مدل کلی.

گام نخست (الف) مدل‌سازی ساختاری تفسیری: در گام نخست با مرور پیشینه وسیع در حوزه مورد مطالعه و همچنین مصاحبه با خبرگان، عوامل اثرگذار بر علل گرایش به بافت‌های میانی به دست می‌آید. این عوامل در قالب پرسشنامه مقایسات زوجی، در اختیار خبرگان قرار می‌گیرد تا با نمادهای ویژه ارتباط میان عوامل مختلف مشخص و از روابط زیر استفاده شود:

V_i : منجر به Z_i می‌شود،

Z_i : منجر به X می‌شود،

X : برای نشان دادن تأثیر دو طرفه بین Z_i و Z_j ،

O : برای نشان دادن عدم تأثیر بین Z_i و Z_j (Nikpour & Yarahmadi, 2020:19).

گام نخست - ب) ایجاد ماتریس دستیابی اولیه: این ماتریس بر مبنای ماتریس خود تعاملی و با استفاده از این رابطه‌ها تشکیل می‌شود: ۱- اگر خانه (i, j) در ماتریس خود تعاملی نماد V گرفته، خانه مربوطه در ماتریس دستیابی عدد ۱ می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه (j, i) عدد صفر می‌گیرد. ۲- اگر خانه (i, j) در ماتریس خود تعاملی نماد A گرفته،

تحت بازآفرینی قرار گرفته‌اند. مدل مفهومی پژوهش به صورت تصویر شماره ۱ تنظیم و مبنای آزمون سؤال اصلی پژوهش قرار گرفت.

۳. روش

روش تحقیق از نوع توصیفی و علی و الگوی حاکم بر تحقیق به لحاظ هدف از دسته تحقیقات شناختی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق دو گروه بودند: ۱- افراد ساکن در بافت میانی با منزلت اجتماعی بالا در شهر اراک (شامل خیابان‌های شریعتی، عباس آباد، ملک و خرم) که قبلاً ساکن خانه‌های ویلایی در این بافت بوده‌اند ولی به دلیل قیمت بالای زمین و مسکن در این بافت خانه‌های خود را تخریب و به آپارتمان تبدیل نموده و در حال حاضر خود هم در یکی از واحدهای آن مستقر شده‌اند و ۲- افرادی که از سایر محلات شهر به خصوص شهرک‌های اطراف به این بافت نقل مکان کرده و در آپارتمان‌های حاصل از تخریب واحدهای قدیمی سکونت می‌کنند. برای بررسی علل گرایش به سکونت در این بافت و تأثیرات آن بر بازآفرینی محله با توجه به مبانی نظری و با استفاده از تکنیک آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار PLS پرسشنامه‌ای براساس طیف لیکرت طراحی شد. به منظور تدوین پرسشنامه ابتدا از طریق گفت‌وگو با تعدادی از ساکنان محله و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته، مهمترین علل گرایش، مشخص و پس از آن پرسشنامه تهیه شد. برای شناسایی گرایش در بعد کالبدی، سئوالاتی در باب دسترسی و تنوع کاربری آمده است. برای تشخیص تمایل به بافت درونی در بعد اجتماعی، سئوالاتی در باب تأثیر هویت، اصالت بافت و سن سرپرست و اندازه خانوار آمده است. برای شناسایی گرایش در بعد اقتصادی، سئوالاتی در باب هزینه حمل‌ونقل و قیمت مسکن و زمین آورده شده است. برای شناسایی تأثیرات بازآفرینی، سئوالاتی در باب تغییرات کاربری و دموگرافی آورده شد.

از مزیت‌های رویکرد حداقل مربعات جزئی^۱ عدم نیاز به حجم بالای نمونه در پژوهش‌هاست. یکی از قواعد شناخته شده برای تعیین حجم نمونه لازم در این روش، به وسیله بارکلای و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده است. این نویسندگان اظهار می‌دارند که حداقل حجم نمونه لازم برای استفاده از این روش، برابر است با بزرگترین مقدار حاصل از دو قاعده:

اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. برای بررسی برازش یک مدل کلی تنها یک معیار با عنوان شاخص مطلوبیت^۲ استفاده می‌شود.

شهر اراک مرکز استان مرکزی و مهمترین کانون جمعیتی آن است. محدوده مورد مطالعه (تصویر شماره ۲) قسمتی از بافت میانی شهر اراک شامل خیابان‌های ملک، عباس‌آباد، شریعتی و خرم با مساحت تقریبی ۱۶۶ هکتار است که بافتی با منزلت اجتماعی شهر محسوب می‌شود. بالاترین ارزش زمین و مسکن و بالاترین نوسازی‌های شهر مربوط به این بافت است (مصاحبه حضوری، کارشناس سازمان بازاریابی شهرداری اراک، ۱۳۹۸). محدوده مورد مطالعه بخشی از بافت ارگانیک شهر اراک است که از گذشته محل سکونت ساکنان اولیه شهر اراک بوده است. هر چند برخی از ساکنان این بافت عمدتاً به تهران یا خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند ولی باز هم در بین مردم این شهر، به عنوان بافت باصالت و با هویت شهر شناخته می‌شود.

۴. بحث و یافته‌ها

براساس اطلاعات تجربی، مبانی نظری و مصاحبه مهمترین دلایل گرایش به بافت میانی شهر اراک منزلت اجتماعی و نزدیکی به هسته مرکزی و قیمت زمین، تشخیص و روابط میان این علق و تأثیرات آنها با مدل معادلات ساختاری مورد سنجش قرار گرفت.

۴.۱. مدل‌سازی ساختاری تفسیری علل گرایش به توسعه درونی

در گام نخست با مرور پیشینه و مبانی نظری پژوهش، عوامل اثرگذار بر علل گرایش به بافت‌های میانی و تأثیرات آنها شناسایی و در قالب پرسشنامه مقایسات زوجی در اختیار ۲۰ نفر از خبرگان قرار گرفت و براساس نمادهای ویژه ارتباط میان عوامل مختلف و ماتریس روابط آنها به صورت جدول شماره ۲ مشخص شد.

در گام بعدی، ماتریس دستیابی اولیه بر مبنای ماتریس خود تعاملی تشکیل شد. پس از جمع‌آوری و استفاده از روش مدل براساس بیشترین فراوانی، ماتریس تعاملی ساختاری به دست آمد. سپس با در نظر گرفتن رابطه تعاملی بین عناصر برای سازگاری ماتریس دستیابی، ماتریس اولیه به توان $K+1$ رسانده شد. بدین ترتیب برخی عناصر صفر تبدیل به ۱ شدند که در جدول شماره ۳ به صورت (*۱) نشان داده شدند.

خانه مربوطه در ماتریس دستیابی عدد صفر می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه (i,j) عدد ۱ می‌گیرد. ۳- اگر خانه (j,i) در ماتریس خود تعاملی نماد X گرفته، خانه مربوطه در ماتریس دستیابی عدد ۱ می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه (i,j) هم عدد ۱ می‌گیرد. ۴- اگر خانه (i,j) در ماتریس خود تعاملی نماد O گرفته، خانه مربوطه در ماتریس دستیابی عدد صفر می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه (i,j) هم عدد صفر می‌گیرد (Naderi et al., 2017:132).

ج) تشکیل ماتریس دستیابی نهایی: با در نظر گرفتن رابطه تعاملی بین عناصر لازم است ماتریس دستیابی اولیه سازگار شود. بنابراین باید ماتریس اولیه را به توان $k+1$ رساند. بدین ترتیب برخی عناصر صفر تبدیل به ۱ خواهد شد که به صورت (*۱) درمی‌آید.

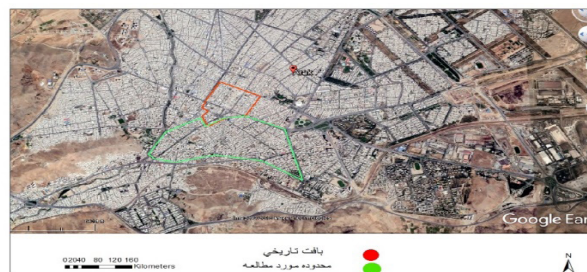
د) تعیین سطح بندی: پس از تعیین مجموعه قابل دستیابی و مقدم برای هر عنصر و تعیین مجموعه مشترک، سطح بندی متغیرها انجام می‌شود. ۱. با به دست آوردن اشتراک این دو مجموعه، مجموعه مشترک به دست خواهد آمد. عناصری که مجموعه مشترک با مجموعه قابل دستیابی یکسان باشد، سطح نخست اولویت را به خود اختصاص می‌دهند (Ibid). با حذف این عناصر و تکرار این مرحله برای سایر عناصر، سطح کلیه عناصر تعیین می‌شود.

ه) ترسیم مدل ساختاری تفسیری: براساس سطوح تعیین شده و ماتریس دستیابی نهایی، مدل تحقیق ترسیم می‌شود (Ansari & Sadeghi Moghadam, 2014:142).

گام دوم ارزیابی و برازش مدل گرایش: در بخش بررسی مدل اندازه‌گیری به بررسی پایایی شاخص و روایی همگرا پرداخته می‌شود. بررسی پایایی شاخص‌ها از سه طریق ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی صورت می‌پذیرد. بررسی روایی شاخص‌ها از طریق معیار میانگین واریانس استخراج شده^۲ صورت می‌گیرد (Barclay et al., 1995:56).

گام سوم) برازش مدل ساختاری: این بخش مدل ساختاری برخلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به شاخص‌ها (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آنها بررسی می‌گردد. برای بررسی برازش مدل ساختاری با نرم‌افزار PLS از چهار معیار استفاده می‌شود: ۱- ضرایب معناداری z (مقادیر t-values)، ۲- معیار R Squares، ۳- معیار Q^2 ، ۴- معیار شاخص اشتراک.

گام چهارم) برازش مدل کلی: برازش مدل کلی شامل هر دو بخش



تصویر شماره ۲: موقعیت بافت تاریخی و محدوده مورد مطالعه در شهر اراک

1 Average Variance Extracted (AVE)

2 Goodness of fit (GOF)

۱ مجموعه قابل دستیابی برای هر عنصر مجموعه‌ای است که در آن سطرها، ماتریس دستیابی نهایی به صورت یک ظاهر شده باشند و مجموعه مقدم، مجموعه‌ای است که در آن ستون‌ها به صورت یک ظاهر شده باشند.

جدول شماره ۲: ماتریس تعاملی ساختاری

عامل	۱- هزینه حمل و نقل	۲- قیمت مسکن	۳- تغییرات دموگرافی	۴- هویت و اصالت	۵- جذابیت و تنوع کالبدی	۶- دسترسی
۱- هزینه حمل و نقل		V	V	X	O	X
۲- قیمت مسکن			V	A	A	A
۳- تغییرات دموگرافی				A	O	A
۴- هویت و اصالت					O	X
۵- جذابیت و تنوع کالبدی						A
۶- دسترسی						

جدول شماره ۳: ماتریس دستیابی نهایی (معرف ارتباط میان عوامل مؤثر بر گرایش به سکونت در بافت‌های میانی شهر اراک)

عامل	۱- هزینه حمل و نقل	۲- قیمت مسکن	۳- تغییرات دموگرافی	۴- هویت، اصالت و منزلت اجتماعی	۵- جذابیت و تنوع کالبدی	۶- دسترسی	نفوذ
۱- هزینه حمل و نقل	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۵
۲- قیمت مسکن	۰	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۵
۳- تغییرات دموگرافی	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱
۴- هویت و منزلت اجتماعی	۱	۱	۱	۱	۱*	۱	۶
۵- جذابیت و تنوع کالبدی	۰	۱	۱*	۰	۱	۱	۴
۶- دسترسی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶

محرك‌های داخلی و محرك‌های خارجی عبارتند از: ناحیه ۱ (ناحیه استقلال): متغیرهایی که حداقل میزان وابستگی و قدرت نفوذ را به دیگر متغیرها دارند. متغیرهای این ناحیه از سیستم جدا می‌شوند، زیرا دارای اتصالات ضعیف با سیستم هستند که در نمونه مورد بررسی هیچ متغیری در این گروه قرار نگرفت. ناحیه ۲ (ناحیه وابستگی): متغیرهایی که میزان وابستگی زیاد و قدرت نفوذ کم به

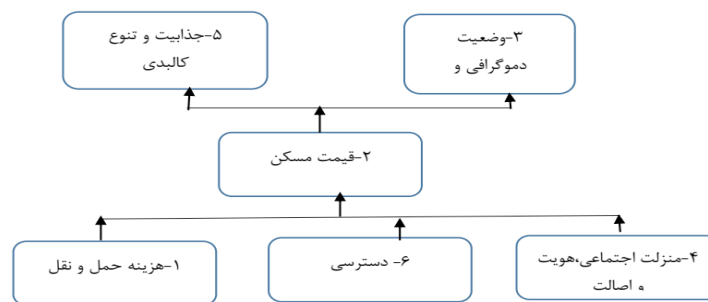
پس از تعیین مجموعه قابل دستیابی و مقدم برای هر عنصر مجموعه مشترك برای سطح بندی متغیرها تعیین شد (جدول شماره ۴).

سیس براساس سطوح تعیین شده و ماتریس دستیابی نهایی، مدل علل گرایش به بافت‌های میانی و تأثیرات آن ترسیم شد (تصویر شماره ۳).

چهار ناحیه استخراج شده از ماتریس قدرت نفوذ- میزان وابستگی

جدول شماره ۴: ماتریس دستیابی نهایی و تعیین سطوح متغیرهای پژوهش

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه مقدم	مجموعه مشترك	سطح
۱- هزینه حمل و نقل	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۱،۴،۶	۱،۴،۶	۴
۲- قیمت مسکن	۲،۳،۴،۵،۶	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۲،۳،۴،۵،۶	۳
۳- تغییرات دموگرافی	۳	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۳	۱
۴- هویت و اصالت	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۱،۲،۴،۶	۱،۲،۴،۶	۴
۵- جذابیت و تنوع کالبدی	۲،۳،۵،۶	۱،۲،۴،۵،۶	۲،۵	۲
۶- دسترسی	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۱،۲،۴،۶	۱،۲،۴،۶	۴



تصویر شماره ۳: مدل ساختاری تفسیری پژوهش

الف-۲- آلفای کرونباخ: آلفای کرونباخ معیاری برای سنجش پایایی و سنجش مناسب برای ارزیابی پایداری درونی محسوب می‌شود. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ در مدل نشانگر پایایی قابل قبول است (جدول شماره ۵).

الف-۳- پایایی ترکیبی: این معیار به وسیله ورتس و همکاران معرفی شده و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردند. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، نشان از پایایی درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد (Nunnally, 1994:90). بیان این نکته ضروری است که در مطالعات علوم انسانی پایایی ترکیبی، معیار بهتری از آلفای کرونباخ به شمار می‌رود (Vinzi et al, 2010:79).

ب- بررسی روایی شاخص‌ها: شاخص روایی همگرای متوسط واریانس استخراج شد یا معیار میانگین واریانس استخراج شده که نشان‌دهنده میانگین واریانس بین هر سازه با شاخص‌های خود است، برای روایی استفاده می‌شود. مقدار میانگین واریانس استخراج شده بالای ۰/۵ همگرایی قابل قبول را نشان می‌دهند (جدول شماره ۵).

دیگر متغیرها دارند. متغیرهای هزینه حمل‌ونقل، دسترسی و منزلت اجتماعی (هویت و اصالت) در این گروه قرار گرفتند. ناحیه ۳ (ناحیه پیونددهنده): متغیرهایی که قدرت نفوذ زیاد و میزان وابستگی زیاد و در واقع رابطه دو طرفه دارند. متغیر قیمت مسکن در این ناحیه قرار گرفت. ناحیه ۴ (ناحیه مستقل): متغیرهایی که نفوذ زیاد و وابستگی کمی دارند. دو متغیر "تغییرات دموگرافی" و متغیر "جذابیت و تنوع کاربری" در این گروه قرار گرفتند.

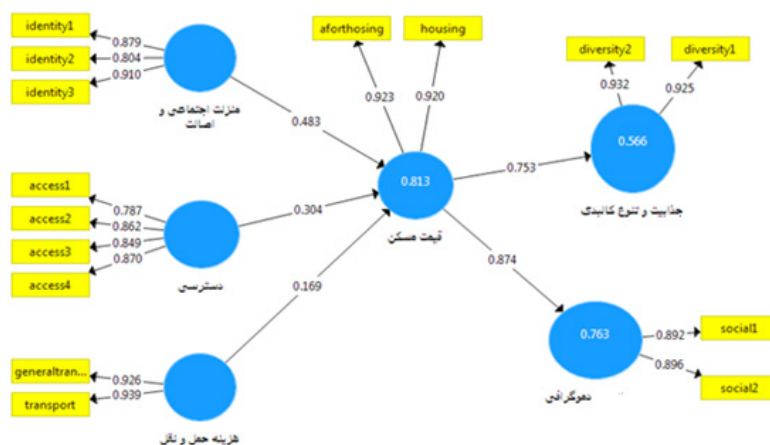
۴.۲. ارزیابی و برازش مدل گرایش به بافت‌های میانی

الف- بررسی پایایی شاخص‌ها: این بررسی از سه طریق ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی صورت گرفت.

الف-۱- ضرایب بارهای عاملی: بار عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شود. اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار ۰/۴ شود، مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن سازه قابل قبول است. تمامی ضرایب بارهای عاملی شاخص‌ها (سئوالات) در این مدل از ۰/۴ بیشتر است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۴: نمودار قدرت نفوذ-میزان وابستگی متغیرهای علل گرایش به سکونت در بافت میانی شهر اراک



تصویر شماره ۵: ضرایب بار عاملی مدل علل گرایش به سکونت در بافت‌های میانی شهر اراک

جدول شماره ۵: آلفای کرونباخ، روایی همگرا (AVE) و پایایی ترکیبی متغیرهای پژوهش

متغیر	روایی همگرا (AVE)	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
اجتماعی و دموگرافی	۰,۷۹۹	۰,۸۸۸	۰,۷۴۸
جذابیت و تنوع کاربری	۰,۸۶۲	۰,۹۲۶	۰,۸۴۰
دسترسی	۰,۷۱۰	۰,۹۰۷	۰,۸۶۳
قیمت مسکن	۰,۸۴۹	۰,۹۱۸	۰,۸۲۲
هزینه حمل و نقل	۰,۸۷۰	۰,۹۳۰	۰,۸۵۱
منزلت اجتماعی و اصالت	۰,۷۴۹	۰,۸۹۹	۰,۸۳۱

در صورتی که مقدار Q^2 در مورد یک سازه درون‌زا صفر و یا کمتر از صفر شود، نشان از آن دارد که روابط بین سازه‌های دیگر مدل و آن سازه درون‌زا به خوبی تبیین نشده و مدل نیاز به اصلاح دارد (محسنین و اسفیدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۳). سه متغیر درون‌زای مدل دارای مقدار Q^2 بالای صفر است (جدول شماره ۹)؛ یعنی متغیرها خوب بازسازی شده و توانایی پیش‌بینی را دارد. هنسلا و همکاران در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ (به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی) را تعیین نموده‌اند. همان‌طور که در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود، مقدار Q^2 برای تمامی متغیر درون‌زا مساوی و یا بیشتر از ۰/۳۵ است.

۴,۳,۴. شاخص اشتراک

کیفیت مدل انعکاسی به وسیله شاخص اشتراک محاسبه می‌شود. این شاخص توانایی مدل مسیر را در پیش‌بینی متغیرهای مشاهده‌پذیر از طریق مقادیر متغیر پنهان متناظرشان می‌سنجد. مقادیر مثبت این شاخص (جدول شماره ۷) نشان دهنده کیفیت مدل اندازه‌گیری است (Mohsenin, Sh, Esfidani, 2017: 146).

برازش مدل کلی: برای برازش مدل کلی از معیار ضریب مطلوبیت استفاده شد. این معیار طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$GOF = \sqrt{\text{communality} * R^2} = 0.568 \times 0.714 = 0.405$$

دو داده مورد نیاز در این رابطه میانگین communality (Q^2) و R Square است. سه مقدار ۰/۲۵، ۰/۳۶ و ۰/۳۶ مقادیر ضعیف، متوسط و قوی مدل را نشان می‌دهند. مقدار ضریب مطلوبیت این تحقیق برابر ۰/۴۰۵ نشان از برازش کلی قوی مدل دارد.

پس از بررسی برازش مدل اندازه‌گیری، بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش با فرمان‌های BootStrapping و دستور PLS Algorithm در نرم‌افزار روابط متغیرهای مستقل و وابسته تعیین شد.

۴,۳,۳. برازش مدل ساختاری

برازش مدل ساختاری با چهار معیار ضرایب معناداری Z (مقادیر t-values)، معیار R Squares معیار Q^2 و معیار شاخص اشتراک انجام شد.

۴,۳,۱. ضرایب معناداری Z (t-values)

ابتدایی‌ترین معیار برای سنجش رابطه بین سازه‌ها در مدل (بخش ساختاری)، ضرایب معناداری Z است که با استفاده از دستور بوت‌استرپ در نرم‌افزار قابل مشاهده است. در صورتی که مقدار این ضرایب از ۱/۹۶ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. باید توجه داشت که اعداد t فقط صحت رابطه‌ها را نشان داده و شدت رابطه بین سازه‌ها را نمی‌تواند بسنجد (Davari, & Rezazadeh, 2014: 48). براساس جدول شماره ۶ به غیر از مؤلفه تأثیر هزینه حمل و نقل بر قیمت مسکن بقیه مؤلفه‌ها تأیید شد.

۴,۳,۲. معیار R Squares یا R^2

این معیار نشان از تأثیر متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد. معیار R^2 تنها برای سازه‌های درون‌زای مدل محاسبه می‌گردد و برای سازه‌های برون‌زا مقدار این معیار صفر است. هاپرو و همکاران سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 معرفی می‌کنند (Hair & Ringle, 2011: 147). در مدل پژوهش سه عامل اجتماعی و دموگرافی، جذابیت و تنوع کالبدی و قیمت مسکن به عنوان متغیرهای انعکاسی و سه متغیر دسترسی، هزینه حمل و نقل، هویت و اصالت متغیرهای تشکیل دهنده مدل ترکیبی هستند (جدول شماره ۷).

۴,۳,۳. معیار Q^2

اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها قادر خواهند بود تا تأثیر کافی بر شاخص‌های یکدیگر بگذارند.

جدول شماره ۶: ضرایب معناداری رابطه میان سازه‌های پژوهش

	T Statistics (O /STDEV)
دسترسی - قیمت مسکن	۲,۵۹۴
قیمت مسکن - اجتماعی و دموگرافی	۲۲,۹۳۵
قیمت مسکن - جذابیت و تنوع کاربری	۱۱,۳۲۲
هزینه حمل و نقل - قیمت مسکن	۱,۳۵۰
منزلت اجتماعی و اصالت - قیمت مسکن	۲,۸۰۷

جدول شماره ۷: نتایج معیار Q^2 و شاخص اشتراک و R^2 یا R^2 Squares

	SSO	SSE	$Q^2 (=1-SSE/SSO)$	شاخص اشتراک	R Square
اجتماعی و دموگرافی	۱۹۸/۰۰۰	۸۲,۴۱۲	۰/۵۸۴	۰/۳۴۲	۰,۷۶۳
جذابیت و تنوع کاربری	۱۹۸/۰۰۰	۱۰۵,۹۷۰	۰/۴۶۵	۰/۴۵۷	۰,۵۶۶
دسترسی	۳۹۶/۰۰۰	۳۹۶,۰۰۰		۰/۴۸۷	
قیمت مسکن	۱۹۸/۰۰۰	۶۸,۲۸۲	۰/۶۵۵	۰/۴۳۴	۰,۸۱۳
هزینه حمل و نقل	۱۹۸/۰۰۰	۱۹۸,۰۰۰		۰/۴۷۴	
منزلت اجتماعی و اصالت	۲۹۷/۰۰۰	۲۹۷,۰۰۰		۰/۴۶۰	

جدول شماره ۸: مقادیر ضریب مسیر و T-Value عوامل مستقل و وابسته

نتیجه	T-Value	ضرایب مسیر	عامل وابسته	عامل مستقل	رابطه
تأیید	۲/۶۸۲	۰/۴۸۳	قیمت مسکن	هویت، منزلت اجتماعی و اصالت	هویت، منزلت اجتماعی (پرستیژ) و اصالت بر قیمت مسکن تأثیر دارد.
تأیید	2/619	۰/۳۰۴	قیمت مسکن	دسترسی	دسترسی بر قیمت مسکن تأثیر دارد.
عدم تأیید	1/306	۰/۱۶۹	قیمت مسکن	هزینه حمل و نقل	هزینه حمل و نقل بر قیمت مسکن تأثیر دارد.
تأیید	23/861	۰/۸۷۴	اجتماعی و دموگرافی	قیمت مسکن	قیمت مسکن بر وضعیت اجتماعی و دموگرافی تأثیر دارد.
تأیید	11/849	۰/۷۵۳	جذابیت و تنوع کاربری	قیمت مسکن	قیمت مسکن بر جذابیت و تنوع کاربری تأثیر دارد.

و منزلت و بلند پایگی به شمار می‌روند (Teymouri et al, 2017:6)، سکونت عده‌ای از ساکنان این بافت به دلیل کسب و برخورداری از منزلت بوده است.

قیمت بالای زمین در این بافت به دلیل منزلت اجتماعی آن سبب افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری و افزایش تراکم در آن شده است. در نتیجه خانه‌های این بافت برای تبدیل شدن به آپارتمان به وسیله مالکان و با مشارکت سازندگان - با وجود به سر نیامدن عمر مفید آنها - در حال تخریب هستند. با توجه به ترافیک زیاد خیابان‌های منتهی به مرکز شهر - که در تمام شهرهای ایران به خصوص در شهرهای تک هسته تجاری، معضلی بزرگ برای شهروندان است - به دلیل این که بافت بلافاصله و چسبیده به مرکز شهر است و دسترسی آسانی به خصوص از طریق پیاده به مرکز شهر دارد، گرایش به این بافت را به وجود آورده است. جدول شماره ۸ "دسترسی" را دومین عامل مؤثر در قیمت زمین در این بافت نشان می‌دهد. این یافته با یافته‌های وایلی و مک کانل (Wiley و McConnell) (جدول شماره ۱۸) که بیان می‌دارند، سالخورده شدن جمعیت از علل گرایش به زندگی در بافت‌های درونی است (چون سالخورده‌گان به زندگی در محلات با قابلیت پیاده‌روی و فشرده‌تر علاقه مندترند) تطابق دارد (Wiley, & McConnell, 2010:2).

تأثیرات بازآفرینی در بافت میانی (رابطه دوم): قیمت بالای مسکن و بالتبع سود بالای سرمایه‌گذاری در این بافت، نتایجی را در داده‌های حاصل از تحلیل نشان می‌دهد. تأثیر قیمت مسکن به عنوان عامل مستقل بر ۱- وضعیت دموگرافی و ۲- تنوع کاربری و جذابیت این بافت (به عنوان متغیرهای وابسته) از یافته‌های مدل است. گرایش به این بافت در بین تمامی گروه‌های سنی (جذب جوانان و سالخوردگان) و گروه‌های متفاوت از نظر تأهل تأیید شد و در نتیجه باعث تنوع دموگرافی در این بافت شده است. از نظر تغییرات اجتماعی خروج طبقه کارگر، فقیر و بومی بافت و جایگزینی آنها با طبقاتی که توان خرید مسکن در این بافت را دارند، تأیید شد (T value=23/861). تنوع کاربری نیز که از پیامدهای گرایش زیاد به سرمایه‌گذاری به این بافت است، تأیید شد (جدول شماره ۸).

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۸ ارزش بالای زمین و مسکن در محدوده مورد مطالعه در درجه نخست ناشی از عامل "منزلت اجتماعی"، اصالت و سپس عامل "دسترسی" مناسب این بافت است. قیمت بالا هم انگیزه سرمایه‌گذاری و افزایش تراکم در این محدوده را به وجود آورده است. تأثیر جاذبه هسته شهر و نزدیکی به آن در قالب دو متغیر دسترسی آسان به مرکز شهر و هزینه پایین حمل و نقل سنجیده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد دسترسی پیاده به مرکز شهر در گرایش به بافت‌های میانی مؤثر است، اما به دلیل هزینه نسبتاً پایین حمل و نقل در ایران و فاصله نسبتاً کم بین بافت‌های حاشیه‌ای و حومه‌ها تا مرکز شهر اراک، متغیر هزینه حمل و نقل تأثیر چندانی در گرایش به این بافت ندارد.

تأثیر منزلت اجتماعی بافت میانی شهر اراک بر قیمت مسکن (رابطه نخست): بالاترین امتیاز t-value در بین عوامل تعیین کننده قیمت مسکن در بافت میانی شهر اراک را مربوط به عامل هویت، اصالت و منزلت اجتماعی نشان می‌دهد (جدول شماره ۸). یافته‌های مصاحبه عمیق با ساکنان این بافت نشان از منزلت اجتماعی این بافت در ذهن شهروندان این شهر دارد. یافته‌های تحقیق با نظر هولمزویست تطابق دارد. وی معتقد است محلات با پرستیژ دارای تشعشع و هاله‌ای از بزرگی، نجابت و عظمت هستند (Holmqvist, 2017: 43). بنابر نظر وبر تنها شرایط اقتصادی به تنهایی تعیین کننده پرستیژ این بافت نیست بلکه موقعیت منزلتی مشابه، ناشی از ارزیابی اجتماعی مثبت یا منفی است که "گروه‌های منزلتی" را پدید آورده است (Kubatova & Ghorbani, 2017:63). تحلیل مصاحبه‌های عمیق از ساکنان این بافت هم نشان داد منزلت بافت میانی شهر اراک یک نوع موقعیت منزلتی است نه موقعیت طبقه‌ای. یعنی پرستیژ این بافت تنها به دلیل وضعیت اقتصادی ساکنان آن نیست (هرچند در کنار عامل اجتماعی، این عامل هم جمع شده) بلکه اصالت و هویت این بافت است که در ذهن شهروندان این بافت از شهر را به عنوان "بافتی با اصالت" درآورده است (مصاحبه با ساکنان). همچنانکه هاروی اشاره دارد، زندگی در محله‌های مرفه بدون در نظر گرفتن پایگاه اقتصادی خود نوعی پرستیژ

References:

- Afrough, E (1998). fasa va nabarabari_e egtemaei [Space and Social Inequality], Tehran: daneshgah_e tarbiat modarres. [inPersian]
- Aini, m; Ardestani, Z. A. (2009). Heram-e bazafarini va mosharekat_e mardom, meyare arzyabi-e barnamehaye tosehaha_ye daronza_ye shahri [Pyramid of Regeneration and Public Participation, Evaluation Criteria for Urban Endogenous Development Programs], Hoviatshahr, 3 (5). [inPersian]
- AliAkbari, A & Akbari, M. (2017). modelsazi_e sakhtari-tafsiri avamel_e moaser bar zistpaziri kalanshahr_e Tehran [Interpretive-Structural Modeling of the Factors that Affect the Viability of Tehran Metropolis]. Barnamehrizi va amayesh_e faza, 21 (1), 1-31. [inPersian]
- Aminzadeh, B. & dadras, R. (2013). Bazafarini-e farhangmadar dar baft tarikhi_e Qazvin ba takid bar gardeshgari [Cultural Regeneration of Qazvin Historical Texture Based on Urban Tourism], Journal of Iranian Architecture Studies, 1(2), 99-108. [inPersian]
- Andersen, H. S. (2008). Why do residents want to leave deprived neighbourhoods? The importance of residents' subjective evaluations of their neighborhood and its reputation, Journal of Housing and the Built Environment, 23(2), 79-101.
- Ansari, E & SadeghiMoghadam, M.R. (2014). Shnasaei_etaein_e ravabet na sathbandi_e moharekhaye modiriat_e zangirah_e tamin_e sabz ba roykaed_e modelsazi_e sakhtari tafsiri [Identifying the Determination of Relationships and Leveling of Green Supply Chain Management Stimuli with Structural Interpretive Modeling Approach], Industrial Management Studies, 12(35), 123-150. [inPersian]
- Azam zadeh, M. & Jahangiri, Z (2014). Mogheait -e manzelati mahallah va essase amniat dar bine sakenan -e manategh -e shahr -e Tehran [The Dignity of the Neighborhood and the Sense of Security among the Residents of the Areas of Tehran], gameahshenasi -e nahadhaveegtmei , 1(2), 37-60. [inPersian]
- Barclay, D., Higgins, C., & Thompson, R. (1995). The partial least squares (PLS) approach to casual modeling: personal computer adoption and use as an Illustration. (Vol. 2).
- Bhatta, B. (2010). Analysis of urban growth and

۵. نتیجه‌گیری

بازتاب فضایی تفکیک منزلتی در فضاهای داخل شهرها، محلاتی را شکل می‌دهد که در درون خود افراد را با ویژگی‌های مشابه دور هم جمع می‌کند. همان طور که افشار پایین و گروه‌های قومی - نژادی جدایی‌گزینی را راهی برای هم صدایی و حفظ هویت خود می‌دانند، افشار منزلتی بالا هم با جدایی‌گزینی سعی در حفظ قلمرو مسکونی خود از نظر عادات و رفتار خاص خود دارند. در همین راستا این تحقیق به بررسی نقش جدایی‌گزینی گروه‌های منزلتی بالا و دسترسی به مرکز شهر در گرایش به بافت ارگانیک شهر اراک و تأثیرات آن بر بازآفرینی پرداخت. یافته‌ها بیانگر نقش غالب و مهم پرستیژ، اصالت و هویت این بافت در قیمت بالای زمین در این بافت و در نتیجه تخریب واحدهای مسکونی هنوز قابل استفاده، بود. قیمت بالای زمین و سودآوری سرمایه‌گذاری در این بافت باعث شده بافت میانی این شهر برخلاف نظریه برگس - که آن را بافتی با محله‌های افسرده با ظاهری اندوه‌بار و گاه مخروبه و محل سکونت مهاجران و طبقات کم درآمد شهری معرفی می‌کند- به منطقه‌ای جاذب و محل سکونت افشار بالای اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود. در درجه بعدی نقش عامل دسترسی آسان و پیاده این بافت به مرکز شهر، در ارزش بالای زمین این بافت تأیید شد (قرارگیری این دو عامل در ناحیه وابستگی). کم بودن هزینه حمل‌ونقل در تصمیم افراد در انتخاب این محلات برای زندگی به دلیل هزینه نسبتاً پایین حمل‌ونقل در ایران، نقشی نداشت. ارزش بالای زمین در محدوده مورد مطالعه باعث نوسازی و بازآفرینی به وسیله مالکان و سازندگان شده است (قرارگیری این متغیر در ناحیه پیونددهنده). بازآفرینی این بافت در تغییرات دموگرافی آن مؤثر بوده و باعث خروج ساکنان بومی و طبقات منزلتی پایین - به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی در این محلات به سبب اعیان سازی- شده است. تنوع کاربری از دیگر پیامدهای بازآفرینی در این بافت به دلیل سود بالای سرمایه‌گذاری بود که باعث تمایل بسیاری از شهروندان برای رفت‌وآمد، گشت زنی و صرف وقت در این محلات با پرستیژ گردیده و در نتیجه این سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های مختلف کاربری‌های متفاوتی را ایجاد نموده است (قرارگیری این دو متغیر در ناحیه مستقل). با توجه به این که محلات بااصالت و با جمعیت بومی فرصت‌های مناسبی را برای بازآفرینی ایجاد می‌کنند، باید دقت شود بازآفرینی منجر به اعیان سازی این محلات نگردد. با توجه به این که از یک سو، زمین در شهر به عنوان یک منبع کمیاب قلمداد می‌شود و تأمین زیرساخت‌های لازم برای توسعه بسیار هزینه‌بر است و از سوی دیگر، اراضی بافت میانی اراک دارای کشش و تقاضا برای سکونت شهروندان است، شایسته است مدیران شهری روند حاضر را به عنوان یک فرصت قلمداد کرده و نسبت به ارائه برنامه درخور به منظور استفاده کارآ از این اراضی اقدام نمایند. به نحوی که متناسب با افزایش تراکم و ساخت‌وسازهای مسکونی، تأسیسات زیربنایی، امکانات و خدمات روبنایی هم افزایش یابد.

- sprawl from remote sensing data, Springer Science & Business Media.
- Carnegie, A., & Norris, M. (2015). Strengthening communities, building capacity, combating stigma: exploring the potential of culture-led social housing regeneration. *International Journal of Housing Policy*, 15(4), 495-508.
 - Davari, A. & Rezazadeh, A. (2014). *Modelsazi_e moadelat_e sakhtari ba narmafzar PLS [Structural Equation Modeling with PLS Software]*, Tehran: gahaddaneshgahi. [inPersian]
 - Davis, M., & Monk, D. B. (Eds). (2011). *Evil paradises: Dreamworlds of neoliberalism*, The New Press.
 - DEPALMA, S. (2006). *Infill Development Standards and Policy Guide*. Center for Urban Policy Research, 2
 - Fung, W. M. (2012). Infill as catalyst for vivid urban fabric formation—A study on increasing walk-ability in Hong Kong. *Urban Design International*, 17(1), 18-32.
 - Ghaderi.s(2018). *Sakhtar_e egtetaeai va khoshehbandi egtetaeai-farkangi_e mahallat_e tehran [Social Stratification Structure and Socio-Cultural Clustering of Tehran Neighborhoods]*, mataleatna tahghighat_e egtetaeai dar iran, 7(4), pp. 731-761. [inPersian]
 - Ghorbani, r. (2004). *Tarakom va samandehi_e fazaha_ye shahri [Density and organization of urban spaces (Case study: Tabriz)]*, PhD thesis, University of Tabriz, Faculty of Humanities and Social Sciences. [inPersian]
 - Hair, J. F., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2011). PLS-SEM: indeed a silver bullet. *Journal of Marketing theory and Practice*, 19(2), 139-152.
 - Harvey, D. (1985). *Consciousness and the urban experience: Studies in the history and theory of capitalist urbanization (Vol. 1)*. Johns Hopkins University Press.
 - Holmqvist, M. (2017). *Leader communities: The consecration of elites in Djursholm*. Columbia University Press.
 - http://www.kharazmi-statistics.ir/fa/SamplePLS.as_
 - Izadi, P. hadiyani, Z, Hajinejad, A& Ghaderi, J. (2020). *Tahlil-e naghsh-e ham afzaei_ye miian nahadi dar bazafarini-e shahri ba estefadeh az roykard-e tahlil-e shabakah (motaleah moredi: mantaghah-e 8 shardari-e shitaz) [Analysis of the role of inter-institutional synergy in urban regeneration using network analysis approach (Case study: District 8 of Shiraz Municipality)]*, pazhoheshhaye Goghraphi ensani, 111, 241-261. [inPersian]
 - Johnson, J. (2015). *Delivering Infill Development: A London 2050 briefing paper*. Future of London.
 - Knox. P, Pinch. S (2009), *goghrafi_e egtetaeai_e shahrha [Social Geography of Cities]*, Translated by Mahmoud Shorcheh, Tehran: Parham Naghsh, 2018. [inPersian]
 - Kubatova, H., Ghorbani, A. (2017), *Shivahhaye zendegi da modernitah-e motaakher [Lifestyles in Late Modernity]*, tame_e zendegi, 2 (6), pp. 61-85. [inPersian]
 - Mafi, E., Arab, H., khodkameh, A. Parvin, M. Arian, S. (2017). *Baeasi_e zirsakhthaye shari da toseah kalbadi_e shahr (nemonah_e moredi: bogbord) [Investigation of Urban Infrastructure in Physical Development of the City (Case Study: Begnoard)]*, International Conference on Urban Management and Planning, Mashhad. [inPersian]
 - Mangen, S. P. (2004). *Inner City Europe: Socio-Economic Change and National Policy Responses*. In *Social Exclusion and Inner City Europe* (pp. 3-43). Palgrave Macmillan, London.
 - Massoud, M. ,Zamani, B. & Ebrahim Rezagah, H. (2019). *Barrasi_e tasir_e eghdamat_e bazafarini bar voghoe ayansazi dar mahllat_e nakaramad [Investigating the effect of regeneration measures on the occurrence of the phenomenon of aristocracy in dysfunctional neighborhoods; Case Study of Atabak and Khani Abad Districts of Tehran]*, Hoviatshahr, 13(39), pp. 78-63. [inPersian]
 - McConnell, V., & Wiley, K. (2010). *Infill development: Perspectives and evidence from economics and planning*. *Resources for the Future*, 10, 13.
 - MirMohammadi, M.R. (1996). *Tasir_ farhang_e eslami bar pidayesh_e shahrha [The effect of Islamic culture on the emergence of cities]*, Meshkat, No. 52(52), 79-88. [inPersian]
 - Mohsenin. Sh, Esfidani, M.R. (2017). *Moadelat sakhtari mobtani bar roykard_e haddeaghal_e morabbeat gozeibe komak_e narmafzar_e smart-pls [Structural equations based on the partial least squares approach using SMART-PLS software]*, Publisher, Tehran: Mehraban. [inPersian]
 - Naderi Bani, MEbrahimzadeh Pezeshk .R. Abolghasemi. M. & malekinezhad, p. (2017). *tarrahi_e model_e mafhomi_e dastyabi be karafarini sazmani ba roykard talfighi_e tahlil_e selseleh marateb_e fuzzy Mikhailovva modelyabi sakhtari_e*

تبیین عملکردی و شناسایی ارزش‌های مکان‌های عمومی رودخانه محور از منظر طراحی شهری^۱

سید مجتبی صفدرنژاد - پژوهشگر دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
سید عبدالهادی دانشپور^۲ - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
مصطفی بهزادفر - استاد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۶ خرداد ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش: ۶ شهریور ۱۳۹۸

چکیده

رودخانه‌ها، به واسطه عملکردهای متعدد، کیفیات متنوعی را برای انسان‌ها و سکونتگاه‌هایشان همراه دارند و مستقیم و غیرمستقیم، بر کیفیت زندگی آنها تأثیر می‌گذارند؛ اما تغییر سبک زندگی جوامع، ناآگاهی از ابعاد رودخانه‌ها و نگرش و توسعه تک‌بعدی، آسیب‌های فراوانی به این پدیده‌های طبیعی رسانده و موجب ناپایداری آنها شده است. این پژوهش، در پی خاطر نشان ابعاد رودخانه‌ها، اهمیت حفاظت آنها در حین توسعه، ضرورت دیدگاه فراگیر در مواجهه با رودخانه و چگونگی استفاده از رودخانه به عنوان محور مکان‌های عمومی در چارچوب طراحی شهری است. این پژوهش توسعه‌ای کاربردی، بر مبنای رویکرد کیفی متکی بر تجربه‌گرایی، به گردآوری داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی پرداخته و با انتخاب روش مطالعه میان‌موردی، از ابزارهای مشاهده و مصاحبه نیمه ساختاریافته در بازدیدهای میدانی رودخانه در شهرهای اردبیل، اصفهان، اهواز و رشت بهره گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تحلیل‌های کیفی (تلیخیص، دسته‌بندی) در کنار تحلیل‌های کمی آماری استفاده شده و اعتبار نتایج، بر اساس اظهار نظر تضمین شده در موارد کیفی و بررسی آزمون اسمیرنوف و T-تک نمونه‌ای در تحلیل کمی بررسی شده است. پژوهش حاضر، نقش‌ها، ارزش‌ها و کیفیات رودخانه را در قالب مؤلفه‌های نظام‌های مطالعاتی زیست‌محیطی / اکولوژیکی / کالبدی / فضایی، عملکردی، اقتصادی، اجتماعی / فرهنگی، ادراکی / روانی و ... تدوین کرده و به مقایسه تطبیقی وضعیت آنها در شهرهای بیان شده، پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به تنوع عملکردها، ارزش‌ها و نیز ابعاد رودخانه‌ها هرگونه توسعه مرتبط با آنها، باید با دیدی جامع‌نگر انجام شود. به علاوه، توجه به آب، ویژگی‌ها و تأثیرات آن، به مثابه مهم‌ترین عامل تمایز مکان‌های عمومی رودخانه محور، باید با اتخاذ رویکردهای مناسبی از جمله در زمینه فعالیت‌ها، در مکان‌سازی مبتنی بر رودخانه مورد توجه قرار گیرد. برخی کاربردهای پژوهش حاضر، عبارتند از: یکپارچه‌سازی برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت رودخانه‌ها، مکان‌سازی و بازآفرینی پایدار با محوریت رودخانه‌ها، بازنگری اسناد توسعه شهری، بازنگری قوانین مرتبط و ...

واژگان کلیدی: طراحی شهری، رودخانه، مکان‌های عمومی، رودخانه محوری.

نکات برجسته

- ایفای نقش‌های متعدد و متنوع توسط رودخانه‌ها و ارزش‌ها و کیفیات فراوان آنها برای سکونتگاه‌های انسانی و ساکنان آن‌ها
- منوط بودن بهره‌برداری از مزیت رقابتی رودخانه شهری به برنامه و طرحی جامع و فراگیر و مدیریتی کل‌نگر، فرابخشی، هوشمندانه و خلاق
- ضرورت توجه به ویژگی‌های محوری رودخانه و استفاده آن‌ها به عنوان مؤلفه‌های شکل‌دهنده شخصیت مکان‌های عمومی مبتنی بر رودخانه‌های شهری در برنامه‌ریزی و طراحی

۱ مقاله حاضر، برگرفته از رساله دکتری شهرسازی مجتبی صفدرنژاد با عنوان «بازآفرینی رودخانه‌های شهری به مثابه مکان‌های عمومی پایدار» است که با گرایش طراحی شهری، در دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران به راهنمایی سید عبدالهادی دانشپور و مشاوره مصطفی بهزاد فر در حال تهیه و تدوین است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: Daneshpour@iust.ac.ir

۱. مقدمه

رودخانه‌ها در مکانیابی، پیدایش و توسعه سکونتگاه‌ها مؤثر بوده و کیفیات گوناگونی را به آنها عرضه کرده‌اند. چالش کنونی کشور در زمینه آب، موضوع سلامت و کیفیت آب رودخانه‌ها را پراهمیت‌تر ساخته است؛ اما حفاظت توأمان از آنها ضمن پاسخ به دغدغه چگونگی مواجهه با رودخانه در توسعه سکونتگاه‌ها و بهره‌برداری از این موهبت به نفع عموم، به شناخت ابعاد، عملکردها و ارزش‌هایشان در حوزه علوم مختلف بستگی دارد. درک اهمیت رودخانه‌ها موجب می‌شود ضمن پرهیز از بخشی‌نگری در برنامه‌ریزی، مدیریت و بهره‌برداری از آنها، وفاقی‌جمعی میان مردم، مسئولان و متخصصان فراهم آید که زمینه‌ساز بهره‌گیری از رودخانه به منظور ارتقای کیفیت زندگی است. توسعه شتابان و تغییر سبک زندگی جوامع، رودخانه‌ها را دچار ناپایداری‌های روزافزون کرده، قابلیت‌هایشان را به چالش کشیده و آنها را به مسائل متعددی از جمله فراموشی تدریجی عملکردها، ارزش‌ها و کیفیت‌های مثبت رودخانه برای انسان‌ها و سکونتگاه‌ها، آسیب‌دیدگی توأمان انسان‌ها، سکونتگاه‌ها و رودخانه‌ها، نگرش منفی، برنامه‌ریزی بخشی و مدیریت جزیره‌ای در سطوح مختلف نظام‌های مطالعاتی مرتبط، ابهام در چگونگی استفاده همه‌سویان از رودخانه‌ها به عنوان مزیت رقابتی شهرها و مکان‌های عمومی مبتنی بر آنها مبتلا کرده است. این پژوهش، با مرور نقش‌ها، ارزش‌ها و کیفیات رودخانه‌ها، ضمن تأکید بر ضرورت حفاظت آنها درصدد است که اهمیت آنها را برای سکونتگاه‌ها و ساکنان آنها موردبررسی و تأکید دوباره قرار دهد و ضرورت توجه همه‌جانبه به این پدیده‌های طبیعی را متذکر شود، ضرورت تغییر نگرش نسبت به رودخانه‌ها و اجتناب از برنامه‌ریزی و مدیریت بخشی در مقیاس و نظام‌های مطالعاتی مختلف را یادآور شده و اهمیت اتخاذ دیدگاه جامع و فراگیر را نشان دهد و در چارچوب طراحی شهری، چگونگی محوریت رودخانه را به‌عنوان عامل تمایز مکان‌های عمومی مبتنی بر آنها تبیین کند. بر این اساس، اهداف اصلی پژوهش شامل «مرور و تبیین نقش‌ها، ارزش‌ها و کیفیات رودخانه‌ها برای سکونتگاه‌ها همراه با تبیین ابعاد رودخانه محوری در شهر و مکان‌های عمومی مبتنی بر رودخانه» و اهداف فرعی شامل «تبیین ابعاد مختلف رودخانه‌های شهری در تطابق با نظام‌های مطالعاتی علوم مختلف و تبیین ضرورت اتخاذ رویکرد کل‌نگر در مواجهه با رودخانه‌های شهری» است. در این راستا، پژوهش حاضر، درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست: «رودخانه‌ها، چه نقش‌ها و عملکردهایی دارند؟ ارزش‌ها و کیفیات آنها برای سکونتگاه‌ها چیست؟ مکان‌های عمومی مبتنی بر رودخانه، چگونه می‌توانند متمایز باشند؟ ابعاد رودخانه شهری چیست؟ چرا مواجهه با رودخانه‌ها به رویکرد کل‌نگر نیاز دارد؟»

یادآوری ارزش‌های رودخانه برای انسان و سکونتگاه‌ها، کمک می‌کند که با همکاری علوم مرتبط، ضمن کاهش خطرات بالقوه، حداکثر استفاده از رودخانه‌ها در راستای افزایش کیفیت زندگی صورت پذیرد. ضرورت این موضوع از آنجاست که علی‌رغم اقلیم خشک کشور، تعداد قابل‌توجهی از شهرهای آن، رودخانه‌هایی دارند که نادیده انگاشتنشان، ضمن محروم کردن شهروندان از قابلیت‌های بالقوه، بر مخاطرات طبیعی دامن می‌زند. آشنا ساختن متخصصان و مدیران

با ابعاد رودخانه و انتظارات از آن، ضرورت دیگری است که موجب همسویی، جامع‌نگری و همکاری بین بخشی میان متخصصان و مدیران نظام‌های مطالعاتی و اجرایی مرتبط می‌شود. از سویی، مکان‌های عمومی مبتنی بر رودخانه، به‌عنوان محل تلاقی شهر، مردم و رودخانه، باید ارتباط بهتری با رودخانه-به‌عنوان عامل محوری- برقرار کنند؛ موضوعی که در اکثر پژوهش‌ها مغفول مانده است.

۲. چارچوب نظری

«رودخانه»، جای عبور رود (Moien, 2006, 1188) و جریان طبیعی آب است که به اقیانوس، دریاچه یا ... تخلیه می‌شود (Dictionary, H. A.). رودخانه شهری، مسیریابی است که پیش‌تر طبیعی بوده و اکنون، از محدوده‌ای پرجمعیت عبور می‌کند (Ihan & Özdemir, 2014). کرانه آبی شهرها، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات کنونی برنامه‌ریزی و طراحی شهری، در کنار نقش‌های متنوع خود، به‌واسطه عملکرد جدیدش فضای باز عمومی برای تفریح و گردشگری-مسبب مدل متفاوتی از یکپارچگی آب و شهر شده‌اند (Al-Shams, et al., 2013). طراحی شهری این کرانه‌ها، به‌عنوان دانشی که تمرکز اصلی آن بر آفرینش مکان‌هایی برای مردم یا به عبارتی «مکان‌های پایدار» است (Golkar, 2005, 2)، در صورت رسیدن به تعادل با حفاظت اکولوژیک، توانایی تأثیرگذاری زیادی در تبدیل دوباره رودخانه‌ها به بستر زندگی (Seidabadi & Sardarreh, 2013, 1)، همسو با مفهوم پیوستگی به‌عنوان مسیری مشترک برای لحاظ توأمان نیازهای زیست‌محیطی رودخانه و حضور انسان‌ها و نیز تجمیع نظرات متخصصان مختلف برای رسیدن به رودخانه‌های زنده و پایدار دارد. این پیوستگی، ضمن حفظ چرخه طبیعی، موجب بازدهی اجتماعی بالایی خواهد شد که خود باعث رونق اقتصادی می‌شود (Ibid, 8). بر این مبنا رودخانه‌ها به‌عنوان فضای شهری می‌توانند طی فعالیت انسان مبنای مکان‌سازی به مکان عمومی دگرذیسی یابند و ارتباط متقابل انسان، طبیعت، جامعه و شهر با هم را فراهم کرده، بر هویت مکانی شهروندان، حس تعلق به رودخانه، حفاظت زیست‌محیطی و تجربه ارتباط با طبیعت بیفزایند. پیشینه تحقیق حاکی است که لنسینگ و همکاران معتقدند که رودخانه ممکن است زیستگاه گونه‌های ارزشمند، منتقل‌کننده رسوبات و مواد مغذی برای حفظ جوامع بیولوژیک و یا تولیدکننده برق باشد (Lansing et al., 1998). بریسمار، سه محصول آن را شامل آب تازه، نیروی برق‌آبی و ماهی‌های بومی و خدماتش را شامل جابه‌جایی و رقیق‌سازی آلاینده‌ها، تصفیه جزئی آب، تثبیت بدنه‌ها، تر کردن و بارورسازی دشت‌های سیلابی و دلتاها، ذخیره آب در دشت‌های سیلابی و کنترل فرسایش دلتاها مطرح نموده است (Brismar, 2002). بارک و همکاران دامنه خدمات آن را شامل خدمات تأمین (غذا، مواد خام، آب تازه و منابع دارویی)، خدمات تنظیم (تنظیم اقلیم و کیفیت هوای محلی، حبس و ذخیره کربن، اعتدال رویدادهای بحرانی مانند سیلاب، بهبود پساب، جلوگیری از آلاینده‌ها، گرده‌افشانی و کنترل بیولوژیکی)، زیستگاه یا خدمات پشتیبانی (زیستگاه‌های گونه‌ها و حفظ تنوع ژنتیکی)، خدمات فرهنگی (تفریح و سلامت فیزیکی و روانی، گردشگری، درک زیبایی‌شناسانه و منبع الهام فرهنگ و هنر و طراحی، تجربه معنوی و حس مکان) معرفی می‌کنند (Bark et al., 2011). اورارد

میان موردی» را برای بررسی وضعیت مفاهیم نظری استخراج شده از ادبیات اتخاذ نموده تا ضمن پیمایش‌های میدانی داده‌های لازم را برای توصیف، تحلیل و مقایسه تطبیقی میان نمونه‌های موردی گردآوری کند.

۳.۱. گردآوری داده‌های موردنیاز

پژوهش حاضر مشتمل بر دو قسمت اصلی است:
الف- استخراج عملکردها و کیفیات رودخانه‌ها و بررسی ضعف و قوت نمونه‌های موردی از این نظر و ارائه پیشنهادها و
ب- بررسی نظرات مخاطبان مردم- در مورد استفاده عمومی از رودخانه‌ها و وجه تمایز مکان‌های عمومی مبتنی بر آنها.
از این رودخانه‌های موردنیاز پژوهش به ترتیب زیر گردآوری شده‌اند:
- مطالعات کتابخانه‌ای: که در آن ضمن بررسی کتب و مقالات، بخشی از عملکردها و کیفیات رودخانه استخراج شده است.
- مطالعات میدانی: که بر اساس آن برخی دیگر از عملکردها/ ارزش‌ها و کیفیات، از طریق پیمایش میدانی پژوهشگران در شهرهای رودخانه‌ای و مشاهده به دست آمده است. به علاوه در ضمن پیمایش‌های میدانی، وضعیت نمونه‌های موردی، بر مبنای موارد استخراج شده از مطالعات نظری، بررسی و مقایسه تطبیقی شده است. از سوی دیگر، مصاحبه نیمه ساختاریافته با مخاطبان حاضر در محدوده‌های مورد مطالعه انجام شده و نقاط ضعف و قوت رودخانه‌ها، شروط استفاده عمومی از رودخانه‌ها و نیز عوامل متمایزکننده مکان‌های عمومی مبتنی بر آنها بررسی شده است. همچنین از پرسشنامه بسته (از ابزارهای شیوه کمتی) برای بررسی میزان موافقت مخاطبان با استفاده عمومی از رودخانه‌ها به کار برده شده است.

نمونه‌های موردی: با توجه به تعدد رودخانه‌های کشور، تعدادی از آنها با توجه به آمال پژوهش در خصوص استفاده از رودخانه‌ها به عنوان مکان‌های عمومی، از میان شهرهایی انتخاب شده‌اند که از نظر رابطه میان مردم، شهر و رودخانه، آوازه بیشتری دارند و در اقلیم‌های مختلف واقع هستند. بر این اساس شهرهای اردبیل، اصفهان، اهواز و رشت به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب شده‌اند (تصاویر شماره ۱ تا ۴).

۳.۲. جامعه آماری و نمونه آماری

مردم شهرهای منتخب، جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. بنا بر انتخاب روش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته با مردم حاضر در محدوده رودخانه‌های منتخب برای گردآوری داده‌ها، حد اشباع پاسخ‌ها، به عنوان حد کفایت حجم نمونه آماری در نظر گرفته شده است. بر این اساس، در اصفهان ۵۱ نفر، در اردبیل ۴۷ نفر، در اهواز ۴۲ نفر و در رشت ۵۶ نفر و در مجموع ۱۹۶ نفر به شیوه نمونه‌گیری غیر تصادفی از نمونه‌های در دسترس در جوار بارودخانه مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند.

۳.۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

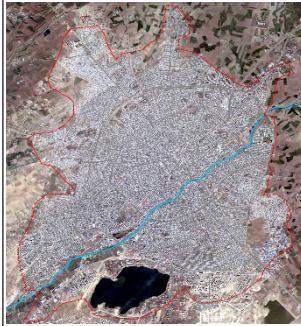
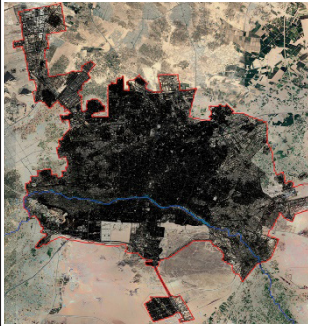

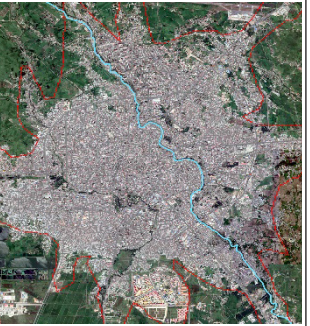
در تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. در روش کمی، داده‌ها از طریق آمار توصیفی و استنباطی، تجزیه و تحلیل شده و نتیجه لازم استخراج و پس از اعتبارسنجی ارائه

و موگریدج بخشی از ارزش رودخانه‌ها را شامل تأمین آب تازه، غذا و ... مطرح می‌کنند (Everard & Moggridge, 2012, 299-301). تی مور، تأثیرات آب را شامل تأثیرات عملکردی (آسایش اقلیمی، کنترل سروصدا، سیکرولاسیون، تفریحی) و تأثیرات زیبایی شناسانه (بصری، شنیداری، لمسی و روانی) معرفی می‌کند (Timur, 2013). ماکوکنایت و پویلاتین، دیدگاه‌های مختلف را به چهار گروه عملکردی (رودخانه: یک‌دنده عملکردی)، اجتماعی (رودخانه: یک فضای باز عمومی)، اکولوژیکی (رودخانه: تثبیت‌کننده اکولوژیکی)، بصری (رودخانه: شکلی از هویت بصری) دسته‌بندی می‌کنند (Mačičuk & Povolaitienė, 2013, 33-34). هاورانکو، قابلیت‌های پایه رودخانه در فضاهای شهری را شامل محل‌های دیدار در محیط طبیعی نزدیک، مکان مشاهده فرایندهای طبیعی، مانع منفی در نفوذپذیری شهر، شریان‌های حمل و نقل، تولید خرد اقلیم و پدیده‌ای که بو و صدا را به محیط می‌آورد، معرفی می‌کند (Havráňková, 2014, 415). مرکز اروپایی احیای رودخانه، مزایای اجتماعی احیای رودخانه‌ها را شامل بهروزی فیزیکی و روانی، تفریح، همبستگی اجتماعی، زیبایی، آموزش و فرهنگ معرفی می‌کند. الکوئیست و همکاران به تنظیمات خرد اقلیم، تنظیم آب، کاهش آلودگی‌ها، تأثیرات سلامتی، زیستگاه‌ها و خدمات فرهنگی اشاره می‌کنند (Elmqvist, et al. 2015). کویباک و همکاران عملکردهای رودخانه را هیدرولوژیکی، بیولوژیکی، متروپولوژیکی، اجتماعی-آموزشی، تفریحی، فرهنگ‌سازی و زیرساختی معرفی می‌کنند (KUBIAK et al., 2017). گری مور (بی‌تا)، ارزش‌های رودخانه را فرصت‌های تفریح و طبیعت‌گردی، لذت از منظره، مکان مراسم و مرجع روایات فرهنگی، ارائه اطلاعات علمی و آموزشی، بهبود کیفیت محیط‌زیست محلی، محل اجتماعات خانوادگی و رویدادهای اجتماعی، الهام‌بخش هنر و فرهنگ، زیستگاه حیات وحش، منبع فرهنگ و تاریخ جامعه، یاری سلامت روانی و کنترل بیماری‌های عفونی معرفی می‌کند (Graymore). کرامتی، نقش معنایی و کارکردی آب را بررسی کرده، اما مستقیماً به رودخانه نپرداخته است (Karamati, 2005).

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌ها، در حاشیه موضوع مورد بررسی خود، جنبه‌هایی از نقش و ارزش رودخانه‌ها را بررسی کرده‌اند. به خصوص پژوهش‌های داخلی در بررسی جامع این موضوع تلاش نکرده و اشاراتی محدود به برخی عملکردها یا کیفیات رودخانه‌ها داشته‌اند. به علاوه، پژوهش‌های یادشده نحوه محوریت رودخانه در سکونتگاه‌ها و مکان‌های عمومی را بررسی نکرده‌اند.

۳. روش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های توسعه‌ای-کاربردی به حساب می‌آید که با یادآوری نقش‌ها و عملکردهای رودخانه‌ها و کیفیت‌ها و ارزش‌های آنها برای انسان‌ها و سکونتگاه‌ها، به اصلاح نگرش و دیدگاه بخشی و محدود مدیریت شهری و کارشناسان علوم مرتبط با رودخانه (از جمله برنامه‌ریزی و طراحی شهری) اهتمام ورزیده و اهمیت جامع‌نگری را در راستای حفاظت و استفاده از آنها گوشزد نماید. به علاوه پژوهش حاضر در تلاش است تا چگونگی محوریت رودخانه را در مکان‌های عمومی مبتنی بر این پدیده طبیعی بررسی کند. پژوهش حاضر، مبتنی بر پارادایم تجربه‌گرایی و رویکرد کیفی است و در این راستا، روش «مطالعه

شهر اردبیل؛ رودخانه بالیخلوچای؛ اقلیم سرد	شهر اصفهان؛ رودخانه زاینده رود؛ اقلیم گرم و خشک	شهر اهواز؛ رودخانه کارون؛ اقلیم گرم و مرطوب	شهر رشت؛ رودخانه زرجوب؛ اقلیم معتدل و مرطوب
			
تصویر (۱). اردبیل	تصویر (۲). اصفهان	تصویر (۳). اهواز	تصویر (۴). رشت

۳.۵. ساختار و فرایند پژوهش

تصویر شماره ۵، ساختار پژوهش را نشان می‌دهد. با بررسی منابع مختلف، نقش‌ها/ کیفیات رودخانه‌ها، شناسایی و با بازدید میدانی و مشاهده پژوهشگران، در تکمیل آنها تلاش شده است. در گام دوم، یافته‌ها، برحسب نظام‌های مطالعاتی، تلخیص و دسته‌بندی شده‌اند. در ادامه در چارچوب طراحی شهری، چگونگی استفاده از ویژگی‌های رودخانه در مکان‌های عمومی مبتنی بر آن بررسی گردیده است. سپس به بررسی تطبیقی ماحصل ادبیات موضوع در نمونه‌های موردی و استخراج نقاط ضعف و قوتشان از دید پژوهشگران و مردم و ارائه پیشنهادها کلی پرداخته شده است. به علاوه از طریق مصاحبه، میزان موافقت مردم با استفاده رودخانه به‌عنوان مکان عمومی و عامل تمایز آن بررسی شده است.

۴. بحث، تحلیل و یافته‌های پژوهش

۴.۱. تحلیل محتوای نظری و میدانی نقش و عملکرد، ابعاد و چگونگی مواجهه با رودخانه‌ها

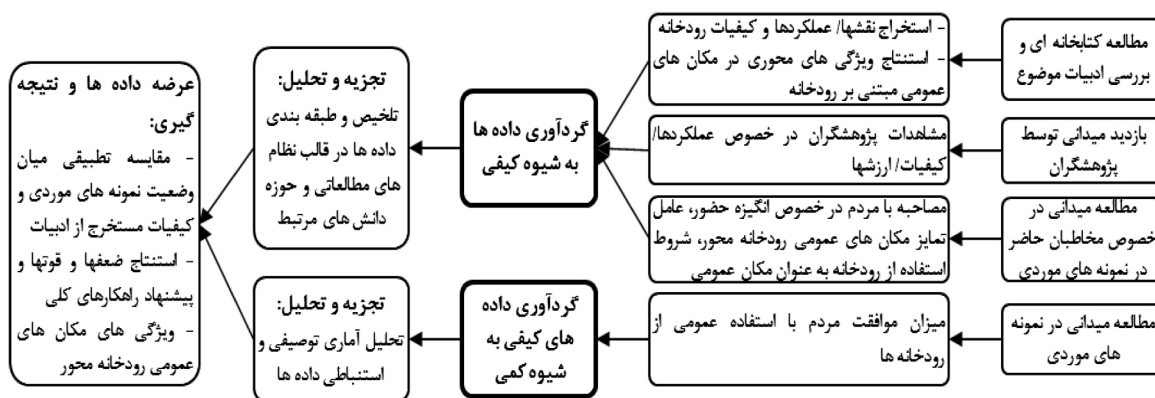
بررسی پیشینه پژوهش، مطالعه کتابخانه‌ای و بازدیدهای میدانی با توصیف عامدانه‌شان، همراه با بیان مصادیق بومی و منابع پشتیبان آنها در راستای هدف کاربردی پژوهش در زمینه آشناسازی با ابعاد فراموش شده رودخانه‌ها ضرورت طبقه‌بندی نقش و عملکردها را به شکل زیر اجتناب‌ناپذیر می‌سازد:

«چرخه آب»: تأمین بخشی از بخار آب و هدایت آب باران و برف

شده است. در روش تحقیق کیفی نیز داده‌های گردآوری شده از طریق مشاهده و مصاحبه، براساس روش‌های علمی، مورد تلخیص، طبقه‌بندی، مقایسه تطبیقی و نتیجه‌گیری لازم (وجه تمایز مکان‌های عمومی رودخانه‌ای، قوت‌ها و ضعف‌ها و پیشنهادها کلی) قرار گرفته و عرضه شده است. نقش‌ها/ عملکردها/ کیفیات/ ارزش رودخانه که از ادبیات موضوع و مشاهدات پژوهشگران به صورت توصیفی، استخراج و گردآوری شده‌اند، به روش تلخیص و طبقه‌بندی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در قالب جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند. به علاوه چگونگی استفاده از رودخانه به‌عنوان مکان عمومی، از تحلیل منطقی همین جدول صورت گرفته است.

۳.۴. شرایط پذیرش نتایج (روایی و پایایی)

اعتبارسنجی پژوهش‌های مبتنی بر تجربه‌گرایی، در قالب اظهارنظر تضمین شده و خطا نبودن فرایند صورت می‌گیرد (Mohammadpour, 2011, 75-76). در این پژوهش، اعتبار درونی (روایی)، از طریق بررسی ادبیات موضوع در خصوص ارزش‌ها و عملکردهای رودخانه در تطابق با مصادیق بومی پیمایش شده صورت گرفته و با بازدیدهای میدانی از نمونه‌های موردی منتخب کنترل شده است. اعتبار بیرونی (پایایی) در خصوص کیفیات و عملکردها با بررسی میان موردی و مقایسه تطبیقی میان چهار نمونه موردی با ماحصل ادبیات موضوع صورت گرفته است. پایایی موافقت مردم با استفاده رودخانه‌ها به‌عنوان مکان‌های عمومی نیز از طریق آمار استنباطی بررسی شده است.



تصویر شماره ۵: فرایند پژوهش و روش گردآوری و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر

آبرفتی بستر رودها تأمین می‌شود. شن چاله‌های رودخانه کن در منطقه ۱۸ تهران و معضلاتشان، ناشی از سوءاستفاده از همین نقش رودخانه است.

«انسجام یا گسست کالبدی، فضایی و اجتماعی»: در مقیاس سکونتگاه‌ها، اغلب محلات همجوار رودخانه، انسجام فضایی و کالبدی دارند که البته لزوماً به انسجام فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نمی‌انجامد. انسجام اجتماعی و فرهنگی می‌تواند در سطح یک یا چند محله (محلات مجاور زاینده‌رود در اصفهان)، شهر (اصفهان)، چند شهر (زاینده‌رود برای شهرهای مجاورش)، چند شهر از چند کشور (دانوب برای وین، براتیسلاوا، بوداپست و بلغراد) رخ دهد. رودخانه‌ها با توجه به عرض، عمق، دبی، شیب بدنه‌ها و ... می‌توانند سبب گسست کالبدی، فضایی و اجتماعی در دو سوی خود، همچون محلات گلسار و ساغریسازان رشت در دو طرف رودخانه زرجوب شوند.

«بهروری فیزیکی و روانی»: رودخانه‌ها، با آثار حس طراوت، آرامش و ... بر جسم و روح انسان، عامل بهروزی فیزیکی و روانی آنها هستند.

«سلامت بیولوژیک شهر»: وابسته به تعامل محیط‌های انسان ساخت و طبیعی از جمله رودخانه‌هاست (Lang, 2012, 36).

«تأمین غذا»: برخی جانوران و گیاهان آبی / کنار آبی، از جمله ماهیان، منابع غذایی جوامع محلی محسوب می‌شوند.

«منبع جاذبه گردشگری طبیعی و شهری»: رودخانه، از جاذبه‌های گردشگری شهری (Habibi & Safdarnejad, 2016, 39) و جاذبه‌های گردشگری طبیعی است که به‌واسطه مسافت کوتاه دسترسی، نقش مهمی را به‌عنوان تفرجگاه محلی (مانند دربند و درکه تهران) ایفا می‌کند.

«بستر گذران اوقات فراغت»: فضاهای لبه رودخانه، نقش بسزایی در گذران اوقات فراغت دارند (Rastegari, 2010, 56). در این زمینه می‌توان زاینده‌رود اصفهان، لبه کارون و تفرجگاه‌های دربند، درکه و فرحزاد را نام برد.

«اشتغال و تأمین معاش ساکنان»: رودخانه‌ها از طرقی همچون ماهیگیری، جابه‌جایی کالا و مسافر، ساخت شناور، پرورش آبزیان، صنایع دستی، گردشگری و ... به اشتغال مستقیم و غیرمستقیم ساکنان و تأمین معاش آنها کمک می‌کنند.

«نیروی آب»: رودخانه‌ها فارغ از مقیاس و اندازه، قادرند با نیروی آب در حال حرکت، کارهایی از قبیل چرخاندن چرخ‌ها (مانند آسیاب‌های آبی قدیمی دزفول و شوشتر) یا توربین‌های جدید) جابه‌جایی بار، مسافر و ... را انجام دهند.

«انرژی تجدیدپذیر»: رودخانه‌ها در تولید برق آبی جریان‌ی یا ذخیره‌ای مؤثر هستند (I.H.P, 2015). نیروگاه برق آبی احداثی در سازه‌های آبی شوشتر نمونه این موضوع است.

«کاهش اثرات جزایر حرارتی»: رودخانه ممکن است تا ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد در این موضوع مؤثر باشد (Hathway & Sharples, 2014).

«تنظیم شرایط محیطی»: شهرهای کهن کشور از مساعدت‌های طبیعی برای بهبود شرایط سکونت استفاده کرده و نامساعدت‌ها را محدود کرده‌اند (Shieh, 1998, 4). جهت‌گیری مناسب بافت و معابر نسبت به رودخانه، می‌تواند به استفاده از خنکی آن تا عمق محدودی

(Qargozlou, 2011, 20) برعهده رودخانه‌هاست.

«زهکشی حوضه آبخیز»: آب حاصل از نزولات جوئی، به خروجی آبخیز -رودخانه- هدایت و از آن خارج می‌شوند (Velayati, 1996).

«تبادل آبی»: رودخانه‌ها در بخش‌هایی از مسیر سفره زیرزمینی را تغذیه می‌کنند و یا به وسیله آن تغذیه می‌شوند.

«هدایت سیلاب»: رودخانه علاوه بر هدایت سیلاب، در صورت سلامت دشت سیلابی خود آن را جذب نموده و جان و مال جوامع ساکن پایین دست رودخانه را حفظ و نیاز جانوران و گیاهان را برای بقا و تکثیر فراهم می‌کند (Rivers, 2018).

«زیستگاه»: رودخانه‌ها، زیستگاه‌های غنی و مهمی هستند (Matloch, 2000, 156) که این ویژگی، گاه مانند بالیخولوچای اردبیل به معنی رودخانه ماهی‌دار، برنام آنها هم اثر گذاشته است.

«کریدور مهاجرت وحوش»: برای آبیانی مثل ماهیان دریای خزر، مهاجرت به سرچشمه رودها تنها مسیر تکمیل چرخه حیات محسوب می‌شود.

«تغذیه خاک و تولید خاک حاصلخیز»: رودخانه، به ایجاد زمین‌های کشاورزی حاصلخیز در دشت سیلابی و دلتاها کمک می‌کند. دلتاها، زمینه‌های پرورش و لانه‌سازی گونه‌های متعددی از ماهیان و پرندگان و شکل‌گیری تمدن‌ها را فراهم کرده‌اند.

«کنترل ریزگردها، طوفان‌های شن و نمک»: رودخانه‌ها، با تغذیه تالاب‌ها و دریاچه‌های آب‌شور و خیس و سنگین کردن خاک‌های ریزدانه و ایجاد پوشش گیاهی از بروز پدیده ریزگردها (مانند اثر خشکی هورالعظیم بر اهواز) و طوفان‌های شن (مانند اثر خشکی دریاچه هامون بر سیستان) و نمک (مانند اثر خشکی احتمالی دریاچه ارومیه بر اطراف) جلوگیری می‌کنند.

«اکوسیستم باز»: این اکوسیستم باز و پیوسته از ابتدا تا انتها در تغییر و تحول فیزیکی و شیمیایی است (Zandieh & Jaferman, 2009, 23).

«تسهیل و تحدید مکانیابی، شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه»: رودخانه، از عوامل مهم مکانیابی، شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌هاست (KavKabi & Aminzadeh, 2007, 106). برپایی شهرهای ایران در کنار رودها و دریا (Pakzad, 2012, 548) و (Rahnamaei, 2002, 151) از جمله

هسته اولیه دزفول و شیراز در کنار رودخانه‌های دز و خشک در همین راستاست. رودخانه‌ها می‌توانند عامل محدودکننده توسعه نیز باشند.

«منابع سطحی آب»: رودخانه‌ها از مهم‌ترین منابع آب شرب، کشاورزی و صنعت هستند. در کشور ما عمده فعالیت‌های گذشته در خصوص رودخانه‌ها مثل سازه‌های آبی شوشتر، مادی‌های اصفهان و نظام

آبیاری باغات سمnan، برای استفاده از نیروی آب، هدایت آب و تأمین آب کشاورزی، برقراری ارتباطات زمینی و آبی، کنترل و هدایت سیلاب بوده است. همچنین برخی صنایع کوچک و بزرگ به دلیل ارتباط با

رودخانه (حصیربافی‌ها، لنج‌سازی‌ها، مزارع پرورش ماهی، تولید شن و ماسه) و یا نیاز به آب (صنایع فولاد) در کنار رودخانه‌ها شکل گرفته‌اند.

«حمل و نقل آبی»: رودخانه‌ها برحسب نوع و مقیاسشان از مجراهای حمل و نقل آبی هستند که با استفاده از انواع شناورها می‌توان افراد یا کالاهای را با اهداف مختلف بازرگانی، تفریحی و یا نظامی در آنها جابه‌جا کرد.

«منبع مصالح خام»: قسمت اعظم شن و ماسه مصرفی کشور از منابع

«غناى حسی»: رودخانه می‌تواند موجب غناى حواس مختلف شود. درزمینه غناى دیداری، فرم رودخانه (تصویر شماره ۶) از نظر شکل هندسی پلان (Aabfa, 2010, 18) تأثیرگذار است. فرم لبه نیز، تأثیر مهمی بر تصویر ذهنی بیننده دارد (Matloch, 2000, 159). مقطع عرضی رودخانه (تصویر شماره ۷) بر محصوریت فضای رودخانه و پیوستگی جداره‌ها تأثیرگذار است. رنگ آب و رنگ بستر از دیگر عوامل مؤثر است (Ibid, 161) که حتی بر نام رودخانه‌ها مانند قره‌سو به معنی آب سیاه تأثیرگذار بوده است. سطح آب و تغییرات آن بر اثر باد، برخورد اشیا و یا برخورد با لبه‌ها (Matloch, 2000, 160-161) هم بر غناى دیداری تأثیر می‌گذارد. سرعت حرکت آب (آرامش یا خروش آن) و بافت آب از دیگر کیفیات بصری هستند (Ibid, 161). تلاؤ و انعکاس، عامل دیگر جذابیت بصری است که می‌تواند تحت تأثیر حرکت آب و وزش باد، پی‌درپی تغییر کند و بر پویایی محیطی و غنی‌تر شدن حظ بصری بیفزاید (تصویر شماره ۸) (Ibid, 163-164). پرواز پرندگان، حرکت ماهی‌ها و ... از دیگر جذابیت‌های بصری رودخانه هستند. به علاوه رودخانه‌ها با منظر صوتی خود (صدای آب، باد، آواز پرندگان و ...) بر غناى شنیداری تأثیرگذارند (Shahabian & Larimian, 2015, 237). رودخانه‌ها می‌توانند به واسطه بوی آب، نم خاک، عطر گل‌ها، بوی غذا و ... با منظر رایحه‌ای خود بر غناى حس بویایی اثر بگذارند. گوارایی آب، طعم سبزی‌های صحرایی، میوه‌های درختان و ماهی‌های صید شده هم می‌تواند موجب غناى حس چشایی باشد. رودخانه‌ها به واسطه لمس آب و احساس سردی و لطافت آن، لمس سنگ‌ها، گیاهان و ... بر غناى حس بساواپی نیز مؤثر هستند. «فضای شهری»: رودخانه، پل‌ها و اسکله‌ها، نوعی فضای شهری و بستر تعاملات اجتماعی هستند (Pakzad, 2006, 84). «مسکن دائم یا موقت»: رودخانه‌ها، محل اسکان دائم یا موقت گروه‌هایی مانند صیادان در قایق‌ها یا کلبه‌های شناور از جمله در تالاب انزلی، روستای سراخیه خوزستان و یا خانه‌های قایقی کرالای هند محسوب می‌شوند. «ارتباط انسان و محیط»: نیاز انسان به ارتباط با محیطش (جامعه، شهر و طبیعت) می‌تواند در رودخانه‌ها از مهم‌ترین عناصر پیونددهنده آنها باهم - برطرف شود (Elyasi, 2014, 2). بیوفیلیا (پیوند غریزی و فطری انسان‌ها و طبیعت) به‌عنوان مبنای شهرسازی بیوفیلیک (Ziari et al., 2014, 13-14) زمینه‌های این ارتباط را فراهم می‌کند (Ibid, 74); بازسازی رودخانه‌های چئونگ سئول و راوینا در سیاتل نمونه‌های آن هستند (Ibid, 71, 72). ایجاد فضای همگانی با اتکا بر رودخانه - به‌عنوان مکان عمومی - رابطه جدیدی را میان انسان، طبیعت و اجتماع بازتعریف می‌کند که در گذشته در اصفهان

کمک کند (Hathway & Sharples, 2014, 14). رودخانه‌ها با ایجاد خرد اقلیم و فضاهایی با دمای مطلوب (Rastegari, 2010, 57) هنگام خشکی و گرمای هوا از طریق خنک کردن آن می‌توانند موجب آسایش محیطی (Matloch, 2000, 156) در شهرهایی مانند اصفهان شوند. همچنین گرمای دزفول با استفاده از آب خنک رودخانه و هدایت هوای روی آن از عمق زمین (شوادانها) به سمت بناها تعدیل شده است. به علاوه بر حسب جهت باد غالب و مطلوب، موقعیت جغرافیایی و ... رودخانه‌ها، نقش کریدورهای باد و هوای تازه را ایفا کرده و به تهویه سکونتگاه کمک می‌کنند.

«مرزهای جغرافیایی»: رودخانه می‌تواند نقش مرز (بین دو کشور، دو استان، دو شهرستان، دو محله و ...) را ایفا کند.

«تفریحات و ورزش‌های آبی و غیرآبی»: آب، منبعی تفریحی است که علاوه بر ماهیگیری، قایقرانی و شنا، فعالیت‌های غیرآبی مانند اردو و پیاده‌روی با آن در ارتباط هستند (Matloch, 2000, 156). عدم ارتباط تفریحات پارک‌های ساحلی با آب و رودخانه (از جمله در بوستان‌های نهج البلاغه و جوانمردان تهران) نشانگر بی‌توجهی به چنین قابلیت‌هایی است. در این زمینه، تفریحگاه علی کله دزفول، استثنا محسوب می‌شود.

«نقش تدافعی»: در شهرهای تاریخی کشور، از نظر دفاع غیرعامل، مکانیابی شهر (مثل هسته اولیه دزفول) با توجه به عوامل دفاعی مانند رودخانه اهمیت داشته است (Amanpour, Ahmadi & Davoodi, 2016, 7). رودخانه همچنان یکی از عوامل مؤثر بر نقش تدافعی محسوب می‌شود.

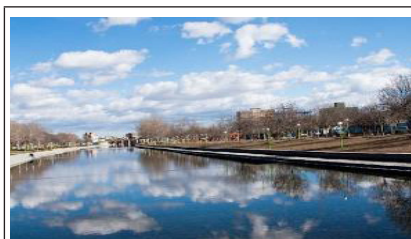
«پارک‌ها و فضاهای سبز عمومی ساحلی»: اراضی حاشیه رودها در بسیاری از شهرهای دنیا و ایران از جمله دزفول، اهواز، اصفهان، تنکابن و اردبیل به پارک‌های ساحلی اختصاص یافته‌اند.

«مؤلفه طبیعی هویت»: رودخانه‌ها بخشی از هویت طبیعی (Behzadfar, 2012, 57) در شهری مانند اصفهان (Qasemzadeh et al., 2013, 481) هستند؛ حتی نام برخی مانند لنگرود، میان‌دوب و ... متأثر از حضور رودخانه است.

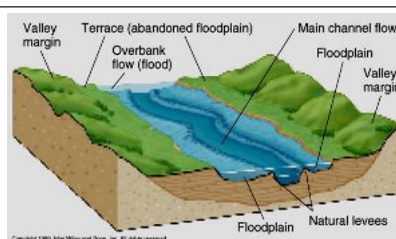
«منبع کنایات و اشارات»: در فرهنگ ما روشنایی، پاکی، آبادانی و ... از جمله اشارات آب است.

«جهت‌یابی و خوانایی»: حرکت رود از ارتفاعات دشت‌ها و جلگه‌ها بر حس جهت‌یابی و خوانایی شهر مؤثر است.

«ارزش اقتصادی زمین»: رقابت کاربری‌های لبه رودخانه از جمله پارک‌ها، مراکز تفریحی، مسکن، هتل، استراحتگاه، رستوران‌ها، مغازه‌ها و سایر کاربری‌ها را از نشانه‌های ارزش اقتصادی همجواری با آب هستند (Matloch, 2000, 158).



تصویر شماره ۸: انعکاس ابرها بر بالیخلوچای



تصویر شماره ۷: اجزای مقطع عرضی رودخانه



تصویر شماره ۶: دورنمای فرم بالیخلوچای اردبیل

وجود داشته است (Qasemzadeh et al., 2013, 481). شهرهای کهن، بیشترین انطباق را با طبیعت داشته‌اند؛ برقراری مجدد این رابطه و ایجاد فضای شهری هم‌پیوند با طبیعت، نیازمند اتخاذ تدابیر نظریه شهر اکولوژیک است (Razaghi Asl & Jam, 2013, 125-127). پل خواجو نمونه بارز ارتباط شهر، جامعه، انسان و طبیعت است (تصاویر شماره ۹ تا ۱۱).

«برگزاری رویدادهای آب محور و غیر آب محور»: نظر به قداست آب، آیین‌های زیادی از جمله «آب‌ریزان» دوره صفویه در کنار زاینده‌رود و «نواستی» بر روی بالیخولچای اردبیل صورت گرفته و می‌گیرد. پورجعفر بسیاری رودخانه‌ها را به واسطه حضور آب، محل برگزاری آیین مذهبی ادیان مختلفی می‌داند (Pourjaafar, 2014, 22)؛ در ایران، تمعید صابئین مندایی در کارون از آن جمله است.

«فرهنگ آب»: رودخانه‌ها از جمله منابع فرهنگ آب مثل «خَشر» در سیستان، «تقسیم سنتی آب باغات سمنان» و «مادی‌های اصفهان» هستند.

«بسترزایش‌های ادبی»: رودخانه‌ها از جمله زاینده‌رود، جایگاهی ویژه در نظم (شعر حافظ و صائب تبریزی) و نثر داشته‌اند.

«منبع جوشش هنری»: رودخانه‌ها سرچشمه هنرهایی مثل لنج‌سازی هستند. آوازخوانی در پل خواجو نیز در زمره همین تأثیرات است.

«دل بستگی»: برقراری پیوند عاطفی (Ghalehnoee, M., & Hossein, 2015, 69) با رود از جمله در حس تعلق مردم به زاینده‌رود مشهود است.

«آموزش علمی-زیست محیطی»: رودخانه‌ها از مهم‌ترین منابع آموزشی طبیعت و محیط‌زیست هستند که در تغییر نگرش زیست محیطی مردم اهمیت فراوانی دارند. استقرار باغ پرندگان، آکواریوم، موزه تاریخ طبیعی و... در فضای رودخانه‌ها (از جمله اصفهان) در این راستاست. «بستر معنی»: لینچ، معنی را خاصیت‌هایی از محیط مانند خاطرات، معانی انضمامی فضا و... می‌داند که توانایی دارد فرد را به جنبه‌های دیگر زندگی مرتبط سازد (Pakzad, 2006, 99-100). در زندگی ایرانیان، آب معنایی مهم دارد (Karamati, 2005, 1). به علاوه رودخانه‌ها از عناصر خاطره جمعی مانند خاطرات تهرانی‌ها با رودخانه‌های کن، دربند و فرحزاد هستند.

«محل تبادلات بازرگانی»: پل قدیمی پونته وچیو در فلورانس و دوشنبه بازار تنکابن در کنار چشمه کیله و دکان‌های پل بازار قاجاری تبریز (Soltanzadeh, 1992, 190) از نمونه‌های این تبادلات در رو و کنار

رودخانه‌ها هستند.

«چشم‌انداز و منظر شهری»: رودخانه‌ها از ویژگی‌های مهم چشم‌اندازهای فرهنگی و فیزیکی شهر (Francis, 2012, 286) و بخشی از منظر شهر هستند (Feizi & Asad Pour, 2012, 6) که موجب برتری سیما و منظر شهر (مثل مهاباد) نسبت به دیگر شهرها می‌شوند (Zandieh & Jaferman, 2009, 16)؛ یخ‌زدگی، برف و... منظر شهری متغیری را نمایش می‌دهد.

«لبه طبیعی، نشانه‌ها و نقاط عطف»: رودخانه‌هایی مانند فرحزاد در تهران، بخشی از لبه‌های عینی و طبیعی شهر هستند که تصویری خطی در ذهن شهروندان نمایان می‌کنند و می‌توانند نقش نشانه و نقاط عطف (تصاویر شماره ۱۲ و ۱۳) را هم ایفا کنند (Yarahmadi, 2009, 32).

«نماد شهری»: کارکرد دیگر رودخانه، نقش نماد برای شهرها از جمله زاینده‌رود برای اصفهان و کارون برای اهواز است.

«محورهای دید»: ارزش‌های بصری، مهم‌ترین بخش کیفیت محیطی (Zandieh & Zandieh, 2009, 28) و کریدورهای بصری، بخشی از این ارزش‌ها هستند (Kabuli Farshchi et al., 2012). بالیخولچای اردبیل (تصویر شماره ۱۴) و زاینده‌رود، کریدورهای بصری این شهرها هستند.

«سازمان ادراکی شهروندان»: رودخانه‌ها از جمله زاینده‌رود می‌توانند پیوستگی را در ادراک ساکنان شهری مانند اصفهان ایجاد کرده و باعث هویت مکانی شوند (Eftekhar, 2014, 56-57).

«مزیت رقابتی شهر»: در عرصه رقابتی شهرها، رودخانه می‌تواند به ایجاد یا ارتقای برند شهر و رقابت‌پذیری آن کمک کند؛ زاینده‌رود اصفهان، کارون اهواز، بالیخولچای اردبیل و دز دزفول، مزیت رقابتی آنها محسوب می‌شوند.

«فرم شهر»: رودخانه بخشی از عناصر طبیعی شکل‌دهنده فرم شهر است (Daneshpour & Rosta, 2011, 49). بسیاری شهرها از جمله اهواز، در طول رودخانه یا در محدوده میان رودخانه‌ها و یا دره‌های آنها و براساس اقتصاد مرتبط با رودخانه شکل گرفته و گسترش یافته‌اند.

رودخانه‌ها براساس جمع‌بندی پژوهشگران، فارغ از مقیاس و نوع آنها، دامنه‌ای از کارکردها و نقش‌های مختلف را ایفا می‌کنند و کیفیات متنوع و مختلفی را برای سکونتگاه‌ها فراهم می‌کنند. جدول شماره ۱ به تلخیص و جمع‌بندی بند ۴، ۱، ۱ و طبقه‌بندی عملکردها و نقش‌های رودخانه برحسب نظام‌های مطالعاتی و حوزه بررسی علوم مختلف پرداخته و ارزش‌ها و کیفیات رودخانه‌ها را استنتاج نموده است.



تصاویر شماره ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲: ارتباط انسان با دیگران، با شهر و طبیعت در پل خواجو - رودخانه زاینده‌رود، اصفهان



تصویر شماره ۱۴: کریدور دید بالیخلو در اردبیل

تصویر شماره ۱۳: رود دره فرحزاد، لبه برای تهران

تصویر شماره ۱۲: پل هفتم اهواز: (نشانه شهری)

جدول شماره ۱۰: تبیین نظری نقش / عملکرد/ کارکرد/ کیفیت رودخانه‌ها برای سکونتگاه‌های انسانی

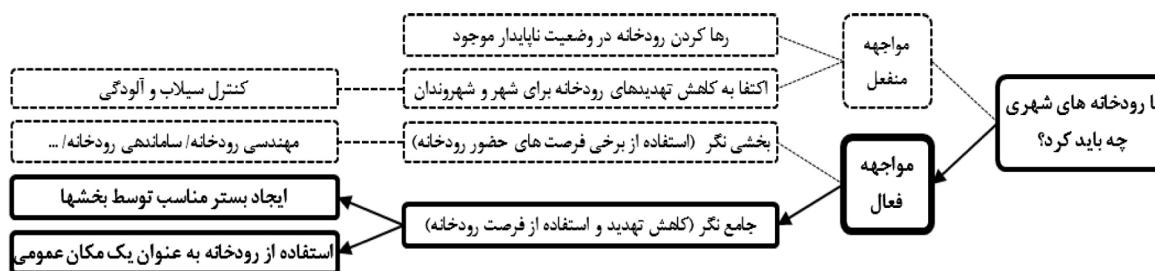
حوزه اصلی	حوزه فرعی	نقش / عملکرد/ کارکرد رودخانه	دستاورد/ ارزش / کیفیت	دانش مرتبط
سکونتگاه/ محیط زیست	زیست محیطی	جزئی از محیط زیست زمین و یک دالان اکولوژیک	منابع آب شیرین	محیط زیست
		بخشی از نظام آب سپهر و چرخه آب	تنوع زیستی	آب شناسی
		زیستگاه گیاهان / جانوران آبی و کنار آبی	زیستگاه متنوع گیاهی و جانوری	زیست شناسی / محیط زیست
		بخشی از اکوسیستم آبی و کنار آبی باز و پیوسته	تهویه طبیعی	اکولوژی و زیست شناسی
		کریدور سبز/ آبی	هدایت رواناب طبیعی و مصنوع	محیط زیست / اقلیم شناسی / شهرسازی
		زهکش حوضه آبخیز	تغذیه منابع زیرزمینی	آب شناسی
		تبادل آبی با سفره‌های زیرزمینی	امنیت و ایمنی در برابر سیلاب	آب شناسی
		هدایت سیلاب‌ها	امنیت غذایی / حفظ تنوع زیستی	تأسیسات شهری / آب شناسی
		کریدور مهاجرت حیات وحش	خاک حاصلخیز کشاورزی	جانورشناسی
		بارورسازی خاک و تولید خاک حاصلخیز	هوای پاک	خاک شناسی / کشاورزی / اقتصاد
		کنترل ریزگردها، طوفان شن و نمک	حفظ و تکثیر گونه‌های گیاهی	مدیریت بحران، محیط زیست
		بارورسازی گیاهان از طریق جابجایی گردها و بذرها	ارتقای کیفیت آب	گیاه شناسی
		کاهش، پالایش جزئی و انتقال آلاینده‌ها	جلوگیری از فرسایش	محیط زیست
		تثبیت بدنه‌ها	جلوگیری از فرسایش	آب شناسی / مهندسی رودخانه
		ادراکی / روانی	اقلیم	کنترل فرسایش و جلوگیری از آن به وسیله گیاهان
تر کردن و ذخیره آب در دشت‌های سیلابی و دلناها	سلامت و بهداشت محیطی			محیط زیست
حبس دی اکسید کربن	سلامت و بهداشت محیطی			محیط زیست
بهبود پسماندها به وسیله میکروارگانیسم‌ها	سلامت و بهداشت محیطی			محیط زیست
کنترل بیولوژیکی آفت‌ها و انتقال بیماری‌های ویروسی	سلامت و بهداشت عمومی			محیط زیست / بهداشت عمومی
افزایش رطوبت و خنک‌سازی و ایجاد جریان هوا	آسایش اقلیمی			اقلیم شناسی / معماری / برنامه ریزی و طراحی شهری
کریدور هوای تازه و تهویه شهر	هویت مکانی			شهرسازی
کاهش جزایر حرارتی	آرامش روح			روان شناسی محیطی / شهرسازی
بخشی از هویت طبیعی شهر	معنی بخشی			روان شناسی محیطی / شهرسازی
واسطه پیوند مردم شهرها به طبیعت	تجارب معنوی			شهرسازی
تمدن اعصاب و تجدید روحیه	بستر خلق معنی			شهرسازی
تجدارب معنوی	کریدور بصری واجد ارزش			شهرسازی / طراحی شهری
بستر خلق معنی	بخشی از منظر عینی و ذهنی			شهرسازی / طراحی شهری
کریدور بصری واجد ارزش	جهت یابی با کمک مسیر و جهت حرکت آب			شهرسازی / طراحی شهری
نماد سکونتگاه‌های رودخانه‌ای	منبع نیروی آب برای انجام کار			جغرافیا/ شهرسازی / طراحی شهری
اقتصادی	انرژی	منبع انرژی تجدید پذیر جنبشی و پتانسیل	برق آبی در مقیاس‌های مختلف	شهرسازی / مهندسی آب
		منبع آب شیرین سطحی	آب آشامیدنی، کشاورزی و صنعت	تأسیسات شهری
		تأمین بخشی از منابع غذایی	غذا	علوم تغذیه / کشاورزی
		تأمین شن و ماسه	مصالح خام بومی	اقتصاد / فناوری ساخت
		تأمین معاش جوامع همجوار از گردشگری، مسافرو ...	درآمدزایی	علوم اقتصادی
		اشتغال جوامع مجاور (گردشگری / صیادی / قایقرانی / ...)	ایجاد شغل / کارآفرینی	علوم اقتصادی
		تفرجگاه طبیعی درون شهری سهل الوصول	گذران اوقات فراغت	اقتصاد / علوم اجتماعی / شهرسازی
		بخشی از برند شهر و مکان	مزیت رقابتی	اقتصاد / مدیریت شهری، بازاریابی
		جاذبه و مقصد گردشگری شهری و طبیعی	گردشگری و گذران فراغت در شهر	گردشگری / مدیریت شهری / اقتصاد
		مؤثر بر ارزش اقتصادی زمین	ارزش اقتصادی املاک مجاور	اقتصاد شهری، شهرسازی
		منبع گیاهان دارویی سنتی	داروی گیاهی برای سلامت و درمان	گیاه شناسی / داروسازی / طب سنتی
		مسکن و مبادلات اقتصادی و بازرگانی	تبادلات بازرگانی و سکونت	اقتصاد / شهرسازی
		نقش دفاعی در برابر تهاجم‌ها	امنیت ملی و محلی	امور دفاعی
		کاهش اثر بحران سیلاب توسط اکوسیستم رودخانه	امنیت و ایمنی	مدیریت شهری / مدیریت بحران
		مرز ملی و بین‌المللی / حلقه فرامرزی	امنیت منابع آب، همکاری فرامرزی	حقوق بین‌الملل

ادامه جدول شماره ۱: تبیین نظری نقش / عملکرد / کارکرد / کیفیت رودخانه‌ها برای سکونتگاه‌های انسانی

حوزه اصلی	حوزه فرعی	نقش / عملکرد / کارکرد رودخانه	دستاورد / ارزش / کیفیت	دانش مرتبط	
اجتماعی	تعاملات اجتماعی	رفع نیازهای اجتماعی افراد جامعه	علوم اجتماعی / شهرسازی		
	شکل دهی خاطرات جمعی	خاطرات فردی - گروهی / حس تعلق	شهرسازی / علوم اجتماعی		
	محل گذران اوقات فراغت	گذران فراغت سالم	شهرسازی / علوم اجتماعی		
	محل برای ورزش‌هایی چون شنا و ...	ورزش و تفریح	شهرسازی / علوم اجتماعی و ورزشی		
	مکانی برای دل بستگی و حس تعلق مردم	حس تعلق / حس مکان	شهرسازی		
	واسط تعامل میان انسان با محیط او (جامعه / شهر / طبیعت)	رفع نیازهای محیطی انسان	شهرسازی / علوم انسانی / علوم اجتماعی		
فرهنگی	جذب جمعیت	سرزندگی و پویایی	شهرسازی		
	ادبیات	نماد / نشانه	نثر و نظم	ادبیات	
	هنرها	منبع الهام هنری (نقاشی، عکاسی، آواز و ...)	هنرها / خودشکوفایی شهروندان	انواع هنرها	
	آیین و مراسم	شکل‌گیری آیین‌ها (عروس آب، نواستی، آبریزکان و ...)	نشاط فرهنگی / فرهنگ آب	علوم اجتماعی و فرهنگی	
	ادیان	نمودی از طبیعت برای اندیشیدن در آیات الهی	تفکر در آیات الهی	علوم دینی	
		حاوی آب تطهیرکننده	پاکی و طهارت		
	میراث طبیعی	محل برگزاری برخی مراسم دینی	انجام وظایف دینی / معنویت		
	فرهنگ	از عناصر میراث طبیعی شهر	هویت / حس تعلق / افتخار		
	آموزش	بخشی از فرهنگ آب سکونتگاه / اشارات آب و رودخانه	حفاظت از آب / معنای آب	علوم اجتماعی / نشانه‌شناسی	
	تاریخی	محل آموزش‌های محیط زیستی، علمی و طبیعی	شناخت / ارتقای فرهنگ محیطی	محیط زیست / علوم طبیعی / فرهنگ	
فضایی / کاربردی	سازمان ادراکی شهر	عامل مکان یابی، شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌ها	خاطره و هویت شهروندان	باستان‌شناسی / تاریخ / شهرسازی	
	فرم شهر	لبه طبیعی همراه با نشانه‌ها و نقاط عطف همچون پل‌ها	ادراک و خوانایی شهر	طراحی شهری	
	استخوان بندی	بدنه و جداره‌های مؤثر در محصوریت فضای رودکناری	حس محصوریت / گشادگی رودکنار	طراحی شهری	
	کاربری اراضی	بخشی از عناصر طبیعی شکل دهنده فرم شهرها	پیوند شهر با رودخانه	شهرسازی	
	حریم	بخشی از استخوان بندی کالبدی / فضایی شهر	ادراک فضایی / انسجام شهر	شهرسازی	
	فضای شهری	بخشی از فضای سبز خطی شهری و پارک‌های ساحلی	کاربری‌های سبز-آبی سطح شهر	شهرسازی	
	حمل و نقل	بخشی از حرایم حفاظتی	حفاظت رودخانه و مالکیت عمومی	شهرسازی / مهندسی آب / آب‌شناسی	
	عملکردی	مسیری برای جابه‌جایی انسان و کالا در طول و عرض آن	حضور پذیری و تعامل اجتماعی	شهرسازی، علوم اجتماعی	
		محل تلاقی شهر و بدنه آب جاری	تفریح / بازرگانی / حمل مسافر و کالا	شهرسازی، حمل و نقل و ترافیک	
		یکپارچگی طولی / گسست عرضی کالبدی - اجتماعی	تماس شهر و شهروندان با طبیعت	شهرسازی	
		مؤلفه خطی ساختار طبیعی و بستر شهرها	انسجام / انفصال فیزیکی و اجتماعی	شهرسازی / علوم اجتماعی	
		بخشی از پیاده راه‌های شهر	سلامت بیولوژیک شهرها	شهرسازی، آمایش / محیط زیست	
		تفریحات و ورزش‌های آبی و غیرآبی	جابه‌جایی پیاده مدار	شهرسازی، حمل و نقل و ترافیک	
		برگزاری رویدادهای آب محور و غیر آب محور	ورزش و تفریحات سالم و مفرح	شهرسازی / علوم اجتماعی و ورزشی	
		قرارگاه رفتاری	رویدادهای جذاب	شهرسازی / مدیریت شهری	
		واسط ارتباط سکونتگاه انسانی با طبیعت	رفتار خودجوش و برنامه‌ریزی شده	طراحی شهری	
			شهر اکولوژیک / پیوند شهر- طبیعت	شهرسازی / محیط زیست	
	هیدرولوژی	منبع تغذیه مخزن سدها	آب شرب / برق آبی ذخیره‌ای	آب‌شناسی / مهندسی آب / اقتصاد انرژی	
نقش مسیل شهری		جمع‌آوری و هدایت سیل و رواناب	شهرسازی		
خنک کردن تأسیسات شهری		آسایش محیطی	تأسیسات شهری		
زیبایی‌شناسی	تنظیم و ذخیره آب	امنیت خاطر / ایمنی / تأمین آب	آب‌شناسی		
	انعکاس، تالو، حرکت، ... و دیگر جلوه‌گری‌های آب	زیبایی	هنر، زیبایی‌شناسی، شهرسازی		
	دیداری	منظر عینی	شهرسازی / طراحی شهری		
	شنیداری	منظر صوتی	شهرسازی / طراحی شهری		
	بساوایی	منظر لمسی	شهرسازی / طراحی شهری		
	چشایی	منظر چشایی	شهرسازی / طراحی شهری		
	بویایی	منظر رایحه‌ای	شهرسازی / طراحی شهری		
	جغرافیایی و سیاسی	مرز جغرافیایی (دو کشور) / مرز شهر / بخش‌های شهر	قلمرو و محدوده	جغرافیا، حقوق بین‌الملل، شهرسازی	
		تعیین حدود طبیعی سکونتگاه‌ها	مرزهای سکونتگاهی	جغرافیا، شهرسازی	
		عامل مؤثر در شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه	گسترش یا تحدید سکونتگاه	جغرافیا، شهرسازی	

در حوزه مطالعات علوم مختلف، می‌توان دریافت که رویکرد موردنظر در مواجهه با رودخانه‌ها باید کل‌نگر باشد و ابعاد مختلف رودخانه را زمینه‌ساز بستر لازم برای شکل‌گیری کلیتی واحد مانند مکان عمومی مبتنی بر رودخانه قرار دهد. بر این اساس، شیوه برخورد تک‌بعدی و بخشی با رودخانه‌ها، باید مورد بازنگری قرار گرفته و شیوه‌ای بهتر جایگزین آن شود (تصویر شماره ۱۵).

ابعاد رودخانه را بر مبنای جدول شماره ۱۵ می‌توان در قالب نظام‌های مطالعاتی زیست‌محیطی / اکولوژیکی، دسترسی و جابه‌جایی، کالبدی / فضایی، عملکردی، زیرساختی، اجتماعی / فرهنگی، روانی / ادراکی، زیبایی شناسانه، معنایی و نمادین، حسی / تجربی، اقتصادی، حکومتی / مدیریتی، حقوقی / قانونی، زمانی / تاریخی، جغرافیایی / سیاسی دسته‌بندی کرد که به نوبه خود ابعاد خردتری دارند که در این مقاله نمی‌گنجد. بر مبنای ابعاد چندگانه رودخانه



تصویر شماره ۱۵: شیوه مواجهه درست با رودخانه‌ها در مقایسه با سایر شیوه‌های ممکن

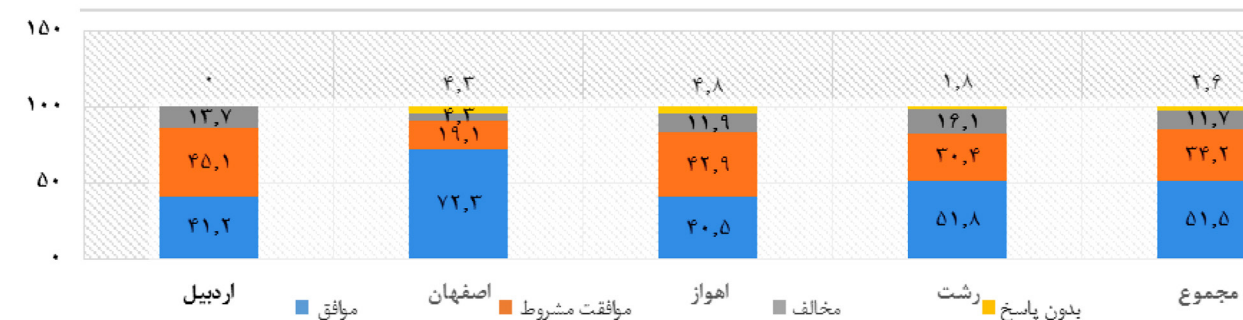
شهروندان، وجود فرهنگ استفاده از رودخانه به عنوان فضای همگانی، برنامه‌ریزی و طراحی مناسب، تدوین و رعایت ضوابط و مقررات لازم، نگهداری فضای عمومی رودخانه‌ای، عدم مخاطره برای مردم و استفاده گردشگری و تفریحی داشته‌اند. با توجه به این که در آزمون اسمیرنوف، $\text{sig} < 0/05$ محاسبه شده، آزمون ناپارامتریک است و هرکدام از شهرها جداگانه و به شیوه t تک نمونه برای بررسی تعمیم‌پذیری نتایج آزمون شده‌اند. از آنجا که sig برای چهار شهر مورد مطالعه کمتر از $0/05$ است، نتایج قابل تعمیم به کل جامعه آماری است.

۴،۱،۱ رودخانه به مثابه مکان عمومی

نگرش شهروندان به رودخانه‌ها به عنوان مکان عمومی، در قالب این سؤال: «آیا رودخانه و حاشیه‌های آن باید در اختیار مردم و به صورت عمومی باشد؟» و بررسی نتایج آن در جدول شماره ۲ و تصویر شماره ۱۶ نشان می‌دهد که از مجموع ۱۹۶ مصاحبه‌شونده، ۸۵،۷ درصد با استفاده عمومی از رودخانه‌ها موافق بوده‌اند که از میان آنها، ۳۴،۲ درصد، موافقت مشروط به نظارت و همکاری دولت و مدیریت شهری، تعیین و رعایت حریم و بستر رودخانه، حفاظت و عدم آسیب رساندن به رودخانه و کناره‌ها، استفاده صحیح از رودخانه، آموزش لازم برای

جدول شماره ۲: نظر مخاطبان در خصوص استفاده عمومی از رودخانه‌ها

مجموع مخاطبان	نظر مخاطبان در خصوص استفاده عمومی از رودخانه‌ها								شهر
	بدون پاسخ		مخالف		مشروط		موافق		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۱۰۰٪	۵۱	۰،۰	۰	۱۳،۷	۷	۴۵،۱	۲۳	۴۱،۲	۲۱
۱۰۰٪	۴۷	۴،۳	۲	۴،۳	۲	۱۹،۱	۹	۷۲،۳	۳۴
۱۰۰٪	۴۲	۴،۸	۲	۱۱،۹	۵	۴۲،۹	۱۸	۴۰،۵	۱۷
۱۰۰٪	۵۶	۱،۸	۱	۱۶،۱	۹	۳۰،۴	۱۷	۵۱،۸	۲۹
۱۰۰٪	۱۹۶	۲،۶	۵	۱۱،۷	۲۳	۳۴،۲	۶۷	۵۱،۵	۱۰۱



تصویر شماره ۱۶: توزیع پاسخ‌ها در خصوص استفاده عمومی رودخانه

ادامه جدول شماره ۳: مقایسه تطبیقی نقش / عملکرد/ کارکرد رودخانه‌ها برای سکونتگاه‌ها در نمونه‌های موردی اردبیل، اصفهان، اهواز و رشت

حوزه اصلی	حوزه فرعی	نقش / عملکرد/ کارکرد بالقوه رودخانه			
		اردبیل	اصفهان	اهواز	رشت
اقتصادی	انرژی	x استفاده نشده است.	x استفاده نشده است.	x استفاده نشده است.	x استفاده نشده است.
	منابع آب	x جنبشی / پتانسیل	x جنبشی / پتانسیل	x جنبشی / پتانسیل	x جنبش / پتانسیل
	منبع غذایی	✓ سد یامچی	✓ سد زاینده رود	✓ سدهای کارون	✓
	منبع مصالح	x	x	x	x
	درآمد/ معیشت	x	✓	✓	x
	اشتغال	x	✓	✓	x
	گذران فراغت	✓	✓	✓	x
	مدیریت شهر	x	✓	✓	x
	گردشگری	✓	✓	✓	x
	ارزش املاک	✓	✓	✓	x
کالبدی / فضای	مسکن و سلامت	x	x	x	x
	تاریخی	✓	✓	✓	✓
	سازمان ادراکی شهر	✓	✓	✓	✓
	فرم شهر	x	✓	✓	✓
	استخوان بندی	✓	✓	✓	✓
	کاربری اراضی	✓	✓	✓	x نبود سبز خطی
	حریم	✓	✓	✓	✓
	فضای شهری	✓	✓	✓	x نبود فضای عمومی
	حمل و نقل	x فقط پیاده حاشیه	✓	✓	x
	عملکردی	✓ فقط پیاده روی	✓	✓	x شهر، پشت به رود
زیست‌محیطی	دیداری	✓	✓	✓	✓
	شنیداری	✓	✓	✓	✓
	بساوایی	✓	✓	✓	✓
	چشایی	x آلودگی آب	x آلودگی آب	x آلودگی آب	x آلودگی آب
	بوایی	✓	✓	✓	✓
	زیرساخت	✓	✓	✓	✓
	جغرافیایی و سیاسی	x	x	x	x
	هیدرولوژی	✓	✓	✓	x سدی نبوده است.
	سیما و منظر	✓	✓	✓	✓
			✓	✓	x پنهان دریافت
		✓	✓	x پنهان دریافت	
		✓	✓	x	

راهنمای جدول: (✓): بالقوه وجود دارد. x وجود ندارد. ○: نقطه ضعف

رودخانه و ارائه ارزش‌ها/ کیفیات به سکونتگاه انسانی و ساکنان آن به شرح جدول شماره ۴ ارائه می‌گردد.

با توجه به نقاط ضعف و قوت بررسی شده در جدول فوق (جدول شماره ۳)، پیشنهادهای کلان برای امکان‌پذیری ایفای نقش / عملکرد

جدول شماره ۴: پیشنهاد‌های کلی دارای اولویت در زمینه نمونه‌های موردی بررسی شده

پیشنهادها	حوزه اصلی
ارتقای سلامت رودخانه، حفظ حق ابه زیست‌محیطی رودخانه در طول سال و اجتناب از کاهش جریان آب در اثر ذخیره‌سازی، انتقال و ...، لایروبی ادواری رودخانه‌ها به صورت علمی و بدون تخریب زیستگاه‌ها، اجتناب از تخلیه هرگونه نخاله، زباله، آلاینده‌ها و فاضلاب‌ها به رودخانه‌ها، اجتناب از بسترسازی و دیواره‌سازی صلب به منظور حفظ تبادل آبی، پیش‌بینی تمهیدات لازم برای مهاجرت آبریزان در صورت احداث سد، آب‌بند و هرگونه مانع دیگر در امتداد رودخانه، حفظ پیوستگی کارکردی، عملکردی و فضایی رودخانه بنا بر نقش رودخانه به عنوان کریدور سبز-آبی، اقلیمی، اکولوژیک، بصری، حرکتی و ...، استفاده اقلیمی از رودخانه: تبرید در اقلیم گرم و خشک، جلوگیری از کوران باد زمستان در اقلیم سرد و تهویه تابستانی در اقلیم مرطوب.	اکولوژی / محیط زیست
استفاده نمادین یا کارکردی از نیروی آب و انرژی تجدید پذیر آب (برق آبی جریان یا انحرافی) در مقیاس‌های مختلف، تبدیل رودخانه و اقتصاد آن به بخشی رقابت پذیر در اقتصاد شهر به خصوص در زمینه گذران فراغت، اجتناب از استقرار صنایع آب بر در کنار رودخانه و انتقال تدریجی صنایع موجود، استفاده از مزیت رقابتی رودخانه در راستای جذب گردشگر و مقصد سازی مکانی.	اقتصادی
پیش‌بینی پیاده راه‌ها، سبزراه‌ها، فضاهای سبز، فضاهای عمومی، مکان‌های عمومی مبتنی بر رودخانه.	عملکردی
بسترسازی حضور پذیری و تعامل اجتماعی همه‌شامل در مکان‌های عمومی مبتنی بر رودخانه‌ها.	اجتماعی
اهمیت مضاعف به رودخانه به عنوان بخشی از سازمان فضایی و ادراکی شهروندان و استخوان بندی شهر، پیش‌بینی تمهیدات لازم در خصوص حفظ و تقویت پیوندهای بصری، معنایی، ارتباطی و عملکردی رودخانه‌ها با شهر و مردم.	ادراکی / روانی
اکتشاف، احیا و ترویج فرهنگ آب مرتبط با رودخانه، تغییر نگرش منفی شهروندان، مدیران و کارشناسان نسبت به رودخانه‌ها، استفاده از فرصت رودخانه برای آموزش شهروندی و زیست‌محیطی و فرهنگ استفاده از مکان‌های عمومی رودخانه محور و ...	فرهنگی
پیوستگی فضایی رودخانه با شهر و توجه به عوامل تمایز به عنوان عامل تشخیص شهر و مکان عمومی و زمینه‌سازی بروز نمود آنها.	کالبدی / فضایی
حفظ کریدورهای بصری در امتداد رودخانه و نیز محورهای دید از شهر به سمت رودخانه به منظور ارتقای رؤیت پذیری آن، ایفای نقش پل‌ها و سایر سازه‌های آبی مرتبط با رودخانه به عنوان نشانه‌ها و نقاط عطف.	سیما و منظر
شناسایی رودخانه و ویژگی‌های آن و زمینه‌سازی بروز رفتار طبیعی به منظور جلوگیری از آسیب توأمان رودخانه و سکونتگاه.	هیدرولوژی
تعیین دقیق و موردی حرایم کمی، کیفی و اکولوژیک برحسب نوع و ویژگی‌های رودخانه و حفاظت آن به وسیله کلیه سطوح مدیریتی و اجرایی و توجه به برنامه‌ریزی و طراحی شبکه‌های دفع فاضلاب و جمع‌آوری زباله.	زیرساخت
زمینه‌سازی بروز زیبایی‌های متغیر و متنوع رودخانه و حظ شهروندان از آنها.	زیبایی‌شناسی
تلاش در غنی‌سازی تجارب و حواس پنج‌گانه شهروندان در زمان حضور در کنار رودخانه‌ها.	غناي حسی
عدم انتقال آب به خارج حوضه‌های مرتبط و بازنگری قوانین و اسناد توسعه با توجه به ابعاد رودخانه و تعیین وظایف ذی‌مدخلان.	حقوق
توجه ویژه به تاب‌آوری رودخانه و شهر در مقابل هم.	مدیریت بحران
انطباق بخشی از مرزهای سیاسی و جغرافیایی و تقسیمات شهرها (منطقه، ناحیه و محله‌ها) بر رودخانه‌ها به عنوان مرز طبیعی.	جغرافیا

۴.۳. قابلیت سنجی مکان‌های عمومی رودخانه محور

نتایج در قالب عوامل متمایزکننده مکان‌های عمومی مبتنی بر رودخانه، برحسب تکرار آنها در نظرات مخاطبان، در قالب ستون نخست و دوم جدول شماره ۵ درجه‌بندی و ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، رودخانه و اثرات آن، مهم‌ترین عاملی است که بسیاری از مخاطبان به آنها اشاره داشته‌اند و این موضوع، ضرورت توجه به رودخانه و ویژگی‌های آن را در چنین مکان‌هایی مطرح می‌کند. بر این مبنا و با توجه به جدول شماره ۱۵ ویژگی‌هایی از رودخانه که می‌تواند در متمایز کردن مکان عمومی رودخانه محور و ایجاد شخصیت متمایز برای آن مورد استفاده قرار گیرد، در ستون سوم جدول شماره ۵ استنتاج و ارائه شده است.

مکان‌های عمومی مبتنی بر رودخانه را می‌توان حاصل حضور رودخانه دانست. قطعاً در چنین مکان‌هایی، رودخانه وجه تمایز با سایر مکان‌های عمومی شهر خواهد بود. از این رو محوریت رودخانه باید بر شخصیت چنین مکان‌هایی تأثیرگذار باشد. از آنجا که در بسیاری از پروژه‌های توسعه رودخانه‌ها به خصوص در تهران، می‌توان مشاهده کرد که علیرغم حضور رودخانه، توجه چندانی به آن نشده و رودخانه به‌عنوان عنصری جدا مانده از رودکنار عمل می‌کند و محوریت ندارد، بنابراین از ۱۹۶ مصاحبه‌شونده در اردبیل، اصفهان، اهواز و رشت سؤال شد که «از نظر شما، چه چیزهایی باعث تفاوت و تمایز مکان عمومی کنار رودخانه شهر با سایر مکان‌های عمومی شهر می‌شود؟»

جدول شماره ۵: عوامل تمایز ساز در مکان‌های عمومی مبتنی بر رودخانه و استنتاج چگونگی استفاده از آنها

ویژگی‌های مکان‌های عمومی رودخانه محور برای ایجاد تمایز مبتنی بر جدول ۱	عوامل متمایزکننده از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان	
	اهمیت	عوامل
- تأمین بخشی از انرژی مورد نیاز از منبع تجدید پذیر آب رودخانه، باد و خورشید - استفاده نمادین و واقعی از نیروی آب در چرخش چرخ‌ها و ایجاد فواره‌ها و آبشارها و ...	۱	جریان آب رودخانه و اثرات آن (زیبایی، آرامش بخشی، منظر صوتی و ...)
- فراهم‌سازی زمینه تمدد و پالایش روانی و جسمی ساکنان	۲	آرامش خاطر و دنجی
- منظرسازی متناسب با تغییرپذیری منظر رودخانه مبتنی بر باغسازی ایرانی و فنون آن - رؤیت پذیری و نفوذپذیری بصری از شهر به رودخانه و برعکس - حفظ و تقویت کردپورهای دید در امتداد رودخانه و نقاط عطف و نشانه‌های عینی و ذهنی	۳	زیبایی و تفاوت منظر و چشم‌انداز طبیعی رودخانه دیدهای به سمت رودخانه
- مرکزیت ابنیه تاریخی مانند پل‌ها برای گردهمایی مردم و برگزاری رویدادها - اتصال مقاصد واقع در امتداد رودخانه به هم از طریق فضاها سبز و پارک‌ها	۴	قدمت حضور رودخانه در شهر و وجه تاریخی پل‌ها فضای سبز باطراوات و گسترده پیرامون رودخانه
- آموزش زیست محیطی / شهروندی مبتنی بر رودخانه (چرخه آب، حفاظت زیست محیطی و ...) - برقراری امکان تماس نزدیک با رودخانه و تجربه آن - همه‌شمولی کلیه اقشار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سنی و جنسی و با هر توان حرکتی	۵	حضور طبیعت در شهر و نزدیکی و ارتباط مستقیم با آن اصالت و قدمت مکان عمومی رودخانه و حضور مردم
- ارتقای رقابت‌پذیری اقتصادی مکان عمومی بر مبنای فعالیت‌های مرتبط با رودخانه - فراهم کردن امکانات لازم برای نشستن و قدم زدن، غذا دادن به ماهی‌ها و پرندگان، تماشای پرواز پرندگان، تماشای آب و جلوه‌های بصری آن، گوش فرادادن به منظر صوتی رودخانه، تفریحات آبی، تفرج، برگزاری آیین‌های مذهبی و فرهنگی، گذران فراغت به شیوه‌های مختلف	۵	فعالیت‌های متفاوت کنار رودخانه و ظرفیت ایجاد تفریحات آبی شهرت و اهمیت مکان‌های عمومی کنار رودخانه
- فراهم کردن شرایط مناسب حضورپذیری و تعامل اجتماعی و ارتباط با محیط - استفاده اقلیمی از ویژگی‌های آب رودخانه همچون ظرفیت حرارتی، خاصیت تبریدی و ... برای تلطیف اقلیم خشک و گرم و تهیه اقلیم مرطوب و ... در راستای آسایش اقلیمی فضای باز	۵	آب‌وهوای متفاوت و بهتر
- تعریف مقاصد در محدوده مکان عمومی مبتنی بر رودخانه - ایجاد پیاده‌راه‌های یکپارچه میان مقاصد درونی و بیرونی	۵	مسیر پیاده طولانی، خطی و کم شیب همراه با پارک‌های ساحلی
- رویدادهای محوری مبتنی بر آب و رودخانه - خلاقیت و نوآوری در زمینه میلمان شهری و فعالیت‌ها	۶	سرزندگی، طراوت و شادابی
- تسهیل ارتباطات مکان عمومی با شهر (حمل و نقل عمومی، دسترسی پیاده و دوچرخه و ...) - زمینه‌سازی و تسهیل غنای هرچه بیشتر حواس شهروندان - برانگیزش ذوق هنری و ادبی شهروندان با استفاده از جذابیت‌های رودخانه و ایجاد امکانات	۶	نزدیکی و راحتی دسترسی شهروندان در تمام شهر دل‌نشین و دل‌انگیزی مکان عمومی مبتنی بر رودخانه
- حفظ تنوع زیستی - تسهیل ارتباط مکان عمومی رودخانه با سایر عناصر ساختاری شهر	۶	حضور و نغمه‌خوانی پرندگان، دیدن حیات وحش رودخانه: عنصر ساختاری و ارتباط دهنده کل شهر
- معنا آفرینی هر چه بیشتر و برقراری پیوند معنایی مکان عمومی، رودخانه و مردم - زمینه‌سازی برای ایجاد خاطرات فردی و جمعی خوب به طرق مختلف	۷	دل‌بستگی و حس تعلق مردم
- دسترس‌پذیری سهل الوصول از شهر به مکان عمومی مبتنی بر رودخانه - انسجام و ارتباط با نظام‌های کالبدی، عملکردی، فضایی و فضاها همگانی و سبز شهر	۷	عبور رودخانه از کل شهر (مکان عمومی وسیع و پیوسته با کل شهر)
- فراهم کردن امکانات بروز استعدادهای درونی و نیز بهره‌وری جسمی و روحی مردم	۷	حس مکان متفاوت و خوب رودخانه

۵. نتیجه‌گیری

جانبی برخی کارکردها و عملکردهای رودخانه نپرداخته است. پژوهش حاضر با بررسی ادبیات موضوع و پیمایش‌های میدانی پژوهشگران در شهرهای رودخانه‌ای مختلف کشور، نقش‌ها و عملکردها/ ارزش‌ها و کیفیات رودخانه را در قالب نظام‌های مطالعاتی زیست‌محیطی/ اکولوژیکی، کالبدی/ فضایی، عملکردی، اقتصادی، اجتماعی/ فرهنگی، ادراکی و روانی، حقوقی، جغرافیایی و ... شناسایی، تدوین و ارائه و حوزه بررسی علوم مختلف را برای آنها نشان داده است. به علاوه ابعاد چندگانه رودخانه‌ها را مطرح کرده و بنا بر ماهیت چندوجهی آنها ضرورت برخورد کل‌نگر و فرابخشی با رودخانه‌ها، پس از بسترسازی لازم در قالب علوم مرتبط با رودخانه را نشان داده است. این پژوهش

رودخانه‌ها، ضمن ایفای نقش‌های متعدد و متنوع، کیفیات فراوانی را برای سکونتگاه‌ها و ساکنان آنها فراهم می‌آورند. علی‌رغم استقرار بخش عمده کشور در اقلیم‌های خشک و نیمه‌خشک، تعداد زیادی از سکونتگاه‌های آن، حضور رودخانه‌های کوچک و بزرگ، دائمی و فصلی را تجربه می‌کنند. بهره‌برداری از این فرصت و برخورداری از چنین کیفیات و ارزش‌هایی به عنوان مزیت رقابتی، منوط به برنامه و طرحی مدون، جامع و فراگیر و مدیریتی کل‌نگر، فرابخشی، هوشمندانه و خلاق است. در قیاس با پیشینه موضوع، یافته‌های پژوهش، به بررسی محدود و

- Bark, R., Hatton Mac Donald, D., Connor, J., Crossman, N., & Jackson, S. (2011). *Water: Science and Solutions for Australia*. CSIRO Publishing.
 - Behzadfar, M. (2012). *Hoviat-e Shahr, Negahi Be Hoviat-e Shahr-e Tehran [The identity of the city, a look at the identity of the city of Tehran]* (Vol. 3). Moasese Nashr-e Shahr. [In persian]
 - BRISMAR, A. (2002). *River Systems as Providers of Goods and Services: A Basis for Comparing Desired and Undesired Effects of Large Dam Projects*. *Environmental Management*, 29(5), 598-609.
 - Daneshpour, A., & Rosta, M. (2011). *Khanesh-e Sakhtar-e Shahr; Gami Be Soye Shekl Shenasi-e Shahri [Read the structure of the city; A step towards urban morphology]*. *Meamari Va Shahrsazi Iran*(4), 45-54. [In persian]
 - Dictionary, H. A. (2018). *River*. www.ahdictionary.com/word/search.html?q=river
 - Eftekhari, Y. (2014). *Tabieat-e Shahr, Roikard-e Hoviatgara Dar Park-e Hootan-e Shanghai [City Nature, an identity-oriented approach in Shanghai Hutton Park]*. *Manzar*, 5(22), 56-59. [In persian]
 - Elmquist, T., Setälä, H., Handel, S., van der Ploeg, S., Aronson, J., Blignaut, J., Gómez-Baggethun, E., Nowak, D., Kronenberg, J., & De Groot, R. (2015). *Benefits of restoring ecosystem services in urban areas*. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 14(101-108). doi.org/10.1016/j.cosust.2015.05.001
 - Elyasi, E. (2014). *Osol-e Tarahi-ye Shahri-ye Paidar Dar Hashie-ye Roodkhane-haye Shahri Ba Roikard-e Tovsea-e Paidar*. *Conference Mellî Meamari Va Shahrsazi-e Eslami Va Tarsim-e Sima-ye Shahri-e Paidar Ba Gozar-e Az Meamari-e Irani-Eslami Va Hoviat-e Gomshode An, Zahedan*. [In persian]
 - Everard, M., & L. Moggridge, H. (2012). *Rediscovering the value of urban rivers*. *Urban Ecosyst*, 15, 293-314.
 - Feizi, M., & Asad Pour, A. (2012). *Farayand-e Bazafarini Manzar-e Mayadin-e Shahr-e Tehran Ba Hadaf-e Erteqaa-ye Taamolat-e Ejtemaei Shahrivandan [The process of recreating the landscape of Tehran squares with the aim of promoting social interactions of citizens]*. *Motaleat-e Shahri* (7), 3-14. [In persian]
 - Francis, R. (2012). *Positioning urban rivers within urban ecology*. *Urban Ecosyst*, 15, 285-291. <https://doi.org/10.1007/s11252-012-0227-6>
 - Ghalehnoee, M., & Hossein Gholipour, Z. (2015). *Arzyabi Taasir-e Khoshk Shodan-e Fasli Zayande*
- از سویی، با نتیجه‌گیری منطقی از نقش‌ها/عملکردها/ ارزش‌ها/ کیفیات رودخانه، مواردی را که می‌توان به‌عنوان عوامل تمایزساز در مکان‌های عمومی مبتنی بر رودخانه با استفاده از ویژگی‌های رودخانه استنتاج نمود، مشخص کرده و از سوی دیگر، یافته‌های آن مؤید این موضوع است که آب و تأثیرات و ویژگی‌های آن (به عبارتی رودخانه محوری)، مهم‌ترین عامل تمایز مکان‌های عمومی رودخانه محور با سایر مکان‌های عمومی دیگر است. از این رو در برنامه‌ریزی و طراحی چنین مکان‌هایی، توجه به ویژگی‌های محوری رودخانه و استفاده از آنها به‌عنوان مؤلفه‌های شکل‌دهنده شخصیت متفاوت مکان ضرورت دارد. در این راستا، زمینه‌های تأثیرگذاری رودخانه و رود محوری در مکان‌های عمومی مبتنی بر رودخانه، در مکان‌سازی پایدار، مستلزم توجه ویژه به فعالیت‌ها و عملکردها، کارکرد و کاربری، آسایش اقلیمی، رقابت‌پذیری اقتصادی، تعاملات اجتماعی، هویت و فرهنگ، تأمین انرژی، آموزش و فرهنگ‌سازی، منظرسازی، بهروزی فیزیکی و روانی، خودشکوفایی، پیاده‌محوری، معنا آفرینی، زیرساختی، سیما و منظر، انسجام درونی، پیوستگی بیرونی و ارتباط با طبیعت است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اغلب مصاحبه‌شوندگان معتقد هستند که از رودخانه می‌توان به‌مثابه یک مکان عمومی استفاده نمود؛ مشروط بر آن که تحت نظارت دولت و مدیریت شهری و در قالب حرایم تعیین شده برای رودخانه و بدون آسیب زدن به آن باشد، آموزش‌های لازم به استفاده‌کنندگان داده شود و برنامه‌ریزی و طراحی و نگهداری مناسبی انجام شود.
- برخی کاربردهای این پژوهش را می‌توان در زمینه یکپارچه‌سازی برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت رودخانه‌ها، مکان‌سازی و بازآفرینی پایدار با محوریت رودخانه‌ها، بازنگری اسناد توسعه شهری، بازنگری قوانین مرتبط و ... دانست.

References:

- Aabfa, D. M. V. M.-y. F. A. V. (2010). *Pish Nevis-e Rahnema-ye Shekl-e Hendsi-e Maqtaa [Draft Guide to fractal geometry and direction of the river]*. *Moavenat-e Omor-e Aab Va Aabfa-ye Vezarat-e Niro*. [In persian]
- Al-Shams, A. R., Ngah, K., Zakaria, Z., Noordin, N., & Mohamed Sawal, Z. H. M. (2013). *Waterfront Development within the Urban Design and Public Space Framework in Malaysia*. *Asian Social Science*, 9, 77-87.
- Amanpour, S., Ahmadi, R., & Davoodi Manjezi, A. (2016). *Barresi-e Molahezat-e Defaei Dar Shahrha-ye Tarikhi-ye Iran; Motalea-e Movredi: Baft-e Ghadim-e Shahr-e Dezful [Investigation of defense considerations in historical cities of Iran; Case study: The old texture of Dezful]*. *Faslname Elmi-Tarviji Padafand-e Gheir-e Aamel*, 6(4), 1-14. [In persian]
- Association, I. H. P. (2015). www.hydropower.org

- Rood-e Esfahan Dar Mizan-e Hess-e Delbastegi-ye Afrad Be Fazaha-ye Shahri-ye aan; Barresi Movredi: Mahdoode Pul-e Khajo [Assessing the effect of seasonal drying of Isfahan Zayandehrood on the level of people's sense of attachment to its urban spaces Case study: Khajoo Bridge area]. Nameh Meamri Va Shahrsazi, 8(1), 69-84. [In persian]
- Golkar, K. (2005). Sanjesh-e Makan Dar Tarahi-ye Shahri: Daramadi Bar Teknik-e Makan Sanji [Spatial measurement in urban design: An introduction to location measurement techniques]. Sofeh, 15(40), 28-49. [In persian]
 - Habibi, K., & Safdarnejad, M. (2016). Barnamerizi Rahbordi Gardeshgari-ye Shahri Va Ovqat-e Faraqat-e Paidar [Strategic planning of urban tourism and sustainable leisure time]. Nashr-e Entekhab. [In persian]
 - Hathway, E. A., & Sharples, S. (2012). The interaction of rivers and urban form in mitigating the Urban Heat Island effect: A UK case study. Building and Environment(58), 14-22. doi.org/10.1016/j.buildenv.2012.06.013
 - Havránková, T. (2014). THE POTENTIAL OF RIVER IN URBAN SPACES. European Scientific Institute, 2, 414-421.
 - Kabuli Farshchi, A., Razavian, M. T., Mabhoot, M. R., & Ahmadi Rastegar, A. (2012). Shenasaie- ye Moaalefeh-haye Ertegha-ye Koridorha-ye Basari Dar Sharianha-ye Shahri; Nemone Movredi: Khiaban-e Emam Reza Mashhad. Hamayesh-e Melli Meamari-Shahrsazi Va Tovseae Paidar Ba Mehvariat Az Meanari Bomi Ta Shahr-e Paidar, Mashhad. [In persian]
 - Karamati, G. (2005). Jaigah-e Aab Dar Shahr-e Irani-ye Diroz Va Emroz Congereh Tarikh-e Meamari Va Shahrsazi Iran, Bam. [In persian]
 - KavKabi, L., & Aminzadeh, B. (2007). Karbord-e Ecology Sima-ye Sarzamin Dar Hefazat Va Behsazi-ye Roodkhaneha-ye Daron Shahri: Motalee Roodkhaneh Khoshk-e Shiraz [Application of Landscape Ecology in Conservation and Improvement of Urban Rivers: Study of Shiraz Dry River]. Oolom-e Mohiti, 6(2), 205-120. [In persian]
 - KUBIAK-WAJCICKA, K., CHODKOWSKA-MISZCZUK, J., & ROGATKA, K. (2017). INTEGRATION OR DISINTEGRATION OF THE ECOLOGICAL AND URBAN FUNCTIONS OF THE RIVER IN THE CITY? A POLISH PERSPECTIVE. Transylvanian Review of Administrative Sciences(52), 59-76.
 - Lansing, J., Lansing, P. S., & Erazo, J. S. (1998). The Value of a River. Journal of Political Ecology 5, 1-22.
 - Ihan, B. Ş., & Özdemir, Z. (2014). Public Space Production as a Part of Urban Riverfront Development Scheme: A Contemporary Approach for Turkey, Case of Amasya. ISOCARP Congress Gdynia, Poland.
 - long, j. (2012). tarahi-e Shahri, Gooneh Shenasi, Ravei-ha Va Tarh-ha Be Hamrah-e Bish Az Panjah Movred-e Khas [Urban design, typology, procedures and designs with more than fifty special items] (S. H. Bahraini, Trans.). Daneshgah-e Tehran.
 - Mačiukėnaitė, J., & Povilaitienė, I. (2013). The Role of the River in the City Centre and its Identity. JOURNAL OF SUSTAINABLE ARCHITECTURE AND CIVIL ENGINEERING, 4(5), 33-41.
 - Mohamadpour, A. (2011). Ravesh-e Tahghigh-e Keifi Zedd-e Ravesh, Manteq Va Tarh Dar Ravesh Shenasi-ye Keifi [Qualitative research method versus method, logic and design in qualitative methodology]. Nashr-e Jamee Shenasan. [In persian]
 - Moien, M. (2006). Farhang-e Farsi Moien [Definite Persian Moien]. Entesharat-e Naman. [In persian]
 - Motlock, J. L. (2000). Ashenaie Ba Tarahi-e Mohit Va Manzar [Familiarity with environment and landscape design] (M.-e. A. V. P.-e. S.-e. P. V. F.-y. Sabz, Trans.). Sazman-e Parkha Va Faza-ye Sabz.
 - Pakzad, J. (2007). Mabani-ye Nazari Va Farayand-e Tarahi-e Shahri [Theoretical underpinnings of urban design process]. Dabirxhane Shovra-ye Aali-e Shahrsazi Va Meamari. [In persian]
 - Pakzad, J. (2012). Tarikh-e Shahr Va Shahrneshini Dar Iran Az Aghaz Ta Davran-e Qajar [history of city and urbanization in iran from start to qajar period]. Entesharat-e Armanshahr. [In persian]
 - Pourjaafar, M. R. (2014). Tarahi Shahri Mohiti-e Aab Kenar [Environmental design of an environmental Waterfront]. Daneshgah-e Tarbiat Modares. [In persian]
 - Qargozlou, A. (2011). Mafahim-e Zistmohiti Dar Barnamerizi Va Modiriat-e Rahbordi Hovzeh Aabkhiz-e Shahri [Environmental concepts in strategic planning and management of urban watershed]. Markaz Motaleaat Va Barnameh Shahr-e Tehran. [In persian]
 - Qasemzadeh, B., Pazhohan, M., Hataminejad, H., & Sajjadzadeh, H. (2013). Taasir-e Khoshksali Zayande

- Rood Dar Taamolat-e Ejtemaie Va Fazaha-ye Jamie Dar Esfahan [The effect of Zayandehrud drought on social interactions and collective spaces in Isfahan]. Mohit Shenasi, 40(2), 481-498. [In persian]
- Rahnamaei, M. T. (2002). Majmooh Mabahas Va Raveshha-ye ShahrSazi: Joghrafia [Collection of topics and methods of urban planning: Geography] (Vol. 3). Markaz-e Motaleat Va Tahghighat-e Meamari Va ShahrSazi-e Iran. [In persian]
 - Rastgari, Z. (2010). Dezful Sahel Darad: Barresi-ye Zarfiat-haye Manzarin-e Rood-e Doz [Dezful has a beach; Investigation of scenic capacities of Dez river]. Manzar(9), 56-57. [In persian]
 - Razaghi Asl, S., & Jam, F. (2013). Dezful Sahel Darad; Barresi Zarfiatha-ye Manzarin Rood-e Dez [Dezful has a beach; Investigation of scenic capacities of Dez river]. Manzar(2), 56-57. [In persian]
 - Rehabilitation, E. C. f. R. (2018). Social benefits of river restoration. www.ecrr.org/RiverRestoration/Socialbenefitsofriverrestoration/tabid/2612/Default.aspx
 - rivers, A. (2018). www.americanrivers.org/rivers/discover-your-river/river-anatomy
 - Sayed Abadi, M., & Sardareh, A. A. (2013). Barresi-ye Zarfiat-ha Va Charchobha-ye Hamrahi Tarahi Shahri Dar Hefazat-e Ecologic Va Baz Zنده Sazi-ye Roodkhaneh-haye Shahri: Nemine-ye Movredi Roodkhaneh-ye Zarjoob Va Govhar Dasht Hamayesh-e Meli Meamari, Farhang Va Modiri-ye Shahri, Karaj. [In persian]
 - Shahabian, P., & Larimian, F. (2015). Barresi-e Manzar-e Sawti-ye Khiaban-e Valiasr Ba Taakid Bar Edrak-e Mardom Az Manzar-e Sawti [Examining the audio landscape of Valiasr Street with emphasis on people's perception from the audio perspective]. Armanshahr(17), 237-248. [In persian]
 - Shieh, E. (1998). Ba Shahr Va mantaqe Dar iran [With the city and region in Iran]. Daneshgah-e Elm Va Sanaat-e Iran. [In persian]
 - Soltanzadeh, H. (1992). Fazaha-ye Shahri Dar Baftha-ye Tarikhi Iran: Moaber Va Bazarha, Meidanha, Darvazeha, Fazaha-ye Vorodi, Fazaha-ye Mojaver-e Pulha [Urban spaces in the historical contexts of Iran: passages and markets, squares, gates, entrance spaces, spaces adjacent to stairs]. Daftar-e Pazhoheshha-ye Farhangi. [In persian]
 - Tereza Havrankova, I. (2014). THE POTENTIAL OF RIVER IN URBAN SPACES. European Scientific Journal, 2.
 - Timur, U. P. (2013). Urban Waterfront Regenerations. Advances in Landscape Architecture. <http://dx.doi.org/10.5772/55759>
 - Yarahmadi, S. (2009). Labeh-haye Shahri: Barresi Naqsh-e Labeh-ha Dar Tahaqoq-e Ahdaf-e Manzar [Urban edges: Investigate the role of edges in achieving landscape goals]. Manzar(11), 30-38. [In persian]
 - Zandieh, M., & Jaferman, M. (2009). Rahyafti Dar Manzar-e Paidar Bar Roye Roodkhaneha-ye Daemi [A sustainable landscape approach on permanent rivers]. Baghnazar, 7(14), 15-26. [In persian]
 - Zandieh, M., & Zandieh, R. (2009). Dar Jostojo-ye Koridorha-ye Did-e Rahbordi Shahr-e Tehran [Looking for Tehran city's strategic vision corridors]. Nashrie Anjoman-e Elmi-e Menari Va ShahrSazi Iran(1), 27-36. [In persian]
 - Ziari, K., Hasanzade, A., & Ziari, S. (2014). Biophilic Dar Shahr, Edgham-e Tabiaat Dar Tarahi Va Barnamerizi Shahri [Biophilic in the city, the integration of nature in urban design and planning]. Arad Ketab. [In persian].

نحوه ارجاع به مقاله:

صفدرنژاد، سید مجتبی؛ دانشپور، سید عبدالهادی؛ بهزادفر، مصطفی (۱۴۰۰)، تبیین عملکردی و شناسایی ارزش های مکان های عمومی رودخانه محور از منظر طراحی شهری، مطالعات شهری، 10 (38)، 31-48. doi: 10.34785/J011.2021.532/Jms.2021.133
http://www.urbstudies.uok.ac.ir/article_61437.html

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تحلیل سوبیه‌های مفهوم مشارکت در فرآیند طراحی فضاهای عمومی^۱

سودا نوروزی - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.
علی جوان فروزنده^۲ - استادیار، گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۷ شهریور ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش: ۱ مهر ۱۳۹۹

چکیده

توجه به مقوله مشارکت بهره‌برداران فضاهای عمومی در فرآیند طراحی معماری از نکات مهم و حائز اهمیت است. این موضوع در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان و طراحان این گونه از فضاها قرار گرفته و در نمونه‌های عملی نیز در سه سطح طراحی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی به ارائه راهکارهای اجرایی طراحی مشارکتی اقدام گردیده است. علی‌رغم وجود روش مشخص‌انگیز مشارکتی در طراحی، در کشور ما توجه به این مقوله عمدتاً به سطح پایینی از روش‌های دریافت اطلاعات مانند مصاحبه و ضبط نظرات بهره‌برداران اکتفا شده و نوعی اغفال در سطوح کلان طراحی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی مشاهده می‌گردد؛ به طوری که نتایج به دست آمده از این اقدامات یا در حد صرفاً نوشتاری و یا در سطح پایین مداخله عملیاتی منحصر گردیده است. نکته حائز اهمیت در این میان، عدم تبیین مناسب از مؤلفه‌های تأثیرگذار مشارکت از یک طرف و نبود ساختار تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها و ارتباط آن با فرآیند طراحی از طرف دیگر است. بنابراین مقاله حاضر با هدف تبیین عوامل مشارکتی به تحلیل و ارائه مدل مفهومی - ساختاری تأثیرگذاری این عوامل در فرآیند طراحی می‌پردازد. روش تحلیل و ارائه مدل مقاله براساس روش قیاسی - مروری است. بر این اساس، سه مؤلفه اصلی ابعاد فردی، اجتماعی و مکانی به عنوان عوامل اصلی تأثیرگذار در طراحی مشارکتی استخراج گردید که توجه به این عوامل در قالب سه گانه ذهنیت‌های فردی، ترجیحات اجتماعی و نیازهای عملکردی - معنایی به عنوان شاخصه‌های مفهومی طراحی مشارکتی ارائه گردیده است. در این میان حاصل تلاقی این سه‌گانه با مفاهیمی مانند حس تعلق به مکان (در ابعاد معنایی)، تنوع کالبدی و عملکردی (در ابعاد اجتماعی - مکانی)، نفوذپذیری و خوانایی (در بعد مکانی) بیشترین نقش در سطوح مداخله مشارکتی را دارا و در سطح ثانویه مؤلفه‌های دسترسی، امنیت و دعوت‌کنندگی (در ابعاد مکانی) نقش بعدی را عهده‌دار هستند. سطح ثانویه تأثیرگذاری مکان باعث تسهیل حضور افراد در مکان‌های عمومی گردیده و سطح اولیه تأثیرگذاری سبب تعمیق مشارکت در مکان‌های عمومی و ایجاد ساختار عاطفی، ناخودآگاه و معنایی در مکان می‌گردد.

واژگان کلیدی: مشارکت، فرآیند طراحی، فضاهای عمومی، عوامل اجتماعی.

نکات برجسته

- مشارکت، مفهومی در زمینه‌های متنوع و شامل طیف وسیعی از معانی متناسب با حوزه کاربردی اش است.
- با وجود پیشینه نظری نسبتاً گسترده مشارکت، کارایی آن در حوزه فرآیند طراحی فضاهای عمومی کمتر بوده است.
- سه مؤلفه‌های ابعاد فردی، اجتماعی و مکانی از عوامل اصلی تأثیرگذار در فرآیند طراحی مشارکتی فضاهای عمومی هستند.

۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معماری با عنوان "طراحی سرای محله با رویکرد مشارکت اجتماعی شهروندان در بافت کهن شهر اردبیل (محلّه منصوریه)" است که به وسیله نویسنده نخست و با راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: alijavanforouzande@gmail.com

۱. مقدمه

فضاهای عمومی محل تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی میان افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی به شمار می‌روند. معماری فضاهای عمومی از یک طرف متأثر از خواست‌های انسان و فرهنگ اوست و از طرف دیگر متأثر از شرایطی است که انسان در آن زندگی می‌کند. در واقع فضاهای عمومی ظرف زندگی اجتماعی انسان‌هاست؛ ظرفی که باید از طریق بهره‌گیری از خرد، اندیشه و فرهنگ افراد جامعه و با مشارکت بین مسئولان ذی‌ربط و مردم پدید آید. در حالی که امروزه بخش عمده‌ای از طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی به وسیله طراحان و برنامه‌ریزان شهری، بدون مشارکت جامعه انجام می‌گیرد و یا در صورت مشارکت نیز این روند بیشتر مرتبط با شنیدن نظرات عموم مردم است تا دخالت دادن عملی عقاید آنان در امر طراحی که موجب ناسازگاری این فضاها با خواسته‌ها و نیازهای مردم جامعه و به دنبال آن منجر به کمبود، رها کردن و یا بدتر شدن کیفیت فضاهای عمومی شهری شده است (Erfani & Roe, 2020; Ismail & Said, 2015; Mandeli, 2019). همچنین بی‌توجهی مسئولان شهری به اهمیت مشارکت عمومی و به دنبال آن کاربرد سفت و سخت تئوری‌های مدرن شهری در برنامه‌ریزی و طراحی معماری و اعمال مقررات مدیریت توسعه‌ای نادرست و بدون آگاهی کامل از استانداردهای فنی، مانع ایجاد اماکن عمومی با کیفیت در سطح شهرها، به خصوص در کشورهای در حال توسعه می‌شود (Mandeli, 2019).

با توجه به اهمیت فضاهای عمومی و به دلیل نقش غیررسمی آن در زیست شهری، همواره مورد توجه پژوهشگران و محققان مختلفی قرار گرفته‌اند (Francis, et al., 2012; Kolcunova, et al., 2016; Peng, et al., 2018; Zamanifard, et al., 2019). نوع نگاه به فضاهای عمومی -زیستی، تابع عوامل و سوبه‌های متفاوتی است. بعضی از نگرش‌ها، این فضاها را از مقوله‌های فردی و استقرایی مانند ابعاد ادراکی و شناختی مورد توجه قرار داده‌اند (Francis et al., 2012; Peng et al., 2019; Rossetti, et al., 2019). و برخی نیز با تأکید بر نگاه غیرکالبدی بر این فضاها، با نگاهی از بالا به پایین تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را پُررنگ دیده‌اند (Kolcunova et al., 2016; Mandeli, 2019; Zamanifard et al., 2018; Mandeli, 2008: 191-219).

اکنون کار طراح دیگر تولید راه‌حل‌های غیر قابل تغییر نیست و این واقعیت که فرآیند طراحی به مشورت با کاربران نهایی نیاز دارد، در پژوهش‌های متعددی مورد بحث قرار گرفته است (Anuar & Saruwono, 2012; Mokhtarmanesh & Ghomeishi, 2019; Østergaard, et al., 2018; Özdemir, 2019). در این شرایط می‌توان طراحی مشارکتی (PD) را به عنوان یک رویکرد مؤثر در این زمینه مورد توجه قرار داد. طراحی مشارکتی مدلی از دخالت مستقیم گروه‌های مختلف اجتماعی در طراحی محیط، با ابزارهای کاربردی، نهادهای اجتماعی و کسب و کار است (Mirzaean, et al., 2014) که دخالت کاربر در تمامی مراحل طراحی به عنوان مهمترین کلید موفقیت آن به شمار می‌رود.

مروری بر پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که توجه به فضاهای عمومی بیشتر از جنبه‌های توسعه و برنامه‌ریزی شهری، Rshadpewr

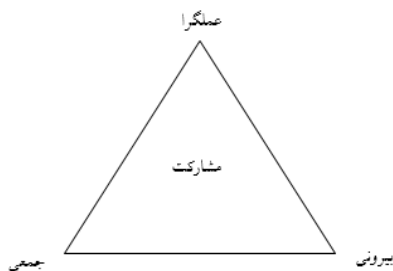
(2019, Yarzadeh & Shamsollahi; 2016, et al.)، اجتماع‌پذیری و تعاملات اجتماعی (Akebra raaba & Amar-edda, 2020; Sawshpewr, et al., 2020; Elwa Nasab Ashkedra, et al., 2020) یا از نظر دسترسی گروه‌های خاص (Rezaee & Nasiri Ardali, 2020; Sobhani, et al., 2017; Shariati Mazinani & Foroghzaeh, 2018) است. همچنین در حوزه طراحی مشارکتی، بیشتر توجهات در بحث مسکن بوده (Jalali, et al., 2019; Frshchea & Trkea Baghbadrana, 2019; Alalhsebi & Usefzmani, 2011; Keamla Ni-ya, 2014; 2020). در حالی که هیچ یک از این پژوهش‌ها فضاهای عمومی را از منظر مشارکت به عنوان یک موضوع مستقل در فرآیند طراحی مورد بررسی قرار نداده‌اند. بنابراین پرداختن به ابعاد گوناگون مشارکت مردمی و شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر طراحی مشارکتی فضاهای عمومی امری ضروری است. شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر این فضاها این امکان را به طراحان و برنامه‌ریزان و مسئولان شهری می‌دهد تا با در نظر گرفتن آنها به طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی با کیفیت و با مشارکت مردم بپردازند. پژوهش حاضر از یک سو به دنبال آن است تا از طریق واکاوی تعاریف و نظریه‌های موجود (در عرصه عمومی؛ تعاملات و اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی) و مؤلفه‌های محیطی در فرآیند طراحی مشارکتی باز تعریف شود و از سویی دیگر با توجه به نظریه‌های موجود در حوزه مشارکت عمومی، الزام و موانع تحقق‌پذیری آن، مؤلفه‌های این محیط تدقیق و مدلی از مؤلفه‌های مؤثر در فرآیند طراحی مشارکتی فضاهای عمومی ارائه شود.

۲. چارچوب نظری

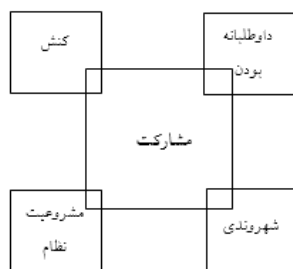
۲.۱. پیشینه نظری مفهوم مشارکت و فرآیند طراحی

اصطلاح طراحی مشارکتی (PD) معمولاً به یک توسعه خاص که ناشی از رویکرد اسکاندیناوی به طراحی سیستم‌هاست و به عنوان بخشی از جنبش دموکراسی محیط کار در دهه ۱۹۸۰ اشاره دارد (Bjogvinsson, 2013; Kensing & Greenbaum, 2002; Buscher, et al., 2012; Sanoff, 2007) و برخی نیز آن را ناشی از سنت فلسفی عمل‌گرایی، جنبش حقوق مدنی و فعالیت سیاسی آمریکای شمالی که از این طریق، یادگیری را با مشارکت در زمینه‌های معماری و برنامه‌ریزی جامعه پیوند می‌دهد، می‌دانند (Forester, 1982; Jonesp, 2005; Sanoff & Toker, 2003). پژوهش اسمیت و ایورسن با عنوان طراحی مشارکتی برای تغییر اجتماعی پایدار، نه تنها ارزش‌های اصلی مشارکت را برجسته می‌کنند بلکه ارتباط آنها را با شیوه‌های فرهنگی و تصورات آینده تحقیقات انسان‌شناسی گسترش می‌دهند؛ پروژه تحقیقاتی طولانی مدت در مورد ظهور فناوری‌های دیجیتال در آموزش ابتدایی و متوسطه دانمارک که در آن سه بعد از مشارکت برنامه‌ریزی، توسعه و مقیاس‌سازی ارائه شده که به نظر می‌رسد برای طراحی مشارکتی به عنوان یک عمل پایدار در تحولات اجتماعی ضروری باشد (Smith & Iversen, 2018). پیچیدگی انجام (PD) در مقیاس یک مرکز درمانی با سیستم‌های قدیمی، در حالی که به دنبال تغییر شیوه کار خود هستند و با رویکرد روان‌شناسی به وسیله برخی دیگر از محققان مورد بررسی قرار گرفت (Østergaard et al., 2018). در پژوهش دیگری از طراحی مشارکتی به بررسی تأثیرات محیط بر کاربران در تعیین ترجیحات آنها برای مدارس پرداخت شده است (Mokhtarmanesh &

از نقطه نظر هستی‌شناسی مشارکت بیشتر به عنوان یک جز از کل که در مورد رابطه ایده‌های دائم و احتمالی بین افراد جامعه پرداخته و گاهی به صورت مالک و مملوک و یا عدم سهم برابر در اشتراک افراد به بحث می‌پردازد. مشارکت در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به مفهوم نوعی سرمایه اجتماعی در جامعه تلقی شده که موجب ارتباط و تعامل سازنده در فرآیند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و در نهایت توزیع مناسب قدرت بین آحاد جامعه به منظور دریافت خدمات شهری بهتر، مد نظر قرار گرفته است.



تصویر شماره ۱: مدل مفهوم مشارکت در دیدگاه جامعه‌شناسی (منبع: برگرفته از نظریات سوبیه علوم اجتماعی)



تصویر شماره ۲: مدل مفهوم مشارکت در دیدگاه سیاسی (منبع: برگرفته از نظریات سوبیه سیاسی)

۲.۲. فرآیند طراحی مشارکتی

با توجه به دیدگاه‌های متفاوت در تعریف و تفسیر مشارکت که برخاسته از تنوع نگرش به ریشه، ماحصل، روند و فرآیند مشارکت است، طراحان و متفکران معماری در حرفه خود و از منظر روابط بین طراح و بهره‌بردار، نگرش‌های متفاوتی قائل شده‌اند (Lawson, 1990). به طوری که می‌توان چهار دیدگاه کلی را در این حوزه بررسی کرد:

الف) معماران خود محور

در این دیدگاه هیچ مشورتی با مردم و کاربران نهایی صورت نمی‌پذیرد و معماران هستند که تصمیم‌گیرنده نهایی هستند و نگاه آنها به مشارکت برخاسته از این اعتقاد است؛ که معمار باید چیزی را به کارفرما بدهد که خود معمار می‌خواهد یا فکر می‌کند برای کارفرما خوب است (Ackerman, 1969). این نوع نگاه در طراحی معماری بیشتر قائل بر نقش فردی معماری و تولید اثر به مشابه یک محصول نهایی قابل ارزیابی است. بنابراین توجه در این نوع طراحی، بیشتر محصول مبنا و نه فرآیند مبنا بوده و ملاک قضاوت در این حوزه عمدتاً

(Ghomeishi, 2019). همچنین طراحی مشارکتی به عنوان یک رویکرد جدید در آموزش‌های تخصصی معماران در هند به وسیله شانتی پریا و همکارانش مورد بررسی قرار گرفته است (Priya, et al., 2020). مشارکت^۱ مفهومی است که در زمینه‌های متنوعی چون فلسفه، علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی و روان‌شناسی)، سیاسی، اقتصادی، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، معماری و... استفاده می‌شود و شامل طیف وسیعی از معانی متناسب با بستر اجتماعی، فرهنگی و حوزه کاربردی است. به طوری که گاهی خودجوش، مردمی و بر پایه تفکرات شخصی و در مواردی مدیریتی و تحمیلی قلمداد می‌شود (Alalhesabi, 2011; Usefzmani, &). از دیدگاه پاتمن استفاده گسترده از اصطلاح مشارکت به معنای اشاره به طیف وسیعی از موقعیت‌های گوناگون به وسیله افراد مختلف است؛ به طوری که در مطالعات ارتباطات و رسانه، همچنین در بسیاری از زمینه‌ها و رشته‌های دیگر، مشارکت همچنان به معنای همه چیز و هیچ چیز، باقی مانده است (Pateman, 1970). در نتیجه این مفهوم باعث به وجود آمدن مشکلاتی در نحوه استفاده از مشارکت تا به امروز شده و هنوز هم از میان نرفته است (Carpentier, 2012). در حال حاضر در ایران نیز استفاده از مشارکت با عبارت‌هایی چون منظر مشارکتی، مدیریت مشارکتی، سیاست مشارکتی و مشارکت مدنی که اصطلاحات آشنایی برای افراد مختلف هستند، به کار برده می‌شود. همچنین کلمه مشارکت در اغلب متون با کلمات مشابه مانند تعاون، معاونت، یاری‌گری و همکاری مترادف در نظر گرفته شده است (Mansouri & Foroughi, 2019). با این وجود تنوع حوزه مفهوم مشارکت در رشته‌های مختلف امری مشهود است. جدول شماره ۱ به بررسی این مفهوم از منظر علوم مختلف و هستی‌شناسی پرداخته است.

از نظر اندیشمندان علوم اجتماعی مقوله مشارکت یک عمل اجتماعی است و بر اساس یک رابطه متقابل استوار است و این پدیده در قلمرو مباحث جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی قرار می‌گیرد و جامعه‌شناسان بر سه گانگی عملگر بودن، جمعی بودن و بیرونی بودن مفهوم مشارکت از نقطه نظر علوم اجتماعی تأکید کرده‌اند (Axelrod, 1956; Faulks, 2000; Kelly & Breinlinger, 1996; Rahman, 1993; Azadaramki, 1994; Mohseni Tbraza, 1997; Keraab, 2004:299). مشارکت از این نظر به عنوان یک امر جاری در زیست‌جوامع و ضامن بقا اجتماع انسانی است.

مفهوم مشارکت در روان‌شناسی اجتماعی به عنوان یک عمل ذهنی و درونی که در افراد موجب درگیری و تأثیرپذیری اجتماعی شده، تلقی می‌شود. در علوم سیاسی مشارکت به عنوان یک مفهوم در زیست‌سیاسی جوامع که چهار مؤلفه (کنش، داوطلبانه بودن، شهروندی و مشروعیت نظام سیاسی) به عنوان ارکان اصلی این مفهوم مورد تأکید قرار گرفته، است (Dahl, 1963; Huntington & Nelson, 1976; Milbrath, 1968; Goel, 1977; Sills, 1968). (تصویر شماره ۱). برای اساس مفهوم مشارکت به عنوان یک فعل در زمان مقتضی سیاسی (نه همیشه جاری) بیان و در تعریف شهروندی از آن به عنوان امری داوطلبانه و نه اجباری که سرنوشت سیاسی جوامع را رقم می‌زند و نظام‌های سیاسی مشروعیت خود را از آن کسب می‌نمایند، یاد می‌شود (تصویر شماره ۲).

جدول شماره ۱: گستردگی مفهوم مشارکت از سوبه های مختلف

کلید واژه مورد تأکید	صاحب نظران (پژوهشگران) و مفهوم مشارکت از دیدگاه هریک	سوبه
ارتباط بین دو ایده	از دید افلاطونی ارتباط میان ایده های ثابت و محتمل به عنوان اشتراک در میان افراد تلقی شده است.	هستی
اشتراک گذاشتن	مفهوم مشارکت دو وجهی بوده؛ در وجه نخست تساوی مالک و مملوک و در درجه دوم عدم تساوی این دو است.	شناسی
کنش جمعی	کنش اجتماعی (مشارکت) را به شیوه ذهنی یعنی برحسب معیارهای درونی افراد بیان می کند.	جامعه شناسی
عمل اجتماعی	کنش اجتماعی (مشارکت) را به صورت عینی از طریق فشارهایی که از خارج بر کنش افراد اعمال می شود.	
فرآیندی داوطلبانه	مشارکت فرآیندی داوطلبانه، آگاهانه و غیرانتفاعی است.	
شرکت فعالانه در گروه	به معنای شرکت فعالانه در گروه و به فعالیت اجتماعی انجام شده اشاره دارد.	
تعلق به گروه خاص	به معنای تعلق به گروه خاص و داشتن سهمی در هستی آن است.	
ابزار تحول افراد بی تفاوت به صاحب حقوق	در جامعه شناسی شهری مشارکت وسیله تبدیل شهرنشینان بی تفاوت به شهروندان صاحب حقوق و مسئولیت های فردی و اجتماعی است.	
عمل جمعی	مشارکت نوعی عمل جمعی است.	
درگیری و تأثیرپذیری	مشارکت را درگیری در فعالیت و تأثیرپذیری اجتماعی تعریف می کند.	روان شناسی اجتماعی
پدیده های ذهنی	پدیده ای ذهنی است که بدون فلسفه ای کارساز و راهگشا نمی تواند به صورت جزئی از فرهنگ مردم درآید.	
عمل سیاسی	مشارکت یک عمل سیاسی قلمداد می شود.	سیاسی
کنش های داوطلبانه	مشارکت کنش های داوطلبانه ای بوده که افراد جامعه در گزینش حاکمان و شکل گیری سیاست سهیم می شوند.	
تأثیرگذاری شهروندان غیردولتی	مشارکت سعی و تلاش شهروندان غیردولتی به منظور تأثیرگذاری بر سیاست عمومی یک جامعه است.	
آزادی فعالیت ها	آزادی فعالیت های شهروندان در حمایت یا تأثیرگذاری بر سیاست و حکومت است.	
مشروعیت دادن	مشروعیت دادن بر تصمیم گیری های سیاسی است.	
ارتباط و تعامل	مشارکت ارتباط و تعامل بین مردم و دولت به منظور تصمیم سازی بهتر است.	مدیریت و برنامه ریزی
جعبه سیاه	مشارکت را یک جعبه سیاه می دانند.	
رابطه دوطرفه	رابطه ای دو طرفه برای کسب اطلاعات از مردم و ارائه راه حل به آنان است.	
پروسه ای سازمان دهی شده	مشارکت پروسه ای سازمان دهی شده است.	
عنصر مهم در فرآیندهای تصمیم گیری	عنصر مهم در فرآیندهای تصمیم گیری و برنامه ریزی دولتی است.	
بهبود نتایج تصمیم گیری	بهبود نتایج تصمیم گیری به وسیله حکومت در اجرای پروژه ها	
پروسه ای سازمان دهی شده	مشارکت پروسه ای سازمان دهی شده است.	
مؤلفه بنیادین در امر برنامه ریزی	مشارکت عمومی مؤلفه بنیادین امر برنامه ریزی خوب است.	
توزیع مجدد قدرت شهروندان	مشارکت را توزیع مجدد قدرت به شکلی که شهروندان فاقد قدرت سیاسی اقتصادی در آینده تعمداً در فضای تصمیم گیری دخیل باشند.	
سرمایه اجتماعی	مشارکت اجتماعی مردمی را سرمایه اجتماعی تلقی می کنند.	
همکاری مردم	مشارکت مردمی به معنای همکاری مردم در دنبال نمودن اهدافی است که خود تعریف می کنند.	
فرآیندی تأثیرگذار برای دریافت خدمات شهری مناسب	مشارکت فرآیندی است که توسط آن مردم بر ساختارها، سازمان ها و مسئولان تأثیر می گذارند تا خدمات شهری مناسب در اختیارشان نهاده شود.	

در این دیدگاه هر دو گروه به صورت مکمل و با هم به طراحی می‌پردازند؛ به صورتی که مردم یک طرف و معمار در طرف دیگر در دو دسته جدا از هم نیستند، بلکه طراح هم در زمره مردم قرار دارد و حالتی بهینه یعنی طراحی با مردم صورت می‌پذیرد (Islami, 2004). در رویکرد های مشارکتی جدید، معمار و برنامه ریزان به عنوان "تسهیل کننده" شناخته می‌شوند و نه کارشناسانی که دارای قدرت بلامنازع هستند (El-Masri & Kellett, 2001; Serageldin, 1997; Valladares, 2017). طراحی مشارکتی شامل مجموعه‌ای از انواع شیوه‌ها، به منظور دخالت مستقیم مردم در امر طراحی بوده و هدف از آن استخراج اطلاعات فنی و استفاده آن به وسیله افراد متخصص است؛ به طوری که از مردم برای شرکت در مراحل مختلف فرآیند طراحی از بررسی‌های اولیه تعریف مسئله تا تعریف مشکل و ایجاد ایده‌هایی به عنوان راه حل پیشنهادی دعوت می‌کند. در عین حال طراحی مشارکتی سئوالات مربوط به کاربران، وظایف و اهداف آنها را پاسخ می‌دهد و سپس به کاربران کمک می‌کند تا بهتر تصمیم‌گیری کنند (Baek & Lee, 2008; Mirzaean, et al., 2014; Smith & Iversen, 2018).

دو دیدگاه نخست عمدتاً در پروژه‌ها با مقیاس خرد (مانند پروژه‌های مسکونی) اتفاق می‌افتد. در حالی که دو دیدگاه بعدی بیشتر مربوط به حوزه پروژه‌ها با مقیاس کلان (مانند فضاهای عمومی) هستند. تصویر شماره ۳ نقش و جایگاه سلسه مراتبی (تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری) هر یک از افراد دخیل در فرآیند طراحی را با توجه به دیدگاه‌های بیان شده نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در دیدگاه معماران مشارکت محور نقش هر یک از افراد دخیل در فرآیند طراحی نسبت به سایر دیدگاه‌ها برابر است. بنابراین با توجه به نقش پراهمیت مردم در فرآیند طراحی فضاهای عمومی بهترین دیدگاه در زمان فعلی دیدگاه معماران مشارکت محور است.

بسیاری از نظریه‌پردازان و پژوهشگران مختلف از طراحی مشارکتی، به عنوان رویکرد جدیدی، در فرآیند طراحی و معماری یاد می‌کنند (Huang et al., 2015; Li, et al., 2012, 2013; Mokhtarmanesh & Ghomeishi, 2019; Smith & Iversen, 2018; Xie, et al., 2017). طراحی مشارکتی را بعد از رویکرد سیستمی و زبان الگو، به عنوان یک رویکرد نوین طراحی معرفی می‌کند (Alalhesabi & Usefzmani, 2011).

مبنتی بر معماری به مشابه تولید یک اثر معماری است. در این حالت طراح، کارفرمایی را انتخاب می‌کند که علاقمند به قابلیت ریسک‌پذیری و کاهش هزینه‌های اجرایی ساختمان بوده و سخت‌گیری کمتری داشته باشد (Ibid).

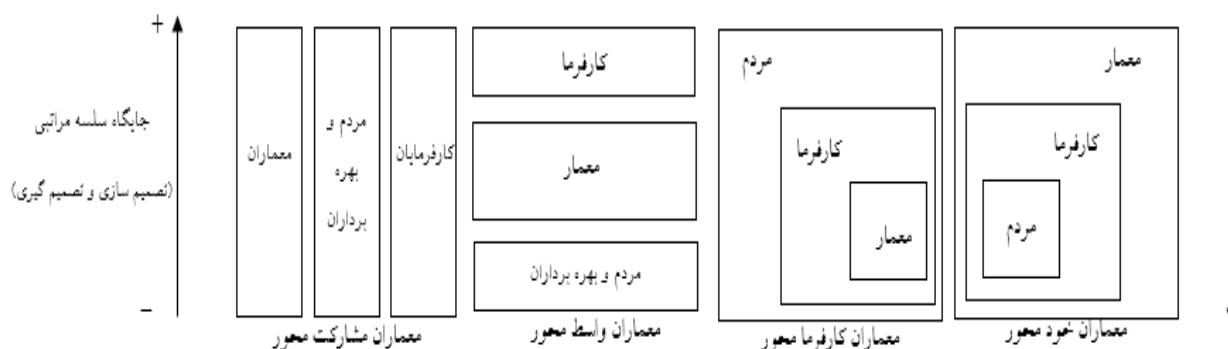
ب) معماران کارفرما محور

برخلاف دیدگاه معماران خودمحور، در این دیدگاه کارفرمایان و مردم هستند که نقش اصلی را دارند و معمار فقط مجری است. در این دیدگاه معمار معتقد است که باید چیزی را که کارفرما می‌خواهد، انجام دهد. این دیدگاه نهایتاً به نهضت "طراحی برای مردم" در انگلستان ختم می‌شود که در آن کارفرما طراحی را انتخاب می‌کند که خواسته‌هایش را بدون مجادله و ریشه‌یابی پذیرفته و نهایتاً منجر به معماری کوچک بازاری می‌گردد (Ibid).

ج) معماران واسط محور

در بیشتر موارد طراحی، فرآیندی تحلیلی به حساب می‌آید که به تجزیه، تحلیل، ارزیابی و گزینش نیاز دارد و از وظایف طراحان مبتکر تشخیص تمایلات مردم یا شکل دادن به تمایلات مردم و به وجود آوردن محیط‌هایی است که رفتارهای حاصل از آن تمایلات را تأمین کنند (Lngu, 2011: 64-75). در این میان برخی از معماران هستند که باید واسط بین دو طرف کارفرما و مردم بهره‌بردار بوده و کمک کنند تا مشارکت تلفیقی صورت گیرد تا هر یک از طرفین به خواسته‌های اصلی و واقعی خود دست یابند. در این حالت معماران به عنوان حلقه واسط بین خواسته‌های کارفرمایان و نیازهای بهره‌برداران عمل می‌کنند. این مسئله به خصوص در مواردی که یک طرف آن نهاد‌های دولتی متولی خواست معماری و طرف دیگر بهره‌برداران (مردم عادی) بدون نقش خواست و در مرحله نیاز بهره‌بردار باشد، بیشتر ملموس است. زیرا در آن حال هر یک از طرفین خواسته‌های متفاوتی را بسته به منافع خود دنبال می‌کنند و این معماران هستند که توازن بین خواسته‌های دو طرف را برقرار می‌کنند.

د) معماران مشارکت محور



تصویر شماره ۳: نقش معماران و مردم در هر یک از دیدگاه‌ها از فرآیند طراحی

مشارکت کاربران در طراحی فرم بیرونی بنا به معنای انتخاب کاربران از بین گزینه‌های ارائه شده به وسیله معماران است (انتخاب از بین هشت نمونه از خانه‌های طراحی شده به وسیله او). همچنین وی در طراحی نمای بیرونی ساختمان به کاربران امکان انتخاب از بین دو نمای شیشه یا پنل را داد؛ البته توجه به این نکته لازم است که او کاربران را در تقسیم‌بندی فضاهای داخلی خانه‌ها کاملاً آزاد گذاشت تا متناسب با نیازها و خواسته‌های خود فضای داخلی را تقسیم کنند. یکی دیگر از معماران شاخص در این جریان آلخاندرو آروناست. وی ضمن توجه به نیازها و خواسته‌های مخاطبان طرح آنها را در اولویت قرار داده و از همان مراحل ابتدایی طراحی بر محور مطلوبیت و پاسخ دهنده‌گی طراحی فضا برای کاربران تأکید دارد که این مطلب را می‌توان در پروژه‌های مختلف خانه‌های نیمه ساخته وی مانند کینتا مونرو^۱ و ویلاورد^۲ مشاهده کرد که در هر یک از این پروژه‌ها نمونه جالب و آموزنده‌ای از پرداختن به مسائل کاربران فضا و ارائه راهکاری مناسب و درخور برای آنان در کنار توجه به اقلیم آن منطقه است. او در پروژه خانه‌های کینتا مونرو در شهر ایکیکه شیلی با مشکلاتی چون کمبود منابع، محدودیت در مقیاس زمین و زمان ساخت مواجه شد و در پاسخ به محدودیت سه‌گانه فوق به کار گرفتن قابلیت ساخت و ساز توسط خود مردم را پیشنهاد داد. برای این منظور وی تصمیم گرفت نیمی از یک خانه ۸۰ متری را که خانوارها قادر به ساخت آن نبودند، بسازد و نیم دیگر را خالی بگذارد تا هر خانوار به اقتضای شرایطش در آینده اقدام به تکمیل آن کند. در واقع او ساختاری برای طرح ارائه داد و خانواده‌ها ایده‌های خود را در قالب آن چارچوب در طول زمان پیاده کردند (Halaj, 2016). در ادامه برخی دیگر از معماران همچون چالز مور در طرح ساختمان روناک ۷۹، با استفاده از رسانه به کسب نظرات مردم و جلب مشارکت آنها در فرآیند طراحی معماری پرداخت (Floyd & Hatch, 1983:287). و دیگران که افرادی چون جان ترنر و کولین وارد ضمن توجه به گروه سنی خاص و با تأکید بر نقش سازنده کودکان در طراحی را بررسی کردند. در مجموع اگر تطبیقی بین مؤلفه‌های به کار رفته در هر یک از روش‌های طراحی مشارکتی صورت گیرد، به تصویر شماره ۴ دست می‌یابیم. ملاحظه می‌شود که مؤلفه‌های آموزش، احساس تعلق به محیط، اعتماد و وابستگی، توجه به گروه‌های خاص، رضایت از محیط و ساده‌سازی مفاهیم از مؤلفه‌های مورد تأکید بین هر یک از معماران بوده است.

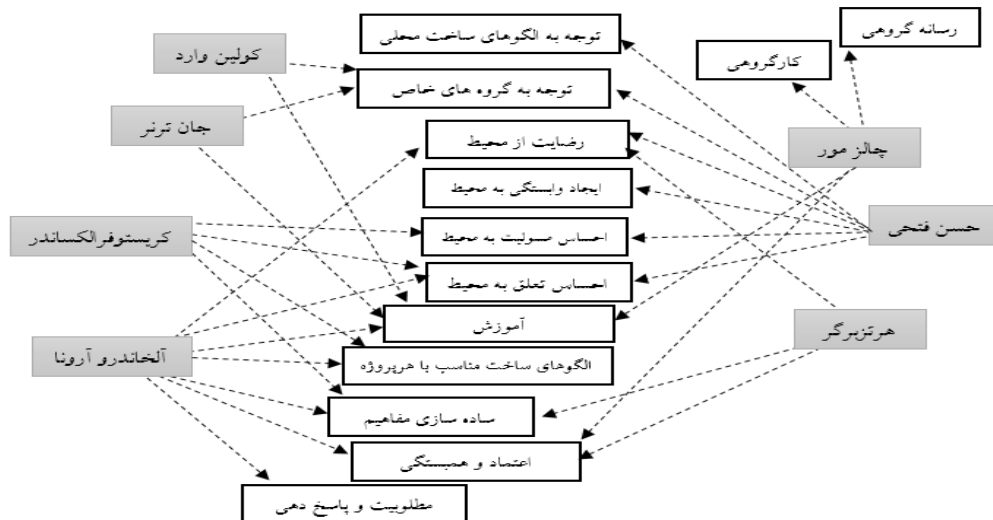
۲.۳. عوامل مؤثر در فرآیند طراحی مشارکتی

طراحی فضاهای عمومی هر شهر در جهان نشان دهنده سیاست و نیازهای عمومی آن جامعه است و از طرفی در فرآیند طراحی معماری مشارکتی متغیرهای متعددی مؤثر بوده و تحلیل هر یک به تنهایی و خارج از مجموعه عوامل مشارکتی راهکار موفقی محسوب نمی‌شود. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این زمینه می‌توان عوامل مؤثر بر طراحی مشارکتی فضاهای عمومی را در سه دسته متغیرهای کلی ابعاد فردی، ابعاد اجتماعی، ابعاد فضایی (مکانی) تقسیم و مورد بررسی قرار داد (تصویر شماره ۵).

از طرفی برخی از پژوهشگران چون علی الحسابی و یوسف زمانی، معماری مشارکتی را به عنوان یک رویکرد مستقل در طراحی نمی‌دانند و طراحی مشارکتی را زیر مجموعه‌ای از روش‌های سیستمی معماری معرفی می‌کنند (Ibid). ولی آنچه که امروز مسلم است، طراحی مشارکتی در معماری نمودهای مختلفی یافته که وجه اشتراک تمامی آنها در استفاده از نظرات و مشارکت هر چه بیشتر مردم در امر طراحی به خصوص در معماری فضاهای عمومی است. با این وجود مسئله پر اهمیت، نحوه استفاده معماران و طراحان از نظرات مردم و توجه به روش‌های مورد استفاده معماران در کسب مشارکت و اعتماد مردمی در پروژه‌های عمومی است که با توجه به ویژگی‌های هر پروژه، هر یک از معماران و طراحان از روش‌های متفاوتی به منظور کسب نظرات و خواسته‌های کاربران خود استفاده کرده‌اند. از جمله آنها حسن فتحی است که در طرح دهکده گورنا در کشور مصر سعی کرد با استفاده از الگوی تکنرگا به دخالت افراد در مراحل مختلف یک پروژه معماری بپردازد. او برای این منظور با بهره‌گیری از مصالح سنتی و روش‌های ساخت محلی چون دیوارهای حمال، سقف‌های گنبدی شکل و گنبدهایی با آجرهای گلی گرد گوشه، در کنار به کارگیری استادکاران محلی به منظور طراحی، منطبق بر سنت‌های منطقه و کاهش هزینه ساخت ضمن توجه به اصول زیباشناسانه مردم استفاده نمود (Fathe, 2004:86). وی در این پروژه با مشکلات و موانعی چون عدم دسترسی به تمامی کاربران فضاها از جمله زنان به دلیل آداب و رسوم حاکم بر آن جامعه، عدم آگاهی مردم عادی از نقشه‌های تخصصی مربوطه و عدم انتقال درست نیازها و خواسته‌ها به وسیله مردم به معماران مواجه شد و برای رفع هر یک از این موانع راه حل‌هایی را در پیش گرفت. وی به منظور رفع مشکل عدم مشارکت زنان با مراجعه به چند زن آشنا به آن منطقه در پی رفع این مشکل شد؛ البته این راه حل هم به دلیل این که افراد مورد مراجعه در زمان انجام پروژه ساکن آن روستا نبودند، خود دارای بحث است. سپس با ساخت بیست نمونه از خانه‌ها برای رفع مشکل عدم آگاهی مردم از نقشه‌های تخصصی استفاده کرد. همچنین وی به منظور رفع مشکل ارتباط و انتقال اطلاعات از مردم به معماران با بهره‌گیری از استادکاران محلی در جهت حل این مشکل برآمد. در ادامه برخی از معماران چون کریستوفر الکساندر به منظور رفع عدم ارتباط و نداشتن یک زبان مشترک بین معماران و مردم عادی در جهت درک بهتر معماران از خواسته‌ها و نیازها، ضمن ساده‌سازی مفاهیم برای درک مردم، زبان الگوها را مطرح کرد. از نظر الکساندر هر الگو قاعده‌ای است مبین این که موجودی را که او تعریفش می‌کند، چگونه باید ساخت و این امر بدین معناست که سیستم الگوها، زبانی را پدید می‌آورد که از طریق آن انسان‌ها می‌توانند فضاها را شکل دهند (Alexander, 2010). البته توجه به این مسئله که بیش از بیست سال از مطرح شدن زبان الگوها در معماری می‌گذرد ولی با وجود آن این الگوها ابزار توانمندی در کنترل فرآیندهای پیچیده به شمار می‌روند، به دلیل برداشت‌های نادرست برخی، هنوز نقش بزرگی را در طراحی معماری ایفا ننموده‌اند و این در حالی است که در علوم کامپیوتری به موفقیت غیرمنتظره‌ای دست یافته‌اند (Salinger, 2000). از دیگر معمارانی که مسئله مشارکت کاربران در امر طراحی را مهم و ضروری می‌دانست، هرتر برگر، با پروژه دیاگون است (Hatch, 1984: 13-14). از نظر وی

1 Quinta Monroy

2 Villa Verde



تصویر شماره ۴: جمع بندی مؤلفه های مؤثر در جذب مشارکت کاربران در هریک از روش های طراحی مشارکتی

بر شکل سکونتگاه تأثیر می گذارد و یا به وسیله فضا تحمیل شده و فعالیت انسان را تسهیل نموده یا مانع از آن می گردد. در نهایت روابط اجتماعی به صورت غیرمستقیم از فضا پدید می آید؛ بنابراین می توان به وسیله شکل دادن به محیط های مصنوع (به ویژه فضاهای عمومی) بر الگوهای فعالیت انسانی و زندگی اجتماعی تأثیر گذاشت (Carmona, et al., 2010: 212). در این راستا به منظور بررسی متغیرها و توضیح این دسته از عوامل مؤثر بر طراحی مشارکتی ضمن توجه بر اهمیت پذیرش هنجارهای محلی و ساختارهای محلی و با تأکید بر نظام باورها، گرایش ها و اندیشه ها به منظور توسعه هرچه بیشتر مشارکت افراد در حوزه طراحی، فضاهای عمومی را باید مورد توجه قرار داد. در این دیدگاه متغیرهایی مانند پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد (Asadpour, et al., 2019; Norozi & Bkhtaare, 2010; Mohmde, et al., 2016) انسجام و همبستگی اجتماعی، آگاهی و اعتماد اجتماعی (Mohmde, et al., 2016; Norozi & Bkhtaare, 2010; Nwabkhsh, et al., 2015; Asadpour, et al., 2019; Mqds Jefra & Kerama, 2014) و اثر رسانه ها (Mqds Jefra & Kerama, 2014; Norozi & Bkhtaare, 2010; Noghane, et al., 2013; Yazdan penah, et al., 2019; Penaha, 2005) و... از عوامل مؤثر در این رابطه به شمار می آید. در ضمن می توان به دیدگاه های افرادی چون مارتین لیپست، دانیل لرنر، هانگینتون و... اشاره کرد.

ج) ابعاد فضایی (مکانی)

شهرسازان و معماران، به عنوان طراحان اصلی محیط کالبدی هرگز نباید فراموش کنند که مهمترین عنصر در یک فضای عمومی مردم هستند. استفان کار و همکارانش از فضاهای عمومی به عنوان مکانی که آسایش و راحتی برای مردم به ارمغان می آورند، اشاره کرده و اعتقاد دارند نقش روانی که فضاهای عمومی برعهده دارند، فراهم آوردن عرصه ای برای تعاملات اجتماعی و مکانی برای مشارکت فعال و اجتماعی افراد با دیگران است (Carr, et al., 1992). بنابراین فضاهای عمومی امروزه در شهرها، نقش مهمی در کیفیت زندگی افراد جامعه از طریق تأثیر بر سلامت جسمانی و روانی آنها دارند. اما آنچه که این

الف) ابعاد فردی

به منظور موفقیت در کسب مشارکت مردمی در فرآیند طراحی معماری فضاهای عمومی لازم است که به متغیرهایی با منش روانی و شخصیتی افراد جامعه توجه ویژه نمود. در این دیدگاه از انگیزه و ویژگی های شخصیتی به عنوان عوامل تعیین کننده نگرش های فردی در مبادرت به فعالیت های اجتماعی به خصوص مشارکت در طراحی تأکید شده، به طوری که در بررسی فعالیت های مشارکتی افراد باید به انگیزه و تمایل به مشارکت (Conrad, et al., 2011; Østergaard, et al., 2018; Yetano, et al., 2010)، ویژگی های فردی و شخصیتی افراد (Mohmde, et al., 2016; Noghane, et al., 2013; Yazdan penah & Penaha, 2005) میزان احساس تعلق فرد به مکان و جامعه (Asadpour, et al., 2019; Noghane, et al., 2013; Norozi & Bkhtaare, 2010; Javanforouzande, et al., 2013; Mqds Jefra & Kerama, 2014) و احساس اثربخشی (Mqds Jefra & Kerama, 2014; Noghane, et al., 2013)، اعتماد به نفس، خلاقیت، استعداد های فردی و نیز انگیزه پیشرفت و انتظارات فرد در موقعیت یک کار یا رسیدن به نتیجه مطلوب توجه داشت. از جمله افرادی چون مک کله لند، هیگن، ریمون فرست و... از این دیدگاه به مشارکت پرداخته اند. این نگاه از مفهوم مشارکت با تأکید بر نقش انگیزه فردی بر شکل گیری ساختار ذهنی فردی را نسبت به مکان بیان می کند (Javanforouzande & Matlaby, 2012).

ب) ابعاد اجتماعی

فضا و جامعه آشکارا بهم مرتبطند. تصور فضا بدون محتوای اجتماعی و همچنین درک و تصور جامعه بدون اجزای فضایی مشکل است. این ارتباط به بهترین وجه، به صورت یک فرآیند ممتد و دوطرفه تصور می شود که در آن، در حالی که مردم و جوامع فضاها را ایجاد و اصلاح می کنند، در عین حال به شیوه های گوناگون تحت تأثیر آنها هستند. دیر و والچ^۱ استدلال می کنند که روابط اجتماعی می تواند مستقیماً از طریق فضا برقرار شود؛ بدان معنا که خصوصیات مکان

1 Dear, M. and Walch, J.

در این باره اشاره دارد، بیشتر اعضایی که در جلسات عمومی شرکت می‌کنند، تحصیل کرده‌اند و از لحاظ فنی در سطح بالاتری از عموم مردم بوده و معمولاً به دنبال نتیجه هستند (Eccleston, 2000). بنابراین یکی از موانع اصلی مشارکت عمومی در فرآیند طراحی، مسئله نمایندگی عموم مردم است (Anuar & Saruwono, 2012; Dola & Mijan, 2006; Stern & Dietz, 2008; Yao, 2006). یکی دیگر از عوامل مهم شرکت نکردن مردم در فرآیند طراحی، مسئله زمان مشارکت آنهاست (Doelle, 2006; Sinclair, 2006; Yao, 2006). برخی از محققان معتقدند که معمولاً مشارکت کنندگان در مراحل بحرانی برنامه‌ریزی، طراحی و ارزیابی درگیر نمی‌شوند (Yao, 2006). از طرفی این عدم حضور در زمان معقول، مانع مشارکت و در نهایت موجب ایجاد اختلاف می‌گردد (Doelle & Sinclair, 2006). همچنین از نظر دیگر پژوهشگران محتوای طراحی و برنامه‌ریزی اغلب شامل اطلاعات مهم علمی، تخصصی و حقوقی است که می‌تواند برای شهروندان معمولی قابل درک نباشد (Dola & Mijan, 2006). هزینه‌های مربوط به مشارکت مردم در فرآیند طراحی را می‌توان به عنوان یکی دیگر از موانع عمده در فرآیند طراحی مشارکتی فضاهای عمومی بیان کرد (Anuar & Saruwono, 2012). مطالعه مگنوسون نشان می‌دهد که تفاوت در هنجارها و قضاوت‌ها موجب ایجاد مشکل ارتباطات مؤثر در سراسر جامعه، سیاست‌گذاران و مردم است و تأکید دارد که مشارکت عمومی ممکن است اثرات مثبتی را که هزینه اضافی را توجیه می‌کند، ارائه ندهد (Magnusson, 2003; Stern & Dietz, 2008). بنابراین هزینه‌های مربوط به مشارکت مردم یکی دیگر از موانع عمده در روند طراحی فضاهای عمومی است.

۳. روش

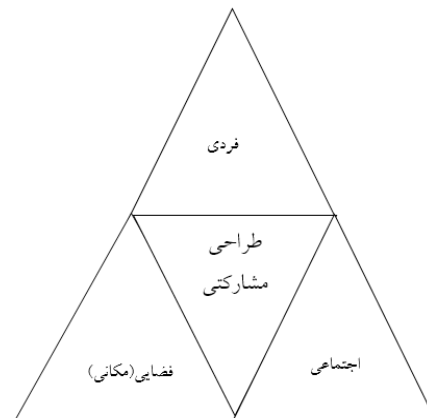
مطالعه حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش تحقیق قیاسی-مروری است. گفتنی است روش قیاسی به دلیل ارتباط درون سطحی مطالب مفهومی و با در کنار هم قرار دادن ترتیب این مفاهیم به دست آمده و بخش اصلی پژوهش حاضر در جمع‌آوری اطلاعات از روش تحلیل مروری و در جمع‌بندی و استنتاج به روش قیاسی است.

۴. بحث و یافته‌ها

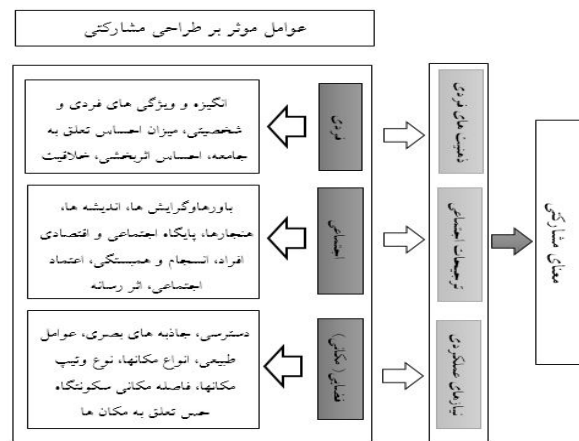
۴.۱. ارائه مدل عوامل تأثیرگذار بر ایجاد مشارکت در فرآیند طراحی فضاهای عمومی

تصویر شماره ۷، مدل عوامل تأثیرگذار بر ایجاد مشارکت در فرآیند طراحی فضاهای عمومی را نشان می‌دهد. مدل مفهومی پیشنهادی این پژوهش تلفیقی از نظریه‌های مربوط به طراحی عرصه عمومی و نظریه‌های طراحی مشارکتی است. با توجه به دیدگاه‌ها، مدل‌ها و نظریه‌های مربوطه در حوزه مشارکت، مؤلفه‌های مؤثر بر عمل مشارکت به شکل عام در سه بعد فردی (انگیزه و ویژگی‌های فردی و شخصیتی، میزان احساس تعلق به جامعه، احساس اثربخشی، خلاقیت)، اجتماعی (باورها و گرایش‌ها، اندیشه‌ها، هنجارها، پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد، انسجام و همبستگی، اعتماد اجتماعی، اثر رسانه) و فضایی-مکانی (دسترسی، جاذبه‌های بصری، عوامل طبیعی، انواع مکان‌ها، نوع و تیپ مکان‌ها، فاصله مکانی سکونتگاه، حس تعلق به مکان‌ها) استخراج و سپس مؤلفه‌های مفهومی مؤثر بر

فضاها را به لحاظ اجتماعی فعال می‌سازد، در درجه نخست عوامل کالبدیست که بتواند زمینه‌ساز ورود و سپس توقف افراد درون فضا باشد: عواملی چون دسترسی‌ها، جاذبه‌های بصری و عوامل طبیعی (Akebra, 2008; Daneshpour & Charkhchyan, 2008; ryahe & Amar-ezde, 2019). همچنین می‌توان به مؤلفه‌های دیگری چون عوامل مکانی، نوع و تیپ مکان‌ها و فاصله مکانی سکونتگاه‌ها با یکدیگر اشاره نمود (171-170: Rahnama, 2010) و می‌توان در این باره به صاحب نظرانی چون اسکات دیویدسون، دیوید دریکسل، شری ارنشتاین و... اشاره کرد (تصویر شماره ۶).



تصویر شماره ۵: مدل عوامل مؤثر بر طراحی مشارکتی



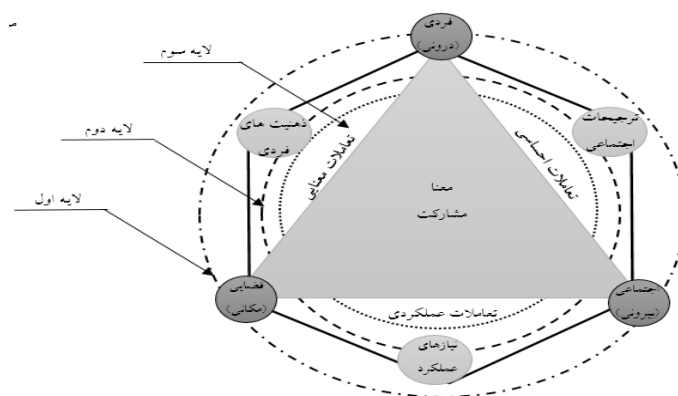
تصویر شماره ۶: دسته‌بندی هر یک از مؤلفه‌های مؤثر بر طراحی مشارکتی

۲.۴. موانع مؤثر در فرآیند طراحی مشارکتی

امروزه بسیاری از فضاهای عمومی در شهرهای سرتاسر جهان از طریق مشارکت ذی‌نفعان و نمایندگان مختلف از جمله سازمان‌های عمومی و نهادهای خصوصی در قالب درون سازمانی و ترتیبات پیچیده شکل می‌گیرند (Banerjee, 2001; Madanipour, 2010). با این حال، برخی از پژوهشگران بر این باورند که روند مشارکت عمومی در فرآیند طراحی فضاهای عمومی و تصمیم‌گیری، طولانی و پیچیده حتی در برخی موارد پر هزینه و وقت گیر است (Doelle & Sinclair, 2006; Dola & Mijan, 2006). از طرفی برخی از محققان نیز اعتقاد دارند، باید بین کسی که مشارکت می‌کند و کسی که تحت تأثیر تصمیمات متخصصان قرار می‌گیرد، تمایز داده شود (Stern & Dietz, 2008). به طوری که اسکاتلون

مشارکتی را دارند. مؤلفه‌های اولیه به دلیل ایجاد ساختار عاطفی منسجم و شکل‌گیری روابط اجتماعی پایدار (شکل‌گیری مشارکت بهینه) که از دید ما همان مشارکت رسمی و غیررسمی بیشترین تأثیر را دارند و مؤلفه‌های ثانویه مکان به دلیل این که باعث حضور افراد در مکان‌های عمومی و انعقاد اولیه روابط اجتماعی (شکل‌گیری مشارکت اولیه) می‌شوند، مؤثر هستند. در این مدل هرچه از خارج به داخل آن حرکت کنیم، اطلاعات تخصصی‌تری می‌گردد؛ به طوری که اطلاعات لایه نخست به صورت کلان در حوزه مدیریت و تصمیم‌سازی، اطلاعات در لایه دوم در سطح میانی مربوط به حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و اطلاعات در لایه آخر بیشتر در حوزه طراحی و معماری فضاها کاربرد دارند. همچنین مؤلفه‌های موجود در لایه نخست به عنوان پایه و اساس دیگر مؤلفه‌ها، در لایه‌های بعدی مؤثر هستند.

طراحی مشارکتی به طور خاص، در قالب سه گانه ذهنیت‌های فردی، ترجیحات اجتماعی و نیازهای عملکردی-معنایی شناسایی شدند و به منظور پاسخگویی به هر یک از این متغیرهای مفهومی در طراحی به ترتیب از تعاملات معنایی (ارتباطات هویتی، تناسبات کالبدی و فرهنگی، تعاملات، خاطره‌ها)، تعاملات اجتماعی (حس مثبت، حس عاطفی، حس مباحثات، افتخار، علاقه) و تعاملات عملکردی (وابستگی، رضایت‌مندی، تنوع فعالیت، رفع نیازهای روزانه، دلبستگی) استفاده می‌شود. به طوری که ویژگی‌های مفهومی مکان مانند حس تعلق به مکان در ابعاد معنایی، تنوع کالبدی و عملکردی (در ابعاد اجتماعی-مکانی)، نفوذپذیری و خوانایی (در بعد مکانی) در سطح اولیه و ویژگی‌های کارکردی مکان مانند دسترسی، امنیت و دعوت‌کنندگی (در ابعاد مکانی) در سطح ثانویه بیشترین نقش در سطوح مداخله



تصویر شماره ۷: مدل عوامل مشارکتی در فرایند طراحی معماری

پذیری و ساختاردهی فرآیند طراحی از جز (طراحی) تا کل (برنامه دهی) را داراست. نتایج این پژوهش قابلیت ساختاردهی مرتبط با تجربه کاری طراحان و معماران در جلب مشارکت افراد در فرآیند طراحی را داراست.

References:

- Ackerman, J. (1969). Listening to architecture. Harvard Educational Review, 39(4), 4-10.
- Akebra ryahe, M., & Amar-ezde, H. (2019). Rahkear-hya Traha Fdaha-a-ya Emwma ba Hdf Shkel- guara Teamlat ajtma'ea dr Mahlh Gunbd Keazrwn [Strategies for designing public spaces with the aim of forming social interactions in the Gonbad neighborhood of Kazerun]. Mtal'eat Traha Shhra -ve- Pejewhsh -haa Shhra, 2(3), 1-15. [in Persian]
- Alalhesabi, M., & Usefzmani, M. (2011). Fraand Traha Memara' Teaml Maan Trah ve Bhrh brdar [ARCHITECTURAL DESIGN PROCESS; INTERACTION BETWEEN THE DESIGNER AND OWNER PARTICIPATION] Honar-Ha-Ye Ziba,

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش براساس بررسی‌های انجام شده، بر نقش اساسی مفهوم مشارکت در فرآیند طراحی تأکید می‌کند. بررسی نظری ادبیات موضوع و پیشینه مفهوم طراحی مشارکتی نشان می‌دهد این فرآیند به صورت چندگانه، پیچیده و در سطوح مختلف است. یافته‌های نظری این مقاله، در سه سطح قابل دسته‌بندی است: سطح نخست که در لایه کلان بوده و مدل معنایی مفهوم مشارکت در قالب سه گانه فردی، اجتماعی و مکانی را مورد تأیید قرار می‌دهد. سطح دوم با روش تحلیل قیاسی به پیشینه تحقیق پرداخته و سه گانه ذهنیت‌های فردی، ترجیحات اجتماعی و نیازهای عملکردی - معنایی را ارائه می‌نماید و نهایتاً در سطح سوم تعاملات معنایی، اجتماعی و عملکردی مورد تأکید قرار می‌گیرد. سطوح یافته‌های این پژوهش در فرآیند طراحی در سه سطح کاربردی است: سطح نخست یافته‌ها در حوزه تصمیم‌سازی و مدیریت برنامه دهی طراحی، سطح دوم یافته‌ها در حوزه برنامه‌ریزی کالبدی و طراحی شهری و سطح سوم یافته‌ها در حوزه معماری و طراحی خرد فضا قابلیت بهره‌برداری دارد. سطح نخست یافته‌ها سبب تعمیق مشارکت در مکان‌های عمومی و ایجاد ساختار عاطفی، ناخودآگاه و معنایی می‌گردد. سطح دوم منجر به تداوم این تعمیق و سطح سوم ابزار و امکان تسهیل حضور افراد در مکان‌های عمومی را باعث می‌گردد. مدل سه گانه پیشنهادی این پژوهش قابلیت تعمیم

- 2(43), 31-42. [in Persian]
- Alexander, C. (2010). *Memary v Raz- jawdanguy Rah- by -Zman -Sakhtn* [Architecture and the Secret of Immortality to Make Timeless; Translated by Mehrdad Qayyumi Bidhandi]. Tehran: Shahid Beheshti University. [in Persian]
 - Anuar, M. I. N. M., & Saruwono, M. (2012). Barriers of user's involvement in the design process of public parks as perceived by landscape architects. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 253-259.
 - Arnstein, S. R. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of planners*, 35(4), 216-224.
 - Asadpour, A., Entezari, A., & Ahmadi Ahank, K. (2019). *Msharket Ajtma'ea Rasma- ve-Gharrsma V 'Awaml M'ethr Br an Motal'e Mowreda: Shhrstan Amol* [Formal and Informal Social Participation and Factors Affecting it (A Study in The City of Amol)]. *jam'eh shnasa kearbrda*, 29(3), 67-86. [in Persian]
 - Axelrod, M. (1956). Urban structure and social participation. *American Sociological Review*, 21(1), 13-18.
 - Azadaramki, T. (1994). *Msharket w Tos'eh Aqtsada-Ajtma'ea* [Participation and socio-economic development]. *Frhngu Tos'eh*, 2(10), 46-52. [in Persian]
 - Baek, J. S., & Lee, K. P. (2008). A participatory design approach to information architecture design for children. *Co-Design*, 4(3), 173-191.
 - Banerjee, T. (2001). The future of public space: beyond invented streets and reinvented places. *Journal of the American planning association*, 67(1), 9-24.
 - Bezanson, K. (2006). Gender and the limits of social capital. *Canadian Review of Sociology/Revue canadienne de sociologie*, 43(4), 427-443.
 - Birou, A. (1997). *Frhngu Elwm Ajtma- ea* [Culture of Social Sciences; translated by Baqer Sarukhani]. Tehran: keahan. [in Persian]
 - Bjögvinsson, E., Ehn, P., & Hillgren, P. A. (2012). Design things and design thinking: Contemporary participatory design challenges. *Design issues*, 28(3), 101-116.
 - Braun, S. (2002). *Soziales Kapital, sozialer Zusammenhalt und soziale Ungleichheit*. *Aus Politik und Zeitgeschichte*, B, 29-30.
 - Büscher, M., Shapiro, D., Hartswood, M., Procter, R., Slack, R., Voß, A., & Mogensen, P. (2002, June). Promises, premises and risks: Sharing responsibilities, working up trust and sustaining commitment in participatory design projects. In *Proceedings of the Participatory Design Conference* (pp. 183-192).
 - Carpentier, N. (2012). O conceito de participação. Se eles têm acesso e interação, eles participam de fato? *Fronteiras-estudos midiáticos*, 14(2), 164-177.
 - Carr, S., Stephen, C., Francis, M., Rivlin, L. G., & Stone, A. M. (1992). *Public space*. Cambridge University Press.
 - Carmona, M., Heath, T., Tiesdell, S., & Oc, T. (2010). *Mkean-ha-ya Emwma Fda-ha-ya shhra' ab-ead guwnaguwn traha shhra* [Public places, urban spaces: the dimensions of urban design. Routledge]. Tehran: Danshguah Hnr. [in Persian]
 - Conrad, E., Cassar, L. F., Christie, M., & Fazey, I. (2011). Hearing but not listening? A participatory assessment of public participation in planning. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 29(5), 761-782.
 - Creighton, J. L. (2005). *The public participation handbook: Making better decisions through citizen involvement*. John Wiley & Sons.
 - Dahl, R. (1963). *Modern Political Analysis*. Englewood Cliffs, N. J.: Prentice-Hall. Inc, 1, 970.
 - Daneshpour, A., & Charkhchyan, M. (2008). *Fdahaa-Emwma ve -Ewaml Mwthr br Haat Jm- ea* [Public Spaces and Factors Affecting Collective Life]. *Bagh -Nzr*, 7(8), 19-28. [in Persian]
 - Doelle, M., & Sinclair, A. J. (2006). Time for a new approach to public participation in EA: Promoting cooperation and consensus for sustainability. *Environmental Impact Assessment Review*, 26(2), 185-205.
 - Dola, K., & Mijan, D. (2006). Public participation in planning for sustainable development: operational questions and issues. *International Journal on Sustainable Tropical Design Research & Practice*, 1(1), 1-8.
 - Eccleston, C. H. (2000). *Environmental impact statements: A comprehensive guide to project and strategic planning*. John Wiley & Sons.
 - El-Masri, S., & Kellett, P. (2001). Post-war reconstruction. Participatory approaches to rebuilding the damaged villages of Lebanon: a case study of al-Burjain. *Habitat International*, 25(4), 535-557.
 - Elwa Nasab Ashkedra, F., Bodagour, S., & sabrnjead, J. (2020). *Tbaan shakhsh ha w m'elfh haa ajtma'e*

- pedara fdahaa ajtma'ea dr shhr thran nmwnh mwrda mjmw'eh haa ajtma'ea ve 'emwma arada 'ebas abad [Explaining the characteristics and components of socialization of social spaces in Tehran (Case study of social and public complexes of Abbasabad lands)]. *Ngursh- ha-ya Nw dr Jghrafaaa Ansana*, 12(1), 325-344. [in Persian]
- Erfani, G., & Roe, M. (2020). Institutional stakeholder participation in urban redevelopment in Tehran: An evaluation of decisions and actions. *Land Use Policy*, 91, 104367.
 - Enserink, B., & Koppenjan, J. (2007). Public participation in China: sustainable urbanization and governance. *Management of Environmental Quality: An International Journal*.
 - Faulks, K. (2000). *Citizenship*. Routledge.
 - Forester, J. (1982). Planning in the Face of Power. *Journal of the american planning association*, 48(1), 67-80.
 - Forester, J. (2006). Making participation work when interests conflict: Moving from facilitating dialogue and moderating debate to mediating negotiations. *Journal of the American Planning Association*, 72(4), 447-456.
 - Floyd, C., & Hatch, R. (1983). Giving Form in Prime Time. *The Scope of Social Architecture*, edited.
 - Francis, J., Giles-Corti, B., Wood, L., & Knuiaman, M. (2012). Creating sense of community: The role of public space. *Journal of environmental psychology*, 32(4), 401-409.
 - Frshchea, H., & Trkea Baghbadrana, H. (2019). Brrsa fraand msharket astfadh kenndguan mrdm dr Rwnd traha Msken ba Rwakerd Memara Jm-ea [Investigating the process of participation of people users in the process of housing design with a collective architecture approach]. *Pejewhsh Dr Hnr ve Elwm Ansana*, 0(3),33-44. [in Persian]
 - Framework, in Post- Earthquake Permanent Housing Reconstruction Gillan-Zanjan (1990), Varzaghan (2012) and Kermanshah (2017)]. *Msken- ve- Rwsta*, 39(169), 35-50.
 - Fathe, H. (2004). *Sakhtman saza ba mrdm [Building with the people]*. Tehran: Danshguah Hnr. [in Persian]
 - Geiger, L. B. (1942). *La participation dans la philosophie de S. Thomas d'Aquin (Vol. 23)*. J. Vrin.
 - Halaj, L. (2016). *Rwakerd Mosharketa ve khlaqanh dr Traha-ye Memara' kwtaah-az-alkhandrw arawna, brndh jayzh perytzkr2016 [Participatory and creative approach in architectural design; Short by Alejandro Arauna, winner of the 2016 Pritzker Prize]*. *Rwznamh sharq*, 0(2502),11. [in Persian]
 - Horelli, L. (2002). A methodology of participatory planning. *Handbook of environmental psychology*, 607-628.
 - Huang, Y., Ning, Y., Zhang, T., & Fei, Y. (2015). Public acceptance of waste incineration power plants in China: Comparative case studies. *Habitat International*, 47, 11-19.
 - Huntington, S. P., & Nelson, J. M. (1976). *No easy choice: Political participation in developing countries*. Harvard University Press.
 - Hyyppä, M. T., & Mäki, J. (2003). Social participation and health in community rich in stock of social capital. *Health education research*, 18(6), 770-779.
 - Islami, S.G. (2004). *Alguw-ye Framwsh Shdh Asl Mosharkt Marodm dr Fraynd Trahy ve Tos-eh Dronza [The Forgotten Pattern The principle of people's participation in the process of endogenous design and development]*. *Nshriyh Byn- almlly Mhndsy Snay'e V Mdyryt twlyd (Wajah namh M'emara -ve -Shhrsaza)*,16(1),1-13. [in Persian]
 - Ismail, W. A. W., & Said, I. (2015). Integrating the community in urban design and planning of public spaces: a review in Malaysian cities. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 168, 357-364.
 - Javanforouzande, A., & Matlaby, Q. (2012). *Mfhwmm hes Talq-beh-Mkean-ve-Ewaml Tshkeyl-dhndh an [The concept of a sense of belonging to a place and its constituent factors]*. *Hwat Shhr*, 5(8), 27-34. [in Persian]
 - Jalali, T., Fallahi, A., Islami, S. G., & Sabernejad, Z. (2020). *Cearchewb shahd -mehwr Fraand Traha Msharketa dr bazsaza- ha-ye- Msken Dayeam pes -az -Zman -lrzh- ha-ye gualan- znjan 69, wrzqan 91 w kermanshah 9 [he Evidence Based Participatory Design Process Framework, in Post- Earthquake Permanent Housing Reconstruction Gillan-Zanjan (1990), Varzaghan (2012) and Kermanshah (2017)]*. *Msken- ve- Rwsta*, 39(169), 35-50. [in Persian]
 - JonesP, B. PetrescuD. TillJ. (Eds.). (2005). *Architecture and participation*.
 - Juarez, J. A., & Brown, K. D. (2008). Extracting or empowering? A critique of participatory methods for marginalized populations. *Landscape Journal*, 27(2), 190-204.

- Kelly, C., & Breinlinger, S. (1996). The social psychology of collective action: Identity, injustice and gender. Taylor & Francis US.
- Kensing, F., & Greenbaum, J. (2013). Heritage: Having a say. Routledge international handbook of participatory design, 21-36.
- Keamla Ni-ya, H. (2014). Chearchewba Nwan braya Teaml Memara jm-ya Dr Traha Mjmw-eh ha-ya Mskewna Masr [New Framework for Inferaction of Commuunity Architecture for Designing Contemporary Housing Complexes]. Nqsh Jhan, 3(2), 63-73. [in Persian]
- Keraab, Y. (2004). Nzrah Ajtma'ea Kelasake (Mqdm Hay br Andashh Markers, Wbr, Dwrkeam ve Zaml) [Classical Social Theory (Introductions to the Thought of Marx, Weber, Durkheim, and Simmel)]. Tehran: Aguh. [in Persian]
- Kolcunová, P., Siláči, I., & Vitková, E. (2016). Public Space and Its Role to Transforming the Community. Procedia engineering, 161, 1944-1948.
- Lawson, B. (1990). How Designers Think, (ed.) The Architectural Press. London UK.
- Lavelle, L. (1937). Principes généraux de toute philosophie de la participation. Travaux du IXE Congrès International de Philosophie, 9, 170-176.
- Li, T. H., Ng, S. T., & Skitmore, M. (2012). Public participation in infrastructure and construction projects in China: From an EIA-based to a whole-cycle process. Habitat international, 36(1), 47-56.
- Li, T. H., Ng, S. T., & Skitmore, M. (2013). Evaluating stakeholder satisfaction during public participation in major infrastructure and construction projects: A fuzzy approach. Automation in construction, 29, 123-135.
- Lngu, H. (2012). Afransh Nzrah Memara Nqsh Elwm Rftara Dr Traha Mhat [Creating architectural theory The role of behavioral sciences in environmental design]. Thran: Antshart Danshguh Thran. [in Persian]
- Magnusson, P. R. (2003). Benefits of involving users in service innovation. European Journal of Innovation Management.
- Madanipour, A. (2010). Whose public space. Whose Public Space?. International Case Studies in Urban Design and Development, 237.
- Mandeli, K. (2019). Public space and the challenge of urban transformation in cities of emerging economies: Jeddah case study. Cities, 95, 102409.
- Mansouri, S. A., & Foroughi, M. (2019). Mfhwmm Traha Msharketa Mnzr [The Concept of Participation in Landscape Design]. Bagh Nzr, 15(62), 17-24. [in Persian]
- Madanipour, A. (2008). Faza-ye 'emwme Ve Khsosi shahr [Public and private spaces of the city]. Thran: Shrkt Perdazsh ve Brnamh Rzyy Shhra. [in Persian]
- Mohseni Tbraza, A. (1997). Byguanguy Man-ey bray Msharkt ve Tws-eh meli [Alienation is an obstacle to participation and national development]. Namhe Pejewhsh, 1(2-3), 89-90. [in Persian]
- Mohmde, J., Baqre, K., & Hadre, S. (2016). Snjsh ve Brrsa Mazan Msharket Shhrwndan dr Amor Shhra ve Ewaml Muthr br an' mtal-eh Mwrda: shhr SnAndj [Assessing the level of citizen participation in urban affairs and the factors affecting it; Case study: Sanandaj city]. Thlal Ajtma-ye Nzm ve Nabrabra Ajtma-ye, 7(2), 179-209. [in Persian]
- Mqds Jefra, M., & Kerama, R. (2014). Brrsa Msharket Ajtma-ye Jwanan 18-29 Salh Shhr Bam Bed az Zlzelh ve Ewaml Mwthr Br an [Investigating the social participation of young people aged 18-29 in Bam after the earthquake and the factors affecting it]. Mtal-yeat Jam-eh Shnakhta Jwanan, 4(11), 111-132. [in Persian]
- Mosaye, M., & Shyany, M. (2010). Msharkt Dr Amwr Shhry ve Alzamat an dr Shhr Thran [Participation in urban affairs and its requirements in Tehran]. Rfah Ajtma-ye, 10(38), 245-268. [in Persian]
- Mokhtarmanesh, S., & Ghomeishi, M. (2019). Participatory design for a sustainable environment: Integrating school design using students' preferences. Sustainable Cities and Society, 51, 101762.
- Mirzaean, M. S., Zabihi, H., & Majedi, H. (2014). PARTICIPATORY DESIGN, A NEW APPROACH TO REGENERATE THE PUBLIC SPACE.
- Milbrath, L. W., & Goel, M. L. (1977). Political participation: How and why do people get involved in politics?. Rand McNally College Publishing Company.
- Nwabkhsh, M., Rezaye, M., & Rhami, M. (2015). Brrsa Rabth Mazan A-etmad Shhrwndan ba Mazan Msharket Ajtma-ye Anan 'Mtal-eh Mwrda: Shhr Aalam [Investigating the relationship between citizens' trust and their social participation; Case study: Ilam city]. Mtal-yat Jam-yeh Shnasa Shhra, 4(10), 1-27. [in Persian]
- Noghane, M., Mzloom Khrasane, M., & Khlafh, M. (2013). Brrsa Mazan Msharket Ajtma-ye Mrdm dr

- Shhr Mrwdsht ve Ewaml Mwthr Bran dr Sal 1387 [Investigating the level of social participation of people in Marvdasht and the factors affecting it in 2008]. *Jam-eh Shnasi Kearbrdi*, 23(1), 51-80. [in Persian]
- Norozi, F.A. & Bkhtaare, M. (2010). Msharket Ajtma-ye ve Ewaml Ajtma-ye mwthr BrAn [Social participation and social factors affecting it]. *Rahbrda*, 18(53), 249-263. [in Persian]
 - Pateman, C. (1970). *Participation and democratic theory*. Cambridge University Press.
 - Peng, Y., Feng, T., & Timmermans, H. (2019). A path analysis of outdoor comfort in urban public spaces. *Building and Environment*, 148, 459-467.
 - Priya, R. S., Shabitha, P., & Radhakrishnan, S. (2020). Collaborative and participatory design approach in architectural design studios. *Social Sciences & Humanities Open*, 2(1), 100033.
 - Prisco, J. D. (2004). *Participation, Consensus Building and Conflict Management Training Course: (tools for Achieving PCCP)*. UNESCO/IHP/WWAP.
 - Østergaard, K. L., Simonsen, J., & Karasti, H. (2018). Examining situated design practices: Nurses' transformations towards genuine participation. *Design Studies*, 59, 37-57.
 - Özdemir, A. (2019). An approach on children's experiences of participatory planning. *Cities*, 93, 206-214.
 - Rainer, S. (2014). Social participation and social engagement of elderly people. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 780-785.
 - Rahman, M. A. (1993). People's Self-development. *Perspectives on Participatory Action Research*, 315-335.
 - Rossetti, T., Lobel, H., Rocco, V., & Hurtubia, R. (2019). Explaining subjective perceptions of public spaces as a function of the built environment: A massive data approach. *Landscape and urban planning*, 181, 169-178.
 - Rezaee, M., & Nasiri Ardali, H. (2020). Arzaaba mazan peashguwaa fdahaa 'emwma shhra bh naazhaa m'elwlan jsma, hrketa (mtal'eh mwrda: khaaban frdwsa shhr snndj) [Accountability of Urban Spaces to the Disabled Person's Needs (Case Study: Ferdowsi Street in Sanandaj)]. *Pejewhsh haa jghrafaaa brnamh raza shhra*, 7(3), 509-532. [in Persian]
 - Rahnama, M.R. (2010). brnamh rzyz mnatq mrkzy shhrha aswl mbany t'ewryha tjrbyat ve tknyk- ha [Planning of central areas of cities; Principles, foundations, theories, experiences and techniques]. Mshhd: danshguaah frdwsy mshhd. [in Persian]
 - Rshadpewr, N., & Seada Rdwana, N. (2016). Mqaash tabaqa Ewaml mwthr br mwfqat fdahaa 'emwma (khaaban ve pearke) dr zehn ve rftar shhrwndan ankeara ve thran ba ta kead br nqsh nzam brnamh raza fdahaa 'emwma dr shhrhaa mdkewr [Comparison of effective factors in the success of public spaces (parks & streets) in the minds and behavior of citizens in Ankara and Tehran, emphasizing the role of public space planning in these cities]. *Mtal-eat Shhra*, 4(14), 5-17. [in Persian]
 - Sills, D. L. (1968). *International encyclopedia of the social sciences*.
 - Sanoff, H. (1999). *Community participation methods in design and planning*. John Wiley & Sons.
 - Sanoff, H., & Toker, Z. (2003). *Three decades of design and community*. College of Design, North Carolina State University, Raleigh, North Carolina, USA.
 - Sanoff, H. (2007). Special issue on participatory design. *Design Studies*, 3(28), 213-215.
 - Serageldin, I. (1997). *The Architecture of Empowerment: People. Shelter and Liveable Cities* (London: Academy Editions, 1997).
 - Salingaros, N. A. (2000). The structure of pattern languages. *Architectural Research Quarterly*, 4(2), 149-162.
 - Svendsen, G. L. (2006). Studying social capital in situ: A qualitative approach. *Theory and society*, 35(1), 39-70.
 - Svendsen, G. L. H., & Svendsen, G. T. (2003). On the wealth of nations: Bourdieueconomics and social capital. *Theory and society*, 32(5), 607-631.
 - Smith, S. S., & Kulynych, J. (2002). It may be social, but why is it capital? The social construction of social capital and the politics of language. *Politics & society*, 30(1), 149-186.
 - Smith, R. C., & Iversen, O. S. (2018). Participatory design for sustainable social change. *Design Studies*, 59, 9-36.
 - Stern, P. C., & Dietz, T. (2008). *Public participation in environmental assessment and decision making*. Washington, DC: National Academies Press.
 - Sawshpewr, B., Abron, A., & Mosove, M. (2019).

- Rhaaft haa traha fdahaa 'emwma ajtma'e pedara shhra bgrurfth shdh az wajegua haa mkean swm [Design approaches to urban socialization public spaces derived from third-place features]. mtal'eat traha shhra w pejewhsh haa shhra,2(4),33-40. [in Persian]
- Shariati Mazinani, S., & Foroghzadeh, S. (2018). Fda-ha-ye-Emwma ve amnat znan dr shhr mshhd [urban public spaces and women security: The case study of Mashhad]. pejewhsh haa rahbrda amnat ve nzm Ajtma-ye, 6(4), 71-90. [in Persian]
 - Sobhani, N., Beyranvandzadeh, M., Akbari, M., & Souri, F. (2017). Arzaaba m'elfh haa mnasb saza fdahaa 'emwma shhra braa astfadh Janbazan w m'elwlan dr shhr khrm abad [Assessment of the appropriate components of urban public spaces for veterans and the disabled in the city of Khorramabad]. pejewhsh haa jghrafaaa brnamh raza shhra, 4(2), 283-298. [in Persian]
 - Valladares, A. (2017). Successes and failures of participation-in-design: Cases from Old Havana, Cuba. *Frontiers of Architectural Research*, 6(3), 401-411.
 - Wagner, S. A., Vogt, S., & Kabst, R. (2016). How IT and social change facilitates public participation: a stakeholder-oriented approach. *Government Information Quarterly*, 33(3), 435-443.
 - Xie, L. L., Xia, B., Hu, Y., Shan, M., Le, Y., & Chan, A. P. (2017). Public participation performance in public construction projects of South China: A case study of the Guangzhou Games venues construction. *International Journal of Project Management*, 35(7), 1391-1401.
 - Yang, K., & Pandey, S. K. (2011). Further dissecting the black box of citizen participation: When does citizen involvement lead to good outcomes? *Public administration review*, 71(6), 880-892.
 - Yetano, A., Royo, S., & Acerete, B. (2010). What is driving the increasing presence of citizen participation initiatives? *Environment and Planning C: Government and Policy*, 28(5), 783-802.
 - Yao, B. W. (2006). Technology and public participation in environmental decisions (Doctoral dissertation, Massachusetts Institute of Technology).
 - Yazadeh, S. M., & Shamsollahi, B. (2019). Nqsh Fda-ha-ye Emwma dr thq Shkewfa-ya Shhra ve Tws-eh Peaadar [The Role of Public Spaces in the Realization of City Prosperity and Sustainable Development.]. *Aqtsad ve Mdarat Shhra*, 6(23), 111-143. [in Persian]
 - Yazdan penah, L., & Penaha, M. H. (2005). Athr wajegua ha-ya frda br msharket ajtma'ea [The effect of individual characteristics on social participation]. *Elwm Ajtma -ya*, 11(26),69-107. [in Persian]
 - Zamanifard, H., Alizadeh, T., & Bosman, C. (2018). Towards a framework of public space governance. *Cities*, 78, 155-165.
 - Zimmerman, A. (1996). Public Participation in Planing. *Common Questions about Planing in Arizona Issus*, 6.
 - "Participation ." *New Catholic Encyclopedia*. Retrieved January 13, 2020 from Encyclopedia.com: <https://www.encyclopedia.com/religion/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/participation>

نحوه ارجاع به مقاله:

نوروزی، سودا؛ جوان فروزنده، علی (۱۴۰۰)، تحلیل سوبه‌های مفهوم مشارکت در فرآیند طراحی فضاهای عمومی، مطالعات شهری، ۱۰ (38)، 49-62. doi: 10.34785/J011.2021.503/Jms.2021.133

http://www.urbstudies.uok.ac.ir/article_61437.html

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تأثیر شاخص‌های کیفیت ادراک محیط سکونتی بر کنش متقابل اجتماعی پیوسته در محله باغ شاطر تهران

محمدحسن سعیدی مطلق^۱ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
ناصر براتی - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۲ آبان ۱۳۹۹

چکیده

کیفیت ادراک محیط سکونتی به‌عنوان ابزار برنامه‌ریزان شهری به منظور ارتقا و ساماندهی محیط، قابلیت فراهم‌کردن بسترهای لازم برای شکل‌گیری و ارتقای کنش متقابل اجتماعی را دارند. وظایف واحدهای همسایگی و محلات را می‌توان ابزاری برای افزایش تعاملات اجتماعی، مکانی برای رویارویی شهروندان با یکدیگر و مدیریت و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های شهروندی بیان کرد. بر این اساس، هدف مقاله حاضر بررسی تأثیر شاخص‌های کیفیت ادراک محیط سکونتی بر کنش متقابل اجتماعی پیوسته است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و به‌صورت پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه نیز محله باغ شاطر در شهر تهران است. ابتدا به شناسایی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر در ارزیابی شاخص‌های کیفیت ادراک محیط سکونتی پرداخته شد و با استفاده از پرسشنامه شاخص کیفیت ادراک محیط سکونتی به وسیله بونیتو، فورنارا و بونز در سال ۲۰۰۳، تأثیر مؤلفه‌های کیفیت ادراک محیط سکونتی بر کنش متقابل اجتماعی پیوسته با استفاده از رگرسیون دوگانه تبیین شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که شاخص‌های کیفیت ادراک محیط سکونتی توانسته نزدیک به نیمی از تغییرات کنش متقابل اجتماعی را تبیین کند. به طوری که در میان شاخص‌ها، بیشترین ضریب تأثیر به ترتیب متعلق به نگهداری و مراقبت از محیط، تعلق خاطر و راه شهری است. با توجه به نتایج حاصل شده، به نظر می‌رسد تقویت ظرفیت اجتماعات محلی مبتنی بر توانمندسازی افراد برای حفظ و مراقبت از محل زندگی‌شان و تشریک مساعی با سایر اهالی برای رفع مشکلات محیطی می‌تواند به نحو معناداری کنش متقابل اجتماعی پیوسته را نیز تقویت کند.

واژگان کلیدی: کیفیت ادراک محیط سکونتی، کنش متقابل اجتماعی پیوسته، محله شهری، روابط اجتماعی، باغ شاطر.

نکات برجسته

- کیفیت ادراک محیط سکونتی به‌عنوان ابزار برنامه‌ریزان شهری در جهت ارتقا و ساماندهی محیط، این توانایی را دارد که زمینه لازم را برای شکل‌گیری و ارتقای کنش متقابل اجتماعی فراهم نماید.
- با استفاده از پرسش‌نامه شاخص کیفیت ادراک محیط سکونتی توسط بونیتو، فورنارا و بونز در سال ۲۰۰۳، تأثیر مؤلفه‌های کیفیت ادراک محیط سکونتی بر کنش متقابل اجتماعی پیوسته با استفاده از رگرسیون دوگانه تبیین شد.
- در میان شاخص‌ها، بیشترین ضریب تأثیر به ترتیب متعلق به نگهداری و مراقبت از محیط، تعلق خاطر و راه شهری است.
- شاخص‌های کیفیت ادراک محیط سکونتی توانسته نزدیک به نیمی از تغییرات کنش متقابل اجتماعی را تبیین کند.
- میان کنش متقابل اجتماعی و کیفیت ادراک محیط سکونتی در محله باغ شاطر رابطه معناداری وجود دارد.

۱. مقدمه

انسان موجودی تأثیرپذیر از محیط است و همان طور که از محیط تأثیر می‌گیرد، بر محیط تأثیرگذار است. مطالعات چندی بیان می‌دارند که واحدهای همسایگی محلی می‌توانند تعامل اجتماعی میان افراد را ارتقا بخشند. مردم نیز برای پاسخ‌گویی به نیاز تعامل اجتماعی خود، در فضاهای محل زندگی حضور می‌یابند (Cooper & Francis, 1998). دیدگاه‌های تعاملی در مکاتب روان‌شناسی بر این باورند که انسان با محیط ارتباط برقرار می‌کند، در آن دخل و تصرف می‌کند و از آن تأثیر می‌پذیرد. با تأکید بر دیدگاه‌های اقتصادی و جمعیتی و کم‌توجهی به نیازهای دیگر انسان، محیط زندگی از کیفیت لازم کم‌بهره می‌ماند و ساکنان محیط‌های سکونتی با کم شدن کنش متقابل اجتماعی در زندگی دچار نوعی بی‌هویتی می‌شوند. علاوه بر این به دلیل مشکلات موجود در شهرهای بزرگ، گریزی از گسترش مجموعه‌های از پیش طراحی شده و انبوه وجود ندارد و توجه به جنبه‌های انسانی چنین مجموعه‌هایی ضرورت می‌یابد (Bahraini, 1999: 28). اما آنچه در جوامع امروزی مشاهده می‌شود، کاهش سطح ارتباط افراد با یکدیگر است؛ چنان که با افزایش اندازه، وسعت شهرها، سرعت، تراکم و غیره، مدنیت، شهروندی و روابط اجتماعی که از اصول اولیه شهری محسوب می‌شود، ضعیف شده‌است. کیفیت محیط شهری، جنبه‌ای از کیفیت زندگی است که نه تنها به حوزه برآورده‌سازی نیازهای مادی انسان توجه دارد، بلکه به تأمین و ارتقای ظرفیت‌های اجتماعی و توسعه اجتماعات که بر الگوهای رفتارهای اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار است، توجه نموده‌است (Rafeiyan & Mavlouidi, 2012: 9). محققان با تمرکز بر نیازهای فضایی انسان در محیط زندگی، موارد متعددی از جمله تعامل اجتماعی را مهم دانسته‌اند. ویژگی‌های حاکم بر مطالعات انسان و محیط نشان می‌دهد مطالعه فضای کالبدی، مستلزم ملاحظه فعالیت‌ها در آن است. بازگر بر ماهیت جمعی - رفتاری فضاهای فعالیت تأکید داشته و به کنش متقابل در فضاهای فعالیت در جایگاه قابلیت برای فضا اهمیت داده‌است (Barker, 1968: 76). در واقع اهمیت اجتماع‌پذیری فضا به حدی است که بسیاری از نظریه‌پردازان بر تأثیر این کیفیت بر کنش متقابل اجتماعی و دل‌بستگی به مکان زندگی تأکید نموده‌اند (Pol, 2002: 13). میزان موفقیت فضای عمومی با مقدار استفاده از آن فضا و حضور انسان در آن متناسب است. از این رو معماری و شهرسازی باید در پی افزایش کنش متقابل اجتماعی و همبستگی انسان‌ها باشد (Danshpour & Charkhechian, 2007: 21). امروزه شهرهای سراسر دنیا، روش متفاوتی از زندگی را تجربه می‌کنند و رشد و توسعه شهرها تغییرات اجتماعی وسیعی را به دنبال داشته‌است. وجود نداشتن کنش متقابل اجتماعی در واحدهای همسایگی و محلات به تنهاتر شدن افراد و انزوای آنان و روی آوردن به فضای مجازی بیش از پیش انجامیده‌است. این مسئله پیامدهای جبران‌ناپذیر و ناهنجاری‌های اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. در ایران، به دنبال افزایش شهرنشینی و سرعت بالای تغییرات در بافت‌های شهری به دلایل مختلف، کیفیت محیط در محلات شهری به شدت تنزل یافته‌است. از سوی دیگر، بر کنش متقابل اجتماعی به‌عنوان عاملی متأثر از ارتباطات اجتماعی به‌عنوان حلقه گم شده بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری تأکید شده‌است (Fathi, 2012: 65).

مشخصات جمعیتی و اجتماعی یک محله بر نحوه تعامل ساکنان با هم و نحوه استفاده از فضاهای مشترک داخل محله تأثیر می‌گذارد. عواملی چون ویژگی پاسخ‌دهنده در چرخه زندگی (شامل سن، وضعیت تأهل و حضور فرزندان در خانه)، وضعیت مالکیت (مالک یا مستأجر)، طول مدت اقامت، سطح تحصیلات و درآمد سالانه، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مرتبط با تعامل اجتماعی را در بر می‌گیرند. عواملی که می‌توانند تعامل اجتماعی را در یک محله برانگیزند، به دو دسته متغیرهای اجتماعی و ویژگی‌های کالبدی تقسیم می‌شوند. ویژگی‌های فیزیکی به‌عنوان عناصر طراحی مؤثر در فضاهای بیرونی، تعاملات اجتماعی را تشویق می‌کنند یا خود عاملی برای عدم ایجاد چنین کنش‌هایی می‌شوند. ویژگی‌های فیزیکی می‌تواند مردم را در ماندن در فضا و حفاظت و مراقبت از آن تشویق کنند. وجود موضوعات و عناصر جذاب و همچنین فضای سبز کافی، فرصت‌هایی را برای فعالیت اجتماعی و بهبود پیوندهای اجتماعی در میان ساکنان به‌وجود می‌آورد، بنابراین تعاملات اجتماعی یکی از مهم‌ترین جلوه‌های فضاهای شهری موفق است. هر چه افراد زمان بیشتری را در فضای محله سپری کنند، بیشتر به درگیری در فعالیت‌های محله ترغیب می‌شوند (Haggerty, 1982: 362).

فرضیه اصلی تحقیق، وجود ارتباط معناداری بین کیفیت ادراکی محیط سکونت با تعاملات متقابل اجتماعی در واحد همسایگی است. همچنین فرضیه‌های فرعی نیز به قرار زیر است:

- رابطه معناداری بین خوشایند بودن فضای محله با کنش متقابل اجتماعی وجود دارد.
 - امکان رفت‌وآمد مناسب و وجود فضای مناسب برای پارکینگ اتومبیل‌ها در محله از طریق اثرگذاری بر کیفیت ادراکی محیط بر کنش متقابل افراد اثر مثبت دارند.
 - افزایش خدمات رفاهی از طریق اثرگذاری بر کیفیت ادراکی محیط بر کنش متقابل افراد اثر مثبت دارند.
- برقراری سطح مناسبی از تعاملات جمعی و کنش متقابل اجتماعی در محیط‌های زندگی به صورت یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی، از ویژگی‌های محیط انسان‌ساخت تأثیر می‌پذیرد. مطالعه موردی در این مقاله، محله باغ شاطر در تهران است. بدین ترتیب این مقاله می‌کوشد برای بررسی مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر کنش متقابل اجتماعی، شاخص‌های کیفیت محیط سکونتی را به‌عنوان مبنای سنجش خود برگزیند و بر آن است تا تأثیر هر کدام از این شاخص‌ها را بر ایجاد کنش متقابل اجتماعی میان ساکنان محله باغ شاطر مورد بررسی و سنجش قرار دهد. بنابراین آیا کیفیت ادراکی محیط سکونت می‌تواند بر تعاملات متقابل اجتماعی در محلات تأثیر بگذارد؟

۲. مبانی نظری

۲.۱. کیفیت ادراک محیط سکونتی

با وجود تغییرات اساسی در پیوندهای مردم در دوره مدرنیته، تک‌انگاری‌ها به این نتیجه رسیدند که هنوز در شهر روابط اجتماعی قوی وجود دارد (Gans, 1962: 17). فضاهای عمومی الگوهای پیچیده‌ای از عملکردها و دربردارنده مفاهیم و معانی متنوعی هستند که شناخت و درک چگونگی این روابط می‌تواند در طراحی با کیفیت

ترسیم نقشه‌های ذهنی و امثال این‌ها وجود دارند؛ که با توجه به ویژگی‌های محیطی هر محدوده‌ای، می‌توان روش متناسب با آن را برگزید.

موضوع کیفیت محیط شهری از جمله موضوعات مورد توجه برنامه‌ریزان شهری و کارشناسان حوزه‌های مختلف علوم انسانی، به‌خصوص در دهه اخیر بوده و تعاریف متعددی از مفهوم کیفیت محیط در شهرها از جانب محققان ارائه شده است. بسیاری از پژوهشگران به بازنشاسی این مفهوم پرداخته‌اند. کیفیت محیط موضوعی پیچیده و دربرگیرنده ادراکات ذهنی، نگرش‌ها و ارزش‌های گروه‌ها و افراد مختلف است (Porteous, 1971: 155). کیفیت محیط را می‌توان به‌عنوان بخش اساسی از مفهوم گسترده‌تر کیفیت زندگی تعریف کرد (RIVM, 2002: 13). کیفیت محیط از برآیند کیفیت اجزای متشکله یک ناحیه معین حاصل می‌شود، اما بیشتر از اشاره به جمع اجزای سازنده محیط، بر ادراک کلی از یک مکان دلالت دارد (Van Kamp et al., 2003: 9). با این حال به‌طور کلی کیفیت محیط شهری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: کیفیت محیط شهری عبارت است از شرایط اجتماعی-فرهنگی و کالبدی محیط شهری که نشان‌دهنده میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از آن محیط است. در واقع «یک محیط با کیفیت بالا، حس رفاه و رضایت‌مندی را به جمعیتی که در آن ساکن‌اند به‌واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا نمادین باشند، منتقل می‌کند» (Lansing and Marans به نقل از Van poll, 1999: 17).

۲.۲. کنش متقابل اجتماعی

زندگی اجتماعی صحنه تجلی انواع ارتباطات و تعاملات اجتماعی میان افراد است. افرادی که به‌منظور تحقق اهداف موقعیت اجتماعی بایستی به نحو معناداری با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (Salibi, 2011: 102). کنش متقابل اجتماعی^۱ فرآیندی است که با برقراری ارتباط^۲ میان کنشگران آغاز می‌شود و شکل‌گیری رابطه اجتماعی^۳ میان آنان و جریان یافتن این رابطه را در گذر زمان ممکن می‌سازد. گابریل تارد و گئورگ زیمل نخستین جامعه‌شناسانی هستند که به‌طور مستقیم به بررسی این فرآیند پرداخته‌اند. نگرشی که بر پایه آن جامعه‌شناسی خرد شکل گرفت. پس از آن گروه بسیاری از جامعه‌شناسان در راهی که تارد و زیمل گشوده بودند، گام نهادند و طی یک سده فرآیند کنش متقابل اجتماعی را به یکی از مهم‌ترین موضوعات علم جامعه‌شناسی مبدل ساختند (Ejtehadi, 2004: 2). چنین دیدگاهی به جای متمرکز شدن بر موقعیت اجتماعی علل رفتار افراد، بر طبیعت کنش متقابل اجتماعی که بین افراد اتفاق می‌افتد، متمرکز است. بنابراین در زمینه کنش متقابل اجتماعی داشتن هدف و نظارت، زمینه و بستر تعامل اجتماعی را به وجود می‌آورد و همین حس قلمرو و نظارت و کنترل در یک محله زمینه و بستر تعامل اجتماعی را میان ساکنان به‌وجود می‌آورد (Parsons, 1972).

در میان جامعه‌شناسانی که بررسی فرآیند کنش متقابل اجتماعی را در کانون توجه خود قرار دادند، می‌توان دو گروه را از یکدیگر متمایز

فضاهای شهری تأثیرگذار باشد (Behzadfar & Tahmasebi, 2013: 18). روابط اجتماعی و همسایگی در محلات نمود می‌یابد و محله منطقه‌ای است شامل افرادی که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی مشابه هم هستند (Sharepour, 2012: 193). نظام همسایگی مهم‌ترین مؤلفه تعاملات انسانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی است. معمولاً به نظام همسایگی، نظام اجتماع نیز گفته می‌شود (Khatibi, 2017: 114). محله به‌عنوان سطح میانه تحلیل به نسبت خانه و شهر، فضایی را فراهم می‌آورد که در نظر گرفتن فرآیندها و ساختارهای عمومی و خصوصی را ممکن می‌سازد؛ همچنین مطالعات پیشین نشان از آن دارند که محله پل میان خانه و شهر در فعالیت‌ها و نگاه مردم است (Bonaiuto & Bonnes, 1996: 38). در مقاله «فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی» نیز فرآیند اجتماع‌پذیری و ارتقای حیات جمعی درون فضاهای عمومی را مبتنی بر پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، تأمین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن افراد و گروه‌های اجتماعی از حضور در فضا و حضور اجتماعی فعال و مداوم در فضا دانسته‌اند (Danshpour & Charkhchian, 2007). در تئوری مکان در روان‌شناسی محیط، کیفیت ادراکی محیط سکونتی به‌عنوان تجربه‌ای از خوشی یا خوشنودی گرفته شده از زندگی در مکانی خاص تعریف می‌شود (Canter, 1977).

طبق نظریات گشتالت، ذهن انسان متشکل از ادراکات کلی معناداری است که این ادراکات از طریق تداعی با یکدیگر ارتباط یافته و بدین گونه پدیده‌ها را تفسیر می‌کنند (Naghizadeh, 2007: 122). بدین صورت می‌توان گفت که مکان، زمانی شناخته می‌شود که تصویرهای ذهنی اولیه، خاطرات و تجربه‌های ما و به نوعی خود ما را تداعی کنند. برای درک سازوکارهای شناخت ما از محیط و شیوه به یاد آوردن موارد آن، تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است. شیوه اصلی کار برای رسیدن به این هدف، ترسیم نقشه ذهنی است؛ یعنی پدیدار ساختن تصویر ذهنی محیط که افراد به آن شکل می‌دهند و از آن به‌عنوان الگوی رفتارشان در شهر استفاده می‌کنند (Madanipour, 2000: 98). حافظه، بخش مهمی از شناسایی محیط به حساب می‌آید (Gifford, 1998: 16). به همین ترتیب فرآیند ادراک محیط شهری، نقش اساسی در ترسیم و ذخیره‌سازی تصویر ذهنی شخص از محیط اطراف را داشته و عاملی تعیین‌کننده برای شکل‌گیری محیط سکونتی فرد و نیز میزان رضایت وی از محیط بازی می‌کند.

ادراک محیطی، فرآیندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را براساس نیازش از محیط پیرامون خود بر می‌گزیند (Matlabi, 2001: 56). در حقیقت ادراک محیطی، از تعامل و تقابل ادراک حسی و اطلاعات شناختی که در ذهن انسان ذخیره شده‌اند، حاصل می‌شود. در این فرآیند، نقش محیط به‌عنوان عامل اساسی در رشد، توسعه و در نهایت یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرد (Marans, 2003: 65). فرآیندهای ادراک و شناخت، هم در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و هم در مرحله تعبیر و تفسیر آن‌ها، تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی (مانند نیازها، انگیزه‌ها و اکتسابات پیشین ...) متعددی قرار می‌گیرند که خود آن‌ها نیز از شرایط محیطی تأثیر می‌پذیرند (Mortazavi, 2001: 90). برای دریافت تصویر ذهنی افراد از محیط و همچنین شناخت ادراکات محیطی آنان روش‌های مختلفی همچون پرسشگری، ترسیم بردارهای حرکتی،

- 1 Social Interaction
- 2 Communication
- 3 Social Relationship

محلّه، شهر، سازمان‌ها و... کنش‌های متقابل گروهی جهت یکسانی ندارند و ممکن است به صورت همکاری و سازگاری که اصطلاحاً آن را کنش‌های متقابل پیوسته نامیده‌اند، باشند که به صورت تعاون، همکاری و یکی بودن خود را نشان می‌دهد. برعکس ممکن است جهت همسویی نداشته باشند و افراد و گروه‌ها برای رسیدن به هدف‌های خود به رقابت و ستیزه‌پردازند و کنش‌های متقابل گسسته را شکل دهند (King, 2002: 87). به عبارت دیگر، محیط برای تأمین تجربه‌ها و رفتارهای انسان توان بالقوه‌ای دارد که در میان افراد بسته به سطح ادراک و شناخت آن‌ها متفاوت است. اطلاعات محیط از طریق فرآیندهای ادراکی حاصل می‌شود که به وسیله تصاویر ذهنی برانگیخته شده و توسط نیازهای انسانی هدایت می‌شوند. در نهایت با شناخت این فرآیندها می‌توان اثرات کیفیت ادراک محیط سکونتی بر کنش متقابل اجتماعی را مورد سنجش قرار داد. در مقاله‌ای تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی، سه عامل جذابیت و زیبایی، امنیت و آرامش و دسترسی و سلسله‌مراتب را بر افزایش تعاملات اجتماعی تأثیرگذار دانسته‌اند (Torabi, 2012). در تحقیق دیگری در شهر تهران با شناسایی متغیرهای اثرگذار بر رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، سه متغیر دسترسی به خدمات، امنیت اجتماعی و هویت مکانی را از اثرگذارترین عوامل در رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی معرفی می‌کند (Rafeyan & Khodaie, 2009). آموس راپاپورت از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان علوم رفتاری است که به مسائل شهری توجه دارد. او با طرح موضوع کنش متقابل انسان و محیط، به نقش موقعیت انفعالی انسان در فضای شهری پرداخته و حرکت در محیط را مهم‌ترین عامل شناخت محیط و طرح ذهنی می‌داند (Rapoport, 2012).

در تحقیقی که در سال ۲۰۰۶ از تایوان انجام شد، بررسی رابطه بین طراحی محوطه مجموعه‌های مسکونی و میزان تعامل اجتماعی ساکنان صورت گرفته‌است. برای این منظور، پرسشنامه‌هایی بین ساکنان سه مجتمع مسکونی پخش شد. در نهایت، نتایج نشان داد نوع طراحی فضاهای مختلف محوطه از قبیل فضاهای سبز خوش‌منظره، فضاهای بازی، فضاهای گیاه‌کاری شده و فضاهایی که مکان‌های نشستن مناسب دارند، تأثیر بسزایی بر افزایش تعامل اجتماعی ساکنان می‌گذارد (Huang & Chun, 2006). بنابراین در مجموع با بررسی دیدگاه‌های مختلف در زمینه ادراک محیط سکونتی و همچنین کنش‌های اجتماعی می‌توان گفت که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت ادراک محیط سکونتی، ویژگی‌های معماری و امکانات محیط هستند و در زمینه تعاملات اجتماعی، ویژگی‌های زمینه‌ای و وابستگی و تعلق خاطر از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذارند.

۳. روش

به منظور مشخص کردن میزان تأثیر کیفیت ادراکی محیط سکونتی بر کنش‌های متقابل اجتماعی، از مطالعات میدانی براساس روش کمی بهره گرفته شده‌است. این پژوهش براساس هدف از نوع کاربردی و براساس روش و ماهیت، توصیفی-تحلیلی و با روش پیمایشی صورت گرفته و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه است. محله باغ شاطر که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته، در قسمت

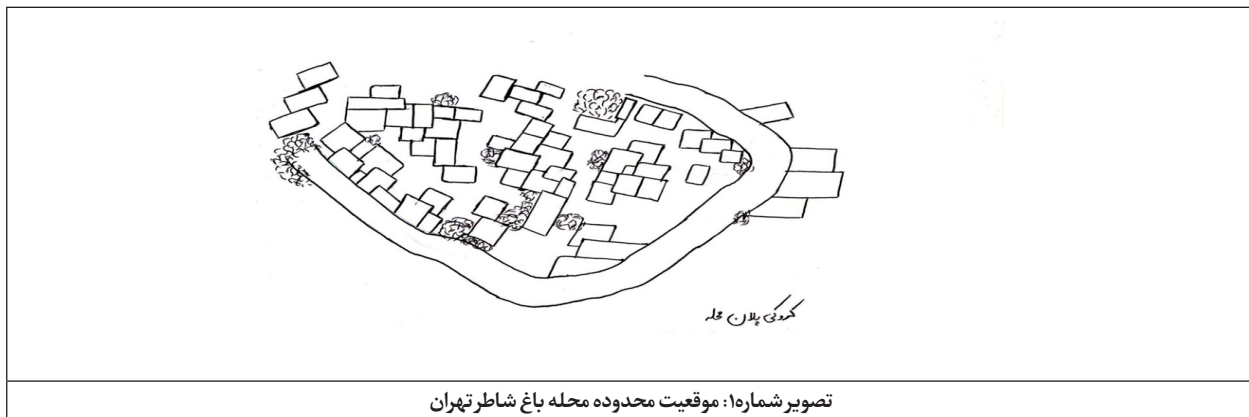
شمرد: نخست گروهی که فرآیند کنش متقابل اجتماعی را کلید درک و شناخت فرآیندهای اجتماعی می‌داند. در این رویکرد پدیده‌های اجتماعی به منزله پیامدهای فرآیند کنش متقابل اجتماعی، موضوع تبیین و تحلیل جامعه‌شناختی قرار می‌گیرند که تأثیر کنش‌های متقابل اجتماعی و کیفیت ادراکی محیط سکونتی می‌تواند در این دسته قرار گیرد. بر این اساس در کنش متقابل اجتماعی، انسان‌ها معانی و نمادهایی را یاد می‌گیرند که می‌توانند این کنش اجتماعی را پایه‌ای برای تفسیر محیط پیرامون قرار دهند. گروه دوم جامعه‌شناسان و نیز روان‌شناسان اجتماعی هستند که در بررسی‌های خود به جای پیامدهای فرآیند کنش متقابل اجتماعی، خود این فرآیند، چگونگی شکل‌گیری و جریان یافتن و نیز ویژگی‌های آن را موضوع کاوش‌های خود قرار داده‌اند. این گروه فرآیند کنش متقابل اجتماعی را به منزله سازوکار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل میان کنشگران بررسی می‌کند (Homans, 1961: 225).

در نظر جامعه‌شناسان خردنگر، کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین واحد یا هسته اجتماعی رابطه‌ای است که میان دو فرد برقرار می‌شود (Tarde, 2003: 74). این رابطه یک فرآیند اجتماعی است؛ زیرا دو ذهن انسانی را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد، آن‌ها را با هم درگیر می‌کند و این درگیری در گذر زمان تداوم می‌یابد (Wiese, 1955: 15). چگونگی و میزان پویایی زندگی اجتماعی انسان‌ها به چگونگی و میزان پویایی در این رابطه بستگی دارد. معنایی که کنشگر از تفسیر موقعیت و از تعبیر کنش دیگری به دست می‌آورد، هم محصول خردورزی او و برآمده از تجربه‌های گذشته است و هم نتیجه عواطف و احساسات او نسبت به دیگری، نسبت به کنش دیگری و نیز نسبت به موقعیتی که در آن قرار دارد، است (Homans, 1961: 229). مطالعه چنین کنش متقابل اجتماعی در زندگی روزمره، پرتو روشنی بر واحدهای اجتماعی بزرگ‌تر می‌افکند و واحدهای اجتماعی بزرگ‌تر همچون محله وابسته به الگوهای کنش متقابل اجتماعی می‌شوند. حضور کنشگران در کنار یکدیگر به تنهایی متضمن شکل‌گیری و جریان یافتن یک رابطه اجتماعی نیست. آن‌ها در این حالت فقط یک تجمع انسانی را تشکیل می‌دهند، حال آن‌که فرآیند کنش متقابل اجتماعی زمانی آغاز می‌شود که کنشگران نسبت به یکدیگر در موقعیت پاسخ‌گویی متقابل قرار گیرند و تا زمانی که این موقعیت پاسخ‌گو پابرجا است، فرآیند کنش متقابل نیز ادامه می‌یابد و قطع نمی‌شود (Ejtehadi, 2004: 4).

به نظر ساموئل کینگ، تماس که عبارت از ساده‌ترین و در عین حال اساسی‌ترین مرحله روابط متقابل است، به منزله نخستین مرحله فعالیت متقابل و مقدمه مراحل بعدی به شمار می‌آید. وی دو نوع تماس را از هم تفکیک می‌کند که عبارت است از تماس در زمان و فضا. در تماس در زمان، تماس گروه‌ها با نسل‌های گذشته حتی دورترین نسل‌ها که به صورت آداب و رسوم و انتقال احساسات و خاطرات حاصل می‌گردد. این نوع تماس تأثیر فراوانی در افکار و رفتار گروه‌ها دارد. تماس در فضا نیز شامل ارتباط بین افراد و گروه‌های معاصر در منطقه‌ای معین می‌شود. تماس اولی مبتنی بر روابط صمیمانه و نزدیک مانند رابطه افراد خانواده و روابط دوستان نزدیک یا اجتماعات محلی یا رابطه‌ای که بین گروه‌های نخستین وجود دارد، می‌شود و تماس در حالت دوم عبارت است از روابط غیرمستقیم گروه‌های بزرگ‌تر مانند،

آن احداث می‌شوند. معماری این مراکز و میدان‌ها به دو گونه است؛ نخست فضاهای طراحی نشده، یعنی مراکزی که به تدریج و در طول زمان شکل گرفته‌اند و دارای نقشه طراحی شده‌ای نیستند و نمای سطوح آن‌ها طراحی نشده‌است. نوع دوم مراکزی هستند که نقشه و نمای آن‌ها طراحی شده و دارای شکلی منظم و هندسی است. محله باغ شاطر نیز طبق مشاهدات و بررسی‌های انجام شده دارای دو بخش سنتی (ارگانیک) و جدید است که قسمت سنتی آن حول یک مرکز که میدان محله نام گرفته، شکل گرفته و به نظر می‌رسد اغلب روابط و فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بخش سنتی در این قسمت محله انجام می‌گیرد.

شمالی شهر تهران (منطقه یک شهر) جنوب محله قدیمی دربند و در مجاورت منطقه تفریحی و گردشگری دربند در دامنه جنوبی البرز مطابق تصویر شماره ۱ واقع شده‌است. ساختار فعلی این محله از طراحی نظام‌یافته‌ای حکایت نمی‌کند و بیشتر به نظر می‌آید که محله با گذشت زمان از حالت روستایی خارج شده، به تدریج رشد و توسعه یافته و شکل کنونی خود را به دست آورده‌است. در حقیقت این تغییرات بدون طرح و برنامه‌ریزی مشخص و به صورت خودجوش بوده و در نتیجه ساختار فعلی محله فاقد پویایی و تعریفی مشخص است. در ساختار بعضی محله‌ها مرکز محله به صورت میدانچه‌ای است که در محل تقاطع گذرهای اصلی یا در کنار مهم‌ترین معبر هر محله شکل می‌گیرد و بناهای عمومی و فضاهای تجاری در پیرامون



شده در پیوست مقاله ضمیمه شده‌است). گویه‌های استفاده شده در تحقیق شامل ویژگی‌های معمارانه و طراحی شهری (۲۲ گویه) شامل سه شاخص: فضای معمارانه و طراحی شهری (نُه گویه)، سازماندهی دسترسی‌ها و راه‌ها (هفت گویه)، فضای سبز و پارک (شش گویه)؛ تعامل اجتماعی (۱۶ گویه) شامل یک شاخص: مردم و روابط اجتماعی؛ امکانات (۲۲ گویه) شامل چهار شاخص: خدمات رفاهی (هفت گویه)، خدمات تفریحی (هفت گویه)، خدمات تجاری (سه گویه)، خدمات حمل‌ونقل (پنج گویه)؛ ویژگی‌های زمین (۱۸ مقیاس) شامل سه شاخص: شیوه زندگی (نُه گویه)، سلامت محیط (پنج گویه)، نگهداری و مراقبت (چهار گویه)؛ وابستگی و تعلق خاطر (چهار گویه) و عوامل فردی شامل جنسیت، سن، میزان سواد، شغل و ساکن بافت قدیم و جدید بودن است.

ضریب آلفا کلی محاسبه شده برابر با ۰/۷۹۳ بود که نشان از پایایی و قابلیت اعتماد به ابزار اندازه‌گیری داشت. همچنین این نتیجه با نتایج به دست آمده در پژوهشی در زمینه استانداردسازی پرسشنامه کیفیت ادراکی محیط سکونتی همسو بود (Bonaiuto et al, 2003). دامنه پایایی از صفر که دال بر عدم ارتباط است یعنی ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان، نتایج یکسانی به دست نمی‌دهد تا ۱ یا ارتباط کامل که دال بر آن است که ابزار اندازه‌گیری قابل اعتماد است، متغیر است.

۳.۱. مدل نظری تحقیق

کیفیت ادراکی محیط سکونتی، به عنوان مفهوم چندبعدی درک می‌شود که از طریق لیستی از پرسش‌ها با عرض‌های مختلف

جمعیت محله باغ شاطر به طور مجزا مورد آمارگیری قرار نگرفته و محله دربند در کل در حدود ۱۹ هزار و ۷۸۰ نفر و چهار هزار و ۸۵۰ خانوار اعلام شده‌است (Statistical Center of Iran, 2011). به طور تقریبی حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد این جمعیت به محله باغ شاطر تعلق می‌گیرد. بدین منظور ۴۰۰ نفر از ساکنان محله باغ شاطر تهران به عنوان نمونه در این تحقیق انتخاب شدند (با استفاده از فرمول کوکران^۱ حجم نمونه مورد محاسبه قرار گرفت) تا پرسشنامه‌های طراحی شده به روش تصادفی ساده بین آن‌ها توزیع گردد. مکان‌هایی از این محله بر اساس عواملی چون موقعیت مکان، تراکم انسانی و ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری و معماری در باغ شاطر انتخاب شدند.

در تبیین ادبیات و سوابق موضوع تحقیق و ارائه مدلی تحلیلی، از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده‌است. با استفاده از ادبیات تحقیق و پژوهش‌های صورت گرفته و مطالعه دیدگاه‌های مختلف در زمینه کیفیت ادراکی محیط سکونتی و کنش متقابل اجتماعی، پرسشنامه اولیه‌ای تهیه شد و سپس با گرفتن نظرات تنی چند از صاحب‌نظران علوم اجتماعی سعی شده تا روایی پرسشنامه به شیوه صوری تأمین گردد. برای بررسی قابلیت اعتماد یا پایایی گویه‌های استفاده شده در مقاله از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود.

۱۱ شاخص کیفیت محیط ادراکی با مجموع ۸۸ گویه و یک شاخص تعلق خاطر با مجموع چهار گویه ایجاد شدند. مقیاس لیکرت شامل پنج طیف کاملاً موافق تا کاملاً مخالف شکل گرفت (پرسشنامه استفاده

1 Cochran

جدول شماره ۱: پایایی متغیرهای کیفیت ادراکی محیط سکونت و کنش متقابل اجتماعی

متغیرها	مؤلفه‌ها	متغیر	معرف‌ها	آلفای کرونباخ
مستقل	کیفیت ادراک محیط سکونتی	ویژگی‌های معمارانه و طراحی شهری	ظواهر زیبایی ساختمان‌ها- مصالح خوب و مناسب ساختمان‌ها- تناسب بین فضای ساخته شده و فضای باز- دسترسی مناسب راه‌ها- دسترسی مناسب به پارکینگ- عرض مناسب خیابان- ارتباط مناسب با مراکز شهر- موقعیت مناسب فضای سبز و پارک محلی در محله	۰/۷۷۸
		امکانات	ساخت متناسب با افراد معلول و سالمند و کودکان- وجود خدمات در مرکز محله (بهداشتی درمانی- آموزشی- تجاری و ...)- فضای مناسب برای ورزش و سرگرمی- سیستم حمل‌ونقل عمومی- ایستگاه‌های اتوبوس	۰/۶۶۱
وابسته	کنش متقابل اجتماعی در واحد همسایگی	تعامل اجتماعی	ازدحام جمعیت- آرامش و امنیت- ارتباط با همسایگان- مشارکت در امور مربوط به محله	۰/۶۹۸
		ویژگی‌های زمینه‌ای	محله مناسب گذران اوقات فراغت- جو آرام و بی‌تنش- فعالیت‌های جمعی در محدوده- آب و هوای مناسب- آلودگی صوتی- ترافیک- مراقبت ساکنین از محله	۰/۸۳۱
		وابستگی و تعلق خاطر	محله ایده‌آل برای ساکنین- عدم تمایل به ترک محله- مدت اقامت در محله	۰/۸۱۹

نمونه: در این محله ساختمان‌ها زیبا هستند و خوب از آن‌ها نگهداری شده است). بعضی گویه‌ها بسیار طولانی بودند. پایداری درونی ضعیف بعضی از این شاخص‌ها این نقص‌ها را منعکس می‌ساخت. در ادامه بونیتو و همکاران^۳ در تحقیقی در مورد شهرم تلاش کردند تا نسخه جدیدی از شاخص کیفیت محیط ادراکی و تعلق خاطر ارائه دهند. در این تحقیق به منظور ارائه بهتر هر شاخص، تلاش کردند تا تعداد پرسش‌ها را در هر شاخص کاهش دهند و بر بهبود پایداری درونی کیفیات روانی با انتخاب بهترین پرسش‌های مناسب تأکید داشتند (Bonaiuto et al, 2003). نتیجه این تحقیق، ساختار عاملی مقیاس‌ها را که شامل ۱۹ شاخص کیفیت ادراکی (۱۵۰ گویه در کل) و یک شاخص تعلق خاطر به محله (هشت گویه) بود را تأیید کرد. این مقیاس‌های جدید سطح پایداری و روانی شاخص کیفیت محیط ادراکی و تعلق خاطر را به‌طور قابل قبولی بالا برد. براین اساس، مدل مفهومی تحقیق با اقتباس از مدل‌های نام برده در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است.

۳.۲. تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیرهای تأثیرگذار در کیفیت ادراک محیط سکونتی:

۳.۲.۱. ویژگی‌های معمارانه و طراحی شهری

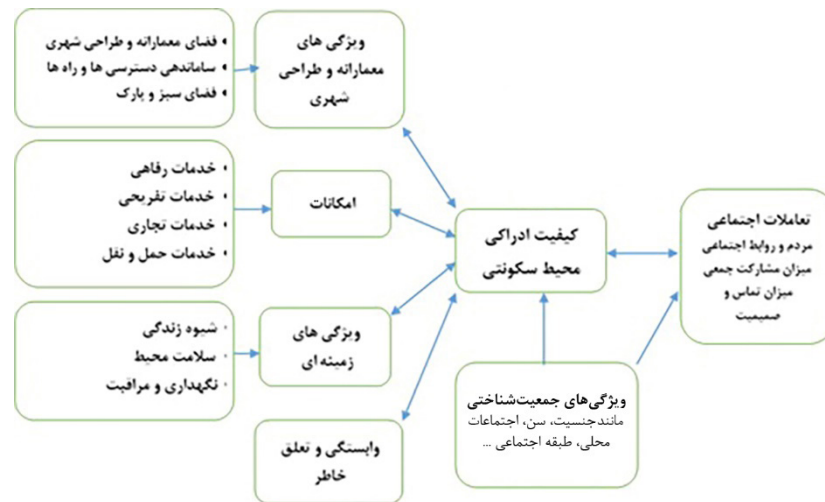
به معنای این که شکل و ظرفیت فضاها و معابر و تجهیزات یک شهر تا چه اندازه با الگو و کمیت فعالیت‌هایی که مردم از روی عادت به آن اشتغال دارند یا اشتغال پیدا خواهند کرد منطبق است؛ یعنی کفایت بسترهای رفتاری برای تطبیق‌پذیری آن‌ها با فعالیت‌های آینده شهر. توانایی دسترسی به افراد، فعالیت‌ها، خدمات، اطلاعات، یا اماکن، شامل کمیت و تنوع عناصری که می‌توان به آن‌ها دسترسی پیدا کرد. یعنی استفاده و دسترسی به فضاها و فعالیت‌ها و ایجاد، تعمیر، اصلاح و مدیریت آن تا چه اندازه توسط کسانی که از آن استفاده می‌کنند و یا در آن‌ها زندگی می‌کنند، صورت می‌گیرد. امروزه حل مسائل دسترسی و بهبود بخشیدن به کیفیت آن‌ها از اهداف عمده شهرسازی است. دسترسی مطلوب آن است که کلیه افراد در هر محدوده اعم از پیر، جوان و معلول با درآمدها و امکانات مختلف را دربرگیرد و امکان انتخاب را برای همه فراهم سازد (Johnston, 1991).

قابل اندازه‌گیری هستند. ادبیات روان‌شناسی محیط سه جنبه اصلی ارزیابی محلی را برجسته می‌کند (Canter, 1983: 672): ۹۲ (Amérgio, 2002): جنبه فضایی (عوارض و سیمای معماری و برنامه‌ریزی شهری)، جنبه انسانی (سیمای روابط اجتماعی) و جنبه‌های کارکردی (خدمات و تسهیلات). به‌طور کلی، دو مدل اصلی پیشنهادی در حوزه کیفیت ادراکی محیط سکونتی می‌توان تشخیص داد. نخست، کیفیت ادراکی محیط سکونتی را به‌عنوان متغیر معیار در نظر می‌گیرد و در جست‌وجوی تعیین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده آن بر می‌آید و درصدد است تا اطلاعات مفیدی را برای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری فراهم آورد. در مقابل دومین مدل، کیفیت ادراکی محیط سکونتی را به‌عنوان متغیر پیش‌بینی‌کننده دیگر رفتارهای شهری مربوطه مانند تحرک مسکونی یا انتخاب مسکونی به‌کار می‌گیرد (Francescato, 2002: 21). نیاز به ابزارهای قابل اعتماد برای اندازه‌گیری این ساختارها، منجر به دوره طولانی از جمع‌آوری اطلاعات و تحقیق برای ارزیابی ساختار عاملی دو ابزار روانی استفاده‌شده در بسترهای شهری شده است. این دو ابزار به ترتیب شامل مجموعه‌ای از مقیاس‌های اندازه‌گیری کیفیت محیط مسکونی ادراکی^۱ و مقیاس اندازه‌گیری تعلق مکانی^۲ است.

این ابزارها ساختاری مدولار دارند تا به‌طور مجزا مقیاس‌های نسبی را نیز براساس کیفیات محیطی که محققان به آن علاقه‌مند هستند، مدیریت کنند. نسخه اولیه از مقیاس‌های کیفیت محیط مسکونی ادراکی براساس سه معیار که سه جنبه اصلی ارزیابی محله (فضایی، انسانی و کارکردی) را منعکس می‌سازند، پایه‌گذاری شد. تحلیل‌های کمی اولیه جنبه چهارمی را نیز نشان داد؛ توجه به ویژگی‌های زمینه‌ای (به‌عنوان مثال شیوه زندگی محله، بهداشت محیط/ آلودگی و نگهداری و مراقبت) که به لحاظ تجربی تأیید شدند. در این زمینه، داده‌های مفصلی جمع‌آوری شد و پالایش پیش‌رونده ابزارها به‌بار نشست (Bonaiuto et al, 1999; Bonnes et al, 1997). به هر روی، این کار تحقیقی نیاز داشت تا بهبود یابد، به آن خاطر که بعضی مقیاس‌ها تعداد کمی از گویه‌ها را به‌خود اختصاص داده بودند و از این روی محتوایی که اندازه‌گیری می‌شد، زیر حد لازم بود. در بعضی مقیاس‌ها تعداد گویه‌های با مضمون منفی بسیار بیشتر از گویه‌های با مضمون مثبت بودند. بعضی گویه‌ها معنای دوگانه داشتند (برای

1 Perceived Residential Environment Quality (PREQ)

2 Neighborhood attachment (NA)



نمودار شماره ۱: کیفیت ادراکی محیط

۳٫۲٫۲. امکانات

امکانات محیط شهری دربرگیرنده ابعادی روانی است که شاخص هایی همچون رضایت و شادمانی و امنیت را در بر می گیرد. این ها در برخی موارد، رضایت های اجتماعی نیز نامیده می شوند و افزون بر آن دارای ابعادی محیطی (سنجه هایی همچون همه شمول بودن فضا، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی) و جنبه های دیگر شامل توجه به فرصت های اجتماعی، سیستم حمل و نقل شهری و اوقات فراغت هستند (Seifolddini, 2002: 375). نخستین گام در مدیریت کیفیت محیط نواحی سکونتی در شهرها، ارزیابی کیفیت محیط شهری است که از عوامل زیادی تأثیر پذیرفته است. از مهم ترین این عوامل می توان به انواع آلودگی محیط زیست شهری (هوا، آب، فاضلاب های شهری، زباله ها و...)، نحوه ارتباطات و دسترسی ها، وجود تسهیلات و خدمات رفاهی، وجود امنیت اجتماعی، توجه به قشرهای خاصی از جامعه، فرهنگ و هویت آن ها و... اشاره کرد. اگرچه این عوامل به صورت مستقل عمل می کنند، تغییر و پویایی هر یک از آن ها بر سایر عوامل موجود در محیط تأثیر می گذارد. بدین ترتیب توجه به این عوامل و سنجش ارزیابی آن ها ما را در بهبود بخشی و ساماندهی محیط شهری یاری می کند (Van Kamp et al., 2003: 9).

متغیرهای تأثیرگذار در کنش متقابل اجتماعی:

۳٫۲٫۳. تعامل اجتماعی

تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آن ها شود و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است. بنابراین روابط بدون معنا در زمره این تعریف قرار نمی گیرند. البته تعاریف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی وجود دارد؛ به عنوان نمونه تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آن ها در گروه ها و شبکه های اجتماعی است (Danshpour & Charkhchian, 2007: 22).

۳٫۲٫۴. ویژگی های زمینه ای

ارتقای سطح زندگی اجتماعی انسان ها، فراهم ساختن تجربه زندگی هماهنگ گروهی مبتنی بر روش های مردم سالارانه برای ساکنان و همچنین دستیابی به سطح بالایی از پایداری، انگیزه اصلی در ساخت مجموعه هایی از این دست است. ساکنان چنین مجموعه هایی تشویق می شوند با هم زندگی کنند و فعالیت های جمعی داشته باشند. بر این اساس فضاهای شهری عرصه تعامل متقابل انسان ها هستند که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می شود. فضایی که همه مردم می توانند در آن حضور یابند و به فعالیت و گذران اوقات فراغت بپردازند. از دیگر عوامل مؤثر در کنش متقابل اجتماعی شهروندان که در ویژگی های زمینه ای خلاصه می شود، ابعاد محیطی و زیست محیطی محل سکونت (از قبیل کیفیت آب و هوایی، آلودگی های صوتی و بصری و...) است (Scotthanson & Scotthanson, 2005).

۳٫۲٫۵. وابستگی و تعلق خاطر

افراد با حضور در مکان ها، اجتماعی می شوند و نگرش ها و رفتارهایشان جهت دهی می شود. به عبارتی، حس تعلق به یک اجتماع در یک مکان، مانع ایجاد احساس بی ارزشی، بیگانگی، انزوا و تنهایی می شود (Helly et al., 2003: 24). حس تعلق و دلبستگی در میان محققان علوم روان شناختی به عنوان احساس ارتباط میان شهروندان، این گونه توصیف می شود: «حسی که افراد از تعلق به یک اجتماع کسب می کنند، حسی است که اعضا برای یکدیگر دارای اهمیت هستند و باور مشترکی وجود دارد که نیازهای اعضا از طریق تعهدشان به یکدیگر برطرف می شود» (McMillan & Chavis, 1986: 14). هنگامی که اعضا به اجتماع خود پایبند باشند، حس تعلق به آن اجتماع به وجود می آید و در نتیجه انتظار می رود که حس همبستگی و نیز میزان ارتباط میان اعضا تقویت شود. به عبارتی، با تقویت فرآیند هویت پذیری، سطح درگیری افراد در اجتماع افزایش پیدا می کند و در نهایت اثرات جانبی این چرخه تمامی اعضا را در بر می گیرد. حس مکان دربرگیرنده عواطف، گرایش ها، باورها و رفتارهایی است که در همبستگی و تعلق با یک مکان خاص فیزیکی ایجاد می شود. مکان ها در انسان «احساس» ایجاد

جدول شماره ۲، میانگین‌های به‌دست‌آمده در هر شاخص را نشان می‌دهد. براساس نتایج به‌دست‌آمده وضعیت هر کدام از زیرشاخص‌های کیفیت ادراک محیطی نشان داده شده‌است. براساس نتایج به‌دست‌آمده شاهد آن هستیم که فضای معمارانه و طراحی شهری مناسب به‌همراه امکانات و خدمات مورد نیاز در محله در سطح متوسطی قرار دارد و شاخص‌های تعامل اجتماعی، عوامل زمینه‌ای و تعلق خاطر بالاتر از میانگین بوده و در سطح قابل قبولی است. برای بررسی سطح معناداری میانگین‌ها با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای به بررسی اختلاف معنادار میانگین‌ها در هر شاخص پرداخته شد که در جدول شماره ۳ نشان داده شده‌است.

می‌کنند، زیرا آن‌ها بازتابی از ارزش‌ها، باورها و همچنین تجربه زیست افراد در محیط فیزیکی هستند (Kruger & Barkley, 2013).

۴. بحث و یافته‌ها

آمار و یافته‌های توصیفی این پژوهش که از ۳۸۷ پرسشنامه‌ای که قابل بررسی در تحلیل‌ها بودند، حدود ۴۸ درصد مرد و ۵۲ درصد زن بودند. از ۳۸۷ نفر حدود هفت درصد زیر ۲۰ سال، ۴۹ درصد بین ۲۰ تا ۴۰ سال، ۳۷ درصد بین ۴۰ تا ۶۰ سال و بالای ۶۰ سال هفت درصد را به خود اختصاص داده‌اند. نمودار شماره ۲ میزان تحصیلات و شغل جامعه نمونه را نشان می‌دهد.



جدول شماره ۲: شاخص‌های مرکزی

متغیرها	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	میانگین	میان	حداقل	حداکثر
مستقل	کیفیت ادراک محیط سکونتی	فضای معمارانه و طراحی شهری	۲/۶۳	۲/۶۸	۱/۶۳	۳/۶۵
		امکانات	۲/۵۲	۲/۵۴	۱/۷۴	۳/۴۴
وابسته	کنش متقابل اجتماعی	تعامل اجتماعی	۳/۱۶	۳/۱۲	۱/۸۸	۴/۴۴
		عوامل زمینه‌ای	۳/۲۸	۳/۳۴	۱/۸	۲/۱۹
		تعلق خاطر	۳/۱۹	۳/۵	۱	۴/۷۵
			۳/۲۱	۳/۳۲	۱	۴/۷۵

جدول شماره ۳: وضعیت شاخص‌های کیفیت ادراک محیطی در محله باغ شاطر

شاخص‌ها	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف سطح میانگین	
				پایین‌ترین	بالاترین
فضای معمارانه و طراحی شهری	۱۲/۳۱۴	۳۲۰	۰/۰۰۰	۰/۳۷۶۹۲	۰/۴۳۷۲
راه شهری	۰/۹۹۸	۳۱۴	۰/۳۱۹	۰/۰۳۷۸۷	۰/۱۱۲۷
فضای سبز	۱/۹۸۱	۳۱۷	۰/۰۵۹	۰/۰۸۷۴۵	۰/۱۷۴۴
کیفیت معماری و طراحی شهری	۵/۱۶۵	۲۸۷	۰/۰۰۰	۰/۱۴۸۵۵	۰/۲۰۵۳
تعامل اجتماعی	۲۰/۳۷	۳۱۲	۰/۰۰۰	۰/۶۵۳۱۱	۰/۷۱۶۳
خدمات رفاهی	۳/۱۷۱	۳۳۱	۰/۰۰۲	۰/۱۰۶۲۹	۰/۱۷۲۳
خدمات تفریحی	-۱۲/۴۱۱	۳۱۷	۰/۰۰۰	-۰/۴۶۲۳۶	-۰/۳۸۸۹
خدمات تجاری	-۲/۷۹۱	۳۳۹	۰/۰۰۶	۰/۱۱۱۸۱	-۰/۰۳۲۹
خدمات حمل‌ونقل	۱۹/۰۵۸	۳۱۷	۰/۰۰۰	۰/۷۲۳۶۵	۰/۷۹۸۵
امکانات	۳/۵۸۱	۲۹۴	۰/۱۱۵	۰/۰۴۴۹۵	۰/۱۰۰۹
شیوه زندگی	۲۶/۲۶۶	۳۱۱	۰/۰۰۰	۰/۸۴۱۲۱	۰/۹۰۴۳
سلامت محیط	۲۶/۰۸۹	۳۲۸	۰/۰۰۰	۰/۷۸۶۸۰	۰/۸۴۶۲
نگهداری و مراقبت	۱۹/۵۲۲	۳۳۳	۰/۰۰۰	۰/۷۸۱۲۵	۰/۸۶۰۱
عوامل زمینه‌ای	۲۷/۶۶۲	۲۹۸	۰/۰۰۰	۰/۸۱۳۴۹	۰/۸۷۱۵
تعلق خاطر	۲۵/۴۴۵	۳۴۰	۰/۰۰۰	۰/۹۹۱۷۰	۱/۰۶۸۵

سکونت‌ی بر کنش متقابل اجتماعی پیوسته، نخست رابطه میان مؤلفه‌های شاخص ادراک کیفیت محیط سکونت‌ی و کنش متقابل اجتماعی به‌وسیله آزمون‌های خی‌دو و همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول‌های شماره ۴ و ۵ مشاهده می‌شود. به‌خاطر معنادار نبودن رابطه میان کنش متقابل اجتماعی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی سن، جنس و تحصیلات از آوردن نتایج آزمون خی‌دو صرف نظر شد.

براساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان بیان داشت که به‌جز سه شاخص خدمات، راه شهری و فضای سبز که اختلاف در آن‌ها معنادار نبوده، در سایر شاخص‌ها اختلاف به‌شکل معنادار بوده‌است. در میان شاخص‌ها، شهروندان به لحاظ خدمات تفریحی، از وضعیت کنونی راضی نبوده‌اند اما در سایر شاخص‌ها این رضایت به‌شکل قابل قبولی بوده‌است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و برای پاسخ به فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر تأثیر هر کدام از مؤلفه‌های شاخص ادراک کیفیت محیط

جدول شماره ۴: ارتباط بین مؤلفه‌های کیفیت محیط سکونت‌ی و تعامل اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
فضای معمارانه و طراحی شهری	۰/۱۰۳	۰/۰۰۰
راه شهری	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰
فضای سبز	۰/۱۸۳	۰/۰۰۰
خدمات رفاهی	۰/۱۰۹	۰/۰۰۰
تعلق خاطر	۰/۳۱۴	۰/۰۰۰
خدمات تفریحی	۰/۱۵۱	۰/۰۰۰
نگهداری و مراقبت	۰/۲۹۹	۰/۰۰۰
سلامت محیط	۰/۱۰۱	۰/۰۰۰
شیوه زندگی	۰/۲۰۳	۰/۰۰۰
خدمات حمل‌ونقل	۰/۱۸۱	۰/۰۵۷
خدمات تجاری	۰/۱۲۲	۰/۰۹۲

جدول شماره ۵: بررسی ارتباط همبستگی میان متغیر مستقل و وابسته

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری
کنش متقابل اجتماعی	کیفیت ادراک محیط سکونت‌ی	۰/۷۴۳	۰/۰۰۰

نتایج آن در جدول‌های شماره ۶، ۷ و ۸ مشاهده می‌شود. نخست برای بررسی قابلیت مدل به منظور پیش‌بینی تغییرات کنش متقابل اجتماعی، مقدار آماره F مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به معناداری مقدار F در سطح خطای کمتر از یک درصد و میزان آن یعنی $۳۰۳/۷۶۱$ می‌توان بیان داشت که مدل رگرسیونی که شامل یک متغیر مستقل و یک متغیر وابسته است، مدل قابل قبولی بوده و شاخص‌های ادراک کیفیت محیط سکونت‌ی می‌توانند تغییرات کنش متقابل اجتماعی را برآورد کنند (جدول شماره ۵).

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول شماره ۴ بین شاخص‌های تعاملات اجتماعی با شاخص‌های تعلق خاطر، نگهداری و مراقبت، شیوه زندگی، خدمات رفاهی، راه شهری، خدمات تفریحی، فضای سبز، فضای معمارانه و طراحی شهری و سلامت محیط رابطه معنادار و مثبت برقرار است و رابطه معناداری بین شاخص‌های خدمات حمل‌ونقل و خدمات تجاری با تعامل اجتماعی برقرار نیست. در ادامه برای سنجش تأثیر مؤلفه‌های دارای ارتباط معنادار با کنش متقابل اجتماعی، مدل رگرسیون دوگانه مورد استفاده قرار گرفت که

جدول شماره ۶: توانایی تبیین تغییرات کنش متقابل اجتماعی به‌وسیله شاخص‌های ادراک کیفیت محیط سکونت‌ی

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	معناداری
اثر رگرسیون	۱۵۷۳۰	۹	۳۵۶۴/۴۳۲۵		
باقیمانده	۱۶۳۳۳	۲۶۵	۳۱/۸۸۷۴	۳۰۳/۷۶۱	۰/۰۰۱
کل	۳۲۰۶۳	۲۷۴			

تعدیل شده^۱ برابر با $۰/۴۷۴$ است که بیان می‌دارد $۴۷/۴$ درصد از کل تغییرات کنش متقابل اجتماعی وابستگی به متغیر مستقل استفاده شده در این مدل قرار دارد. تقریباً نیمی از واریانس متغیر کنش متقابل اجتماعی را متغیر مستقل پیش‌بینی می‌کند.

سپس برای تعیین میزان تأثیر کل متغیر مستقل بر کنش متقابل اجتماعی بایستی ضریب تعیین تعدیل‌شده مورد محاسبه قرار می‌گرفت تا میزان کل تغییراتی که در کنش متقابل اجتماعی به‌وسیله سایر متغیرها صورت می‌گیرد، تبیین شود. جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها $۰/۶۵۸$ است که از همبستگی قابل قبول بین متغیرها حکایت دارد. ضریب تعیین

1 Adjusted R-square

جدول شماره ۷: ضریب همبستگی مؤلفه‌های کیفیت ادراک محیط و کنش متقابل اجتماعی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار برآورد
۱	۰/۶۵۸	۰/۴۸۱	۰/۴۷۴	۳/۵۳۴۸

محیط و خدمات تفریحی که سطح معناداری مقدار آن‌ها بالاتر از پنج درصد است، تأثیری بر کنش متقابل اجتماعی نداشته‌اند. متغیر نگهداری و مراقبت با ضریب رگرسیونی ۰/۳۹۴ بیشترین ضریب تأثیر را نسبت به سایر متغیرها نشان می‌دهد. سپس متغیرهای تعلق خاطر با ضریب ۰/۳۴۶، راه شهری با ضریب ۰/۱۹۹، شیوه زندگی با ضریب ۰/۱۲۳، فضای سبز با ضریب ۰/۱۱۲، خدمات تفریحی با ضریب ۰/۱۰۲۵ بیشترین ضرایب تأثیر رگرسیونی را روی کنش متقابل اجتماعی داشته‌اند. بر این اساس به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخص مراقبت و نگهداری، تعلق خاطر و راه شهری میزان کنش متقابل اجتماعی در شهروندان به ترتیب به میزان ۰/۳۹۵، ۰/۳۴۷ و ۰/۲ افزایش خواهد یافت.

در گام پایانی مدل ضریب تأثیر هر کدام از مؤلفه‌های کیفیت ادراک محیط سکونتی در کنش متقابل اجتماعی و میزان همبستگی بین آن‌ها مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۸ نشان داده شده است.

براساس نتایج بنای به دست آمده که نشان‌دهنده ضریب رگرسیون استاندارد شده هر یک از شاخص‌های ادراک کیفیت محیط سکونتی بر کنش متقابل اجتماعی است، می‌توان سهم نسبی هر متغیر را در مدل مشخص نمود. همچنین مقایسه شاخص‌ها با یکدیگر نشان می‌دهد که:

تأثیر شش متغیر تعلق خاطر، نگهداری و مراقبت، راه شهری، شیوه زندگی، فضای سبز و خدمات تفریحی بر کنش متقابل اجتماعی معنادار است. اما شاخص‌های فضای معمارانه و طراحی شهری، سلامت

جدول شماره ۸: تأثیر شاخص‌های ادراک کیفیت محیط سکونتی در کنش متقابل اجتماعی و میزان همبستگی بین آن‌ها

مدل	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	t	معناداری	همبستگی‌ها		
	B	انحراف معیار				بنا	همبستگی مرتبه صفر	همبستگی تفکیکی جزئی
ثابت	۱۰/۳۵۵	۰/۷۵۴۸		۱۴/۰۱۸	۰/۰۰۰			
فضای معمارانه و طراحی شهری	۰/۰۷۸	۰/۰۳۶	۰/۰۸	۱/۴۱۲	۰/۰۶۳۲	۰/۱۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳
راه شهری	۱/۱۴۸	۰/۰۹۱	۰/۱۹۹	۱۲/۱۶۲	۰/۰۰۰	۰/۲۰۱	۰/۱۴۴	۰/۱۲۰
فضای سبز	۰/۱۰۵	۰/۱۱۱	۰/۱۱۲	۱۰/۷۱۰	۰/۰۰۱	۰/۱۸۳	۰/۱۰۷	۰/۰۵۲
شیوه زندگی	۰/۰۹۷	۰/۰۳۸	۰/۱۲۳	۱۱/۱۲۲	۰/۰۰۰	۰/۲۰۳	۰/۱۲۱	۰/۰۶۹
سلامت محیط	۰/۰۲۳	۰/۰۴۳	۰/۰۰۶	۰/۵۴۲	۰/۰۵۱۴	۰/۱۰۱	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶
نگهداری و مراقبت	۰/۷۱۴	۰/۰۴۸	۰/۳۹۴	۱۶/۸۷۹	۰/۰۰۰	۰/۲۹۹	۰/۱۹۸	۰/۱۵۰
تعلق خاطر	۰/۳۰۴	۰/۰۷۷	۰/۳۴۶	۱۴/۱۰۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۴	۰/۱۶۷	۰/۱۲۴
خدمات رفاهی	-۰/۰۳۳	۰/۱۱۷	-۰/۰۲۶	۱/۰۶۲	۰/۱۸۵۴	۰/۱۰۹	۰/۰۲۲	-۰/۰۱۴
خدمات تفریحی	۰/۹۵۰	۰/۱۲۳	۰/۱۰۲۵	۸/۲۵۹	۰/۰۰۳	۰/۱۵۱	۰/۰۶۵	۰/۰۴۱

متقابل اجتماعی محله باغ شاطر نقشی ندارند. بنابراین فرضیه‌های فرعی شماره ۱ و ۳ که نقش عوامل خوشایند بودن فضای محله از نظر معماری و شهرسازی و همچنین خدمات رفاهی را بر کنش‌های متقابل افراد ساکن در محله مثبت ارزیابی می‌کرد، رد می‌شوند. دلیل این امر را می‌توان با فرسودگی بافت و نامناسب بودن سیما و منظر و همچنین کمبود فضاهای خدماتی در سطح محله مرتبط دانست و فرضیه شماره ۲ که نقش عامل امکان رفت‌وآمد مناسب در محله را بر کنش‌های متقابل اجتماعی مثبت عنوان کرده بود، تأیید می‌گردد.

نتایج به دست آمده از تأثیر تعلق خاطر بر کنش متقابل اجتماعی همسو با دیدگاه فیشر (۱۹۷۷) است. فیشر در بررسی تعلق خاطر چهار نوع تعلق خاطر را بر می‌شمارد که سه نوع از آن‌ها شامل روابط اجتماعی در نهادهای محلی و با مردم می‌شود و یکی از آن‌ها به احساس فرد از محیط بر می‌گردد (Fischer, 1977). بر این اساس بخش زیادی از تأثیر تعلق خاطر بر کنش متقابل اجتماعی را می‌توان به خاطر نحوه روابط

۵. نتیجه‌گیری

براساس نتایج به دست آمده از مقاله حاضر که در جدول همبستگی پیرسون و همچنین مدل رگرسیونی نشان داده شده و براساس فرضیه اصلی تحقیق رابطه معناداری میان کنش متقابل اجتماعی و شاخص‌های کیفیت ادراک محیط سکونتی در محله باغ شاطر وجود دارد؛ به طوری که براساس ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده (۰/۷۴۳) و ضریب تعیین تعدیل (۰/۴۷۴) به دست آمده بین متغیرهای کیفیت ادراک محیطی و تعامل اجتماعی رابطه مثبت و تقریباً قوی وجود دارد که با افزایش کیفیت ادراک محیطی میزان کنش متقابل اجتماعی افزایش می‌یابد. البته این روابط به تفکیک متغیرهای کیفیت ادراک مورد بررسی تفاوت‌های اساسی و مهمی را دارد و از بین نه متغیر مورد بررسی، رابطه شش متغیر معنادار است که این متغیرها شامل تعلق خاطر، نگهداری و مراقبت، راه شهری، شیوه زندگی، فضای سبز و خدمات تفریحی است و سایر متغیرها در کنش

References:

- Amérigo, M (2002). A psychological approach to the study of residential satisfaction. In: Aragonés, J.I., Francescato, G, Gärling, T. (Eds.), Residential Environments. Choice Satisfaction and Behavior Bergin & Garvey, Westport, CT, pp. 81–100.
- Bahraini, seyed hossein, and Golnaz Tajbakhsh. (1999). The concept of Territory in urban Spaces and The role of urban design in the realization. Honar-haye-Ziba, 6(0),18-31. [In Persian]
- Barker, R. G (1968). "Ecological Psychology: concepts and methods for studying in the environment of human behavior", Stanford, CA: standard university press.
- Barkley, J. R., & Kruger, L. E. (2013). Place meanings as lived experience. In Place-Based Conservation (pp. 89-98). Springer Netherlands.
- Bonaiuto, M. & Bonnes, M (2000). "Social-psychological approaches in environment – behavior studies", In Wapner and Demik, Theoretical perspective in environment Behavior research, 68- 78.
- Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., Ercolani, A.P (1999). Multidimensional perception of residential environment quality and neighbourhood attachment in the urban environment. J. Environ. Psychol. 19, 331–352.
- Bonaiuto, M., Bonnes, M (1996). Multiplace analysis of the urban, pp. 21–42.
- Bonaiuto, Marino., Fornara, Ferdinando., Bonnes, Mirilia (2003). Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome. Landscape and Urban Planning 65. 41-52.
- Bonnes, M., Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Ercolani, A.P (1997). A transactional perspective on residential satisfaction. In: Despres, C., Piché, D. (Eds.), Housing Surveys. Advances in Theory and Methods. Crad, Que., Canada, pp. 99–135.
- Calthorpe, Peter (1989). The Pedestrian pocket, in Doug, Kelbaugh (ed.) Pedestrian Pocket Book.
- Canter, D (1977). The Psychology of Place. Architectural Press, London, pp. 51–74.
- Canter, D (1983). The purposive evaluation of places: a facet approach. Environ. 15, 659–698.
- Cooper Marcus, C., Francis, C (1998). People Places: Design Guidelines for Urban Open Space. John Willey & Sons, New York, pp. 45–68.
- Danshpour, S.A. & Charkhchian. M. (2007). Fazaha-اجتماعی که فرد با مردم و نهادهای اجتماعی برقرار کرده، مرتبط دانست. از سوی دیگر، فضا عنصر جدانشدنی ساخت مادی زندگی اجتماعی است و آن را نمی‌توان جدا از جامعه و روابط اجتماعی فهمید و بنا به نظر لینچ (۱۹۷۲) فضای شهری، صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود و در این فضا فرصت برقراری ارتباط میان افراد به وجود آمده و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم ارتباط برقرار می‌کنند (Lynch, 1972). فضای شهری در صورتی که بتواند در مسیر تسهیل جریان شهروندی از طریق حس تعلق انسان به محیط بپردازد، می‌تواند در بهبود کنش متقابل اجتماعی بی‌وسه گام بردارد و در نتیجه موجب بهبود کیفیت محیط سکونتی گردد. احساس تعلق به محیط در ساکنان یک محیط، موجبات برقرار ارتباط میان آن‌ها را فراهم می‌سازد؛ زیرا همسو با دیدگاه پارسونز، دو رکن اساسی که سبب ایجاد یک کنش متقابل می‌شوند (یعنی داشتن هدف برای برقراری ارتباط با ساکنان محله و عناصری که تحت نظارت وی در محیط نیستند و بایستی دیگران را نیز مشارکت داد) را در خود دارد (Parsons, 1972). بنابراین دلیل همسویی تعلق خاطر با کنش متقابل اجتماعی در محله باغ شاطر را می‌توان بالابودن حس تعلق دانست. این امر نیز به دلیل ساختار محله و قدمت ساکنان آن است که باعث شکل‌گیری اهداف مشترکی در راستای حفظ و بهبود فضای محله‌ای و تعامل ساکنان می‌شود.
- راه‌های محلی که در یک واحد اجتماعی مانند واحد همسایگی محله وجود دارد با ایجاد فعالیت‌های اختیاری مانند قدم‌زدن، ایستادن یا نشستن و لذت از حضور در فضا و فعالیت‌های اجتماعی مانند احوال‌پرسی و گفت‌وگو می‌توانند تعاملات اجتماعی را به نحو معناداری تحت تأثیر قرار دهند. نتایج این تحقیق همسو با نظرات پیتر کالتورپ (۱۹۸۹) و اصول و دستورالعمل‌های شهرسازی جدید است که ایجاد واحدهای همسایگی با قابلیت پیاده‌روی بالا را از عوامل اصلی ایجادکننده تعاملات اجتماعی و بهبود کیفیت دوستانه محیطی می‌دانند (Calthorpe, 1989). شهرسازی جدید طراحی خیابان محلی را نه محلی برای عبور و مرور بلکه محل تبلور تعاملات اجتماعی فرض می‌کند. از ۱۹۸۰ میلادی شهرگرایان جدید در زمینه توسعه واحدهای همسایگی به‌کار پرداختند که نه تنها برای مردم این امکان را فراهم آورد که از پیاده‌روی لذت ببرند بلکه این امکان وجود داشته باشد که ساکنان، پیاده تا فضاهای عمومی و مراکز خرید اطراف بروند. این نوع طراحی‌ها، فرصت‌هایی را برای پیاده‌روی ایجاد کرد و به نوبه خود موجب بهبود کیفیت ادراک محیط سکونتی و افزایش تعامل اجتماعی و سرمایه اجتماعی ساکنان واحد همسایگی گردید. همین‌طور با نتایج تحقیق ترابی و رفیعیان مبتنی بر رابطه معنادار اجتماع‌پذیر بودن فضا که یکی از خصوصیات کالبدی فضا محسوب می‌شود، با ارتقای تعاملات اجتماعی همسو بوده و بیانگر تأثیر کیفیت محیطی در ارتقای تعاملات اجتماعی است (Torabi, 2012; Rafieyan et al., 2012). دلیل همسویی این امر را نیز می‌توان به ساختار شبکه معابر و استخوان‌بندی کلی این محله مرتبط دانست که علی‌رغم قدیمی بودن و فرسودگی ساختار در شکل‌گیری فضاهای مناسب و سازگار با تعاملات اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‌نماید.

- Ma: The MIT press.
- Madanipour A. (2000). Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio-Spatial Process, Translated by: Mortezaie F., Second Publish. Tehran: Processing and Urban Planning Company Publications. [In Persian]
 - Marans, Robert W (2003). Understanding environmental quality through quality of life, the 2001 DAS and objective indicators, Paper submitted for a special issue of the Journal of Landscape and Urban Planning.
 - Matlabi, Ghasem .(2001). Environmental Psychology, New knowledge in the service of architecture and urban design. Honar – ha – ye Ziba, No. 10, 52-67. [In Persian]
 - McMillan, D. W., & Chavis, D. M (1986). Sense of Community: A Definition and Theory. Journal of Community Psychology, 14(1), 6–23.
 - Mortazavi, shahnaz. (2001). Environmental psychology and its application. Tehran: Shahid Beheshti University Press. [In Persian]
 - Naghizadeh, Mohammad. (2007). Perception of Beauty and City Identity (in the Light of Islamic Thought). Isfahan: Department of Urbanism and Architecture. [In Persian]
 - Parsons, Talcott (1972). Sociologie americaine, Paris, Armand Colin.
 - Pol, E (2002). “The theoretical background of the city identity-sustainability network”,
 - Porteous, J. Douglas., (1971). Design with People-the Quality of the Urban Environment, Environmental and Behavior, Published in Environment and behavior: eb; an interdisciplinary journal No 3, 155-178.
 - Rafeiyan, M., & Mavlouidi, J. (2012). Approaches and Methods for Measuring the Quality of Urban Residential Environment. Azarakhsh, Tehran. [In Persian]
 - Rafieyan, M & Khodaie, Z. (2009). The indicators and criteria that affect citizen satisfaction with urban public spaces. Journal of Rahbord, 18 (53): 227-248. [In Persian]
 - Rapoport A. (2012). The Meaning of The Built Environment: A Nonverbal Communication. Tehran: Processing and Urban Planning Company Publications.
 - RIVM (2002). the morbidity af asthma and chronic obstructive pulmonary disease in the nether elands, workshop livability, P 13, rapport.
 - Salibi, Jacenth. (2011). An Analysis on the Contribution ye omumi va awamele moaser bar hayat- e jammei [Public space and the ingredients influenced the public living]. Journal of Bagh-e Nazar, 4 (7): 19-28. [In Persian]
 - Ejtehadi, Mostafa. (2004). The Range of Social Interaction. Human Sciences, NO. 41-42 , 1–12. [In Persian]
 - Fathi, Soroush. (2012). An analysis of social relations in sustainable urban space. Journal of Iranian Social Development Studies, No. 4, 64-67. [In Persian]
 - Fischer, C. S (1977). Networks and places: Social relations in the urban setting. New York: The Free Press.
 - Francescato, G (2002). Residential satisfaction research: the case for and against. In: Aragonés, J.I., Francescato, G., Gärling, T. (Eds.), Residential Environments. Choice Satisfaction and Behavior. Bergin & Garvey, Westport, CT, pp. 15–34.
 - Gans ,H (1962). The Urban Villagers, New York: Free Press, pp. 12–28.
 - Gifford, Robert. (1998). Psychology of residential environments (translation: Vahid Ghobadian). Architecture and culture, No. 30, 71-92.
 - Haggerty, L.J (1982). Differential social contact in urban neighborhoods: environmental vs. sociodemographic explanations. Sociological Quarterly 23, 359–372.
 - Helly, D., Barsky, R. F., & Foxen, P (2003). Social Cohesion and Cultural Plurality. Canadian Journal of Sociology, 28(1), 19–42.
 - Homans, George Caspar (1961). Social behavior: its elementary forms. London: Routledge & Kegan Paul, pp. 221- 368.
 - Huang, Shu. & Chun, L (2006). ”A study of outdoor interactional spaces in high-rise housing”, journal of landscape & urban planning, 78, 193-204.
 - Johnston, R. J (1991). A Question of Place. Exploring the Practice of Human Geography. Oxford: Blackwell.
 - Kerlinger, Fred N., Elazar, J. p (1973). Multiple regression in behavioral research. New York: Holt, Rinehart & Winton, Inc.
 - Khatibi, azam. (2017). Sociological explanation of neighborhood interactions and its effect on the sense of social vitality. Urban sociological studies. No.22, 107-134. [In Persian]
 - King, Samuel (2002). Sociology (Hamadani, Moshfegh., Trans).Tehran: Amirkabir Publishers.
 - Lynch, K (1972). The Image of the City. Cambridge,

- Translated by Jadja Wolf. Frankfurt: Suhrkamp Verlag, pp. 16-114.
- Torabi, Mohammad. (2012). Neighborhood design based on the effect of physical characteristics of public open space in increasing interactions and social behavior. Master Thesis, Urban Design, Tarbiat Dabir Shahid Rajaei University. [In Persian]
 - Van Kamp, Irene and et al., (2003). urban environmental quality and human well-being toward a conceptual framework and demarcation of concepts: a literature study, published by Landscape and Urban Planning, journal, 65, pp. 5-18.
 - Van poll, R (1997). The perceived quality of the urban residential environment: A multi attribute evaluation, Center for environmental studies (IVEM), University of Groningen, The Netherland.
 - Weber, Max (1972). Wirtschaft und Gesellschaft, Tuebingen: JCB Mohr. Vol. 12, No. 1, pp. 13.
 - Wiese, Leopold von (1955). System der Allgemeinen Soziologie. Berlin: Gruyter.
 - of Nonverbal Communication in Social Interaction. Institute for humanities and cultural studies, NO.2, 101-119. [In Persian]
 - Scotthanson C., Scotthanson K., (2005). The Cohousing Handbook: A Place for Community. (1st ed), Canada: New Society Publishers.
 - Seifolddini, Faranak. (2002). Dictionary of Urban and regional Planning. Shiraz: Shiraz University Press. [In Persian]
 - Sharepour, M. (2012). Urban Sociology. Tehran: Samt Publication. [In Persian]
 - Statistical Center of Iran. (2011). The population and housing censuses. Tehran: Statistical Center of Iran press. [In Persian]
 - Tahmasebi, Arsalan & Behzadfar, Mustafa. (2013). Recognition and assessment of influential elements of social interaction: The scientific journal or NAZAR research center(Nrc) for Art. Architecture & Urbanism, vol.10, NO.25, 87-98. [In Persian]
 - Tarde, Gabriel de (2003). Die Gesetze der Nachahmung

نحوه ارجاع به مقاله:

سعیدی مطلق، محمدحسن؛ براتی، ناصر (۱۴۰۰)، تاثیر شاخص های کیفیت ادراک محیط سکونتی بر کنش متقابل اجتماعی پیوسته در محله باغ شاطر تهران، مطالعات شهری، 10 (38)، 63-76. doi: 10.34785/J011.2021.617/Jms.2021.133
http://www.urbstudies.uok.ac.ir/article_61437.html

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



رویکرد مسکن اندک‌افزا به مثابه سیاست ارتقای مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی

نمونه مورد مطالعه: شهر چابهار^۱

علیرضا نظرنیا^۲ - گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
لیلا زارع - گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
فریبرز دولت‌آبادی - گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۱۹ شهریور ۱۳۹۹

چکیده

سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از تبعات شهرنشینی سریع است که عمدتاً مهاجران روستایی و تهیدستان شهری را در خود جای داده و بدون مجوز و خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانون توسعه شهری در درون یا خارج از محدوده شهرها شکل می‌گیرند. این نوع سکونتگاه‌ها نتیجه ناکارآمدی نظام تأمین مسکن شهری است که در امتداد رشد کنترل نشده آن و عدم ثبات اقتصادی بازار مسکن رخ می‌دهد. این پژوهش بر سیاست مسکن اندک‌افزا به مثابه فرآیندی برای بهسازی کالبدی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر چابهار تأکید دارد و می‌تواند برای بهبود کیفیت فضایی-کالبدی زاغه‌ها و ادغام آن با مناطق رسمی شهری مورد استفاده قرار گیرد. رویکردی است در جهت تطبیق سیاست مسکن این نوع بافت و محلات با محدودیت‌ها و قیود تأمین منابع مالی و شرایط اقتصادی ساکنان. در الگوی پیشنهادی به حفظ ساختارهای حائز اهمیت مردمان محدوده پژوهش توجه جدی شده است. تأکید بر حفظ ساختار فضایی ساکنان که منطبق بر فرهنگ سکونت جامعه مخاطب طرح است و از الگوهای فعالیتی حیات روزمره ایشان تبعیت می‌کند، از اهداف پژوهش پیش‌روست. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با بهره‌گیری از مسکن اندک‌افزا و رویکردهای مرتبط با آن افزاز، تجمیع و تکمیل فضایی می‌توان به مدلی مطلوب و بهینه دست پیدا کرد که در آن راهبرد عمودی از بالا به پایین و بی‌توجه به ساکنان جای خود را به شکل همدلانه‌تری از توسعه داده است. روش پژوهش با درگیری فعال محقق در میدان تحقیق و مصاحبه‌های عمیق با ساکنان همراه بوده تا شیوه برآمده از تجربه زیسته آنها شناسایی و در ارائه الگو استفاده گردد. طرح در این فرآیند عمدتاً نقش پیش‌ران یا کاتالیزور را خواهد داشت و نه فراتر. طرح قرار است صرفاً تسهیل‌گر باشد و در ادامه خود ساکنان می‌توانند تصمیم به افزاز، تجمیع یا تکمیل درون واحدهای سکونتی خود را بگیرند.

واژگان کلیدی: سکونتگاه غیررسمی، مسکن اندک‌افزا، چابهار، کمپان.

نکات برجسته

- اسکان غیررسمی به عنوان نتیجه شهرنشینی شتاب‌زده، در محدوده‌های خارج از شهر یا در مرزهای رسمی و غیرقانونی آن به وقوع می‌پیوندد.
- پژوهش حاضر تأکید خود را بر روی مسکن تدریجی به عنوان فرآیند مطلوب در ارتقای کالبدی سکونتگاه‌های غیررسمی چابهار می‌داند.
- در الگوی نهایی برای ساکنین، کنار ارتقای ابعاد کالبدی، حفظ ساختارهای فضایی موجود میان ساکنین مورد تأکید بوده است.
- تطابق هر نوع برنامه جایگزین با فرهنگ سکونت جامعه مخاطب یک عنصر کلیدی در هر نوع الگوی بهینه‌سازی است.
- از یک مرحله به بعد، این خود ساکنین هستند که چگونگی افزاز، تجمیع و تکمیل درون فضاها سکونتی خود را به عهده می‌گیرند.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته معماری با عنوان "تدوین الگوی کالبدی مطلوب در تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد شهری (اقشار کم‌درآمد دهک‌های اول و دوم درآمدی در چابهار)" است که به وسیله نویسنده نخست و با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: amazania@gmail.com

۱. مقدمه

اسکان غیررسمی بازتاب فضایی بیمارگونه از اقتصاد و مدیریت ضعیف برنامه‌ریزی فضایی منطقه‌ای و معلول بی‌عدالتی‌های اجتماعی-اقتصادی در سطوح ملی، استانی و محلی است. از دهه ۱۹۵۰ میلادی تاکنون پژوهش‌های متعددی حول محور اسکان غیررسمی در کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه انجام شده است. «در واقع آنچه رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران را در حالت بیم قرار داده، مسئله افزایش مقدار و میزان درصد جمعیت شهرنشین نیست بلکه مسئله اساسی مهاجرت اجباری با انتخاب اختیاری در انواع مختلف آن است (روستا به شهر، بین شهری: از شهرهای کوچک به شهرهای میانی و بزرگ، درون شهری ...). که به دلیل ضعف برنامه‌ریزی منطقه‌ای و توسعه در مبدأ، موجبات تحرک و جابه‌جایی جمعیت از نقاط توسعه نیافته (عمدتاً روستاها و شهرهای کوچک) به مقصدی رشد یافته یا در حال رشد (کلانشهرها و شهرهای میانی) را فراهم نموده و ضعف برنامه‌ریزی و مدیریت شهری مقصد در پاسخگویی به جمعیت وارده موجب رانده شدن جمعیت به حاشیه و شکل‌گیری حاشیه‌نشینی با نمودی از اسکان غیررسمی است (Daviran, 2012)».

استان سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از پهناورترین استان‌های کشور دارای موقعیت مهم راهبردی مرزی است و به واسطه ارتباط بخشی از این پهنه وسیع با آب‌های آزاد و نقش ترانزیتی آن اهمیت دوچندان می‌یابد. با وجود این اهمیت، سکونتگاه‌های غیررسمی این استان بیش از پیش در حال رشد و گسترش است. «برای مثال تنها در دو دهه اخیر در شهر چابهار از شهرهای جنوبی این استان در حاشیه دریای عمان ۱۴ سکونتگاه غیررسمی شناسایی شده که بر روی هم جمعیتی بالغ بر ۱۲ هزار و ۸۰۰ نفر و مساحتی در حدود ۱۸۰ هکتار را شامل می‌شود (Armanshahr Pars Engineering consultant, 2015)». گسترش جزیره‌ای و نامرتب سکونتگاه‌های غیررسمی در چابهار به گونه‌ای است که عملاً کاربست‌سازی و ایجاد خدمات شهری و عبور و مرور وسایل نقلیه را با مشکل مواجه کرده است. خدمات‌رسانی شبکه آب سالم و فاضلاب شهری به ویژه در سکونتگاه‌های غیررسمی چون زمین، عثمان آباد و جنگلک با معضل اساسی روبه‌رو است. دفع فضولات انسانی در محله جنگلک با حفر چاله‌ای در گوشه‌ای از این اسکان غیررسمی اتفاق افتاده و سطح عمومی بهداشت محدوده را به زیر صفر تنزل داده است. کابل‌های برق فشار قوی بر روی کف معابر رها شده‌اند، معابری که محل اصلی بازی کودکان و رفت‌وآمد ساکنان هستند. در محلاتی چون کُنب به دلیل استفاده غیرقانونی از برق احتمال خاموشی مطلق وجود دارد و مواردی دیگر که هر کدام ناقض حقوق مادی، معنوی و حداقل‌های حرمت و کرامت انسانی هستند. «زاغه‌ها از جنس بلوک سیمانی، گستره‌های عظیمی به طول هفت کیلومتر تا روستای زمین واقع در شرق چابهار را پوشش می‌دهند. اقدام برای ساماندهی این حجم از سکونتگاه‌های غیررسمی، نیازمند یک برنامه‌ریزی یکپارچه برآمده از نظرات ساکنان شهر، ساکنان محلات غیررسمی و نهادهای مدیریت شهر و تجارب داخلی و خارجی است (Kavosh Memari Engineering Consultant, 2004)». در این راستا پژوهش حاضر ابتدا وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی چابهار را

شناسایی می‌کند، سپس به منظور ارتقای وضعیت موجود کالبدی-فضایی سکونتگاه‌ها مدل پیشنهادی خود را ارائه می‌نماید. این هدف در قالب یک فرآیند تدریجی و با مشارکت خود ساکنان قابل دستیابی است. به طوری که فضای بیرونی و بینابینی از سوی طراح ارائه می‌شود اما فضای اندرونی از سوی ساکنان گام به گام، با توجه به نوع نیازها و شرایط مالی تکمیل می‌گردد.

۲. چارچوب نظری

هارون نظیره و همکاران در مقاله خود با عنوان تأثیرات ارتقای سکونتگاه غیررسمی منطقه افشار در کابل افغانستان بیان می‌کنند برای بهبود شرایط زندگی حدود ۶۹ درصد از جمعیت شهر که در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند، نهادهای بین‌المللی تصمیم به اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های ارتقای کالبدی گرفته‌اند. این پژوهش از طریق مصاحبه با ساکنان منطقه افشار شهر کابل، میزان رضایت‌مندی جامعه مخاطب طرح را از ارتقای صورت گرفته مورد نقد قرار می‌دهد. یافته‌ها به این مهم اشاره می‌کند که سیاست‌های ارتقا تنها بعد کالبدی اسکان غیررسمی محدوده را هدف‌گیری کرده و تأکید می‌کند در کنار ارتقای وجه معماری و نحوه دسترسی باید مسائل کلیدی محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی ساکنان نیز مورد توجه جدی قرار گیرد (Nazire, et al., 2016). خلیفه در پژوهش راهبردهای ارتقای سکونتگاه‌های غیررسمی در مصر: از بی‌توجهی به ساکنان تا توسعه مشارکتی ایشان، به بیان این مهم می‌پردازد که سیاست‌های طرد و نادیده گرفتن اسکان غیررسمی در کشور مصر مورد بازنگری اساسی قرار گرفته است، چرا که این رویداد خود راه حلی است برای سکونت‌دهای که سیستم رسمی خانه‌سازی شهر در برآوردن آن ناتوان بوده است. بنابراین واجد وجوه مثبتی است که در نوع مداخله با آن باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین به منظور شناسایی نیروهای محرک تأثیرگذار در توسعه و تکرار الگوهای موفق به بررسی و آزمون پروژه‌های ارتقای سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور مصر پرداخته و هریک را در مقام مقایسه، تطبیق و دسته‌بندی قرار داده است (Khalifa, 2015). مظفر صرافی و همکاران در مقاله خود با عنوان جابه‌جایی غیرداوطلبانه: به تحلیل نمونه جابه‌جایی سکونتگاه مینا در شهر اهواز، از زاغه‌های ساخته شده بر زمین‌های پر خطر به محله‌های جدید در این شهر می‌پردازد. با نگاه آسیب‌شناسانه بر روی این جابه‌جایی، نویسندگان از وجوه کیفی و کمی مسکن ارائه شده در محل مقصد و میزان انطباق آن با فرهنگ سکونت ساکنان، نقدهای اساسی بر طرح جدید وارد می‌کنند. چنانکه به علت بی‌توجهی به الگوهای زیست ساکنان نتیجه مطلوبی به دست نیامده است. محل جدید از بعد خدمات دسترسی و مجاورت با فضاهای شهری نسبت به محل قبل در شرایط بدتری قرار دارد. این مسائل منجر به خالی ماندن تعداد قابل توجهی از واحدها شده و خانواده‌های جابه‌جا شده به سایر سکونتگاه‌های غیررسمی شهر اهواز پناه برده‌اند. مقاله نتیجه‌گیری می‌کند که سبک حیات هرروزه و کیفیت طراحی، دو بُعد ضروری در ارتقای اسکان غیررسمی محدوده مینا شهر اهواز است که با مشارکت دادن جامعه مخاطب طرح قابل تحقق بوده است (Sarraf & Mohammadi, 2018). ویبوو و همکاران در مقاله خود با عنوان پروژه‌های مسکن تدریجی: رویکردی

۲.۳. رویکرد مسکن اندک‌افزا

اندک‌افزایی در معنای هسته‌ای خود به معنای تغییر سیاسی با گام‌های کوچک است. مهار تغییرات اندک‌افزوده ساده‌تر است و می‌تواند به سهولت از سوی تعداد بیشتری از مردم درک و فهمیده شود (Daneshpour, 2017). در این رهیافت عقیده بر آن است که برنامه‌ریز باید به جای تلاش در اصلاح دنیا به بهبودهای شدنی اندک‌افزا بپردازد (Mäntysalo, 2005). موضوع حائز اهمیت در رویکرد مسکن اندک‌افزا تأکید بر فرآیند بودن آن است. این رویکرد از درون نگاه هدف‌گرا به موضوع سکونتگاه‌های غیررسمی حاصل می‌شود تا بتواند به مدلی مشارکت محور دست پیدا کند. «مدلی که در آن برای کاهش توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی و با نقش دادن به ساکنان در فرایند شکل‌گیری مسکن پیش می‌رود (Aravena, et al., 2004)». از اهداف آن خارج کردن ساکنان از انزوای شهری پیش آمده است. مسکن اندک‌افزا با سه رویکرد مرتبط با خود یعنی تجمیع فضا، افزایش فضا و تکمیل فضا تعریف متفاوتی از سازمان فضایی و عملکردی را از مسیر طراحی تا اجرای یک طرح ارائه می‌کند. هر فعالیتی در حوزه مسکن که بخشی از روند تکمیل شدن آن پس از حضور استفاده‌کنندگان اتفاق بیفتد، می‌تواند دربرگیرنده مسکن اندک‌افزا باشد. فرآیندی است که لازم است در تحقق آن از مؤلفه‌های ثابت همچون مسائل حقوقی، اداری، اقتصادی، زیربنایی و سرزمینی تا وجوه متغیر آن همچون فرهنگ، خانواده، اقلیم، نوع مسکن و تکنیک ساخت را در نظر گرفت (تصویر شماره ۱). در این رویکرد بخشی از هزینه‌های بالای اجرای طرح که با مشارکت دادن ساکنان پس‌انداز می‌گردد، بعدتر در مسائل مهم دیگری چون خرید زمین در محل مناسب شهر و مسائل حقوقی مربوط به سکونت هزینه می‌شود (Wainer, et al., 2016). همچنین میان مجموعه بناهای کوتاه مرتبه و فشرده تعادل نسبی برقرار کرده، بازگذاری بیش از اندازه جمعیت را کنترل می‌کند و امکان گسترش و تغییر سطح از مسکن اجتماعی به مسکن میان رده شهری را برای ساکنان باز می‌گذارد (Aravena, 2008). در صورت هدایت و مدیریت صحیح سیاست مسکن اندک‌افزا زمینه مطلوب برای به کارگیری نیروهای محلی و استفاده از روش‌های ساخت بومی فراهم می‌گردد (Azizibabani, 2019: 211). پیش‌بینی صحیح الگوی فعالیت‌های ساکنان به منظور تقویت تعاملات اجتماعی میان هر یک، طراحی مناسب واحدهای همسایگی، محله‌ها و فضاهای باز از جمله عوامل مهم در ارتقای کیفیت کالبدی و فضایی در طرح‌ها با رویکرد مسکن اندک‌افزا هستند.

۳. روش

پژوهش پیش رو از طریق مصاحبه عمیق با ساکنان سکونتگاه غیررسمی چابهار و با درگیری فعال محقق در میدان تحقیق همراه بوده است. مشاهده الگوی حیات هر روزه گروه مطالعه در شرایط طبیعی، در راستای شناسایی مطلوب فضاها، نوع و میزان استفاده از هر یک و آشنایی عمیق‌تر با فرهنگ سکونت جامعه مخاطب پژوهش بوده

برای پاسخگویی به نیازهای مسکن کم هزینه در اندونزی، رویکرد گام به گام در دستیابی به مسکن را یکی از راه حل‌های مطلوب برای جایگزینی انبوه‌سازی بدون توجه به استفاده‌کنندگان می‌داند. در این رویکرد به ساکن این حق داده می‌شود که بدون نیاز به کسب مجوز یا دخالت شخص یا نهادی ثالث به تکمیل، اصلاح یا جداسازی فضای زندگی خود و خانواده خود بپردازد. این عمل در مقیاسی مشخص و به میزانی که در طرح پیش‌بینی شده، انجام می‌پذیرد (Wibowo & Larasati, 2018). هاسگول در مقاله خود با عنوان مسکن تدریجی: راه حلی برای خانه‌سازی غیررسمی در قالب یک فرآیند مشارکتی، بروجه بومی و محلی خانه‌های خودرواشاره می‌کند که موضوعی اجتناب‌ناپذیر و ارزان برای کاربران است. اسکان غیررسمی را به عنوان معماری که واجد مصالح بوم‌آورد آن محدوده، ویژگی‌های اقلیمی آن و منطبق بر الگوهای فعالیتی خاستگاه ساکنان است، معرفی و تبیین می‌کند. این خصوصیات به شکل غیرقانونی و در مقیاس ساکنان دهک‌های اول و دوم درآمدی محدوده اتفاق می‌افتد (Hasgul, 2016).

۲.۱. سکونتگاه‌های غیررسمی

سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از تبعات شهرنشینی سریع است (Mashhadizadeh, 2011) که عمدتاً مهاجران روستایی و تهیدستان شهری را در خود جای داده و بدون مجوز و خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانون توسعه شهری در درون یا خارج از محدوده شهرها شکل می‌گیرند (Hataminezhad, 2002; Ahmadian, 2003). به تعبیر اسکار لوئیس در نوعی «فرهنگ فقر» زندگی می‌کنند؛ به طور کامل جذب شیوه جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه آن به زندگی ادامه می‌دهند (Drakakis, 1998).

۲.۲. شیوه‌های مواجهه با سکونتگاه‌های غیررسمی

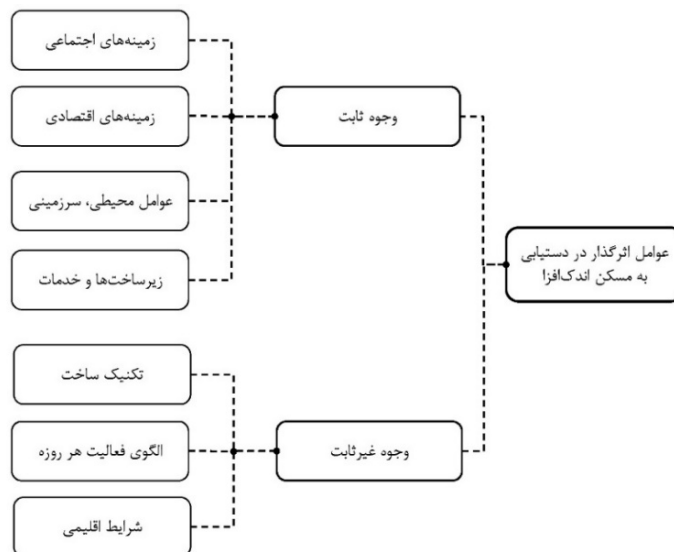
تعاریف ارائه شده برای سکونتگاه غیررسمی در طیف گسترده‌ای از رویکردهای مثبت، خنثی و منفی به این پدیده جای می‌گیرند. مروری کوتاه بر این تعاریف ما را به این نتایج می‌رساند که نوع نگرش به پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی از ساده‌انگاری و جزئی‌نگری اولیه به سمت نگرشی فراگیر و کل‌نگر حرکت کرده است. از طیف برخورد انفعالی تا نوع برخورد قهری که به پاک‌سازی این سکونتگاه‌ها انجامیده است. در نگرش مسئله‌گرا (پیش از دهه ۱۹۷۰ میلادی و تداوم رگه‌های آن تاکنون) نوع برخورد قهری هجوم و سلطه بر سکونتگاه‌های غیررسمی غلبه دارد و به این پدیده تنها به عنوان یک رویداد مضر شهری نگاه می‌کند. در نگرش بنیادگرا (بعد از دهه ۱۹۷۰ میلادی تاکنون) تأکید بیشتری بر ریشه‌ها و بنیادهای مسئله اتفاق افتاده و بر ارتباط تنگاتنگ نظام اقتصادی-اجتماعی جامعه با سکونتگاه‌های غیررسمی تمرکز شده است. نهایتاً در نگرش هدف‌گرا (نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ میلادی تاکنون) صحبت از وجوه مثبت اسکان غیررسمی به میان می‌آید و سکونتگاه‌های خودرو را مکان‌هایی پاسخگو به نیاز ساکنان خود عنوان می‌دارد (Mire'ei, et al., 2012; Ahmadian, 2003; Irandoost, 2010; Sheikhi, 2006).

2 Spatial aggregation

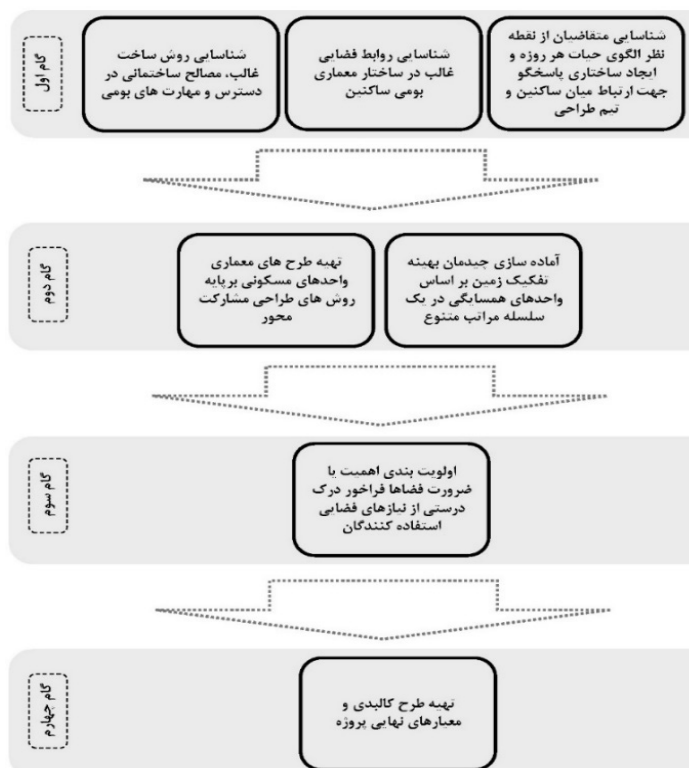
3 Spatial subdivision

4 Spatial completion

1 Culture of Poverty



تصویر شماره ۱: دسته‌بندی عوامل ثابت و غیرثابت در تأمین مسکن اندک‌افزا



تصویر شماره ۲: اقدامات ضروری و روند دستیابی به طرح نهایی در مسکن اندک‌افزا

شاخص‌های توسعه انسانی محسوب می‌شود. شهر چابهار یکی از شهرهای این استان محسوب شده و با جمعیتی معادل ۱۰۶ هزار و ۷۳۹ نفر در سال ۱۳۹۵ در ۲۵ درجه و ۱۷ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است (تصویر شماره ۳). شهر چابهار از سمت جنوب با دریای عمان، از غرب با خلیج چابهار، از شرق با روستای گُمب و از شمال با ارتفاعات روستای تیس محصور شده است (Statistical Centre of Iran, 2016; Shahr-o Khane Engineering Consultant, 2017).

است. همچنین پیمایش‌های میدانی، مشاهدات عینی و برداشت‌های متعدد کالبدی از واحدهای سکونت ساکنان در این تحقیق مورد استفاده بوده است. ابزار تحلیل اطلاعات کدگذاری باز و محوری است.

۳٫۱. محدوده مورد مطالعه

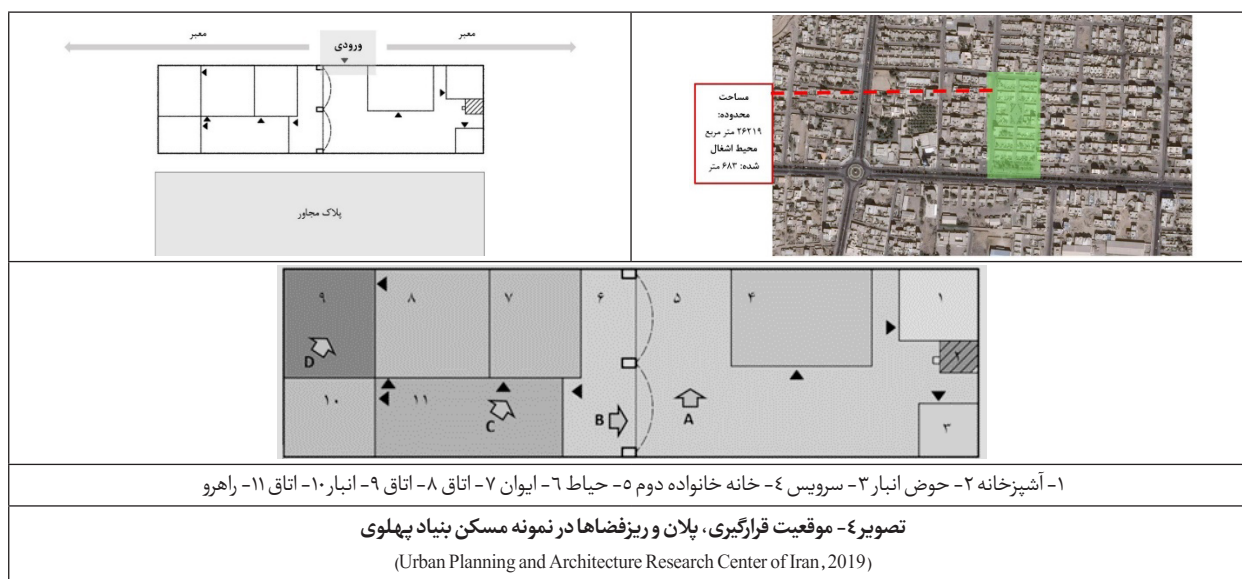
استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی کشور ایران واقع شده است. این استان یکی از محروم‌ترین استان‌های ایران از نظر



تصویر شماره ۳: موقعیت منطقه مورد مطالعه

رؤیای یافتن کار و زندگی بهتر به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. دو پروژه مهم مسکونی که پیش و پس از انقلاب در چابهار با هدف اسکان گروه‌های کم‌درآمد محدود به اجرا درآمده‌اند، مجموعه بنیاد پهلوی و مسکن مهر هستند. مجموعه بنیاد پهلوی حد فاصل سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۵۰ به اجرا رسیده و از نقطه نظر کالبدی الگوی پیاده شده از تطابق قابل قبولی با فرهنگ سکونت مردم چابهار برخوردار است. حیاط هر واحد برای فعالیت‌های بیرون از خانه ساکنان مساحت قابل قبولی دارد. البته بخشی از حیاط به مرور زمان محل احداث واحد دیگری شده که با ساکنان پیشین نسبت قومی-خویشاوندی دارد (تصاویر شماره ۴ و ۵).

شهر چابهار که در گذشته به علل مختلف اعتقادی، دینی، سیاسی و اجتماعی منطقه‌ای کم ارتباط و محصور تلقی می‌شده اکنون به واسطه موقعیت ویژه پیوند با آب‌های بین‌المللی و تبدیل شدن به منطقه آزاد تجاری با سرعت چشمگیری در حال توسعه است. این دیالکتیک به وجود آمده بین چشم‌انداز گذشته و آینده این شهر، وجوه معناداری را بر لایه‌های شهری، اجتماعی و کالبدی آن قرار داده است. یکی از نتایج این شکل از توسعه شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی است. خاستگاه ساکنان این سکونتگاه‌ها براساس بررسی‌های میدانی عمدتاً مهاجرانی با پیشینه فعالیت‌های کارگری، صیادی و کشاورزی از مناطق دشتیاری، ایرانشهر، نیک شهر، سراوان و غیره هستند که عموماً به واسطه خشکسالی‌های پی‌درپی روی داده در محل مبدأ و به دنبال



نیست، نتیجه عدم شناخت صحیح جامعه مخاطب طرح است. به ویژه آن‌که روی آوردن به ساختار آپارتمانی و به ارتفاع بردن محل زندگی با الگوی حیات وابسته به زمین مردمان بلوچ در تعارض جدی قرار دارد (تصویر شماره ۶).

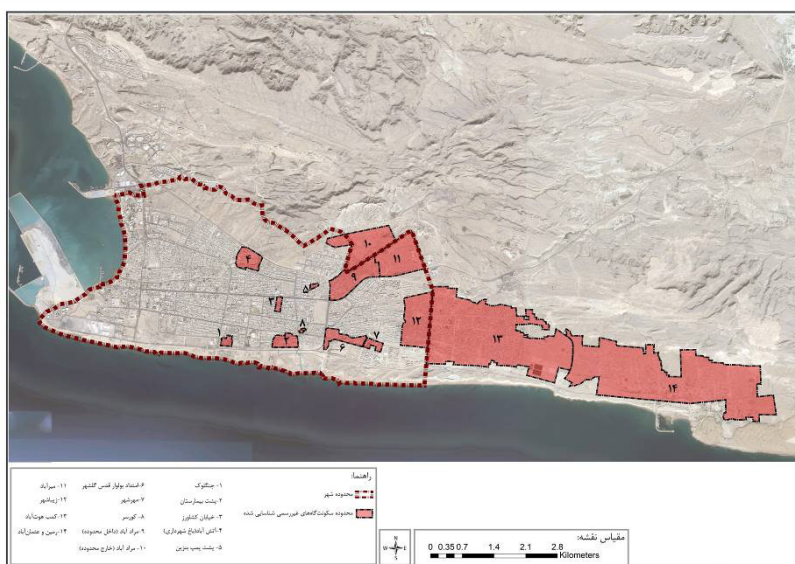
مسکن مهر از دیگر پروژه‌های مهم در حوزه اسکان اقشار کم‌درآمد چابهار است. رواج آپارتمان‌نشینی در محدوده مطالعه پیامد رشد شتاب‌زده شهر، افزایش بهای زمین و سیاست‌های انبوه‌سازی بوده است. از نقطه نظر معماری، ارائه نقشه‌های تیپ مانند و مدرن که تطبیق پذیر با مسائل و هنجارهای زندگی یک خانواده گسترده بلوچ



تصویر شماره ۶: مسکن مهر چابهار

یکی از ویژگی‌های عمومی سکونتگاه غیررسمی شکل گسترش پراکنده و بی‌نظم آن است. این پراکندگی چه از نگاه کلان قرارگیری سکونتگاه‌ها در شهر و چه از نگاه خردتر پراکنش واحدهای سکونتی واقع در درون هر محدوده قابل مشاهده است. قطعات خانه‌ها با مرزبندی‌های سبک قابل نفوذ در یکدیگر (پارچه، لاستیک خودرو، بنر، چوب و ...) تفکیک شده‌اند. تیپولوژی رشد شتاب‌زده و با عجله سکونتگاه‌ها

چهارده محدوده تحت تصرف سکونتگاه غیررسمی در داخل و خارج از محدوده طرح تفصیلی شهر چابهار شناسایی شده است (تصویر شماره ۷). گفتنی است در جدول مشخصات این سکونتگاه‌ها شاخص جمعیت بیان شده به صورت شناور بوده چراکه در هر فصل با توجه به شرایط بی‌ثبات ساکنان دستخوش تغییر و تحول می‌شود (جدول شماره ۱).



تصویر شماره ۷: نقشه جانمایی سکونتگاه‌های غیررسمی چابهار با توجه به محدوده مشخص شده شهر طبق طرح تفصیلی - (Ibid: 7)

جدول شماره ۱: مشخصات سکونتگاه‌های غیررسمی شهر چابهار

نام عرفی سکونتگاه غیررسمی	کاربری بر اساس طرح مصوب	جمعیت (نفر)	مساحت (هکتار)	وضعیت مالکیت	امکان گسترش تصرفات
مرادآباد خارج از محدوده شهر	-	۱۱۳۳	۴۲	سازمان ملی زمین و مسکن	دارد
مرادآباد داخل محدوده شهر	پایانه مسافری (نیازمند تهیه طرح)	۴۵۳۳	۴۷	سازمان ملی زمین و شهرداری	دارد
پشت پمپ بنزین دولتی	دبستان، فضای سبز، پارکینگ	۳۲۰	۱/۲	جزو اراضی ۲۰۰۰ هکتاری	ندارد
باغ شهرداری (قسمتی از محله آتش آباد)	نیازمند تهیه طرح	۱۷۵۷	۱۷/۱	جزو اراضی ۲۰۰۰ هکتاری	ندارد
خیابان کشاورز	مسکونی، فضای سبز و فرهنگی	۳۶۸	۲	جزو اراضی ۲۰۰۰ هکتاری	ندارد
جنگلک	اداری	۱۳۷۴	۴/۹	جزو اراضی ۲۰۰۰ هکتاری	ندارد
پشت بیمارستان	مسایل و گردشگری	۵۹۹	۷/۹	جزو اراضی ۲۰۰۰ هکتاری	ندارد
کورسر	فضای سبز	۴۰	۰/۲	سازمان ملی زمین و مسکن	ندارد
امتداد بلوار قدس گلشهر	کاربری غالب: معبر و فضای سبز کاربری محدود: مسکونی، تجاری و فرهنگی	۹۲۶	۷/۷	سازمان ملی زمین و مسکن	ندارد
مهرشهر (پشت آپارتمان‌های مسکونی مهر)	کاربری‌های مختلف (کاربری غالب: معبر)	۱۳۵	۴/۸	سازمان ملی زمین و مسکن	ندارد
زیبشهر	دارای کاربری‌های مختلف در طرح آماده‌سازی	۳۷۹۶	۷۰	سازمان ملی زمین و مسکن	دارد
گمب و هوت آباد	-	۱۲۹۵۵	۳۴۴/۶	-	-
زمین و عثمان آباد	-	۸۸۸۳	۴۹۹/۴	-	-

منبع: Armanshahr Pars Engineering consultant, 2015

مقاوم‌تری چون بلوک‌های سیمانی است. به طور کلی هر نوع مصالح دورریزی که بتوان با سرعت بالا در ساخت یک سرپناه استفاده کرد. بلوک‌های سیمانی به صورت خشک، بدون ملات و شتاب‌زده بر روی هم چیده شده‌اند (تصویر شماره ۸).

فضای کافی برای شکل‌گیری معابر مطلوب جهت ایجاد دسترسی باقی نگذاشته است. این معابر عمدتاً عرض یکنواختی نداشته و عامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری شان اولویت ساخت زاغه بوده است. مصالح به کار رفته در ساخت واحدهای سکونتی از مصالح ناپایدار چون ضایعات چوب، لاستیک ماشین، گونی و حصیرهای مندرس و کهنه تا مصالح



تصویر شماره ۸: سکونتگاه‌های غیررسمی میرآباد و جنگلک در چابهار

حصیربافی و ...

کالبدی-فضایی: فضای محصور متشکل از خانه‌های در حال تکمیل شدن، آغل، حوض انبار، مطبخ و انبار است. بعضی فضاها به صورت مشترک میان ساکنان درون هر کمپان به اشتراک گذاشته می‌شوند. کمپان‌ها گاهی با جداره‌های سبک و قابل نفوذ در یکدیگر مستقل می‌شوند.

در نگرش فرهنگی-اجتماعی ساکنان نوع زندگی پدسرالارانه موجب می‌شود که فرزند ذکور خانواده پس از ازدواج به همراه همسر خود بتواند در کمپان موجود به ادامه زندگی بپردازد ولی دختر خانواده پس از ازدواج به همراه داماد ملزم بر ترک کمپان است. در تصاویر شماره ۱۰ و ۱۱ یکی از کمپان‌های برداشت شده و فضاهای داخل آن با محوریت حیاط شناسایی شده است.

۴. بحث و یافته‌ها

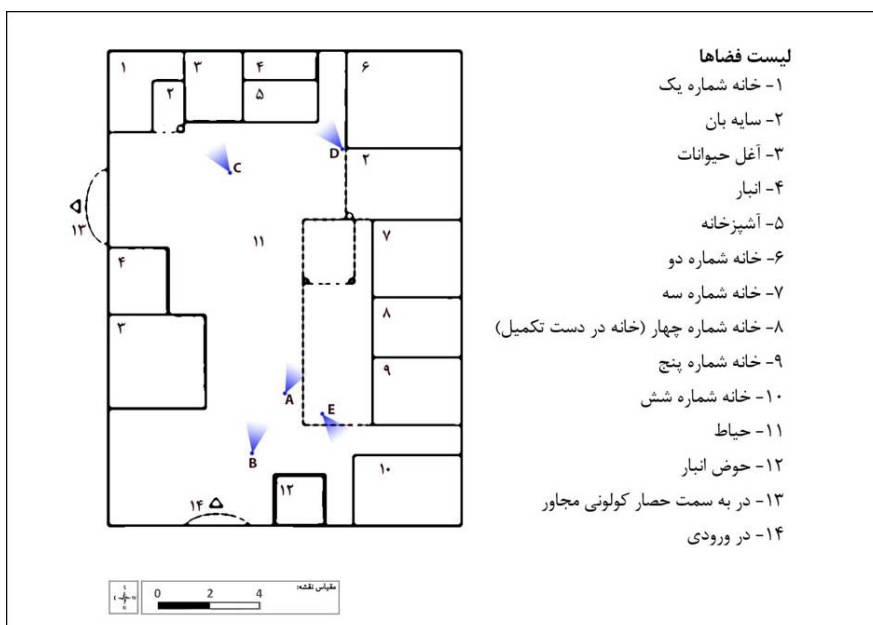
در صورتی که بر روی یکی از واحدهای برداشت شده در سکونتگاه غیررسمی جنگلک بزرگ‌نمایی شود، مجموعه‌ای از خانه‌ها را می‌توان مشاهده کرد که همگی در درون یک حصار مشترک واقع شده‌اند. این حصار در زبان بلوچی «کمپان» نامیده می‌شود. کمپان شکلی از هر واحد همسایگی است که از نظر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی-فضایی واجد ویژگی‌های زیر است (تصویر شماره ۹):

اجتماعی: مکان تعاملات چند خانواده ساکن در آن است. این خانواده‌ها دارای ارتباطات قومی-خویشاوندی و نسبی با یکدیگر هستند.

اقتصادی: محل فعالیت اقتصادی ساکنان نیز می‌تواند باشد. برای مثال خوداشتغالی زنان هم‌کمپان با حرفه‌هایی همچون سوزن دوزی،



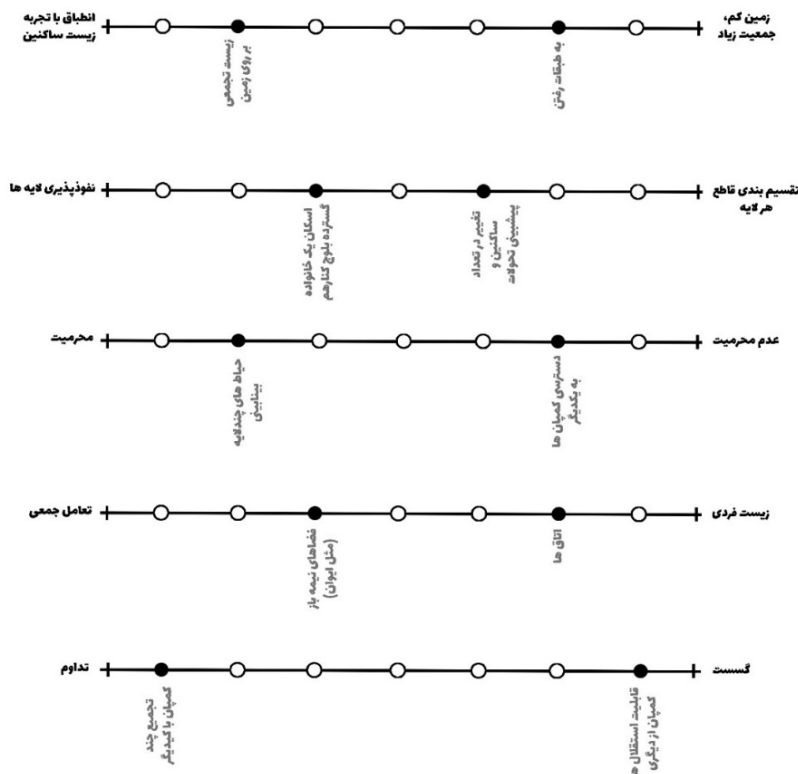
تصویر شماره ۹: تصویر هوایی از سکونتگاه غیررسمی جنگلک و کمپان‌های درون آن



تصویر شماره ۱۰: پلان یک کمپان برداشت شده در سکونتگاه غیررسمی جنگلک چابهار



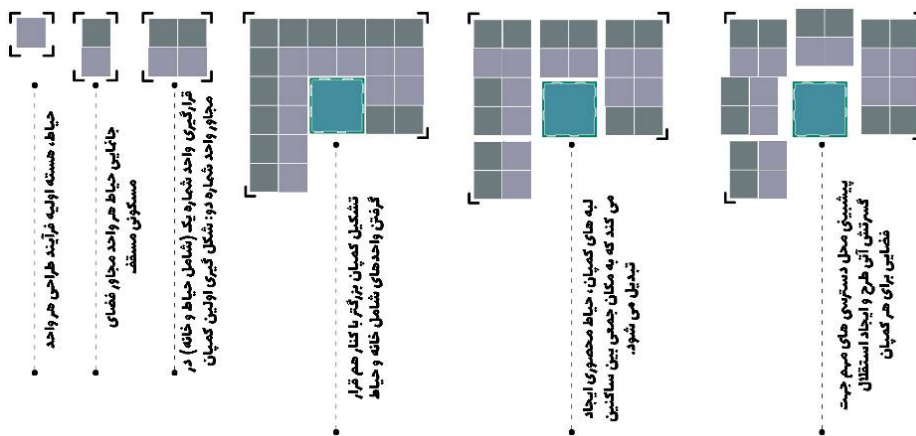
تصویر شماره ۱۱: حیاط و واحدهای در حال ساخت یا ساخته شده به دور آن در سکونتگاه غیررسمی جنگلک چابهار



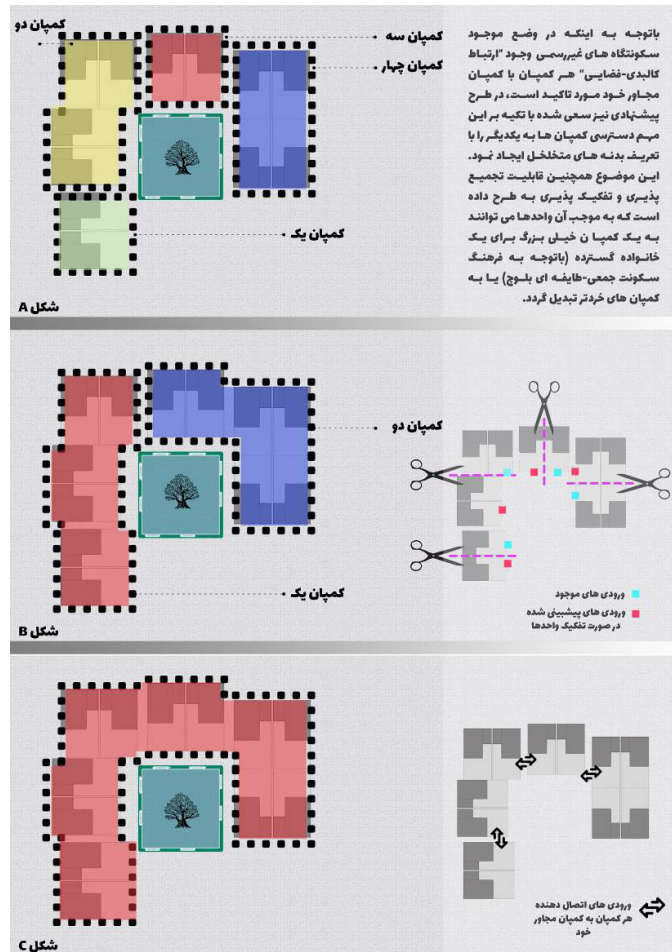
تصویر شماره ۱۴: محور کدگذاری شده مؤلفه های اثرگذار در طرح پیشنهادی

از آنجایی که اساس زندگی جامعه مخاطب بر روی زندگی جمعی و فضاهای باز تعامل محور شکل گرفته، در طرح جایگزین عرصه حیاط به عنوان هسته اولیه در نظر گرفته شده که سایر کمپان ها باید در ارتباط با آن قرار گیرند (تصویر شماره ۱۵).
تصویر شماره ۱۶ دیگرام مربوط به قابلیت تقسیم (دیگرام B) و تجمیع (دیگرام C) به عنوان دو رویکرد مهم در مسکن افزایشی در کمپان های به دور یک حیاط مشترک را ارائه می کند. این دو رویکرد از انواع شکل های مسکن افزایشی با این توجیه ایجاد شده که طرح پیشنهادی با تبدیل شدن به یک کمپان بزرگ تر هم بتواند پاسخگوی یک خانواده گسترده بلوچ باشد؛ همچنین در صورت نیاز تقسیم شده و

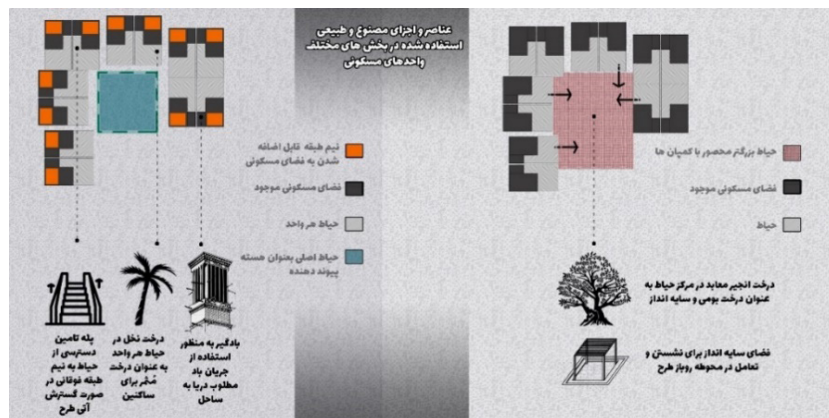
خانواده های کوچک کم تعداد را به طور مطلوب دربرگیرد. حیاط در الگوی ارائه شده به عنوان هسته پیونده دهنده فضاها و واحدهای به دور خود است. در آن امکان مداخله و ساخت کالبدی وجود ندارد. دارای کارکرد سازمان دهنده کلیه کمپان های پیرامون خود است. رویدادهایی همچون تجمع زنان ساکن در کمپان ها به منظور سوزن دوزی، بافندگی، گل دوزی و تعامل ساکنان در این فضا می تواند رخ دهد. بنابراین علاوه بر نقش هسته کالبدی- فضایی در الگو این حیاط کارکردهای اجتماعی منطبق بر عادات زندگی و فرهنگ سکونت ساکنان را نیز تحت پوشش خود قرار می دهد (تصویر شماره ۱۷).



تصویر شماره ۱۵: توسعه مرحله به مرحله طرح در الگوی پیشنهادی از هسته اولیه تا کمپان نهایی



تصویر شماره ۱۶: دیاگرام قابلیت تفکیک و تجمیم کامپان ها با یکدیگر در شرایط مختلف برای انطباق حداکثری با خواسته های متفاوت ساکنان



تصویر شماره ۱۷: حیاط و عناصر مصنوعی و طبیعی آن

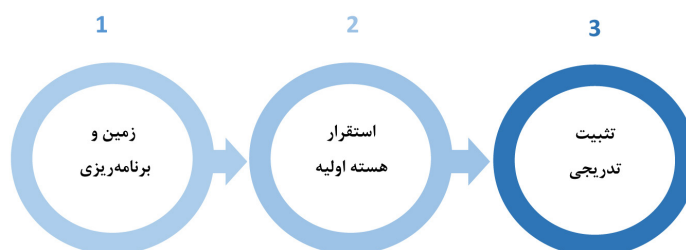
۵. نتیجه گیری

علاوه بر توجه به نوسازی کالبدی سکونتگاه ها به حفظ ساختارهای حائز اهمیت مردمان محدود پژهش توجه جدی شده است؛ چرا که در غیر این صورت قطعاً شاهد اعمال تغییرات اساسی از سوی خود ساکنان برای نزدیک کردن طرح به فرهنگ سکونت خود می توان بود. در فرآیند انتخاب راهبرد مناسب برای مواجهه با سکونتگاه های غیررسمی چابهار از رهیافت سیاست مسکن اندک افزا استفاده شده است. به طوری که معمار فضاهای بیرونی و بینابینی را طراحی کرده و آماده سکونت می نماید و در مرحله بعد خود ساکنان تکمیل فضاهای

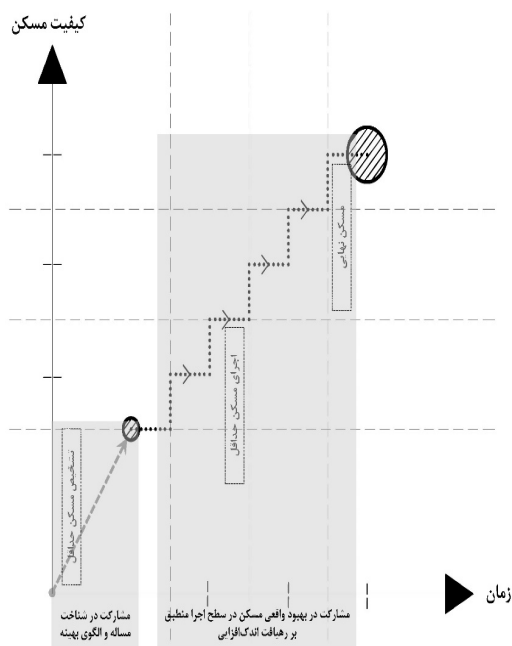
اغلب مطالعات پیشین در حوزه اقشار کم درآمد و سکونتگاه های غیررسمی، رویکرد توانمندسازی را در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و تشکیل نهادهای مدنی دیده اند؛ در حالی که بخش دیگری از توانمندسازی به شکل خاص در حوزه مسکن قابل توجه است که با ایجاد یک بستر اولیه در آغاز و بعدتر تکمیل شدن گام به گام است. این برنامه ریزی حداقلی، لازم است متناسب با شیوه سکونت آنها باشد. در الگوی پیشنهادی برای ساکنان سکونتگاه غیررسمی چابهار

شهروند به تدریج وارد اجتماعات رسمی تر شهر کرد. طراح در این فرآیند عمدتاً نقش پیش‌ران یا کاتالیزور خواهد داشت و نه فراتر. طراح قرار است صرفاً تسهیل‌گر باشد؛ و در ادامه این ساکنان هستند که کم و کیف تقسیم، جمع‌ی یا تکمیل درون واحدهای سکونتی خود را به دست می‌گیرند. نهاد خارجی برای نظارت بر اجرای استانداردها و ضوابط به موازی فعالیت ساکنان وجود دارد. توسعه از بالا به پایین و بی‌توجه به ساکنان جای خود را به شکل همدلانه‌تری از توسعه داده است که با اعتمادسازی گام به گام محصول این فرآیند را چه برای ساکنان و چه برای تصمیم‌گیران بهینه‌تر و پایدارتر خواهد کرد (تصویر شماره ۱۸). در این رویکرد مسکن به عنوان یک کالای تمام شده در اختیار استفاده کننده قرار نمی‌گیرد؛ بلکه یک فرآیند رو به اتمام تلقی می‌شود که در مرحله‌ای از آن به ساکن در روند طراحی و اجرا نقش داده می‌شود (تصویر شماره ۱۹).

داخلی اعم از تیغه‌چینی دیوارهای داخلی، جاگذاری بازشوها، رنگ‌آمیزی دیوارها و از این دست جزئیات را بر عهده می‌گیرند. در رویکرد مسکن افزایشی و زیرمجموعه‌های آن هریک از موارد استفاده حداکثر از ضوابط تفکیک زمین، مساحت بهینه واحدها، نوع همسایگی‌ها و اولویت‌سنجی فضاها به تفصیل تعریف می‌گردد. در واقع در این راهبرد، مشارکت ساکنان در حد مداخله برای تکمیل اندرونی فضاهاست. قابلیت اضافه شدن تنها در یک طبقه (گسترش عمودی) پیش‌بینی شده و فرد ساکن اجازه گسترش فضای سکونت در سطح حیاط (گسترش افقی) را ندارد؛ چرا که حیاط نقش مهمی در فرهنگ سکونت داشته و به نوعی تعریف کمپان با محوریت آن اتفاق می‌افتد. حیاط‌های چندلایه پیش‌بینی شده همزمان به عنوان فضاهای بینابینی و مفصل‌مانند برای اتصال با واسطه سکونتگاه با سایر بخش‌های شهر نیز عمل می‌کنند. اینگونه می‌توان ساکنان را به عنوان



تصویر شماره ۱۸: مدل گام به گام در دستیابی به مسکن اقشار کم درآمد



تصویر شماره ۱۹: نمودار کیفیت-زمان در رهیافت مسکن اندک‌افزا

References:

- A. Daneshpour, Z. (2017). An introduction to planning theories with special emphasis on urban planning. Shahid Beheshti University, Printing Publishing Center. [in Persian]
- Ahmadian, M. (2003). Marginality; routs and solutions. Islamic social researches, 43,44. 276-296. [in Persian]
- Aravena, A., Montero, A., Cortese, T., De la Cerda, E., & Iacobelli, A. (2004) Quinta Monroy. ARQ (Santiago), (57), 30-33.
- Aravena, A. (2008) Quinta Monroy / ELEMENTAL.

- Archdaily. Retrieved from <https://www.archdaily.com/10775/quinta-monroy-elemental>.
- Armanshahr Pars Engineering consultant (2015). Locating the resettlement sites for informal settlements in Chabahar, Ministry of Road and Urban Development of Iran. [in Persian]
 - Azizibabani, M. and Bemanian, M. (2019) The effects of incremental housing approach on the level of residential satisfaction. *International journal of architecture and planning*, volume 7, issue 1, 205-225.
 - Daviran E, Kazemian G, Meshkini A, Rokn Al Din Eftekhari A, Kalthornia B. (2012) Urban integrated management in arranging of Informal settlement in Iran moderate cities (Zanjan and Hamadan), *Urban management*, 10 (30): 53-68. [in Persian]
 - Drakakis-Smith, D. (1998). *Third-world cities*. translated by Firouz Jamali, Tose'e publish.
 - Hataminezhad, H. Zomorrodian, M. (2002). *Informal settlement in Mashhad*. Municipalities journal, fourth year, no. 45. [in Persian]
 - Irandoost, k. (2010). *Informal Settlements and Myth of Marginality*. Municipality of Tehran publish, Tehran. [in Persian]
 - Mashhadizadeh, Naser (2011). *An analysis of urban planning characteristics in Iran*, Science and Industry University publish. [in Persian]
 - Mire'ei, Mohammad and Hataminezhad, Hossein and Khodayi, Zahra (2012) *Informal Settlement in the world and Iran*, Jahad Daneshgahi publish. [in Persian]
 - Kavosh Memari Engineering Consultant (2004). *Studies of organizing and enabling the informal settlements in Chabahar*, Ministry of Road and Urban Development of Iran. [in Persian]
 - Khalifa, M. A. (2015) *Evolution of informal settlements upgrading strategies in Egypt: From negligence to participatory development*. *Ain Shams Engineering Journal*, 6(4), 1151-1159.
 - Hasgul, E. (2016) *Incremental housing: A participation process solution for informal housing*. Istanbul Technic University: ITU A/Z, Vol 13, No1, 15-27.
 - Mäntysalo; Raine (2005) *Approaches to Participation in Urban Planning Theories*. Diploma workshop in Florence.
 - Nazire, H., Kita, M., Okeyere, S., Matsubara, S. (2016) *Effects of informal settlement upgrading in Kabul City, Afghanistan: a case study of Afshar Area*. *Current Urban Studies*, 4, 476-494.
 - Shahr-o Khane Engineering Consultant (2016). *Chabahar Master Plan Revision*, Ministry of Road and Urban Development of Iran. [in Persian]
 - Sheikhi, M. (2006). *Urban management and informal settlements in Tehran*, *Urban management*, no. 18, 74-87. [in Persian]
 - Statistical Centre of Iran (2016). *Public information of population 2016*. [in Persian]
 - Sarrafi, M., Mohammadi, A. (2018) *Involuntary Resettlement: From a Landslide-Affected Slum to a New Neighbourhood: Case Study of Mina Resettlement Project, Ahvaz, Iran*. *Journal of Settlement and Spatial Planning*, Vol. 9, no. 1. 11-24.
 - Urban Planning and Architecture Research Center of Iran (2019). *Social and economic assessment of informal inhabitants resettlement in Chabahar*, Ministry of Road and Urban Development of Iran. [in Persian]
 - Wainer, L. and Ndengeingoma, B. and Murray, S. (2016) *Incremental housing, and other design principles for low-cost housing*. London: International Growth Centre (IGC).
 - Wibowo, A H and Larasati, D (2018) *Incremental Housing Development; An Approach In Meeting the Needs of low-cost housing in Indonesia*. IOP Conf. Series: Earth and Environmental Science, HABITechno 3 International Conference.

نحوه ارجاع به مقاله:

نظرنیا، علیرضا؛ زارع، لیلا؛ دولت آبادی، فریبرز (۱۴۰۰)، رویکرد مسکن اندک افزا به مثابه سیاست ارتقای مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه مورد مطالعه: شهر چابهار)، *مطالعات شهری*، 10 (38)، 77-90. doi: 10.34785/J011.2021.809/Jms.2021.133

http://www.urbstudies.uok.ac.ir/article_61437.html

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری مجتمع‌های مسکونی با رویکرد حفظ خلوت

نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاه مشهد

سحر برهانی‌فر - دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
محمد ابراهیم مظهری^۱ - استادیار، گروه معماری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
وبدا تقوایی - دانشیار، گروه معماری، دانشکده فنی و حرفه‌ای شریعتی، دانشگاه فنی حرفه‌ای، تهران، ایران.
بهزاد وثیق - استادیار، گروه معماری، دانشگاه صنعتی جندی شاپور، دزفول، ایران.
رضا اشرف‌زاده - استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۷ دی ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش: ۴ فروردین ۱۳۹۹

چکیده

در مجموعه‌های مسکونی، تأمین خلوت در دو بعد اصلی خود (یعنی حفظ حریم خانوادگی و حریم خصوصی) به عنوان مؤلفه‌های مؤثر در تأمین امنیت و آرامش ساکنان، در اولویت قرار دارد. در حقیقت نگرش افراد به خلوت، بخشی از فرایند اجتماعی شدن آنهاست و به منظور تثبیت روابط اجتماعی باید به خلوت افراد و گروه‌ها در عرصه عمومی توجه شود. ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی امری ضروری است و باید با توجه به ارزش‌های فرهنگی هر جامعه‌ای بررسی شود. هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های تأثیرگذار خلوت بر تعاملات اجتماعی در مجتمع مسکونی ششصد دستگاه مشهد است. روش انجام پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است و برای شناسایی مؤلفه‌های خلوت مؤثر بر تعاملات اجتماعی از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر ساکنان مجتمع مسکونی ششصد دستگاه مشهد است. حجم نمونه مورد مطالعه با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۲ نفر است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و PLS استفاده گردید. برای بررسی مدل پژوهش و ارزیابی اعتبار پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی، برای مقایسه میانگین‌ها از آزمون تی تک نمونه‌ای و برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مؤلفه‌های قلمروخواهی مانند فواصل میان فردی، مشخصات فیزیکی، قلمروهای فضایی و حریم سمعی و بصری به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی در مجتمع مسکونی ششصد دستگاه با رویکردی به حفظ خلوت هستند. یافته‌های آزمون تی تک نمونه جامعه آماری نشان داد میانگین تمامی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها بالاتر از مقدار متوسط به دست آمده و تمامی مؤلفه‌ها و شاخص‌های تعیین شده دارای تأثیر نسبتاً زیادی بر تعاملات اجتماعی هستند ($p < 0.05$). میانگین مؤلفه فواصل میان فردی برابر با ۴٫۴۸، مرز و قلمرو برابر با ۴٫۳۸، مشخصات کالبدی برابر با ۴٫۱۲ و حریم سمعی بصری برابر با ۴٫۰۶ هستند. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن همچنین نشان داد که مؤلفه‌های مرز و قلمرو و فواصل میان فردی دارای بیشترین میانگین رتبه و در نتیجه بیشترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی دارند. همچنین در میان زیرمؤلفه‌ها، انعطاف‌پذیری کالبدی، همگنی اجتماعی و انعطاف‌پذیری میان فردی، مشخصات فیزیکی و انعطاف‌پذیری میان فردی دارای بالاترین میانگین رتبه و بیشترین تأثیر بر تعاملات اجتماعی هستند.

واژگان کلیدی: مسکن، مجتمع مسکونی، خلوت، قلمرو، تعامل اجتماعی، مجتمع مسکونی ششصد دستگاه.

نکات برجسته

- این پژوهش به بررسی ارتباط میان خلوت و تعاملات در کنار یکدیگر پرداخته است.
- نتایج نشان می‌دهد که دو معیار مرز و قلمرو و فواصل میانی فردی بیشترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی دارند و معیار حریم سمعی-بصری کمترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر دارد.
- نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن نشان داد که شاخص‌های انعطاف‌پذیری کالبدی، همگنی اجتماعی، انعطاف‌پذیری میان فردی و عرصه‌بندی فضا بیشترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی دارند و شاخص‌های ابعاد و تناسبات و سلسه مراتب کمترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی در مقایسه با شاخص‌های دیگر دارد.
- بررسی نتایج در مجموعه‌ی ششصد دستگاه مشهد همچنین گویای این است که توجه طراح به معیارها و شاخص‌های تأثیرگذار بر تعاملات با رویکردی به حفظ خلوت در طراحی، نقش بسزایی در ارتقا تعاملات بهره‌برداران و ساکنان مجموعه داشته است همچون معیار مرز و قلمرو و فواصل میانفردی که بیشتر از سایر معیارها مورد توجه طراح بوده است.

۱. مقدمه

در مجموعه‌های مسکونی جدید شهری، تأمین خلوت در دو بعد اصلی خود (یعنی حفظ حریم خانوادگی و حریم خصوصی) به عنوان مؤلفه‌های مؤثر در تأمین امنیت و آرامش ساکنان در اولویت قرار گرفته است (Daneshpour & Charkhchyan, 2011). حال آن که توجه یک سویه به تأمین خلوت و حفظ حریم خصوصی در کنار مزایای خوب، ممکن است منجر به کاهش تعامل پذیری فضاهای عمومی و نیمه عمومی در مجتمع‌های مسکونی شود. پیامد این امر تضعیف روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی، کاهش احساس تعلق به مکان و در پی آن، عدم هویت‌مندی مکان‌های مسکونی است (Yazdanfar et al., 2013). در حقیقت خلوت و اجتماع‌پذیری دو مؤلفه مؤثر بر مطلوبیت فضاهای جمعی در مجتمع‌های مسکونی هستند. چرمایف و الکساندر خلوت و تعاملات اجتماعی را مفهیمی مرتبط و نزدیک به هم می‌دانند. اگر نیازهای اجتماعی مردم با احساس استقلال فردی حاصل از خلوت در تعادل قرار گیرد، روابط اجتماعی آسان‌تر می‌شود (Lang, 2009). خلوت یک مؤلفه مهم و تأثیرگذار در تعامل فرد با دیگران است و به منظور تثبیت روابط اجتماعی باید به خلوت افراد و گروه‌ها در عرصه عمومی توجه شود (Altman, 1975). در این راستا کاظم‌زاده و شکوری احساس وابستگی به مکان، حریم خصوصی «خلوت» و امنیت را به عنوان یک عامل مستقل در ارتباط با تعامل اجتماعی بیان می‌نمایند (Kazemzade & Shakouri, 2017). در حقیقت مفهوم خلوت و سازوکارهای مرتبط با آن می‌توانند در اصول طراحی که منعکس کننده تعامل اجتماعی هستند به کار گرفته شوند و محیط‌هایی را ایجاد کنند که درجات مختلف کنترل تماس با دیگران امکان‌پذیر گردد (Namazian & Mehdipour, 2013). در این راستا جوانشیر بر اهمیت حفاظت از خلوت و استقلال ساکنان علیرغم وجود تعاملات اجتماعی سالم و سازنده در مجتمع‌های مسکونی تأکید می‌نماید (Javanshir, 2016). عباس‌زاده همچنین بر سلسله مراتب فضایی به عنوان راهبرد اصلی تأمین خلوت و تعامل اجتماعی در بین ساکنان مجموعه مسکونی تأکید می‌نماید (Abbaszade et al., 2015). امروزه اکثر مجتمع‌های مسکونی بدون توجه به نیازهای روان‌شناختی، فقط نیازهای جسمی افراد را برآورده کرده‌اند، غافل از این که بی‌توجهی به نیازهای روانی مانند تعامل‌های اجتماعی، حریم خصوصی و غیره، ناهنجاری‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد و به تبع آن امنیت شهری را کاهش می‌دهد (Samadifard et al., 2013). تعاملات اجتماعی مناسب یکی از عوامل تأثیرگذار در ارتقای کیفیت زندگی افراد در مجتمع‌های مسکونی است. در این میان فضاهای باز در مجتمع‌های مسکونی نه تنها ماهیت زندگی جمعی را ایجاد می‌کند بلکه مکانی را برای رشد خلاقیت، اجتماعی شدن و تعامل اجتماعی ساکنان فراهم می‌کند (Samadifard et al., 2013)، (Yazdanfar et al., 2013)، (Moztarzadeh & Sajjadi, 2019)، (Khak-Zand & Baghalian, 2016)، (Ghanbaran & Jafari, 2014). انسان‌ها به عنوان موجوداتی اجتماعی، دارای سطوح مختلف کیفی و کمی از تعاملات اجتماعی هستند، بنابراین شناخت مبانی رفتاری، رویدادهای اجتماعی و فعالیت‌هایی که بر این روابط تأثیرگذارند، حائز اهمیت بوده و بایستی مورد توجه قرار گیرند (Karimi Azeri et al., 2018). با توجه به بررسی

انجام شده، بیشتر پژوهش‌های کار شده در حوزه خلوت و تعاملات اجتماعی در خصوص بررسی نقش تأثیرگذار مؤلفه‌های کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین عواملی همچون رضایت‌مندی و حس تعلق به مکان بر ارتقای خلوت و تعاملات اجتماعی هستند که به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته‌اند و پژوهش‌های کمتری به بررسی ارتباط میان خلوت و تعاملات در کنار یکدیگر پرداخته‌اند. این پژوهش با هدف فهم روابط میان معیارهای اصلی خلوت و تعاملات اجتماعی و به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست: معیارهای اصلی خلوت (مشخصات کالبدی، مرزوقلمرو، فواصل میان فردی و حریم سمعی بصری) به چه میزان بر تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذارند؟ و شاخص‌های خلوت چه میزان بر ارتقای تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذارند؟

۲. چارچوب نظری

۲.۱. مفهوم خلوت

خلوت فرایندی برای تعیین مرز میان افراد است و فرد یا گروه به واسطه آن بر چگونگی تعامل خود با دیگران نظارت می‌کند (Altman, 1975). راپاپورت خلوت را «توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه فرد» تعریف کرده است. وستین معتقد است «خلوت استقلال فردی را تأمین می‌کند، به خود ارزیابی کمک می‌کند و ارتباطات را محدود و از آنها محافظت می‌کند» (Lang, 2009). کلونین همچنین خلوت را حفاظتی می‌داند که فرد برای دوری از نفوذ و قدرت دیگران اطراف خود ایجاد می‌کند (Altman, 1975). با توجه به ابعاد خلوت «فیزیکی، روان‌شناختی، اجتماعی، اطلاعاتی» بارگون در برشمردن بعد اجتماعی خلوت چهار عامل مشارکت‌کنندگان در تعاملات، تعدد تعاملات، طول تعاملات و محتوای تعاملات را بیان کرده است (Burgoon, 1982). بعد اجتماعی شامل توانایی و تلاش فرد برای کنترل ارتباطات اجتماعی است که آن را می‌توان بین دو فرد و یک گروه توصیف کرد (Westin, 1970). اگرچه خلوت در تمام فرهنگ‌ها گاهی نیاز به جدایی از حوزه عمومی را شامل می‌شود، ولی تجلی آن بین فرهنگ‌ها با توجه به شرایطی که نیاز در آن ایجاد می‌شود، متفاوت است (Newell, 1994).

۲.۲. سازوکارهای خلوت

«نظارت بر خلوت در درجه نخست مستلزم تعیین میزان مطلوب خلوت در موقعیتی خاص و مشخص است. آنگاه براساس خلوت ایده‌آلی که در ذهن وجود دارد، ترکیبی از سازوکارهای مختلف رفتاری به کار گرفته می‌شود. این سازوکارها شامل ترکیبات متنوعی از رفتارهای کلامی، غیرکلامی و محیطی و هم‌هنجارها و رسوم فرهنگی است» (Altman, 1975). آلتمن فضای شخصی و قلمروپایی را سازوکارهای اصلی دست یافتن به خلوت می‌داند (Lang, 2009). فضای شخصی شخصی سازوکاری است که از آن برای نظارت بر تعامل میان فردی و دستیابی به خلوت مطلوب استفاده می‌شود. فضای شخصی را غالباً به فاصله فیزیکی فرد با دیگران تعبیر می‌کنند. حال تأکید کرده است که خود فاصله مهم نیست، نشانه‌های ارتباطی قابل دستیابی در فواصل گوناگون است که در مفهوم فضای شخصی اهمیت پیدا

۲.۴. بررسی شاخص‌های تأثیرگذار بر ارتقای تعاملات اجتماعی با رویکرد حفظ خلوت

۲.۴.۱. مشخصات فیزیکی

شناخت هنجارهای مرتبط با یک محیط شامل تجزیه و تحلیل محیط فیزیکی و همچنین محتوای روان‌شناختی و اجتماعی آن است. مردم از فضا به عنوان وسیله‌ای ارتباطی برای تنظیم تماس خود با دیگران استفاده می‌کنند. در این میان خانه به عنوان یک واحد فرهنگی، فضایی است که فعالیت‌های معینی در آن انجام می‌شود. فعالیت‌ها انتزاعی هستند اما برای انجام این کار به مقدار مشخصی از فضای فیزیکی نیاز دارند (Al-Homoud, 2009). با توجه به بررسی‌های انجام شده، یکی از مفاهیم تأثیرگذار در ارتقای تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی حس تعلق به مکان است. حس تعلق به مکان می‌تواند به واسطه ابعاد خود یعنی هویت، انعطاف‌پذیری، یکپارچگی فضایی و دعوت‌کنندگی اجتماعی ارتقا پیدا کند (Kazemzade & Shakouri, 2017). در این میان انعطاف‌پذیری فضا نه تنها از جمله عواملی است که زمینه مناسب را برای تأمین خلوت مطلوب افراد فراهم می‌آورد (Haidari & Abdi-poor, 2016) بلکه یکی از مفاهیم تأثیرگذار در ارتقای تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی است (Kazemzade & Shakouri, 2017). (Moztarzadeh & Sajjadi, 2019). در حقیقت انعطاف‌پذیری در فضاهای باز و نیمه باز منجر به افزایش تعداد تقاضاهای مرتبط با فضا می‌شود که هر کاربر از زمان خاصی برای بهره‌برداری از آن برخوردار است. هنگامی که ساکنان بتوانند از فضای متنوعی استفاده کنند، مدت زمان استفاده افزایش می‌یابد، برخورد ساکنان با یکدیگر بیشتر می‌شود و در نتیجه تعاملات اجتماعی ارتقا می‌یابد (Moztarzadeh & Sajjadi, 2019). با توجه به این که توانایی تنظیم و کنترل ارتباط اجتماعی با یک توافق بین فاصله شخصی و فاصله اجتماعی حاصل می‌شود، فقدان کنترل بر فضای شخصی ممکن است باعث فقدان خلوت شود و بر تنظیم تعامل اجتماعی تأثیر منفی بگذارد (Al-Homoud, 2009). در این میان مشخصات فیزیکی به کار رفته در مجتمع مسکونی نقش بسزایی در راستای افزایش رضایت، حس خلوت و تعامل اجتماعی ساکنان به همراه دارند. در این راستا می‌توان بر معیارهایی همچون فرم و هندسه (Daneshpour & Charkhchyan, 2011)، (Abbaszade et al., 2015)، (Al-Homoud, 2009)، (Pakzad & Asadi Khonsar, 2005)، (Asadi Khonsar, 2011)، (Memarian & Ranjbar-Kermani, 2011) تنوع ابعاد و تناسبات (همچون محل قرارگیری و اندازه پنجره‌ها، درهای ورودی، ارتفاع ساختمان‌ها و بالکن‌ها با هدف کنترل حریم خصوصی) (Othman et al., 2011)، (Mortada, 2011)، (Hakim, 1986)، (Bahammam, 1987)، (al., 2015) افزایش مقدار فضای آزاد نسبت به سطح عملکرد (Valiani et al., 2017)، (al., 2013)، (Ghafari et al., 2013) ابعاد زیبایی‌شناسانه همچون نظم فیزیکی و بصری (Daneshpour & Charkhchyan, 2011)، (Moztarzadeh & Sajjadi, 2019)، (Ghanbaran & Jafari, 2014)، (Pakzad & Asadi Khonsar, 2005)، (Khonsar, 2005)، (Raeesi & Hoseini, 2015) خوانایی (Daneshpour & Ghafari, 2011)، (Charkhchyan, 2011)، (Pakzad & Asadi Khonsar, 2005) جاذبه‌های بصری و حضور عناصر طبیعی (Moztarzadeh et al., 2013) اشاره نمود. (Pakzad & Asadi Khonsar, 2005) & Sajjadi, 2019

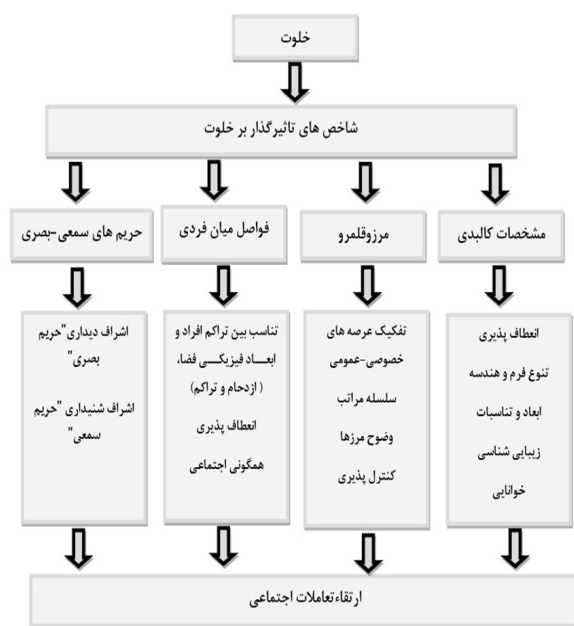
می‌کند. در واقع فضای شخصی محیطی است که در آن درجات و شکل‌های گوناگون تماس اجتماعی امکان پیدا می‌کند (Altman, 1975). فضای شخصی سازوکاری است که برای کمک به تنظیم خلوت به کار می‌رود و شامل ترکیبی از فاصله و زاویه جهت‌گیری از دیگران است. تحقیقات نشان داده است که رفتار فضای شخصی شامل اجتناب و واکنش‌های محافظتی در برابر دخالت و یا تماس بسیار نزدیک غریبه‌ها و تمایل نزدیک شدن به دیگران است. فضای شخصی یک فرآیند پویا و فعال برای حرکت به سمت دیگران و یا دوری از آنهاست (Namazian & Mehdipour, 2013). رفتار قلمروپایی همچنین سازوکاری برای تنظیم حریم بین خود و دیگران است که با شخصی‌سازی و یا نشانه‌گذاری یک مکان یا یک شی، تعلق آن به یک فرد یا یک گروه مشخص می‌شود. در حقیقت نقش قلمروها، تسهیل تعامل اجتماعی و تثبیت نظام‌های اجتماعی و تأمین کننده خلوت است. لئون پاستالان راجع به قلمرو مکانی انسان بیان می‌نماید: قلمرو مکانی فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. قلمرو با یک مکان، هویت روان‌شناختی می‌یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد در می‌آید (Lang, 2009). قلمروها با عناوین قلمرو ابتدایی، قلمرو ثانویه و قلمرو عمومی، از نظر میزان دوام مالکیت و درجه کنترل تصرف‌کنندگان طبقه‌بندی شده‌اند. قلمروهای اولیه مانند خانه‌ها، به دلیل این که به راحتی قابل مشاهده هستند، معمولاً به خوبی این عملکرد را انجام می‌دهند. اما گاهی اوقات تشخیص قلمروهای ثانویه و عمومی دشوارتر است. طراحان محیطی باید در خصوص راه‌های ایجاد و تعریف قلمروهای ثانویه و عمومی به دقت تمرکز کنند و فرایندهای مناسبی برای استفاده کاربردی از آنها به عنوان قلمروهای متفاوت به کار گیرند (Namazian & Mehdipour, 2013).

۲.۴.۳. تعاملات اجتماعی

ارتباط به معنای مهارت انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر است. ارتباطات به عنوان رویدادی در نظر گرفته می‌شود که طی آن دو یا چند نفر با یکدیگر ایده‌ها، دیدگاه‌ها، احساسات و عقاید خود را مبادله می‌کنند (Mamaghani Koleini et al., 2015). در سلسله مراتب نیازهای مازلو تعامل اجتماعی به عنوان یکی از نیازهایی است که اعمال و احساساتی مانند تعلق و دلبستگی، پیوستن به گروه، دوست‌داشتن، پذیرفته شدن و غیره را در بر می‌گیرد (Siramkaya Buyuksahin & Aydin, 2017). ترکیب عملکردها و فعالیت‌ها در مکان‌های معماری برای ایجاد وحدت فضایی، بستر اصلی در تعاملات اجتماعی محسوب می‌گردند (Ghareh-Begloo et al., 2016). در این میان چیزی که امکان تعامل فرد با محیط خود را فراهم می‌کند، ویژگی‌های محیط فیزیکی و شرایطی است که در آن زندگی می‌کند. ویژگی‌های محیط فیزیکی روی فرایندهای روانی افراد و گروه‌هایی که از آن محیط استفاده می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. در واقع هر محیط فیزیکی یک محیط اجتماعی را شامل می‌شود و هر محیط اجتماعی یک محیط فیزیکی را در بر می‌گیرد (Siramkaya Buyuksahin & Aydin, 2017).

۲/۴/۴. حریم‌های سمعی و بصری

توجه به حریم‌های سمعی و بصری یکی از الزامات به کار رفته در طراحی معماری به منظور دستیابی به خلوت و به دنبال آن افزایش تعاملات اجتماعی است. الزامات حریم خصوصی معمولاً با اطمینان از امنیت خانواده و جدا کردن زندگی خصوصی از انجمن‌های عمومی آنها ممکن می‌شود (Memarian & Ranjbar-Kermani, 2011). الزامات طراحی شامل کنترل دید از طریق حریم بصری و انتقال صوت از طریق حریم صوتی (Mortada, 2011)، (Bahammam, 1987)، (Raviz et al., 2015)، (Hallak, 2003) و کنترل بویایی از طریق حریم بویایی (Sobh et al., 2013)، (Sobh & Belk, 2011) است. در راستای حریم بصری می‌توان بر مداخلات طراحی همچون محل قرارگیری درهای ورودی، محل قرارگیری و اندازه پنجره‌ها و دهانه‌ها، کنترل ارتفاع ساختمان‌ها، بالکن‌ها، ادغام حیاط‌های داخلی و فضاهای جنسیتی (Mortada, 2011)، (Hakim, 1986)، (Bahammam, 1987) تفکیک حوزه‌های خصوصی و عمومی به واسطه درهای ورودی (Mortada, 2011)، (Bahammam, 1987)، (Bekleyen & Dalkiliç, 2011) به کارگیری ارتفاع ساختمان مشابه و قرارگیری مکان مناسب ساختمان‌ها به صورتی که پنجره‌ها روبه‌روی هم واقع نشوند، اشاره نمود. در راستای توجه به حریم صوتی و کنترل آن می‌توان به کنترل انتقال صدا از بیرون به محیط داخلی (Mortada, 2011)، (Hakim, 1986) استفاده از انواع مناسب مسدودکننده صدا، عایق صوتی، پرده‌ها (Hamdy Mahmoud, 2017) کنترل انتقال صدا در کفی‌ها و سقف‌ها (Mortada, 2011)، (Hakim, 1986) استفاده از حیاط و ایجاد فواصل کافی برای جلوگیری از دید مستقیم به داخل فضاهای داخلی خانه همسایگان (Bahammam, 1987)، (Al-Kodmany, 1999)، (Bekleyen, 2011) اشاره نمود. در جدول شماره ۱، دسته‌بندی معیارها و شاخص‌های تأثیرگذار بر خلوت و تعاملات اجتماعی بیان شده است. مدل مفهومی معیارها و شاخص‌های تأثیرگذار بر خلوت را در تصویر شماره ۱ بیان نموده‌ایم که برگرفته از مطالعات اسنادی است.



تصویر شماره ۱: مدل مفهومی برگرفته از مطالعات اسنادی

به تنهایی و انزوا دچار می‌شود (Altman, 1975). حال این مفهوم را در لایه‌های چهارگانه‌ای که در نزدیکی افراد به یکدیگر تعریف می‌کند، مورد توجه قرار داده است: فاصله‌های صمیمانه، شخصی، اجتماعی و محدوده عمومی (Bigdeli et al., 2018). این محدوده‌ها در شعاع‌های متفاوتی از یک کنشگر شکل می‌گیرند و بسته به این که او مایل به برقراری چه سطحی از ارتباط است، توسعه می‌یابند. گاهی فرد یا گروه می‌خواهند جدا از هم بمانند و در بعضی مواقع آنها تمایل به ارتباط با دیگران دارند. در این میان یکی از اصول کلی این است که به واسطه طراحی محیط‌های انعطاف‌پذیر امکان گفت‌وگوی آسان بین «مکان منزوی و جدا شده» و «منطقه باهم بودن» فراهم شود. معماران می‌توانند با فراهم نمودن محیطی که بتواند به گرایش‌های متغیر افراد در رابطه با ارتباط با دیگران یا منزوی بودن پاسخ دهد، فواصل میان فردی را تنظیم نمایند. به عنوان مثال، شکل درب در یک فضا نمونه‌ای ساده از عناصر طراحی محیط با قابلیت انعطاف‌پذیری است که تنظیم تعاملات اجتماعی متقابل را ممکن می‌کند. باز بودن آن نشانگر تمایل به برقراری ارتباط اجتماعی است و بسته بودن آن نشانگر قلمروی مشخص شده فردی یا منطقه در فضا است (TavasoliAra & Bashiri, 2015). دستور نشان داده است که چگونه دیوارها و تیغه‌ها جای درها و دیگر ویژگی‌های معماری می‌تواند احساس ازدحام را تغییر دهد و این که فضا هرچه بیشتر انعطاف داشته باشد، فرد کمتر احساس ازدحام می‌کند (Altman, 1975). ازدحام به دلیل محدود ساختن استقلال موجب فشار عصبی می‌شود و زمینه‌های برقراری ارتباط دلخواه را مشکل می‌کند. ازدحام با احساس عدم کنترل بر محیط همراه است. قرارگاه‌ها یا مکان‌های رفتاری نباید بیش از اندازه شلوغ باشند. به این معنا که تعداد افراد باید با الگوی جاری رفتار تناسب داشته باشد و مردم باید فضای شخصی کافی و کنترل قلمروپایی دلخواه خود را داشته باشند (TavasoliAra & Bashiri, 2015). مطالعات متقابل فرهنگی همچنین نشان می‌دهد که فرهنگ بر ادراک، بازآمدهای شناختی والگوهای رفتاری افراد تأثیر می‌گذارد (Namazian & Mehdipour, 2013). درحقیقت یکی دیگر از عوامل اصلی ایجاد تعامل اجتماعی و رضایت ساکنان، شباهت‌ها از نظر سن، شغل و اندازه خانواده است. روابط همسایگان با روابط متقابل آنها در سبک زندگی، نوع مالکیت، نژاد و دین و... در ارتباط است (Ginsberg & Churchman, 1985). بنابراین یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتار انسان در محیط و به دنبال آن تنظیم و کنترل فواصل میان فردی و ارتباط با دیگران، همگن بودن ساکنان در مجتمع‌های مسکونی است (Kazemzade & Shakouri, 2017). در این راستا می‌توان به مواردی همچون حس کنترل بیشتر از خلوت در ساکنان جوان نسبت به گروه‌های سنی بالاتر (Altman, 1976)، (Altman & Chemers, 1980)، (Rapoport, 1969) حس کنترل بیشتری از خلوت در ساکنینی که صاحب خانه خود هستند نسبت به افرادی که صاحب خانه خود نیستند (Perkins et al., 1993)، (Rohe, 1984)، (Taylor et al., 1984) و ساکنان با درآمد بالاتر نسبت به گروه‌های سطح پایین درآمد اشاره نمود (Rapoport, 1969)، (Altman, 1980) (& Chemers, 1984)، (Taylor et al., 1984).

جدول شماره ۱: دسته بندی معیارها و شاخص های تأثیرگذار بر خلوت و تعاملات اجتماعی

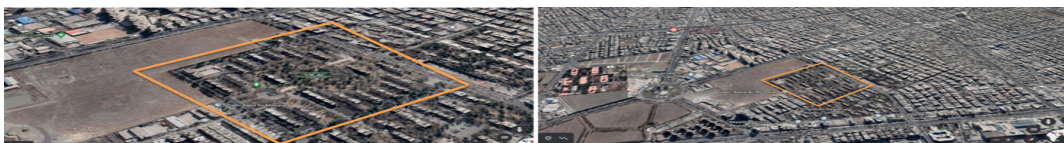
معیارها	شاخص ها	تعاریف	محققین
مشخصات کالبدی	انعطاف پذیری	تأکید بر انعطاف پذیری.	(Kazemzade & Shakouri, 2017), (Haidari & Abdi-poor, 2016).
	فضا	تأکید بر انعطاف پذیری فضایی و عملکردی در فضاهای باز و نیمه.	(Moztarzadeh & Sajjadi, 2019), (Pakzad & Asadi Khonsar, 2005).
	فرم و هندسه	تأکید بر شکل هندسی و ساختار داخلی فضاها.	(Memarian & Ranjbar-Kermani, 2011).
		تأکید بر عناصر فیزیکی مؤثر بر سلسله مراتب فضایی.	(Abbaszade et al., 2015).
		تأکید بر عناصر و فضای فیزیکی در افزایش حس کنترل خلوت.	(Al-Homoud, 2009).
	ابعاد و تناسب	تأکید بر فضای جمعی و عمومی.	(Samadifard et al., 2013), (Moztarzadeh & Sajjadi, 2019).
		تنوع در فرم و شکل.	(Yazdanfar et al., 2013), (Khak-Zand & Baghalian, 2016), (Ghanbaran & Jafari, 2014).
	ابعاد زیبا شناسانه	تأکید بر محل قرارگیری و اندازه پنجره ها، دهانه ها، درهای ورودی.	(Daneshpour & Charkhchyan, 2011), (Pakzad & Asadi Khonsar, 2005).
		افزایش مقدار فضای آزاد نسبت به سطح عملکرد.	(Mortada, 2011), (Hakim, 1986), (Bahammam, 1987).
		تأکید بر نظم فیزیکی و بصری.	(Valiani et al., 2017), (Ghafari et al., 2013).
تأکید بر هارمونی و ابعاد زیبایی شناسانه.		(Einifar & Aghalatif, 2011).	
تأکید بر جاذبه های بصری، عوامل طبیعی و حضور عناصر طبیعی.		(Daneshpour & Charkhchyan, 2011).	
مرز و قلمرو	تفکیک عرصه های خصوصی و عمومی	تأکید بر تفکیک عرصه های حریم خصوصی و عمومی در راستای پاسخگویی به خلوت و حریم خصوصی افراد.	(Moztarzadeh & Sajjadi, 2019), (Pakzad & Asadi Khonsar, 2005).
	تأکید بر سلسله مراتب	تأکید بر سلسله مراتب فضایی به عنوان راهبرد تأمین خلوت و تعامل اجتماعی.	(Daneshpour & Charkhchyan, 2011), (Moztarzadeh & Sajjadi, 2019), (Ghafari et al., 2013).
	وضوح مرزها	تأکید بر وضوح مرزها به واسطه تعریف و محدود کردن دامنه قلمرو، شفافیت مناسب قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی.	(Daneshpour & Charkhchyan, 2011), (Kazemzade & Shakouri, 2017), (Memarian & Ranjbar-Kermani, 2011), (Mortada, 2011), (Bahammam, 1987), (Othman et al., 2015), (Raeesi & Hoseini, 2015), (Bahrayni & Tajbaksh, 1999), (Khameneh-Zadeh, 2017), (Bekleyen & Dalkiliç, 2011), (Al-Kodmany, 1999).
		تأکید بر وضوح مرزها به واسطه نماد و علائم نشانه گذاری.	(Kazemzade & Shakouri, 2017), (Abbaszade et al., 2015), (Moztarzadeh & Sajjadi, 2019).
	حربیم های سمعی و بصری	سلسله مراتب فضایی دسترسی به منطقه ای نیمه خصوصی بین منطقه خصوصی و عمومی.	(Abbaszade et al., 2015), (Mortada, 2011), (Bekleyen & Dalkilic, 2011), (Hamdy Mahmoud, 2017), (Bigdeli et al., 2018), (Bahammam, 1987).
		تأکید بر کنترل پذیری در قلمروها، تفکیک مسیر سواره و پیاده.	(Abbaszade et al., 2015), (Moztarzadeh & Sajjadi, 2019), (Raeesi & Hoseini, 2015), (Bahrayni & Tajbaksh, 1999).
		تأکید بر فضای باز برای جلوگیری از مشرف شدن ساختمان ها به یکدیگر و ایجاد حریم امن.	(Kazemzade & Shakouri, 2017).
	فواصل میان فردی	تأکید بر کنترل حیرت صوتی به واسطه انواع مناسب مسدود کننده صدا، عایق صوتی، پرده ها، دیوارها و پارتیشن.	(Kazemzade & Shakouri, 2017), (Abbaszade et al., 2015), (Ghafari et al., 2013).
		تأکید بر نقش حیاط به عنوان حریم های بصری.	(Abbaszade et al., 2015), (Mortada, 2011), (Bahammam, 1987), (Hosseini Raviz et al., 2015), (Bekleyen & Dalkiliç, 2011), (Hamdy Mahmoud, 2017), (Hallak, 2003).
		تأکید بر فضای باز برای جلوگیری از مشرف شدن ساختمان ها به یکدیگر و ایجاد حریم امن.	(Bahammam, 1987), (Hosseini Raviz et al., 2015), (Bekleyen & Dalkilic, 2011), (Al-Kodmany, 1999).
تأکید بر حریم بصری.		(Javanshir, 2016).	
کنترل حیرت صوتی به واسطه انواع مناسب مسدود کننده صدا، عایق صوتی، پرده ها، دیوارها و پارتیشن.		(Daneshpour & Charkhchyan, 2011).	
کنترل انتقال صدا در کفپوش ها و سقف ها.		(Mortada, 2011), (Hakim, 1986), (Bahammam, 1987), (Hamdy Mahmoud, 2017), (Hallak, 2003).	
تأکید بر حس کنترل خلوت بیشتر در ساکنان جوان نسبت به گروه های سنی بالاتر.		(Mortada, 2011), (Hakim, 1986).	
تأکید بر حس کنترل خلوت بیشتر در افراد مجرد نسبت به افراد متأهل.		(Al-Homoud, 2009), (Altman, 1976), (Altman & Chemers, 1980), (Rapoport, 1969), (Taylor et al., 1984).	
تأکید بر حس کنترل خلوت بیشتر در ساکنان صاحب خانه خود نسبت به افرادی که صاحب خانه خود نیستند.		(Perkins et al., 1993), (Taylor et al., 1984), (Greenberg & Rohe, 1984).	
تأکید بر همگونی اجتماعی، تأکید بر سن، جنسیت و تحصیلات، وضعیت مالکیت و طول مدت اقامت.		(Perkins et al., 1993), (Taylor et al., 1984), (Greenberg & Rohe, 1984).	
انعطاف پذیری	تأکید بر عناصر طراحی همچون شکل درب با قابلیت انعطاف پذیری.	(Kazemzade & Shakouri, 2017), (Taghipour & Soltanzade, 2016).	
	تأکید بر تناسب بین تراکم افراد و ابعاد فیزیکی فضا.	(TavasoliAra & Bashiri, 2015)	
	تأکید بر تناسب میان مکان های رفتاری با الگوی جاری رفتار.	(Haidari & Abdi-poor, 2016)	
تأکید بر فضای شخصی کافی و کنترل قلمروپایی دلخواه.	تأکید بر فضای شخصی کافی و کنترل قلمروپایی دلخواه.	(TavasoliAra & Bashiri, 2015)	

۳. روش شناسی تحقیق

این مرحله با توجه به نظرات مطرح شده نسبت به اصلاح، تعدیل و حذف برخی گونه‌ها اقدام شد. پس از تعیین اعتبار صوری، سنجش پایایی و روایی شاخص‌ها در دو مرحله آزمون مقدماتی (۳۰ نفر از ساکنان مجتمع مسکونی ششصد دستگاه) و آزمون نهایی (۳۲۲ نفر از ساکنان مجتمع مسکونی ششصد دستگاه انجام گرفت. در آزمون نهایی، تمامی شاخص‌ها و کل پرسشنامه دارای پایایی بودند زیرا مقدار آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۷ به دست آمد. پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات کدگذاری شده و با کمک نرم‌افزارهای آماری SPSS و PLS و آزمون‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری، آزمون تی تست تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن تأثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. گفتنی است از آزمون مدل‌یابی معادلات ساختاری برای سنجش مدل پژوهش و ارزیابی اعتبار و پایایی پرسشنامه، از آزمون تی تست برای بررسی وضعیت و میزان تأثیر متغیر مستقل بر وابسته و از آزمون فریدمن برای اولویت بندی متغیرها استفاده شد.

۳/۱. معرفی اجمالی محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه مجتمع مسکونی ششصد دستگاه در شهر مشهد است. این مجتمع مسکونی ۶۰۰ واحدی داری ۱۹ بلوک است. مساحت سایت حدود پنج هزار مترمربع و تراکم ساختمانی در حدود ۹۰ درصد بوده و بیش از ۷۰ درصد مساحت به فضای باز، فضای سبز و دسترسی‌ها اختصاص یافته است. ساختمان‌ها پنج طبقه‌ای و هر کدام از واحدها ۸۸ متر است. این مجتمع مسکونی دارای جمعیتی بالغ بر دو هزار نفر است. حاشیه‌های مجتمع ششصد دستگاه از جنوب به بلوار ارشاد، از شمال به بلوار فردوسی، از غرب به بلوار خیام و از سمت شرق به بلوار شهید صادقی ختم می‌شوند (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: محدوده مورد مطالعه مجتمع مسکونی ششصد دستگاه در شهر مشهد (Maps, 2021).

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج تجزیه و تحلیل آماری در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی ارائه شده است. در بخش یافته‌های توصیفی به توصیف متغیرهای جمعیت شناختی و متغیرهای اصلی با استفاده از شاخص‌های آماری فراوانی و درصد فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد پرداخته شد. نرمال بودن متغیرها با استفاده از شاخص‌های کجی و کشیدگی و آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف بررسی شد. در بخش یافته‌های استنباطی و برای آزمون اعتبار پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی و برای بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری از پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده شد. در بخش یافته‌های استنباطی و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تی تک نمونه‌ای و آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد. حداکثر سطح خطای آلفا برای آزمون فرضیه‌ها، مقدار ۰/۰۵ تعیین شد ($p < 0/05$). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS 25 و PLS 3 انجام شد.

۴/۱. متغیرهای جمعیت شناختی

با توجه به متغیرهای جمعیت شناختی مطابق نتایج پاسخگویان زن ۵۷ درصد نمونه و مردان ۴۳ درصد نمونه را شامل می‌شوند. از نظر وضعیت سنی، بیشترین تعداد با ۳۵ درصد مربوط به سن ۳۰ تا ۴۰ سال است و کمترین تعداد با پنج درصد مربوط به سن کمتر از ۲۰ سال است. از نظر میزان تحصیلات ۴۷ درصد افراد کارشناسی یا لیسانس، ۲۸ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد، ۱۲ درصد تحصیلات دیپلم، هشت درصد تحصیلات کاردانی و پنج درصد تحصیلات دکترا دارند.

۴/۲. توصیف متغیرهای اصلی و بررسی نرمال بودن

با استفاده از آماره‌های میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای اصلی توصیف شدند. دامنه میانگین در تمامی متغیرها از ۱ (بی تأثیر) تا ۵ (خیلی زیاد) است. آزمون‌های نرمال بودن که شامل کولموگوروف-اسمیرنوف و کجی و کشیدگی است در جدول شماره ۲ آمده است.

۴.۳. تحلیل عاملی تأییدی

در جدول شماره ۳ نتایج تحلیل عاملی تأییدی و آزمون پایایی (آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی) که با استفاده از نرم افزار PLS انجام شد، گزارش شده است. در این پژوهش حداقل مقدار بار عاملی در تحلیل عاملی تأییدی، $0/40$ تعیین شد. بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند که اگر این مقدار برابر یا بیشتر از مقدار $0/40$ شود، مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و اعتبار در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل قبول است (Davari & RezaZade, 2013). نتایج نشان داد با توجه به مقدار بارهای عاملی به دست آمده برای تمامی سئوالات که بیشتر از $0/40$ است و در سطح معنی داری کمتر از $0/05$ قرار دارند (تمامی مقادیر t بزرگتر از $1/96$ شده است)، در نتیجه اعتبار سازه تمامی متغیرهای پژوهش تأیید می‌شود. تمامی سئوالات بار عاملی بیشتر از $0/40$ دارند که اعتبار تمامی سئوالات (۲۵ سؤال) تأیید می‌شود. چنانچه پایایی به دست آمده برای هر کدام از مؤلفه‌ها بیشتر از $0/70$ شود، نشان از تأیید پایایی آن مؤلفه دارد. بررسی مقادیر پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ نشان داد که تمامی مقادیر پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ $0/40$ بالاتر از $0/70$ است و نشان دهنده پایایی مناسب پرسشنامه پژوهش است. از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای بررسی اعتبار همگرا استفاده شد. این شاخص، مقدار واریانس را که یک متغیر پنهان از نشانگرهایش به دست می‌آورد را اندازه می‌گیرد. مقدار این شاخص بین $0/1$ تا $0/5$ است و مقادیر بالاترین شاخص نشان از اعتبار همگرای سازه مورد نظر دارد. میانگین واریانس استخراج شده که اعتبار

چنانچه سطح معنی داری به دست آمده در آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای هر متغیر بیشتر از مقدار $0/05$ به دست آید، نتیجه می‌گیریم که توزیع آن متغیر نرمال بوده و در نتیجه مشکلی برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود ندارد. در مورد کجی و کشیدگی، چنانچه مقادیر این آماره‌ها بین -2 و $+2$ باشد نشان دهنده نرمال بودن توزیع تک متغیره است (George, 2011).

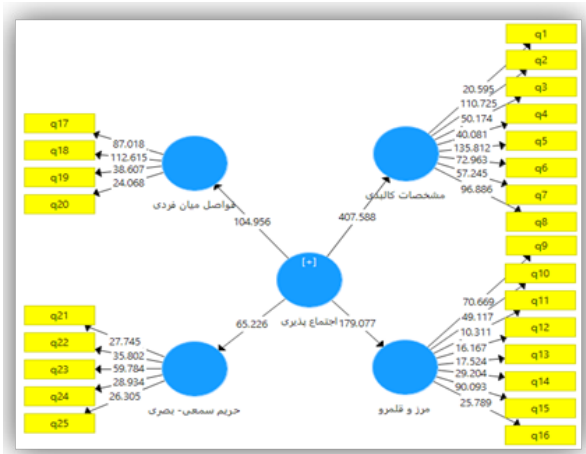
بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین چهار معیار اصلی بالاتر از متوسط نمرات یعنی ۳ است و نشان می‌دهد تمامی معیارهای اصلی از میانگین نسبتاً بالایی برخوردارند. میانگین مشخصات کالبدی برابر با $4/12$ ، مرز و قلمرو برابر با $4/38$ ، فواصل میان فردی برابر با $4/48$ و حریم سمعی بصری برابر با $4/06$ است. بررسی میانگین شاخص‌ها نشان می‌دهد که پایین‌ترین میانگین مربوط به شاخص‌های ابعاد و تناسب با میانگین $3/72$ و سلسله مراتب با میانگین $3/75$ است که نشان می‌دهد میانگین شاخص‌ها نیز بالاتر از متوسط است. نتایج به دست آمده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال برخوردارند. سطح معنی داری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای تمامی متغیرهای پژوهش بیشتر از مقدار $0/05$ به دست آمده ($p > 0/05$) که نشان از نرمال بودن متغیرها دارد. بررسی مقادیر کجی و کشیدگی نشان می‌دهد با توجه به این که مقادیر کجی تمامی متغیرها در دامنه $+2$ تا -2 به دست آمده و مقادیر کشیدگی برای تمامی متغیرها در دامنه $+2$ تا -2 به دست آمده است؛ در نتیجه تمامی متغیرها از توزیع نرمال یا نزدیک به نرمال برخوردارند.

جدول شماره ۲: توصیف متغیرهای اصلی و بررسی نرمال بودن

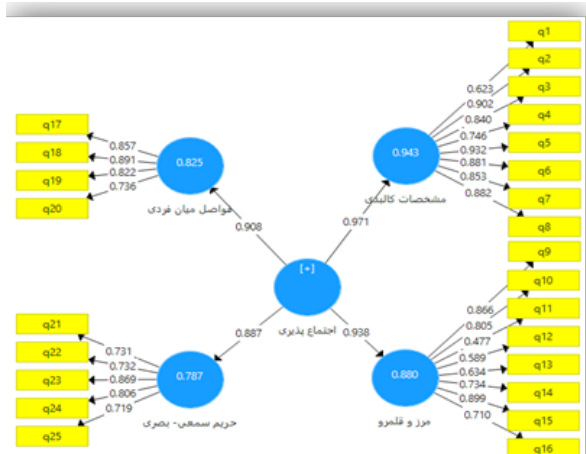
متغیره	میانگین	انحراف استاندارد	معنی داری کولموگروف-اسمیرنوف	کجی	کشیدگی
انعطاف پذیری	4/78	0/41	0/089	-1/38	-0/105
تنوع فرم و هندسه	4/02	0/24	0/159	0/438	-0/616
ابعاد و تناسبات	3/72	0/84	0/165	0/107	-0/873
خوانایی	3/96	0/80	0/116	0/078	-1/43
ابعاد زیبایی شناسانه	4/40	0/49	0/127	0/408	-1/84
مشخصات کالبدی	4/12	0/29	0/119	0/693	-1/05
وضوح مرزها	4/40	0/81	0/094	-1/12	-0/139
کنترل پذیری	4/38	0/31	0/216	0/210	-0/591
سلسله مراتب	3/75	0/89	0/175	0/061	-1/05
عرصه بندی فضا	4/57	0/37	0/103	-0/590	-1/02
مرز و قلمرو	4/38	0/28	0/111	-0/278	-0/814
تراکم و ازدحام	4/27	0/40	0/180	0/399	-0/560
همگنی اجتماعی	4/69	0/65	0/057	-1/87	1/98
انعطاف پذیری	4/68	0/66	0/059	-1/83	1/78
فواصل میان فردی	4/48	0/33	0/180	-0/594	-0/148
اشرافیت شنیداری	4/33	0/93	0/124	-1/11	-0/020
اشرافیت بصری	3/99	0/52	0/095	0/339	-1/24
حریم سمعی بصری	4/06	0/43	0/209	0/430	-0/062

اس آزمون شده است. در تصویر شماره ۳، مقادیر بالاتر از ۰/۴۰ نشان دهنده اعتبار مناسب شاخص‌ها یا سئوال‌ات است. در تصویر شماره ۴، مقادیر بزرگتر از ۱/۹۶ نشان دهنده معنی‌دار بودن بار عاملی و نشان از تأیید آماری اعتبار سئوال‌ات در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. تمامی بارهای عاملی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار هستند: (۰/۰۵) $p < 1/96$ و $t >$.

همگرا را می‌سنجد، از حداقل ۰/۵۳ برای مرز و قلمرو تا حداکثر ۰/۷۰ برای مشخصات کالبدی به دست آمده است. چون مقادیر میانگین واریانس استخراج شده نزدیک یا بیشتر از مقدار ۰/۵۰ است، می‌توانیم اعتبار همگرا را تأیید کنیم. در مجموع نتایج نشان از تأیید اعتبار و پایایی تمامی مؤلفه‌ها و سئوال‌ات مربوط به آنها دارد. تصاویر شماره ۳ و ۴ مدل‌های اندازه‌گیری را نشان می‌دهند که با نرم‌افزار اسمارت پی ال



تصویر شماره ۴: مدل اجتماع پذیری در حالت معنی‌داری (مقدار تی)



تصویر شماره ۲: مدل اندازه‌گیری اجتماع پذیری در حالت ضرایب استاندارد (بار عاملی)

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل عاملی تأییدی، بررسی روایی و پایایی پرسشنامه

مؤلفه	شماره سؤال	ضریب استاندارد (بار عاملی)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
مشخصات کالبدی	۱	۰/۶۲	۰/۷۰	۰/۹۵	۰/۹۴
	۲	۰/۹۰			
	۳	۰/۸۴			
	۴	۰/۷۵			
	۵	۰/۹۳			
	۶	۰/۸۸			
	۷	۰/۸۵			
	۸	۰/۸۸			
مرز و قلمرو	۹	۰/۸۷	۰/۵۳	۰/۹۰	۰/۸۶
	۱۰	۰/۸۰			
	۱۱	۰/۴۸			
	۱۲	۰/۵۹			
	۱۳	۰/۶۳			
	۱۴	۰/۷۳			
	۱۵	۰/۹۰			
	۱۶	۰/۷۱			
فواصل میان فردی	۱۷	۰/۸۶	۰/۶۹	۰/۹۰	۰/۸۵
	۱۸	۰/۸۹			
	۱۹	۰/۸۲			
	۲۰	۰/۷۴			
حریم سمعی-بصری	۲۱	۰/۷۳	۰/۶۰	۰/۸۸	۰/۸۳
	۲۲	۰/۷۳			
	۲۳	۰/۸۷			
	۲۴	۰/۸۱			
	۲۵	۰/۷۲			

۴٫۴. بررسی میانگین‌ها و آزمون رتبه‌بندی

شاخص‌های ابعاد و تناسبات و سلسله مراتب کمترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی در مقایسه با شاخص‌های دیگر دارند. برای سنجش سطح یا میزان اثرگذاری معیارها و مقایسه با مقداری استاندارد از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. آزمون تی تک نمونه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک نمونه از جامعه داشته باشیم و می‌خواهیم میانگین آن را با یک حالت معمول یا استاندارد و یا حتی با یک عدد فرضی و مورد انتظار مقایسه کنیم. در این آزمون ما میانگین نمونه را با مقدار $3/5$ که مقدار بین متوسط تا زیاد در نظر گرفته شده، مورد مقایسه قرار می‌دهیم. دامنه نمرات از 1 تا 5 است که نمره متوسط برابر با 3 و نمره بین متوسط و زیاد برابر با $3/5$ است. چنانچه مقدار هر کدام از متغیرها به طور معنی‌داری بیشتر یا کمتر از مقدار $3/5$ باشد ($p < 0/05$) می‌توان استنباط کرد که میزان آن متغیر به طور معنی‌داری با مقدار متوسط متفاوت است. نتایج آزمون تی تست تک نمونه‌ای در جدول شماره ۴ گزارش شده است. نتایج به دست آمده نشان از این دارد که میانگین تمامی معیارها و شاخص‌ها بالاتر از مقدار $3/5$ است و از جنبه آماری به طور معنی‌داری بالاتر از مقدار تعیین شده است و بدین معناست که میانگین تمامی معیارها و شاخص‌ها به طور معنی‌داری بالاتر از مقدار متوسط است ($p < 0/05$). میانگین چهار معیار مشخصات کالبدی، مرز و قلمرو، فواصل میان فردی، حریم سمعی بصری به ترتیب برابر با $4/12$ ، $4/38$ ، $4/48$ و $4/06$ است که بالاتر از مقدار متوسط است و نشان می‌دهد تمامی مؤلفه‌های بیان شده دارای تأثیر زیادی بر تعاملات اجتماعی هستند. بررسی میانگین شاخص‌ها نشان می‌دهد که همانند معیارها، تمامی شاخص‌ها دارای میانگین بالاتر از متوسط هستند که نشان می‌دهد تمامی شاخص‌ها تأثیر زیادی بر تعاملات اجتماعی دارند.

برای رتبه‌بندی از آزمون فریدمن و برای مقایسه میانگین‌ها با مقدار متوسط از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. برای رتبه‌بندی چهار معیار اصلی و رتبه‌بندی ۱۴ شاخص از آزمون فریدمن استفاده شد. با استفاده از این آزمون قصد داریم معیارها و شاخص‌ها را از نظر وضعیت و جایگاه رتبه‌بندی کنیم. نتایج آزمون فریدمن در جدول شماره ۴ آمده است. با توجه به مقدار کای اسکوتر که برابر با $226/81$ ، $(df=3)$ و ($p < 0/05$) است، می‌توانیم استنباط کنیم که معیار مرز و قلمرو بالاترین میانگین رتبه را دارد و این معیار مهم‌ترین و مؤثرترین عامل بر تعاملات اجتماعی بوده است. بعد از عامل مرز و قلمرو، عامل فواصل میان فردی قرار دارد که تأثیر تقریباً یکسانی در مقایسه با مرز و قلمرو دارد؛ چون میانگین رتبه برابر با $2/97$ است. نتایج نشان می‌دهد که دو معیار مرز و قلمرو و فواصل میانی فردی بیشترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی دارند و معیار حریم سمعی-بصری کمترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر دارد. در جدول شماره ۴ نتایج رتبه‌بندی شاخص‌ها آمده است. یافته‌های رتبه‌بندی شاخص‌ها نشان می‌دهد، با توجه به مقدار کای اسکوتر که برابر با $114/01$ ، $(df=13)$ و ($p < 0/05$) است، می‌توانیم استنباط کنیم که شاخص انعطاف پذیری کالبدی بالاترین میانگین رتبه را دارد و نشان می‌دهد که مهم‌ترین شاخص مؤثر بر تعاملات اجتماعی بوده است. بعد از انعطاف پذیری کالبدی، شاخص‌های همگنی اجتماعی، انعطاف پذیری میان فردی و عرصه‌بندی فضا قرار دارند که میانگین رتبه این زیر مؤلفه‌ها به ترتیب $10/34$ ، $10/20$ و $8/82$ است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های انعطاف پذیری کالبدی، همگنی اجتماعی، انعطاف پذیری میان فردی و عرصه‌بندی فضا بیشترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی دارند و

جدول شماره ۴: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای (معیار = $3/5$) و نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها

ردیف	شاخص	رتبه‌بندی (آزمون فریدمن)		مقایسه میانگین‌ها (تی تک نمونه‌ای)	رتبه‌بندی (آزمون فریدمن)	مقیاسه میانگین‌ها (تی تک نمونه‌ای)	
		رتبه	میانگین رتبه			مقدار p	اختلاف میانگین
۱	تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی	۴	۸/۸۲	< ۰/۰۰۱	۱/۰۷	قلمرو فضایی	۱
		۵	۸/۲۸	< ۰/۰۰۱	۰/۸۹۹		
		۱۳	۴/۹۵	< ۰/۰۰۱	۰/۲۵۲		
		۸	۷/۵۴	< ۰/۰۰۱	۰/۸۸۱		
		۲	۱۰/۳۴	< ۰/۰۰۱	۱/۱۹		
۲	تناسب میان تراکم و ابعاد فیزیکی "تراکم و ازدحام"	۹	۶/۶۵	< ۰/۰۰۱	۰/۷۷۱	فواصل میان فردی	۲
		۳	۱۰/۲۰	< ۰/۰۰۱	۱/۱۸		
۳	مشخصات فیزیکی	۱	۱۰/۴۹	< ۰/۰۰۱	۱/۲۸	۳	۳
		۱۴	۴/۷۴	< ۰/۰۰۱	۰/۲۱۷		
		۱۲	۵/۲۱	< ۰/۰۰۱	۰/۵۲۴		
		۶	۸/۱۷	< ۰/۰۰۱	۰/۹۰۱		
		۱۰	۶/۱۳	< ۰/۰۰۱	۰/۴۵۷		
		۱۱	۸/۱۷	< ۰/۰۰۱	۰/۹۰۱		
		۱۲	۶/۱۳	< ۰/۰۰۱	۰/۴۵۷		
۴	اشرافیت دیداری	۱۱	۵/۳۰	< ۰/۰۰۱	۰/۴۹۵	حریم سمعی و بصری	۴
		۷	۸/۱۶	< ۰/۰۰۱	۰/۸۲۶		

۵. نتیجه‌گیری

این مطالعه با رویکردی انسان محور، چهار معیار اصلی و چهارده شاخص مرتبط با تأثیرگذاری خلوت بر تعاملات اجتماعی در مجتمع مسکونی ششصد دستگاه شهر مشهد را مورد سنجش قرار داده و نتایج تحلیلی را ارائه نموده است. همان طور که در بخش روش‌شناسی توضیح داده شد، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS 25 و PLS3 استفاده شد. از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای بررسی اعتبار همگرا استفاده شد. مقدار این شاخص بین ۰ تا ۱ است و مقادیر بالاتر این شاخص نشان از اعتبار همگرای سازه مورد نظر دارد. میانگین واریانس استخراج شده که اعتبار همگرا را می‌سنجد، از حداقل ۰/۵۳ برای مرز و قلمرو تا حداکثر ۰/۷۰ برای مشخصات کالبدی به دست آمده است. چون مقادیر میانگین واریانس استخراج شده نزدیک یا بیشتر از مقدار ۰/۵۰ است، می‌توانیم اعتبار همگرا (اعتبار کلی هر کدام از مؤلفه‌ها) را تأیید کنیم. در مجموع نتایج نشان از تأیید اعتبار و پایایی تمامی مؤلفه‌ها و سئوال‌ها مربوط به آنها دارد. طبق یافته‌های تحقیق حاضر و در پاسخ به سؤال نخست در خصوص بررسی میزان تأثیرگذاری چهار معیار اصلی خلوت بر تعاملات اجتماعی در مجتمع مسکونی مورد مطالعه با استفاده از آزمون فریدمن رتبه‌بندی معیارها و درجه تأثیر آنها بر تعاملات اجتماعی به صورت زیر قابل تحلیل است. یافته‌های رتبه‌بندی معیارهای خلوت با توجه به مقدار کای اسکوئر $(df=3)$ ، $226/81$ و $(p < 0/05)$ نشان از رابطه معنی‌دار با تعاملات اجتماعی دارد. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن گواه این است که معیار مرز و قلمرو بالاترین میانگین رتبه را داشته و بالاترین اثر بر تعاملات اجتماعی در مجتمع مسکونی را داراست. پس از آن معیار فواصل میان فردی با میانگین رتبه ۲/۹۷ است که با فاصله اندکی از معیار مرز و قلمرو قرار دارد. نتایج نشان می‌دهد که دو معیار مرز و قلمرو و فواصل میانی فردی بیشترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی دارند و معیار حریم سمعی بصری کمترین تأثیر را در مقایسه با دیگر معیارها دارد. یافته‌های پژوهش در ارتباط با سؤال دوم و میزان اثرگذاری شاخص‌های چهارده‌گانه خلوت بر ارتقای تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی با توجه به مقدار کای اسکوئر $(df=13)$ ، $114/01$ و $(p < 0/05)$ نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن گویای این است که شاخص انعطاف پذیری کالبدی بالاترین میانگین رتبه را داراست و مهم‌ترین شاخص مؤثر بر تعاملات اجتماعی است. بعد از شاخص انعطاف پذیری کالبدی، همگنی اجتماعی، انعطاف پذیری میان فردی و عرصه‌بندی فضا قرار دارند که میانگین رتبه این زیر مؤلفه‌ها به ترتیب ۱۰/۳۴، ۱۰/۲۰ و ۸/۸۲ است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های انعطاف پذیری کالبدی، همگنی اجتماعی، انعطاف پذیری میان فردی و عرصه‌بندی فضا بیشترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی دارند و شاخص‌های ابعاد و تناسبات و سلسله مراتب کمترین تأثیر را بر تعاملات اجتماعی در مقایسه با دیگر شاخص‌ها دارند. با توجه به بررسی نتایج کیفی مطالعه در مجموعه مسکونی ششصد دستگاه مشهد در خصوص قلمروهای فضایی مشخص شد، تفکیک میان عرصه‌های خصوصی و عمومی نه تنها یکی از روش‌های دستیابی به خلوت مطلوب و تعامل مثبت میان ساکنان است بلکه توجه به خلوت و حریم شخصی افراد به واسطه وضوح و کنترل مرزها عاملی

تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی است. تعریف و وضوح مرزها به واسطه تفکیک عرصه‌های نیمه خصوصی بین عرصه‌های خصوصی و عمومی ضمن افزایش احساس کنترل شرایط در افراد، منجر به تمایل به تعامل مثبت با دیگران می‌گردد. در حقیقت ساماندهی محیط زندگی در این مجموعه از طریق تفکیک انواع حوزه‌های خصوصی و عمومی، وضوح مرزها، تعریف و محدود کردن دامنه قلمرو و سلسله‌مراتب فضایی انجام شده، که علاوه بر ایجاد کنترل پذیری عرصه‌های عمومی و خصوصی نقش بسزایی برای ایجاد تعامل مثبت با دیگران، افزایش احساس تعلق و رضایت‌مندی دارد. همگن بودن ساکنان در این مجتمع همچنین توانسته ضمن تأثیر بر الگوهای رفتاری و تنظیم و کنترل فواصل میان فردی نقش بسزایی در رضایت و تعامل مثبت میان افراد داشته باشد. سازماندهی کالبدی مناسب فضاها به واسطه مشخصات فیزیکی به دلیل نقش تأثیرگذار در افزایش هیجان، سرزندگی، دعوت‌کنندگی و ایجاد تجربه‌های خوشایند برای افراد باعث افزایش کیفیت فضا، رضایت‌مندی و حس تعلق به مکان شده و نقش بسزایی در انجام فعالیت‌ها و ارتقای تعاملات اجتماعی به همراه دارند. در حقیقت با تقویت عوامل فیزیکی محیط، فعالیت‌ها، ادراک و واکنش افراد نسبت به فضا افزایش می‌یابد و منجر به ارتقای تعاملات اجتماعی ساکنان می‌گردد. توجه به حریم‌های سمعی و بصری همچنین یکی از الزامات به کار رفته در طراحی معماری به منظور دستیابی به خلوت مطلوب و به دنبال آن افزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه مسکونی ششصد دستگاه مشهد است که با جدا کردن زندگی خصوصی از انجمن‌های عمومی آنها امکان‌پذیر می‌گردد و شامل الزامات طراحی کنترل دید از طریق حریم بصری و کنترل انتقال صوت از طریق حریم صوتی است. در حقیقت توجه به حریم سمعی و بصری عاملی تأثیرگذار بر حریم خصوصی و خلوت افراد بوده که ضمن ایجاد حس امنیت و آرامش، نقش بسزایی در ارتقای تعاملات افراد داشته است. بررسی نتایج در مجموعه ششصد دستگاه مشهد همچنین گویای این است که توجه طراح به معیارها و شاخص‌های تأثیرگذار بر تعاملات با رویکردی به حفظ خلوت در طراحی، نقش بسزایی در ارتقای تعاملات بهره‌برداران و ساکنان مجموعه داشته است؛ همچون معیار مرز و قلمرو و فواصل میان فردی که بیشتر از سایر معیارها مورد توجه طراح بوده است.

جدول شماره ۵: بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات با رویکرد حفظ خلوت در مجموعه مسکونی ششصد دستگاه مشهد

تصاویر	راهکارها	میانگین	شاخص‌ها	معیارها
	۱- شکل‌گیری حوزه‌های فضایی و عملکردهای مختلف و ۲- کف‌سازی و فضای سبز، عرض مسیرهای دسترسی و ...	۴,۳۸	تفکیک و عرصه‌بندی فضاها و فعالیت‌ها	مرز و قلمرو
	۱- وضوح و خوانایی مسیرها با استفاده از فضای سبز، حصار و ... و ۲- استفاده از فضای باز مابین بلوک‌ها.	۴,۴۰	وضوح مرزها	
	۱- تفکیک مسیر سواره و پیاده، ۲- وجود دروازه و نگهبان در ورودی مجموعه، ۳- استفاده از علائم به منظور جلوگیری از ورود ماشین و کنترل پذیری عرصه‌ها و ۴- شکل‌گیری حوزه‌های فضایی و عملکردهای مختلف.	۴,۳۸	کنترل پذیری	کنترل پذیری
	سلسله مراتب میان عرصه‌های خصوصی و عمومی.	۳,۷۵	سلسله مراتب	
	انعطاف پذیری محیط به واسطه فضای باز با مبلمان انعطاف پذیر، حصارها و دیوارها.	۴,۶۸	انعطاف پذیری	فواصل میان فردی
	توجه به تناسب میان ابعاد فضا و تعداد افراد با الگوی جاری رفتار و توجه به نسبت عرض مسیرهای تردد و سطوح مکث و نشیمن.	۳,۷۲	ابعاد و تناسبیات تراکم و ازدحام	
	شباهت‌ها از نظر سن، شغل، اندازه خانواده و ...	۴,۶۹	همگنی اجتماعی	همگنی اجتماعی
	انعطاف پذیری کالبدی و ایجاد تنوع فعالیت‌هایی همچون نشستن، غذا خوردن، ورزش و ...	۴,۷۸	انعطاف پذیری کالبدی	
	ترکیب ایده‌آل از تنوع فرم و فضا در شکل بلوک‌ها و فضای باز مجموعه و به دنبال آن تسهیل دسترسی‌ها، فضای دایره‌ای در مرکز و قرارگیری توده حول یک نقطه مرکزی.	۴,۰۲	تنوع فرم و هندسه	مشخصات فیزیکی
	چیدمان مناسب بلوک‌ها به تناسب یکدیگر، ایجاد فضای مرکزی باز به عنوان فضای تعاملات، توجه به فواصل میان فردی و حفظ حریم افراد.	۳,۷۲	ابعاد و تناسبیات	
	حضور فضای سبز و جاذبه‌های بصری در فضای باز.	۴,۴۰	ابعاد زیبایی‌شناسی	ابعاد زیبایی‌شناسی
	تفکیک عرصه‌ها و مسیرها به واسطه فضای سبز.	۳,۹۶	خوانایی	
	محل قرارگیری و طراحی درهای ورودی، محل قرارگیری و اندازه پنجره‌ها و حفاظ بالکن‌ها.	۳,۹۹	اشرافیت دیداری	حریم سمعی و بصری
	استفاده از عایق صوتی دیوار، محل قرارگیری و طراحی درهای ورودی.	۴,۳۳	اشرافیت شنیداری	

References:

- Abbaszade, S., Abron, A., & Askari Rabari, A. (2015). Investigation of spatial-physical elements affecting rural housing. *Journal of Research and Rural Planning*, 4, 177-193. [in Persian]
- Al-Homoud, M. (2009). Privacy control as a function of personal space in single-family homes in Jordan. *Journal of Design and Built Environment*, 5(1), 31-48.
- Al-Kodmany, K. (1999). Residential visual privacy: Traditional and modern architecture and urban design. *Journal of Urban Design*, 4(3), 283-311.
- Altman, I. (1975). *The environment and social behavior: privacy, personal space, territory crowding*. Monterey, Calif: Brooks/Cole Pub. Co., ISBN:0818501685.
- Altman, I. (1976). A conceptual analysis. *Environment and behavior*, 8(1), 7-29.
- Altman, I., & Chemers, M. (1980). *Culture and environment*, Monterey, CA: Brooks Cole Pub. 319-327. (Co., ISBN:0521319706)
- Bahammam, A. S. (1987). *Architectural patterns of privacy in Saudi Arabian housing*, Thesis for M.Arch-degree. McGill University., ISBN: 0315383348, 9780315383340.
- Bahrayni, H., & Tajbakhsh, G. (1999). The concept of territory in urban spaces and the role of insider urban design in its realization. *Honar-Ha-Ye Ziba*, 6, 18-31. [in Persian].
- Bekleyen, A., & Dalkılıç, N. (2011). The influence of climate and privacy on indigenous courtyard houses in Diyarbakır, Turkey. *Scientific Research and Essays*, 6(4), 908-922.
- Bigdeli, H., Bagheri, M., & Asadi, F. (2018). Investigating the role of privacy in traditional house architecture. *Architectural Journal*, 1(4), 70-79. [in Persian].
- Burgoon, J. K. (1982). Privacy and communication. *Annals of the International Communication*

- Association, 6(1), 206-249.
- Daneshpour, A., & Charkhchyan, M. (2011). Public Spaces and Factors Affecting Collective Life. *Bagh-E-Nazar*, 4(7), 19-28. [in Persian]
 - Davari, A., & RezaZade, A. (2013). *Structural Equation Modeling with PLS Tehran Software*. (1 ed.). Tehran, Jahad University., ISBN:8-478-102-600-978. <https://doi.org/10.13140/2.1.3280.1922>. [in Persian]
 - Einifar, A., & Aghalatifi, A. (2011). Concept of Territory in Residential Complexes: A Comparative Study of two High-rise and Low-rise Complexes in Tehran. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 45, 17-28. [in Persian]
 - George, D. (2011). *SPSS for windows step by step: A simple study guide and reference*, 17.0 update, 10/e. Pearson Education India., ISBN:8131762254.
 - Ghafari, M., Iranpanah, N., & Shahbazi, G. (2013). An Investigation of the Role of Tourist Image in Encouraging the Potential Tourists in Traveling to Shiraz. *Journal of Tourism Planning and Development*, 2(5), 145-157. [in Persian].
 - Ghanbaran, A., & Jafari, M. (2014). Investigation of factors affecting social interaction promotion among the neighborhood residents. *Journal Of Iranian Architecture & Urbanism*, 7(1), 64-65. <https://doi.org/10.30475/isau.2015.61983>. [in Persian]
 - Ghareh-Begloo, M., Farshchian, A. H., & Mohammad-Alian, Z. (2016). The effect of social interactions on the creation of place in Islamic architecture. *Shebak magazine, Art and Humanities Studies*, 1, 1-18. [in Persian].
 - Ginsberg, Y., & Churchman, A. (1985). The pattern and meaning of neighbor relations in high-rise housing in Israel. *Human Ecology*, 13(4), 467-484.
 - Greenberg, S. W., & Rohe, W. M. (1984). Neighborhood design and crime a test of two perspectives. *Journal of the American Planning Association*, 50(1), 48-61.
 - Haidari, A. A., & Abdi-poor, Z. (2016). To evaluate the role of privacy in promoting place attachment in student dormitories. *Honar-Ha-Ye Ziba*, 4(20), 73-86. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2016.59674>. [in Persian]
 - Hakim, B. S. (1986). *Arabic-Islamic Cities: Building And Planning Principles*. Routledge., ISBN:978-0-7103-0094-2.
 - Hallak, M. E. (2003). Privacy in homes of Shaamy Muslim immigrants: A study of privacy patterns in single-family detached homes and townhouses of middle-class immigrants in Montreal. (Thesis for M.Arch-degree. McGill University., ISBN:0315383348,9780315383340., OCLC number: 898068153.)
 - Hamdy Mahmoud, H. T. (2017). Interior Architectural Elements that Affect Human Psychology and Behavior. *The International Conference : Cities' Identity Through Architecture and Arts (CITAA)*. <https://doi.org/10.21625/archive.v1i1.112>
 - Hosseini Raviz, S. R., Nik Eteghad, A., Usón Guardiola, E., & Armesto Aira, A. (2015). Iranian courtyard housing: the role of social and cultural patterns to reach the spatial formation in the light of an accentuated privacy. *Architecture, City and Environment*, 10(29), 11-30. <https://doi.org/10.5821/ace.11.29.2653>. [in Persian]
 - Javanshir, S. (2016). Protection of Privacy in Designing of Residential Complexes Architecture and Its Effect on Constructive Relations among the Residents. *Modern Applied Science*, 10(1), 103. [in Persian]
 - Karimi Azeri, A. R., Delkhosh Haghighi Sosari, Z., & Mozdehi, A. (2018). Reviewing the Role of Spatial Factors in Promoting Social Interactions with the Purpose of Designing a Cinematic-Cultural Complex. *Civil Engineering Journal., Jahade Daneshgahi, Tehran, Iran., ISBN:2476-3055*, 4(4), 857-871. [in Persian].
 - Kazemzade, M., & Shakouri, R. (2017). Enhancing Social Interaction in Residential Complexes Case Study: Esfahan. *Space Ontology International Journal*, 6(2), 1-8. [in Persian].
 - Khak-Zand, M., & Baghalian, A. (2016). Investigation of influential parameters on improvement of social interaction in open and semi open areas of residential complexes (a case study: zone 22 of Tehran municipality). *Journal Of Iranian Architecture & Urbanism*, 7(1). <https://doi.org/10.30475/isau.2017.62014>. [in Persian]
 - Khameneh-Zadeh, H. (2017). An Introduction to the Concept of Privacy and How it is Realized in the House Life-World1 Comparative Study in Pre-modern and Modern Iranian Houses. *Bagh-E-Nazar*, 14 (49), 31-42. [in Persian].
 - Lang, J. (2009). *Creating architectural theory: the role of the behavioral sciences in environmental design*. Van Nostrand Reinhold., ISBN: 978-0442259815.
 - Mahmodi, A. S., & Bastani, M. (2018).

- Conceptualization Methods in the Design Process of Architecture. Memari-Va-Shahrsazi(Honar-Ha-Ye-Zib), 23, 5-18. <https://doi.org/10.22059/JFAUP.2018.238916.67177> . [in Persian]
- Mamaghani Koleini, N., Asadollahi Parvandar, A., & Mortezaei, S.-R. (2015). Designing for improving social relationship with interaction design approach. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 201, 377-385. [in Persian].
 - Maps, G. (2021). Sheshsad Dastgah District, Mashhad Razavi Khorasan. Google Maps. <https://earth.google.com/web/search/Sheshsad+Dastgah,+District+1,+Mashhad,+Razavi+Khorasan+Province/@36.31939946,59.57145784,1002.61191821a,561.33559029d,35y,140.97332696h,44.99828262t,-0r/data=CigiJgokCYaYBrhBL0JAET9PrqHKJkJAGR-wiqDby01AIYatCd4Twk1A>
 - Memarian, G. H., & Ranjbar-Kermani, A. M. (2011). Privacy of house in islamic culture: A comparative study of pattern of privacy in houses in Kerman. *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 21(2), 69-77. [in Persian].
 - Mortada, H. (2011). *Traditional Islamic Principles of Built Environment*. (1, Ed.). Routledge., ISBN: 978-0415515061.
 - Moztarzadeh, H., & Sajjadi, K. (2019). Explaining the effective features of open and semi-open spaces in availability and increase of social interactions in residential complexes. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 9(4), 67-76. [in Persian].
 - Namazian, A., & Mehdipour, A. (2013). Psychological demands of the built environment, privacy, personal space and territory in architecture. *International Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, 3(4), 109-113. [in Persian].
 - Nasiri, N. (2009). A comparative study of the concept of privacy in the Iranian introverted house and the western extrovert house. *Honar-Ha-Ye Ziba*, 39, 37-46. [in Persian].
 - Newell, P. B. (1994). A systems model of privacy. *Journal of environmental psychology*, 14(1), 65-78.
 - Othman, Z., Aird, R., & Buys, L. (2015). Privacy, modesty, hospitality, and the design of Muslim homes: A literature review. *Frontiers of Architectural Research*, 4(1), 12-23.
 - Pakzad, J., & Asadi Khonsar, H. (2005). *Design Guide for Urban Spaces in Iran*. Ministry of Housing and Urban Planning, Deputy of Urban Planning and Architecture, payam-sima Publication company. Ministry of Housing and Urban Development. Tehran., ISSN:9786005099003., [in Persian].
 - Perkins, D. D., Wandersman, A., Rich, R. C., & Taylor, R. B. (1993). The physical environment of street crime: Defensible space, territoriality and incivilities. *Journal of environmental psychology*, 13(1), 29-49.
 - Raeesi, A., & Hoseini, A. (2015). Investigating the relationship between privacy and interaction in several residential complexes in Qazvin. *Hoviatshahr*, 9(21), 29-40. [in Persian].
 - Rapoport. (1969). *House Form and Culture*. Englewood Cliffs NJ.: Prentice-Hall.
 - Rohe, W. (1984). Neighborhood Design and Crime: A Test of Two Perspectives. *APA Journal (Winter)* 48-61.
 - Samadifard, Z., Movahed, K., & Jahanbakhsh, H. (2013). Investigating the role of shared open space in today's residential complexes as a factor of social sustainability in native architecture in increasing urban security. National conference on architecture urban development and sustainable development with a focus on indigenous architecture to sustainable city., <https://civilica.com/doc/239312/> . [in Persian]
 - Siramkaya Buyuksahin, S., & Aydin, D. (2017). The effect of spatial configuration on social interaction: a syntactic evaluation of a faculty building. *Global Journal of Arts Education*, 7(3), 83-92.
 - Sobh, R., & Belk, R. (2011). Domains of privacy and hospitality in Arab Gulf homes. *Journal of Islamic Marketing*, 2., ISBN:1759-0833. <https://doi.org/10.1108/17590831111139848>
 - Sobh, R., Belk, R. W., & Wilson, J. A. (2013). Islamic Arab hospitality and multiculturalism. *Marketing Theory*, 13(4), 443-463.
 - Taghipour, M., & Soltanzade, H. (2016). Investigating the Role of environmental Organization in Residents' Social Interaction in Residential Complexes of Shiraz (Case study: Amir Kabir, Jannat, Abrisham, and Motahhari complexes). *Journal of Applied Spatial Planning*, 6(1), 79-102. [in Persian]
 - TavasoliAra, F., & Bashiri, S. (2015). The Role of Behavioral Sciences in Environmental Design: An Emphasis on the Need for Collaboration between Psychologists and Architects. *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences* . *J. Appl. Environ. Biol. Sci*, 359-364. [in Persian]

- Taylor, R. B., Gottfredson, S. D., & Brower, S. (1984). Block crime and fear: Defensible space, local social ties, and territorial functioning. *Journal of Research in crime and delinquency*, 21(4), 303-331.
- Valiani, K., Gharaati, M., & Shahbazi, B. (2017). Redefining in Between space in Residential apartments. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism*, 14, 145-156. [in Persian]
- Westin, A. (1970). *Privacy and freedom*. 25(1). (New York, Ballantine)
- Yazdanfar, A., Hoseini, B., & Zaroodi, M. (2013). Public spaces and social interactions enhancement (Case study: Kosar residential complex and Ekbatan residential complex-phase 2). 11(32), 7-22. [in Persian]

نحوه ارجاع به مقاله:

برهانی فر، سحر؛ مظهری، محمد ابراهیم؛ تقوایی، ویدا؛ وثیق، بهزاد؛ اشرف زاده، رضا (۱۴۰۰)، بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اجتماع پذیری مجتمع‌های مسکونی با رویکرد حفظ خلوت (نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاه مشهد)، *مطالعات شهری*، 10 (38)، 91-106. doi: 10.34785/J011.2021.982/Jms.2021.133.106

http://www.urbstudies.uok.ac.ir/article_61437.html

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



بررسی اثر زمینه‌گرایی بر تاب‌آوری فضایی در بازار تاریخی تبریز با تمرکز بر قابلیت‌های فضایی^۱

راحله عبدالهی - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.
اسلام کریمی^۲ - استادیار، گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.
احد نژاد ابراهیمی - دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
لیلا رحیمی - استادیار، گروه معماری، دانشکده عمران، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۵ بهمن ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش: ۲۲ تیر ۱۳۹۹

چکیده

عدم تاب‌آوری برخی از فضاها، معاصر و رهاسازی در برابر تحولات به‌عنوان معضل جدی در ساختار شهرهای معاصر مطرح است که تبعات فراوانی را در عرصه حیات شهرها به دنبال داشته است. به نظر می‌رسد عمر کوتاه فضاها به واسطه همخوانی با زمینه و برخورداری از ویژگی‌های محیطی قابل اصلاح و بهبود باشد تا در برخورد با اختلالات، تاب‌آوری لازم را در پی داشته باشند. از این رو هدف تحقیق حاضر که به منظور ارتقای پایداری و هویت شهری انجام یافته، بررسی تأثیر مؤلفه‌های زمینه‌ای و قابلیت‌های فضایی بر تاب‌آوری فضایی بازار تاریخی تبریز است. مطالعه حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت از نوع توصیفی-تحلیلی مبتنی بر تحلیل پرسشنامه‌ها به روش همبستگی است. در این مطالعه متغیرهای زمینه‌ای و قابلیت‌های فضایی به‌عنوان متغیرهای مستقل و متغیرهای تاب‌آوری به‌عنوان متغیرهای وابسته مورد سنجش قرار گرفت. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۵۷ نفر از مراجعان بازار تاریخی تبریز به‌عنوان نمونه آماری انتخاب و ضریب آلفای کرونباخ برای سئوال‌های پرسشنامه ۰/۸۹۹ محاسبه شد که بیانگر پایایی مناسب ابزار تحقیق است. برای تحلیل داده‌ها و سنجش وضعیت موجود از آزمون t مستقل و برای بررسی روابط همزمانی و میزان اثرگذاری میان متغیرها از آزمون همبستگی و رگرسیون استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد، رابطه معنی‌داری بین مؤلفه‌های زمینه‌ای (کالبدی، تاریخی، فرهنگی و اقلیمی-محیطی) و قابلیت‌های فضایی (انعطاف‌پذیری، تطبیق‌پذیری، تغییرپذیری و واکنش‌پذیری) با تاب‌آوری فضایی برقرار است و بیشترین اثرگذاری به‌ترتیب مربوط به قابلیت‌های تطبیق‌پذیری و واکنش‌پذیری و سپس مؤلفه‌های اقلیمی و تاریخی زمینه‌ای است؛ در حالی که قابلیت تطبیق‌پذیری و زمینه اقلیمی دارای کمترین امتیاز هستند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که زمینه فرهنگی و اقلیمی از نظر میزان برخورداری از قابلیت‌های فضایی در وضعیت مطلوبی قرار دارند. در نتیجه بازار تاریخی تبریز از لحاظ تاب‌آوری بیشتر تحت تأثیر قابلیت‌های فضایی و سپس مؤلفه‌های زمینه‌ای قرار دارد؛ یعنی علاوه بر توانایی‌های فضایی باید به مؤلفه‌های زمینه‌ای نیز توجه گردد. تأکید توأم به هر دو ویژگی در کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری مؤثر واقع خواهد شد و رسیدن به تاب‌آوری مستلزم همخوانی فضا با زمینه است که توانایی مقابله فضا با اختلالات، با ارتقای قابلیت‌های فضا از طریق پتانسیل ذاتی زمینه تحقق می‌یابد.

واژگان کلیدی: بازار تاریخی تبریز، زمینه‌گرایی، تاب‌آوری، قابلیت فضایی.

نکات برجسته

- وضعیت مطلوب بازار تاریخی تبریز از لحاظ تاب‌آوری، زمینه‌گرایی و قابلیت‌های فضایی آشکار شد.
- رابطه میان مؤلفه‌های زمینه‌ای و قابلیت‌های فضایی با تاب‌آوری فضایی کشف شد.
- بیشترین میزان اثرگذاری قابلیت تطبیق‌پذیری و زمینه اقلیمی بر تاب‌آوری بازار کشف شد.
- تأکید بر توجه توأم به هر دو عامل زمینه‌گرایی و قابلیت‌های فضایی در نیل به تاب‌آوری آشکار شد.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری با عنوان «ارزیابی مؤلفه‌های زمینه‌گرایی مؤثر بر تاب‌آوری بازار تاریخی تبریز» است که به وسیله نویسنده نخست و با راهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل انجام شده است..

۲ نویسنده مسئول مقاله: Architect_lik@yahoo.com

۱. مقدمه

مفهوم تاب‌آوری به‌عنوان اصطلاحی توصیفی به وسیله هولینگ در سال ۱۹۷۳ معرفی شد (Holling, 1973:17). هولینگ بین دیدگاه مهندسی و اکولوژیکی نسبت به تاب‌آوری تمایز قائل است (Ibid). این دو دیدگاه با رویکرد تعادل‌گرا، سیستم‌های تاب‌آور را اکثراً در برابر سوانح طبیعی بررسی می‌کند. در حالی که در مقابل این دو دیدگاه، دیدگاه تطبیق‌پذیری با رویکرد تکامل‌گرا، Barata-Salgueiro & Erkip^۲ (2014:108; Dolega & Celińska-Janowicz, 2015:13; Ozuduru et al., 2014:146; Singleton et al., 2016:6) در برابر اختلالات آهسته و غیرطبیعی به موضوع تاب‌آوری می‌پردازد که به تازگی مطرح شده و با وجود پیشرفت‌های مهم در سال‌های اخیر در زمینه تاب‌آوری تطبیق‌پذیر درباره عواملی که ظرفیت تطبیق‌پذیری یک سیستم را تعریف می‌کند، هیچ توافقی وجود ندارد و شواهد تجربی نیز کم است (Dolega & Celińska-Janowicz, 2015:9)؛ بنابراین نیاز به بررسی و تأمل دارد. تحقیقات موجود نشان داده، بین تاب‌آوری فضایی و هویت سیستم شهری ارتباط نزدیکی وجود دارد (Erkip et al., 2014:113) و تاب‌آوری فضاهای خرده‌فروشی به زیست‌پذیری و پایداری اجتماعی منجر می‌گردند (Rao and Summers 2016:96). بنابراین اهتمام به این گونه فضاها و بررسی علل تاب‌آوری و تداوم حیات آنها امری ضروری است. علاوه بر این در جوامع عصر حاضر، عمر کوتاه اکثر ساخت‌وسازهای جدید در برابر بحران‌ها و وجود فضاهای متروک و بدون‌کاربر در سطح شهرها یکی از معضلاتی است که به نظر می‌رسد ناشی از نادیده گرفتن زمینه و بستر در فرایند طراحی است، به صورتی که حیات شهرها نیز به دنبال آن دچار بحران شده و با توجه به تغییرات و دگرگونی‌های وسیع در تداوم حیات برخی فضاهای معاصر و آسیب‌پذیری آنها و الزام در خلق فضاهای تاب‌آور اهمیت انجام پژوهش را بیش از پیش مهم جلوه می‌نماید. در این راستا مطالعه حاضر با این پیش‌فرض که زمینه‌گرایی فضا تأثیر معنی‌داری بر تاب‌آوری فضایی دارد، سعی بر پرداختن به موضوع پژوهش با رویکرد زمینه‌گرایی دارد که به منظور آزمون فرضیه، بازار تاریخی تبریز در بافت مرکزی شهر به‌عنوان نمود فضایی که حیات و پویایی نسل‌ها در آن تداوم دارد و به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین فضاهای تأثیرگذار بر پویایی و هویت شهری که در طی دوره‌های مختلف، با توجه به نیازها و نگرش‌های زمانه توانسته با استفاده از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های خاص فضایی با تغییرات و تحولات انطباق یابد، برای سنجش انتخاب گردید. براین مبنا پژوهش در پی پاسخگویی به این سئوالات است: بازار تاریخی تبریز با توجه به‌گونه‌های مختلف تاریخی-کالبدی از لحاظ مؤلفه‌های زمینه‌ای، ویژگی‌های فضایی و تاب‌آوری در چه شرایطی قرار دارد؟ چه رابطه‌ای میان مؤلفه‌های زمینه‌ای، قابلیت‌های فضایی و تاب‌آوری فضایی حاکم است؟ و در نهایت میزان تأثیرگذاری متغیرها بر تاب‌آوری فضایی بازار تاریخی تبریز چقدر است؟

۲. چارچوب نظری

درخصوص موضوع تاب‌آوری فضاها به ویژه در مراکز خرده‌فروشی

- 1 Equilibrist approach
- 2 Evolutionary approach

مطالعات کمی صورت گرفته که می‌توان به این موارد اشاره نمود: اوزودورو و همکاران در بررسی تأثیر مراکز خرید بر تاب‌آوری خیابان‌های تجاری به این نتیجه رسیدند که علی‌رغم افزایش رقابت بین انواع فضاهای خرده‌فروشی، تمامی مصرف‌کنندگان در آنکارا هم مراکز خرید و هم خیابان‌های تجاری را مورد استفاده قرار دادند و این امر باعث کاهش زیست‌پذیری هیچ یک از آنها نشده و ارائه خدمات متنوع علاوه بر تنوع و کیفیت عرضه، ویژگی مهمی برای سطح تاب‌آوری است (Ozuduru et al., 2014:145). کارهلم و همکاران در بررسی وابستگی متقابل سه نوع مختلف فضاهای خرده‌فروشی با توسعه مفهوم تاب‌آوری فضایی نشان دادند، مناطق مختلف خرده‌فروشی به طور مستقل به دنبال منطق کسب‌وکار خود هستند و تاب‌آوری فضایی به واسطه راهبردهایی به‌سوی سیالیت به دست آمده است (Kärholm et al., 2014:121). کاپین‌هو نیز در تحقیقی با عنوان مشتریان و ارزیابی تاب‌آوری سیستم‌های خرده‌فروشی از تئوری فرهنگ مشتری استفاده کرده و نشان داد، در سطح نامحسوسی، سمبل‌ها و نشانه‌های تفسیر شده به وسیله مشتریان بخش‌های اختصاصی خرید را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مشتریان با در نظرگیری ابعاد سمبلیک مناظر خرید، احتمالاً در کاهش آسیب‌پذیری و ارتقای تاب‌آوری نقش مؤثری داشته باشند (Cachinho, 2014:143). همچنین پروژه REPLACIS به وسیله محققان دانشگاه‌های کشورهای پرتغال، فرانسه، سوئد و ترکیه انجام گرفته که به بررسی تاب‌آوری سیستم‌های خرده‌فروشی در مناطق شهری و همچنین شیوه‌هایی که سیستم‌های خرده‌فروشی به پایداری و تاب‌آوری شهری کمک می‌کند، متمرکز شده است. در این مطالعات، محققان به ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی فضاهای شهری پرداختند و مکان‌های خرده‌فروشی و ویژگی‌های فیزیکی آنها از لحاظ قابلیت دسترسی، حفاظت ساختمان، کاربری زمین و کیفیت محیطی فضاهای عمومی مورد تأکید قرار گرفت (Barata-Salgueiro and Erkip 2014:109). شیرانی و همکاران در بررسی تاب‌آوری فضایی بازار قیصریه اصفهان، دو بعد کالبدی و اجتماعی بازار را مدنظر قرار دادند و عوامل مؤثر بر تاب‌آوری را از بعد کالبدی، ساخت انعطاف‌پذیر و مستحکم بازار به‌همراه مرمت مستمر که از طریق نسبت مطلوب توده و فضا، مدول‌سازی، استفاده از مصالح بومی و فرم متناسب با کاربری حاصل شده، شناسایی کردند و از بعد اجتماعی، وجود کاربری‌های متنوع، هویت، آسایش محیطی و عوامل زیبایی‌شناختی، دسترسی و حرکت آسان و سرانجام تعلق خاطر به مکان را مؤثر دانستند (Shirani et al., 2017:49). سینگلتن و همکاران در بررسی اثر خریدهای اینترنتی نشان دادند، مراکز خرده‌فروشی جذاب و بزرگ مقیاس مانند هسته‌های مرکزی کلانشهرها به‌همراه مراکز کوچک تخصصی که الزامات خرید را تسهیل می‌کنند، در برابر رشد روزافزون فروش‌های اینترنتی تاب‌آور هستند و مراکز فرعی با اندازه متوسط به‌عنوان آسیب‌پذیرترین مکان‌ها شناخته شده‌اند که عدم تنوع و عدم پیکربندی مناسب فضا برای سیستم خرده‌فروشی معاصر، به‌عنوان برجسته‌ترین عوامل ایجاد آسیب مطرح هستند (Singleton et al., 2016:13). رانو و سامرز در مطالعه نحوه مقابله دو شهر ادمنتون و پرتلند با موج نوآوری‌ها در قالب خرده‌فروشی‌ها بعد از جنگ جهانی دوم، از تئوری تاب‌آوری مراکز خرده‌فروشی استفاده کردند. این مطالعه نشان داد، مناطق

هستند) (Kärrholm et al., 2014:128). در همین راستا کارهلم و همکاران مفهوم فضای تاب‌آور یا شهر پایدار را در بر دارنده تشابه‌هایی با مفهوم معماری انعطاف‌پذیر عنوان کردند. مفهوم انعطاف‌پذیری به وسیله هرترزبرگر^۲ با واژه چندظرفیتی^۳ به‌روزرسانی شده و این مفهوم چندظرفیتی خیلی مشابه تاب‌آوری فضایی است. پس فضای تاب‌آور یا چندظرفیتی می‌تواند از لحاظ سیالیت یا به‌طور مشخص‌تر، از لحاظ توپولوژی سیال^۴ توصیف شود (Ibid:122).

فیندلی و اسپارکس ظرفیت تغییر را به‌عنوان یکی از ابعاد کلیدی بخش خرده‌فروشی سالم برشمردند (Findlay & Sparks, 2009:35) که به نظر کامینگ و کولیر سیستم‌های پیچیده علاوه بر این که پویا هستند، ممکن است سطح بالایی از تغییرپذیری را در فضا و زمان نشان دهند (Cumming & Collier, 2005:1). البته توجه به این نکته ضروری است که تاب‌آوری فضایی با توجه به ایده تغییرپذیری^۵ فضایی الگوها و فرایندها که هم اثر می‌گذارد و هم تحت تأثیر تاب‌آوری سیستم‌های محلی است، بر اهمیت زمینه، ارتباط و موقعیت در تاب‌آوری متمرکز است (Cumming, 2011b:899). همچنین تغییرپذیری مربوط به توانایی‌های افراد برای تغییر ساختارها و سیستم‌های وسیع‌تر است (Bernier & Meinzen-Dick, 2014:6). در سیستم‌های اجتماعی مردم مزایای زیادی از تعلق به شبکه‌های اجتماعی کسب می‌کنند، این مزایا به‌طور جمعی سرمایه اجتماعی هستند و روابط اجتماعی بین کاربران در یک شبکه می‌تواند تاب‌آوری فضایی را تحت تأثیر قرار دهد (Cumming, 2011a:190). تعهدات، همبستگی و ارتباطات سه‌گونه سرمایه اجتماعی هستند. البته در این میان باید به نقش مهمی که سرمایه اجتماعی در ساختن، حفظ و تقویت ظرفیت تغییرپذیری و دیگر ظرفیت‌های تطبیق‌پذیری و مقاومت ایفا می‌کند (Bernier & Meinzen-Dick, 2014:6) توجه داشت. با جمع‌بندی نظریات پژوهشگران، مؤلفه‌ها و ریزمؤلفه‌های فضای تاب‌آور در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

همچنین گفتنی است، ویژگی‌های انعطاف‌پذیری و تغییرپذیری از بعد فضایی تاب‌آوری برای ارتقای تاب‌آوری تعریف شده که ریزمؤلفه‌های آنها در ادامه مشخص گردیده است.

۲.۱.۲. تاب‌آوری از دیدگاه تطبیق‌پذیری

ریگلی و دولگا در بررسی عملکرد مراکز شهر بریتانیا و تطبیق‌پذیری آنها به شوک‌های بحران اقتصادی این مفهوم که مراکز خرده‌فروشی می‌توانند به بیکربندی قبلی خود بازگردند، رد کرده و مفهوم تاب‌آوری تطبیق‌پذیر را توسعه دادند (Wrigley & Dolega, 2011:2337-2339). چرخه تطبیق‌پذیری در زمینه مراکز خرده‌فروشی به وسیله دلگا و سلینسکاژ-انوویتز مطابق تصویر شماره ۱ ارائه شده است. از این رو مراکز خرده‌فروشی به‌عنوان سیستم‌های اقتصادی پویا و پیچیده‌ای که به‌طور مداوم در حال رشد هستند، می‌توانند مشاهده شوند که خودسازماندهی^۶ را با رشد تطبیق‌پذیری نسبت به تغییرات محیط

خرده‌فروشی نه تنها تقاضای کالاها و خدمات مختلف را تأمین می‌کنند، بلکه تاب‌آوری این مناطق همچنین به حفظ عملکردهای عمومی و پایداری اجتماعی منجر می‌شود. این بررسی سیستم‌های پیچیده را تاب‌آور شناسایی کرد و نشان داد، مراکز خرده‌فروشی شهر پرتلند با استفاده از مدیریت انطباقی برای مقابله با تغییرات بازار، به‌طور گسترده‌ای عملکرد خرده‌فروشی و عمومی خود را در منطقه حفظ کرده و به سیستم چندمرکزی، پیچیده، قابل تطبیق و تاب‌آور منجر شده است. در حالی که سیستم خرده‌فروشی شهر ادمنتون در اثر برنامه‌ریزی سخت‌گیرانه، بخش عمده‌ای از عملکرد عمومی خود را از دست داده و سیستم ساده، متمرکز و مستعد فروپاشی را به وجود آورده است (Rao and Summers 2016:103-104). گیمارس با تجزیه و تحلیل راهبردهای تاب‌آوری به کار برده شده، در سه مرکز خرید قدیمی در شهر لیسبون پرتغال برای غلبه بر روند نزولی، دو دسته راهبرد را شناسایی کرد. راهبردهای منظم که عمدتاً به اقدامات و مداخلاتی با عمق کم اشاره دارد، مانند ساختار مدیریتی هدفمند به‌منظور ایجاد سرعت و سهولت در خرید، جذب برندهای خاص و سرمایه‌گذاران خارجی و تغییر در ترکیب مستأجران که با هدف حفظ حضورپذیری و زیست‌پذیری مکان‌های خرده‌فروشی انجام می‌شود و راهبردهایی که به ندرت و در برخی مواقع با هدف تغییر ویژگی‌های خاص مرکز خرید انجام می‌شود، مانند بازسازی کالبدی، برقراری دسترسی به پارکینگ، جایگزینی کاربری قدیمی و بدون جذابیت با کاربری جدید، نوع مالکیت (اختصاص به یک شرکت) و گسترش فودکورت‌ها به اقدامات و مداخلات عمیق اشاره دارد (Guimarães, 2018:168-169).

۲.۱. مباحث تاب‌آوری

۲.۱.۱. فضای تاب‌آور

تاب‌آوری فضایی نخستین بار به‌عنوان ظرفیت پویا برای مقابله با اختلالات و اجتناب از قلمروها مورد استفاده قرار گرفت (Nyström & Folke, 2001:406). بعد فضایی تاب‌آوری به‌عنوان تعامل در مقیاس‌های مختلف، بین خواص فضایی سیستم و اجزای مختلف سازنده سیستم بررسی می‌شود که معمولاً در تعریف تاب‌آوری نیز گنجانده شده (Cumming, 2011b:902) و به موضوع تداوم حیات فضاها با حفظ هویت می‌پردازد (Shirani et al., 2017:50) که بیانگر احتمال استفاده‌های متفاوت، قابلیت‌ها، تطبیق‌ها و پذیرفتن تغییرات بدون تغییر هویت است (Kärrholm et al., 2014:122). به عبارتی تاب‌آوری فضایی به‌عنوان توانایی سیستم برای حفظ هویتش است (Cumming, 2011b:902). درکل فضاهای تاب‌آور با حفظ و تداوم اجزا و روابط اساسی در طول زمان مساوی پنداشته شده‌اند (Speranza et al., 2014:110). در رابطه با تاب‌آوری مراکز خرید، سیستم خرید و فروش نه تنها باید به نیازها، خواسته‌ها و تمایلات استفاده‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان مختلف به صورت پایدار پاسخ دهد بلکه باید بخشی از یک فضای تاب‌آور نیز باشد (Kärrholm et al., 2014:122; Rao & Summers, 2016:98). البته مفهوم اساسی دیگر برای فضاهای خرید تاب‌آور باید تعادل در تنوع خرده‌فروشی‌ها و دیگر فعالیت‌ها باشد (درعین حال که در عملکرد اصلی خود فعال

2 Hertzberger

3 Polyvalence

4 Fluid topology

5 Variability

6 Self-Organization

جدول شماره ۱: مؤلفه‌ها و ریزمؤلفه‌های فضای تاب‌آور

مؤلفه‌ها	ریزمؤلفه‌ها	مأخذ
عملکرد و فعالیت	تعادل در تنوع فعالیت‌ها و خدمات با حفظ عملکرد اصلی	Kärholm et al., 2014
	حفظ اجزا و روابط کلیدی و تداوم آنها در طول زمان	Cumming, 2011a,b; Speranza et al. 2014
رضایت کاربران	حفظ هویت	Kärholm et al., 2014; Shirani et al., 2017 Cumming, 2011b;
	پاسخگویی نیازها، خواسته‌ها و تمایلات استفاده‌کنندگان	Rao and Summers 2016 Kärholm et al., 2014;
پویایی	پویایی فضایی	Cumming, 2011a,b

درک جذابیت‌های محلی دموگرافیکی به همان اندازه تاب‌آوری مراکز خرده‌فروشی مهم است (Birkin et al., 2002).

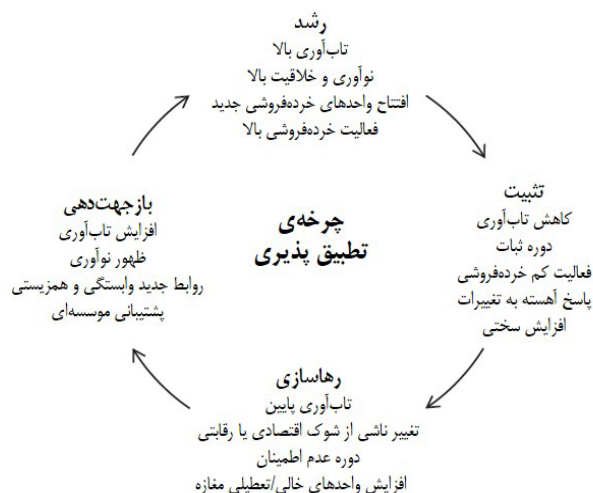
با توجه به این که مطالعه حاضر در بررسی موضوع پژوهش، بیشتر منعکس‌کننده مفهوم تطبیق‌پذیری تاب‌آوری است. با واکاوی این دیدگاه، توانایی واکنش‌پذیری و تطبیق‌پذیری به عنوان قابلیت‌های تعیین‌کننده برای تاب‌آوری فضاها از این بخش استخراج شد که با در نظرگیری دو قابلیت (انعطاف‌پذیری و تغییرپذیری) مدنظر در مباحث بعد فضایی تاب‌آوری در جدول شماره ۲ این قابلیت‌ها و ریزمؤلفه‌های آنها نشان داده شده است.

۲.۲. مؤلفه‌های زمینه‌ای

مفهوم زمینه با عناوین مختلف متن، محیط پیرامون، سایت، بستر و مکان در متون مختلف نام برده می‌شود. توجه به این خصوصیات و ارزش‌ها، زمینه کالبدی را به عنوان تنها محور بحث زمینه‌گرایی مطرح نمی‌کند، بلکه زمینه‌گرایی توجه به دیگر ارزش‌های محیط پیرامون را نیز در بر می‌گیرد. رابرت ونتوری تأکید دارد که هر بنایی باید براساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی و شرایط خاص آن سایت و ساختمان طراحی و اجرا گردد (Venturi et al., 1977). پس رویکرد زمینه‌گرایی، معماری را مطرح می‌کند که به مسائل محیطی

خارجی برجسته می‌کنند (Singleton et al., 2016:6). در این زمینه مارتین بر توانایی سیستم‌های پیچیده برای پیش‌بینی یا شناخت شوک‌ها و عمدتاً انطباق و یا سازماندهی مجدد تأکید کرده است (Martin, 2012:26-29). در همین راستا سیستم‌های پیچیده اغلب با رفتار خودسازماندهی و ظرفیت تطبیق‌پذیری که آنها را قادر می‌سازد تا ساختار داخلی خود را در واکنش به شوک‌های غیرمنتظره و فرایندهای تغییر تدریجی مجدد پیکربندی کنند، مشخص می‌شوند (Dolega & Celinska-Janowicz, 2015:20).

تاب‌آوری تطبیق‌پذیر بر بازسازماندهی پیشگیرانه یا واکنش‌پذیر فرم و عملکرد یک سیستم برای به حداقل رساندن تأثیر شوک‌های غیرثابت تأکید دارد (Singleton et al., 2016:6; Barata-Salgueiro) and Erkip 2014:108. در این رابطه سیمیمی و مارتین تمایزی که فاسترا بین واکنش‌های خودانگیخته^۲ و تاب‌آوری آماده و برنامه‌ریزی شده کاربران در فرایند تطبیق‌پذیری قائل شده را یادآوری می‌کنند (Simmie & Martin, 2010). تاب‌آوری خودانگیخته به عنوان راهبرد واکنشی به وسیله خرده‌فروشان فردی انجام می‌گیرد و اساساً بر فعالیت خرده‌فروشی بازار تمرکز دارد. با این وجود، تاب‌آوری برنامه‌ریزی شده مستلزم درگیر شدن انجمن‌ها، شهرداری‌ها و سایر کاربران عمومی است که جامع‌تر بوده (Erkip et al., 2014:113) و در بعضی موارد تاب‌آوری عمدتاً پاسخ به ترجیحات مشتریان است (Ibid). در این خصوص



تصویر شماره ۱: چرخه تطبیق‌پذیری مراکز خرده‌فروشی - مأخذ: Dolega and Celinska-Janowicz 2015:21

- 1 Foster
- 2 Spontaneous

جدول شماره ۲: قابلیت های فضایی مؤثر بر تاب آوری و ریزمؤلفه های آن

قابلیت	ریزمؤلفه ها	ماخذ
انطباق پذیری	چند ظرفیتی، سیالیت	Kärholm et al., 2014
	حس تعلق به مکان	Shirani et al., 2017
	مدول سازی، تناسب مطلوب توده به فضا، فرم مطلوب و متناسب با کاربری	Dolega and Celińska-Janowicz 2015; Kärholm et al., 2014;
	تنوع	فعالیت، عرضه، خدمات، کاربری Shirani et al., 2017
طبیعی پذیری	توانایی نهادها و شبکه در یادگیری و تجربه، انعطاف در تصمیم و حل مشکل	Colburn & Seara, 2011
	رشد، بازجهت دهی	Dolega and Celińska-Janowicz 2015
	دسترسی و حرکت آسان	Rao and Summers 2016; Dolega and Shirani et al., 2017; Celińska-Janowicz 2015
	پیکربندی مجدد	Dolega and Celińska-Janowicz 2015; Wrigley & Dolega, 2011
	تعامل بین خواص فضایی سیستم و اجزای مختلف سازنده سیستم	Cumming, 2011a,b
	جاذبیت های محلی، نشانه ها و سمبل ها	Cachinho, 2014; Rao and Summers 2016
	تعاملات خود تقویتی، روابط اجتماعی، رفتار جمعی	Cumming, 2011a,b; Shirani et al., 2017
	سرمایه اجتماعی	تعهدات، همبستگی، ارتباطات Bernier & Meinzen-Dick, 2014
	آگاهی و به کارگیری تجربه مشترک، خاطرات و تاریخ مشترک	Colburn & Seara, 2011; Cumming, 2011a,b; Bernier & Meinzen-Dick, 2014; Erkip et al., 2014
	واکنش پذیری	تنوع سیستم اجتماعی
راهبرد خودانگیخته، ابتکاری و راهبرد برنامه ریزی شده		Erkip et al., 2014
راهبرد مقابله ای		حفاظت و مرمت مستمر، بازسازماندهی واکنش پذیر فرم و عملکرد Shirani et al., 2017
مشارکت توأم با اعتماد، هنجار و شبکه اجتماعی		Simmie & Martin, 2010; Barata-Salgueiro and Erkip 2014
خودسازماندهی		Dolega and Celińska-Janowicz 2015
تجربگی	مشارکت توأم با اعتماد، هنجار و شبکه اجتماعی	Debertin & Goetz, 2013; Cumming, 2011a
	توانایی افراد در تغییر ساختارها و سیستم های وسیع	Bernier & Meinzen-Dick, 2014
	پویایی	غیرخطی، عملکردی پسچیدگی Wrigley & Dolega, 2011; Martin and Sunley 2006
	الگوها و فرایندها، زنجیره خاص فضایی-زمانی	Cumming, 2011a,b

مطالعات خود به نظر بیوکین اشاره کردند که زمینه را در بر گیرنده الگوهای کاربری و قیمت زمین، پستی بلندی و اقلیم خرد، تاریخ و معنای نمادین و سایر واقعیت های اجتماعی فرهنگی می داند (Carmona et al., 2010). بنابراین با جمع بندی مطالب مطرح شده، تحقیق حاضر به پیروی از دیدگاه و نظریات محققان مختلف این رویکرد، چهار بعد پراهمیت کالبدی، فرهنگی-اجتماعی، تاریخی و اقلیمی زمینه ای را که اتفاق نظر علمی روی آنها وجود دارد، مبنای ارزیابی خود قرار داده است. در واقع هر بنای زمینه گرا، عضو هماهنگ و همخوان با بستر و محیط پیرامون است که تداوم و هماهنگی با ارزش های کالبدی، فرهنگی-اجتماعی، تاریخی و اقلیمی زمینه را نمایان می کند و در نظرگیری این مؤلفه ها و هماهنگی با زمینه تداوم ارزش ها و توان تطبیق و سازگاری بالای فضاها و در نتیجه تاب آوری در برابر اختلالات را در طول زمان در پی خواهد داشت. جدول شماره ۳ مؤلفه های زمینه ای، مفهوم و ریزمؤلفه ها را نشان می دهد. در زمینه کالبدی انسجام و پیوستگی ویژگی های فیزیکی محیط مدنظر است. در زمینه تاریخی ارتباط با گذشته، سنت ها و خاطرات به ویژه گونه های تاریخی تأکید می شود که به باور آلدوروسی گونه های تاریخی معماری در خاطر جمع نیمه آگاه شهروندان نهفته است (Rossi, 1982:42-47). در مؤلفه فرهنگی زمینه، عقیده بر این است که فرهنگ مجموعه قواعدی را می آفریند که شکل ساخته شده با ذاتی از آن است و مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش ها و باورها، جهان بینی و نظام های

و پیرامونی خود از طریق توجه به آنچه در پیرامون حاضر است، می پردازد (Nesbitt, 2007:186). در واقع هدف زمینه گرایی در طراحی اولویت بخشی و پاسخگویی به نیازهای مردمی است که در حال حاضر در آن مکان زندگی می کنند (Lejano & Kan, 2015:3). همچنین هدف معماری زمینه گرا، حفظ زیبایی طبیعی سایت از طریق طراحی دقیق است که به محیط اطراف آن مرتبط است. (Zhou & Zhang, 2015:748). از این رو کاپن داده های زمینه ای را تحت سه عنوان زمینه بصری، زمینه فرمال و زمینه انسانی مجزا کرده است. زمینه بصری که وحدت، هماهنگی و انسجام را تشکیل می دهد، زمینه انسانی که در بر گیرنده هویت، معنا، ارزش های محلی، فرهنگی و انسانی است و زمینه فرمال (شرایط اقلیم خرد سایت)؛ همگی در شکل گیری طراحی نقش مهمی را ایفا می کنند (Capon, 1999). در این راستا میس بر این باور است که رابطه هماهنگ بین بافت شهری و موضوع معماری توسط تداوم اتفاق می افتد؛ یکی از آرمان های معقول که در صورت تحقق احساس پیوستگی بین گذشته و آینده زیبایی می آفریند (Meiss, 1990). یوکا یوکیتو نیز با اشاره به مفهوم یکپارچگی و ضرورت آن در حفاظت از منظرهای فرهنگی به سه نوع مختلف این مفهوم یعنی انسجام عملکردی، انسجام ساختاری و انسجام بصری تأکید کرده است (Jokilehto, 1999). در حقیقت این رویکرد در مکانی نمود پیدا می کند که ویژگی های فضایی و تاریخی آن حفظ شده و ارتباط میان عناصر ساختمان انعکاس یابد (Stern, 1983). کارمونا و همکاران در

نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند (Rapoport, 1977:6). در مؤلفه اقلیمی زمینه، سازگاری با شرایط آب‌وهوایی مدنظر است که همانا، احترام به ظرفیت محیطی مورد مداخله و چرخه کامل حیات ساختمان و مجموعه‌های ساختمانی است (Golkar, 2008:108-109).

۲.۳. مدل نظری تحقیق

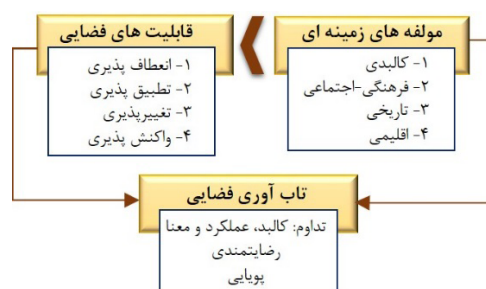
با توجه به مباحث مطرح شده، با تحلیل رابطه مؤلفه‌های کلیدی مطرح در حوزه مطالعات رویکرد زمینه‌گرایی، با مؤلفه‌های اساسی مطرح در قابلیت فضاها برای مواجهه با تحولات در حوزه مطالعات تاب‌آوری منجر به تهیه مدل نظری تحقیق گردید. براساس اهمیت زمینه در بحث تاب‌آوری فضایی می‌توان میزان توفیق فضاها در رسیدن به تاب‌آوری لازم را با میزان زمینه‌گرایی آنها محک زد. از این رو رویکرد زمینه‌گرایی در بحث تاب‌آوری از آن جهت اهمیت جدی‌تری به خود می‌گیرد که هرگونه راهبرد و تغییری در مواجهه با اختلالات برای حفظ حیات فضاها باید به‌گونه‌ای اتفاق بیفتد که بیشترین

همخوانی را با زمینه و بستر داشته باشد. بدین ترتیب از مباحث زمینه‌گرایی، چهار مؤلفه کالبدی، تاریخی، فرهنگی و اقلیمی محیطی به‌عنوان مؤلفه‌های پراهمیت زمینه‌ای مؤثر بر تدوام حیات فضاها استخراج شدند. همچنین گفتنی است با واکاوی مفاهیم کلیدی در حوزه مطالعات تاب‌آوری چهار مؤلفه انعطاف‌پذیری، تطبیق‌پذیری، تغییرپذیری و واکنش‌پذیری به‌عنوان قابلیت‌های فضایی مؤثر بر تدوام حیات شناسایی شدند. تصویر شماره ۲ ارتباط این مؤلفه‌ها با تاب‌آوری فضایی را نشان می‌دهد. به عبارتی با سنجش ارتباط زمینه‌گرایی و قابلیت فضایی با تاب‌آوری فضایی می‌توان به چگونگی تأثیر آنها پی برد.

برای هدایت و کاربردی‌تر کردن مدل نظری تحقیق به سمت مفاهیم و گویه‌های قابل سنجش، هریک از مؤلفه‌ها با استفاده از مطالعات مبانی نظری صورت گرفته (جدول‌های شماره ۲ و ۳) و در تلفیق با ویژگی‌های نمونه موردی به تفصیل دسته‌بندی و بسط داده شده و در مدل عملیاتی سنجش تاب‌آوری فضایی در بازار تاریخی تبریز در تصویر شماره ۳ ارائه گردید.

جدول شماره ۳: مؤلفه‌های زمینه‌ای و ریزمؤلفه‌های آن

مؤلفه‌ها	مفهوم	ریزمؤلفه‌ها
زمینه کالبدی	پیوستگی و انسجام	ارتباط بصری سازگار و همگون (Broiln, 1980)، هویت بصری (Carmona et al., 2010)، وحدت، هماهنگی و انسجام (Capon, 1999)، تداوم و پیوستگی (Meiss, 1990)، یکپارچگی و انسجام (عملکردی، ساختاری و بصری) (Jokilehto, 1999)
زمینه فرهنگی-اجتماعی	انطباق با معانی، باورها و ارزش‌های ایرانی-اسلامی	باورها، ارزش‌ها و جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک (Rapoport, 1977)، هویت، معنا، ارزش‌های محلی، فرهنگی و انسانی (Çizgen, 2012)، توجه به شیوه زندگی و ارتباط متقابل آن با سازمان فضایی، انطباق با مذهب و ارزش‌های ایرانی-اسلامی (shahizare et al., 2019)
زمینه تاریخی	ارتباط با سنت‌ها، خاطره جمعی و گونه‌های تاریخی	توجه به گونه‌های تاریخی معماری نهفته در خاطره جمعی و بصری (Rossi, 1982; Borden & Dunster, 1995)، ایده‌ها و اشکال گذشته (Tavallaee, 2001)، بهره‌گیری از اصول معماری گذشته متناسب با منطقه و حفظ اصالت بومی (shahizare et al., 2019)
زمینه اقلیمی-محیطی	هماهنگی با شرایط آب و هوایی	سازگاری با شرایط آب و هوایی و احترام به ظرفیت محیطی (Golkar, 2008)، شرایط اقلیم خرد سایت (Çizgen, 2012)، آسایش محیطی (Shirani et al., 2017)



تصویر شماره ۲: مدل نظری تحقیق

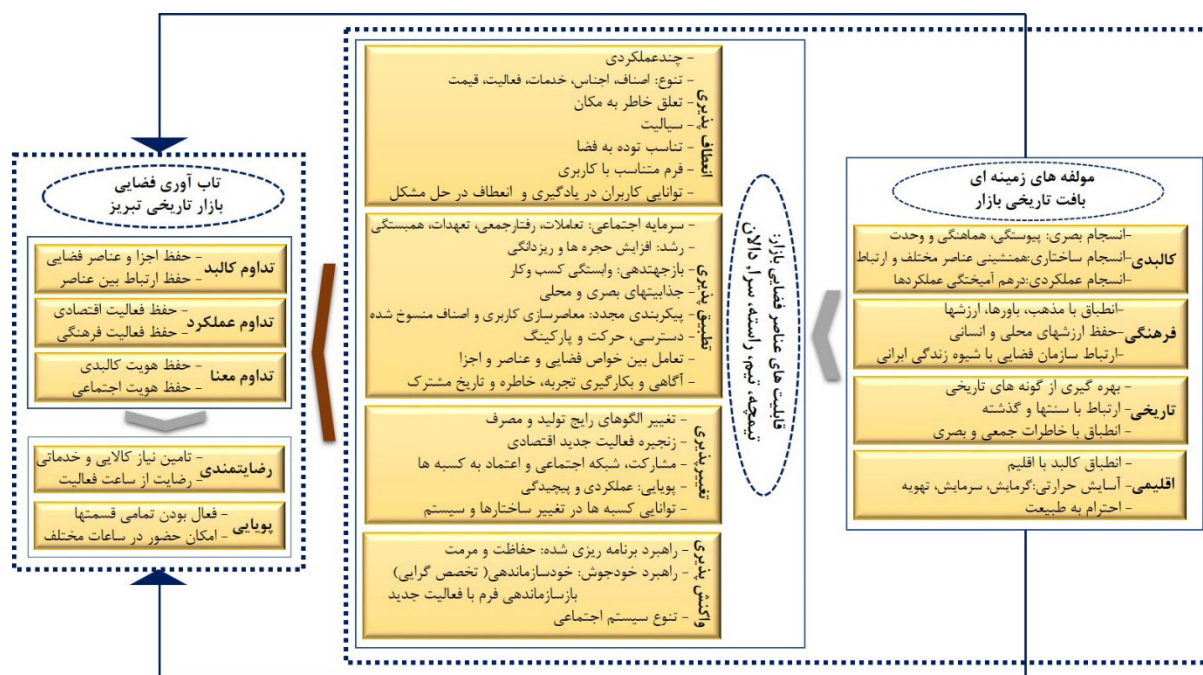
زمینه‌گرایی، ۳۰ سؤال برای سنجش قابلیت‌های فضایی و ۱۵ سؤال برای سنجش تاب‌آوری فضایی براساس مدل عملیاتی تحقیق (تصویر شماره ۳) است. در تنظیم پرسشنامه برای ارزیابی دیدگاه مراجعان بازار تاریخی تبریز از سؤالات بسته در طیف لیکرت پنج مقیاسی (خیلی زیاد تا خیلی کم) استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش مراجعان بازار تاریخی تبریز است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که برای ضریب خطای پنج درصد و سطح اطمینان ۹۵

۳. روش

این تحقیق از نظر هدف جزو تحقیقات کاربردی، به لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی مبتنی بر تحلیل پرسشنامه‌ها از طریق راهبرد همبستگی و به لحاظ زمانی جزو تحقیقات مقطعی آینده‌نگر محسوب می‌شود. روش گردآوری اطلاعات مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و بررسی میدانی است که ابزار گردآوری داده‌های اولیه، پرسشنامه مبتنی بر متغیرهای تحقیق با ۱۷ سؤال برای سنجش

قابلیت اعتماد و پایایی مناسب ابزار تحقیق است. متغیرهای مستقل تحقیق شامل چهار مؤلفه زمینه‌ای و قابلیت فضایی و متغیر وابسته تحقیق تاب‌آوری فضایی است. در نهایت اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه‌ها استخراج و برای رسیدن به اهداف تحقیق مورد تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون‌های پارامتریک t تک نمونه‌ای، برای تعیین وضعیت موجود و به منظور آزمون فرضیه تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندمتغیره به ترتیب برای بررسی ارتباط میان متغیرها و تحلیل میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته بهره گرفته شده است.

درصد تعداد ۳۵۷ نفر از مراجعان به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید و شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت تصادفی است. در این راستا روایی ابزار تحقیق به روش روایی محتوا و صوری با استفاده از نظرات اساتید دانشگاه و نیز صاحب‌نظران در زمینه میراث فرهنگی استان و با اصلاحات جزئی مورد تأیید ۱۰ نفر قرار گرفت. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه با استفاده از یک نمونه اولیه شامل ۴۰ پرسشنامه، پیش‌آزمونی انجام شد و میزان ضریب اعتماد محاسبه شده با روش آلفای کرونباخ برای کل سؤالات پرسشنامه ۰/۸۹۹ و برای سؤالات متغیرها به ترتیب، ۰/۷۸۰ برای مؤلفه‌های زمینه‌گرایی و ۰/۸۱۱ برای قابلیت‌های فضا و ۰/۷۷۵ برای تاب‌آوری فضا به دست آمد که بیانگر



تصویر شماره ۳: مدل عملیاتی سنجش تاب‌آوری در بازار تاریخی تبریز

کتابخانه و غیره است. تنوع تعاملات و فعالیت‌های اجتماعی بازار تبریز ویژگی منحصر به فرد آن تلقی می‌شود، به گونه‌ای که تبلور این تعاملات اجتماعی (تصویر شماره ۴: ج) در ساختار معماری یکپارچه و متنوع آن به خوبی مشاهده می‌شود و آن را به کامل‌ترین الگوی معماری بازار در جهان تبدیل می‌کند (ICHHTO, 2009: 298).

۴. بحث و یافته‌ها

برای سنجش و ارزیابی متغیرها در بازار بر پایه مدل عملیاتی تحقیق (تصویر شماره ۳) گویه‌هایی تنظیم و در بین جامعه هدف توزیع شد، سپس یافته‌های به دست آمده از پرسشنامه به صورت تحلیل کمی مورد بررسی و آنالیز قرار گرفت تا بتوان با شناخت عوامل و پتانسیل‌ها به مؤلفه‌های مؤثر بر دوام حیات فضاها دست پیدا کرد.

۴.۱. سنجش وضعیت موجود بازار تاریخی تبریز

بر اساس داده‌های حاصل، به منظور سنجش وضعیت موجود متغیرهای تحقیق از طریق آزمون t تک نمونه‌ای به بررسی تفاوت

۳.۱. محدوده مورد مطالعه
بازارهای تاریخی ایران به عنوان ستون فقرات شهرهای ایرانی شامل کالبدی است دارای توان بالقوه و بالفعل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (Abbasi et al., 2015: 304). اگرچه به نظر می‌رسد این روزها بعضی از نقش‌های بازارهای تاریخی در حال از بین رفتن است، اما این مکان‌ها هنوز هم در شهرهای خاصی از ایران میزبان بسیاری از رویدادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی (تصویر شماره ۴: الف) هستند (Nejad Ebrahimi et al., 2013: 63).

مجموعه بازار تاریخی تبریز به عنوان بزرگترین بازار تاریخی سرپوشیده جهان و کامل‌ترین عنصر شهری در سال ۱۳۸۹ به عنوان نخستین بازار جهان در فهرست آثار ثبت شده یونسکو قرار گرفت. این مجموعه یک کل منسجم (تصویر شماره ۴: ب) است که از هم‌نشینی عناصر مختلف در کنار یکدیگر شکل گرفته و چندعملکردی بودن آن، روابط انسانی را آسان نموده و این مجموعه را به کامل‌ترین مجموعه تجاری-فرهنگی جهان تبدیل نموده که شامل مراکز تجاری، مدارس، مساجد، حمام‌ها،



میانگین و قابلیت تطبیق پذیری با میانگین امتیاز ۳/۳۸ کمترین میزان امتیاز میانگین را به خود اختصاص داده‌اند.

بررسی میزان تاب‌آوری فضایی: میزان برخورداری بازار تاریخی تبریز از تاب‌آوری فضایی و مؤلفه‌های آن (جدول شماره ۵) بالاتر از حد میانگین (امتیاز ۳) است و اختلاف معنی‌داری برای مؤلفه‌های آن برقرار است. با توجه به میانگین نمونه آماری و اختلاف میانگین، وضعیت تاب‌آوری با امتیاز ۳/۶۸ در حد بالای متوسط قرار دارد و بیشترین امتیاز میانگین مربوط به تداوم معنا با امتیاز ۳/۸۰ و سپس پویایی با امتیاز ۳/۷۸ و کمترین امتیاز میانگین مربوط به رضایت مندی با امتیاز ۳/۴۵ است.

وضعیت موجود با معیار مقایسه ۳ پرداخته شد.

بررسی میزان زمینه‌گرایی و قابلیت‌های فضایی: طبق نتایج جدول شماره ۴ وضعیت زمینه‌گرایی بازار تاریخی تبریز با امتیاز ۳/۷۰ بالاتر از حد میانگین (امتیاز ۳) است. نسبت به میانگین معیار مقایسه، بیشترین امتیاز میانگین به ترتیب مربوط به زمینه تاریخی با امتیاز ۴/۰۰ و زمینه فرهنگی با امتیاز ۳/۸۲ و کمترین امتیاز میانگین مربوط به زمینه اقلیمی با امتیاز ۳/۳۱ است. در مجموع با توجه به میانگین نمونه آماری و اختلاف میانگین، زمینه تاریخی و فرهنگی در بهترین وضعیت قرار دارد. همچنین وضعیت قابلیت‌های فضایی با امتیاز ۳/۵۳ بالاتر از حد متوسط است. قابلیت انعطاف‌پذیری با میانگین امتیاز ۳/۶۴ و قابلیت تغییرپذیری با میانگین امتیاز ۳/۶۲ بیشترین میزان امتیاز

جدول شماره ۴: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای سنجش وضعیت زمینه‌گرایی و قابلیت‌های فضایی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مقدار مقایسه=۳	
			اختلاف میانگین	t
زمینه‌گرایی	۳/۷۰	۰/۲۷۵	۰/۷۱۰	۲۵**/۴۲۲
۱-کالبدی	۳/۷۰	۰/۷۶۲	۰/۶۹۳	۱۷**/۱۸۲
۲-فرهنگی	۳/۸۲	۰/۶۶۰	۰/۸۲۴	۲۳**/۵۹۰
۳-تاریخی	۴/۰۰	۴/۰۰	۱/۰۱	۲۸**/۱۲۸
۴-اقلیمی-محیطی	۳/۳۱	۰/۷۴۰	۰/۳۱۱	۷**/۹۲۹
قابلیت‌های فضایی	۳/۵۳	۰/۴۷۴	۰/۵۲۹	۲۱**/۰۶۵
۱-انعطاف‌پذیری	۳/۶۴	۰/۶۱۲	۰/۶۴۲	۱۹**/۸۳۴
۲-تطبیق‌پذیری	۳/۳۹	۰/۵۶۴	۰/۳۸۷	۱۳**/۹۶۵
۳-تغییرپذیری	۳/۶۲	۰/۶۱۱	۰/۶۱۷	۱۹**/۱۰۶
۴-واکنش‌پذیری	۳/۴۷	۰/۵۶۲	۰/۴۷۲	۱۵**/۸۵۶

** به معنای معنی‌دار در سطح احتمال ۱٪

جدول شماره ۵: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای سنجش وضعیت موجود تاب‌آوری فضایی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مقدار مقایسه=۳	
			اختلاف میانگین	t
تاب‌آوری فضایی	۳/۶۸	۰/۵۰۰	۰/۶۸۰	۲۵**/۷۱۷
۱-تداوم کالبد	۳/۶۰	۰/۷۶۰	۰/۶۲۲	۱۵**/۴۶۶
۲-تداوم عملکرد	۳/۷۵	۰/۷۱۶	۰/۷۵۴	۱۹**/۹۰۶
۳-تداوم معنا	۳/۸۰	۰/۸۰۸	۰/۷۸۶	۱۸**/۳۷۶
۴-رضایت‌مندی	۳/۴۵	۰/۸۰۶	۰/۴۵۳	۱۰**/۶۱۹
۵-پویایی	۳/۷۸	۰/۵۸۳	۰/۷۸۵	۲۵**/۴۲۰

** به معنای معنی‌دار در سطح احتمال ۱٪

۴٫۲. تحلیل روابط میان متغیرها

ضریب ۰/۵۵۳ و کمترین همبستگی بین زمینه اقلیمی-زمینه کالبدی با ضریب ۰/۳۲۱ برقرار است.

رابطه قابلیت‌های فضایی و تاب‌آوری فضایی: نتایج (جدول شماره ۷) نشان‌دهنده وجود ارتباط معنی‌دار میان دو متغیر قابلیت‌های فضایی و تاب‌آوری فضایی است. بیشترین همبستگی به ترتیب مربوط به قابلیت تطبیق پذیری تاب‌آوری (۲=۰/۶۳) و قابلیت واکنش پذیری تاب‌آوری (۲=۰/۶۲۷) و کمترین همبستگی مربوط به قابلیت انعطاف پذیری تاب‌آوری (۲=۰/۴۰) است. در میان متغیرهای قابلیت‌های فضایی، بین قابلیت واکنش پذیری تغییرپذیری با ضریب ۰/۶۰ بیشترین همبستگی و بین قابلیت واکنش پذیری انعطاف پذیری با ضریب ۰/۴۸۰ کمترین همبستگی برقرار است.

جدول شماره ۶: نتایج آزمون همبستگی بین مؤلفه‌های زمینه‌ای با تاب‌آوری

متغیرها	زمینه کالبدی	زمینه فرهنگی	زمینه تاریخی	زمینه اقلیمی
زمینه فرهنگی	۰/۴۱۸**			
زمینه تاریخی	۰/۳۴۱**	۰/۵۵۳**		
زمینه اقلیمی	۰/۳۴۲**	۰/۴۱۵**	۰/۳۶۹**	
تاب‌آوری	۰/۴۰۹**	۰/۴۶۰**	۰/۴۷۲**	۰/۵۶۰**

** به مفهوم معنی‌دار در سطح احتمال ۱٪

جدول شماره ۷: نتایج آزمون همبستگی بین قابلیت‌های فضایی با تاب‌آوری

متغیرها	انعطاف‌پذیری	تطبیق‌پذیری	تغییرپذیری	واکنش‌پذیری
تطبیق‌پذیری	۰/۵۱۰**			
تغییرپذیری	۰/۵۰۴**	۰/۵۶۸**		
واکنش‌پذیری	۰/۴۸۰**	۰/۵۵۹**	۰/۶۰۰**	
تاب‌آوری	۰/۴۰۰**	۰/۶۳۰**	۰/۵۳۹**	۰/۶۲۷**

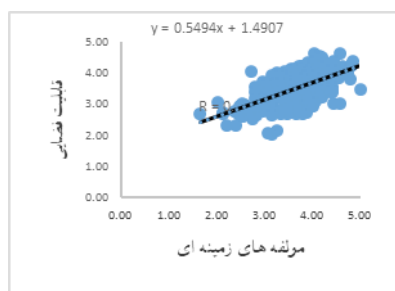
** به مفهوم معنی‌دار در سطح احتمال ۱٪

۴٫۳. تحلیل میزان اثرگذاری مؤلفه‌ها بر تاب‌آوری فضایی

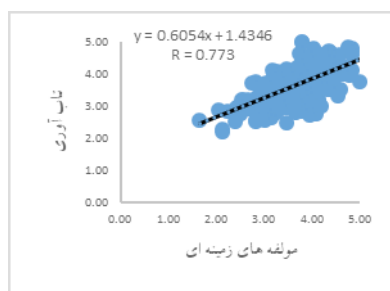
به منظور رتبه‌بندی و بررسی میزان تأثیر متغیرها بر تاب‌آوری فضای نمونه‌موردی از آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شد. نتایج آزمون (جدول‌های شماره ۸، ۹، ۱۰) نشان داد سطح معنی‌داری به دست آمده کمتر از ۰/۰۱ است که این امر حاکی از میزان برخورداری حد بالای تاب‌آوری فضایی نمونه از متغیرهای تحقیق است.

سنجش میزان اثرگذاری زمینه‌گرایی: یافته‌های جدول شماره ۸ نشان‌دهنده برقراری ارتباط خطی بین مؤلفه‌های زمینه‌ای و تاب‌آوری فضایی و تأیید فرضیه پژوهش است. با توجه به ضرایب بتا استاندارد

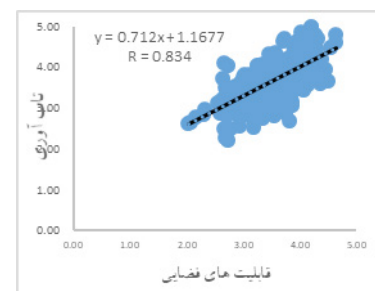
همچنین بررسی روند ارتباط خطی بین دو متغیر (تصویر شماره ۵) نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های زمینه‌ای، قابلیت‌های فضایی و تاب‌آوری فضایی در بازار تاریخی تبریز ارتباط قوی وجود دارد. به ترتیب اهمیت بین قابلیت‌های فضایی تاب‌آوری با ضریب ۰/۸۳۴ (تصویر الف) و مؤلفه‌های زمینه‌ای تاب‌آوری با ضریب ۰/۷۷۳ (تصویر ب) و مؤلفه‌های زمینه‌ای - قابلیت‌های فضایی با ضریب ۰/۷۶۷ (تصویر ج) همبستگی برقرار است. معادله خطی مربوط به هر کدام از مؤلفه‌ها در بالای تصویر مربوطه نشان داده شده است. بدین ترتیب بیشترین همبستگی بین قابلیت‌های فضایی و تاب‌آوری فضایی مشاهده شده است.



ج: ارتباط خطی بین مؤلفه‌های زمینه‌ای و قابلیت‌های فضایی



ب: ارتباط خطی بین تاب‌آوری و مؤلفه‌های زمینه‌ای



الف: ارتباط خطی بین تاب‌آوری و قابلیت‌های فضایی

تصویر شماره ۵: ارتباط خطی بین متغیرهای تحقیق

بیشترین میزان اثرگذاری بر تاب‌آوری به ترتیب مربوط به قابلیت تطبیق‌پذیری با ضریب بتا $0/365$ و قابلیت واکنش‌پذیری با ضریب بتا $0/351$ و کمترین میزان اثرگذاری مربوط به قابلیت تغییرپذیری با ضریب بتا $0/121$ است که در درجه اهمیت پایین‌تری قرار دارد. بنابراین بازار تاریخی تبریز از لحاظ تاب‌آوری تحت تأثیر سه قابلیت تطبیق‌پذیری، واکنش‌پذیری و تغییرپذیری قرار دارد و رابطه خطی معنی‌داری بین قابلیت انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری برقرار نیست. در نتیجه ترتیب میزان اثرگذاری به صورت تطبیق‌پذیری < واکنش‌پذیری < تغییرپذیری است و معادله خطی زیر بین مؤلفه‌ها برقرار است:

$$(قابلیت تغییرپذیری) 0/099 + (قابلیت واکنش‌پذیری) 0/312 + (قابلیت تطبیق‌پذیری) 0/324 = \text{تاب‌آوری}$$

شده، بیشترین میزان اثرگذاری به ترتیب مربوط به زمینه اقلیمی با ضریب $0/378$ و سپس زمینه تاریخی با ضریب بتا $0/212$ و کمترین میزان اثرگذاری مربوط به زمینه کالبدی با ضریب بتا $0/12$ است که در درجه اهمیت پایین‌تری قرار دارد. ترتیب میزان اثرگذاری به این صورت است: زمینه اقلیمی < زمینه تاریخی < زمینه فرهنگی < زمینه کالبدی؛ و معادله خطی زیر بین مؤلفه‌ها برقرار است:

$$(زمینه کالبدی) 0/039 + (زمینه فرهنگی) 0/103 + (زمینه تاریخی) 0/156 + (زمینه اقلیمی) 0/255 + 1/481 = \text{تاب‌آوری}$$

سنجش میزان اثرگذاری قابلیت‌های فضایی: نتایج رگرسیون (جدول شماره ۹) حاکی از میزان برخورداری حد بالای تاب‌آوری فضایی از قابلیت‌های فضایی است. با توجه به ضرایب بتای استاندارد شده،

جدول شماره ۸: نتایج آزمون رگرسیون بین مؤلفه‌های زمینه‌ای و تاب‌آوری فضایی

Sig.	t	ضرایب استاندارد نشده		مؤلفه‌ها
		Beta	B	
0/000	10/236	-	0/145	مقدار ثابت
0/000	8/255	0/378	0/031	زمینه اقلیمی
0/000	4/293	0/212	0/036	زمینه تاریخی
0/001	3/467	0/158	0/030	زمینه فرهنگی
0/021	2/313	0/120	0/039	زمینه کالبدی

جدول شماره ۹: نتایج آزمون رگرسیون بین قابلیت‌های فضایی و تاب‌آوری

Sig.	t	ضرایب استاندارد نشده		مؤلفه‌ها
		Beta	B	
0/000	8/590	-	0/133	مقدار ثابت
0/000	7/656	0/365	0/031	تطبیق‌پذیری
0/000	7/142	0/351	0/036	واکنش‌پذیری
0/015	2/438	0/121	0/040	تغییرپذیری

دارند و بیشترین میزان اثرگذاری بر تاب‌آوری فضایی نمونه مربوط به قابلیت‌های فضایی است، بنابراین تمامی متغیرهای مستقل تحقیق قدرت تبیین زیادی دارند و می‌توانند تغییرات و واریانس متغیر وابسته را به خوبی نشان دهند.

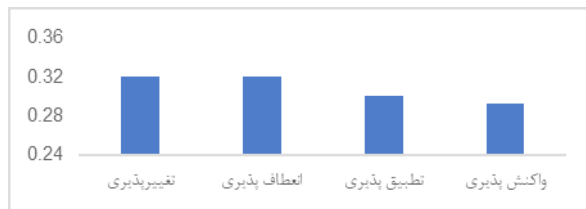
(مؤلفه‌های زمینه‌گرایی) $0/342 + (قابلیت‌های فضایی) 0/480 + 0/718 = \text{تاب‌آوری}$

سنجش میزان اثرگذاری زمینه‌گرایی و قابلیت‌های فضایی بر تاب‌آوری فضایی: نتایج جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های زمینه‌ای و قابلیت‌های فضایی با تاب‌آوری فضای بازار ارتباط خطی برقرار است ($\text{Sig}=0$). قابلیت‌های فضایی با ضریب بتا استاندارد شده $0/455$ و مؤلفه‌های زمینه‌ای با ضریب بتا استاندارد شده $0/361$ بر تاب‌آوری بازار تاریخی تبریز تأثیر مثبت و معنی‌داری

جدول شماره ۱۰: نتایج آزمون رگرسیون بین مؤلفه‌های زمینه‌ای و قابلیت‌های فضایی با تاب‌آوری فضایی

Sig.	t	ضرایب استاندارد نشده		مؤلفه‌ها
		Beta	B	
0/000	4/890	-	0/147	مقدار ثابت
0/000	9/982	0/455	0/048	قابلیت‌های فضایی
0/000	7/923	0/361	0/043	مؤلفه‌های زمینه‌ای

بیشترین میزان اثرگذاری بر قابلیت فضایی به ترتیب مربوط به شاخص‌های انعطاف‌پذیری و تغییرپذیری و کمترین میزان اثرگذاری مربوط به شاخص‌های واکنش‌پذیری است. در نتیجه می‌توان گفت در بررسی میزان اثرگذاری شاخص‌ها بر متغیرها، شاخص‌های فرهنگی و انعطاف‌پذیری بیشترین و شاخص‌های کالبدی و واکنش‌پذیری کمترین تأثیر را دارند.



تصویر شماره ۶: ب- میزان اثرگذاری شاخص‌ها بر قابلیت فضایی

سنجش میزان اثرگذاری شاخص‌ها بر زمینه‌گرایی و قابلیت فضایی: به منظور رتبه‌بندی و تعیین میزان تأثیر شاخص‌ها بر زمینه‌گرایی و قابلیت فضایی نتایج نشان داد (تصویر شماره ۶: الف) بیشترین میزان اثرگذاری بر زمینه‌گرایی مربوط به شاخص‌های فرهنگی و اقلیمی و کمترین مربوط به شاخص کالبدی است. طبق (تصویر شماره ۶: ب) با توجه به ضرایب بتا استاندارد شده،



تصویر شماره ۶: الف- میزان اثرگذاری شاخص‌ها بر زمینه‌گرایی

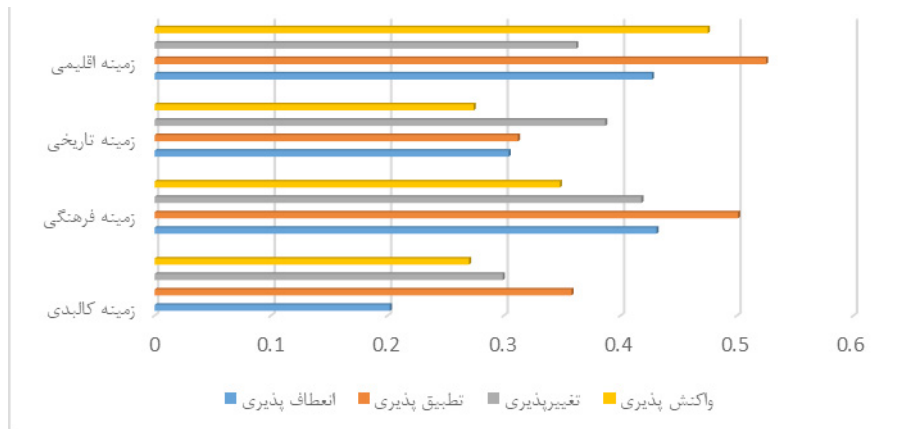
۴.۴. بحث

مطلوب‌تری قرار می‌گیرد. در تأیید یافته‌های مطالعه حاضر درباره قابلیت‌های فضای تاب‌آور تحقیقات ارکیپ و همکاران نشان داد، راهبردهای تاب‌آوری خرده‌فروشان سنتی به جای کنش‌گرایی، واکنش‌گرایی است. این وضعیت آنها را برای انطباق هرچه سریع‌تر در برابر تغییرات از طریق انعطاف‌پذیری فراهم کرده و آنجایی که سیاست جامع خرده‌فروشی در ترکیه وجود ندارد، راهبردهای واکنش‌گرا به استفاده برنامه‌ریزی نشده از فضای شهری منجر شده (Erkip et al., 2014: 112) و این که خرده‌فروشان خیابانی و سایر عوامل با استفاده از راهبردهای ابتکاری تاب‌آوری در برابر تغییر شکل‌ها در امان ماندند و سطح تطبیق‌پذیری و انعطاف‌پذیری سیستم بالا است (Ibid: 119-120). به طور خاص، ریگی و دولگا نیز واکنش مراکز شهر بریتانیا به شوک‌های اقتصادی و رقابتی را به عنوان عملکردی از ترکیب و وابستگی‌های کسب‌وکار موجود، پویایی مراکز، تنوع، دسترسی، سیاست‌های برنامه‌ریزی ملی و خصوصیات اجتماعی-دموگرافیکی جذایت‌های محلی استدلال کردند که این ویژگی‌ها و فعالیت‌ها مسئولیت ایجاد ظرفیت تطبیق‌پذیری در مرکز شهر را به عهده دارند. اغلب شوک‌ها فرصت‌های جدیدی برای توسعه و نوآوری ایجاد می‌کند که به نوبه خود منجر به ظهور مراکز شهر تطبیق‌پذیرتر می‌شود که نشان‌دهنده ارتقای تاب‌آوری و قابلیت بیشتر مقاومت در برابر اختلالات آینده است (Wrigley & Dolega, 2011). همچنین این یافته با نتایج یافته‌های کارهلم و همکاران (۲۰۱۴) و شیرانی و همکاران (۲۰۱۷) که فضای تاب‌آور را فضای انعطاف‌پذیر معرفی کرده‌اند، همخوانی دارد. همچنین با توجه به وجود ارتباط معنی‌دار بین زمینه‌گرایی و قابلیت‌های فضایی، مطابق تصویر شماره ۷ بررسی میزان برخورداری مؤلفه‌های زمینه‌ای از قابلیت‌های فضایی بر اساس داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها مبین این است، هر چهار مؤلفه زمینه‌ای بازار از میزان پتانسیل و ویژگی‌های فضایی مناسبی برای ادامه فعالیت برخوردار است. در این بین زمینه اقلیمی و فرهنگی از لحاظ برخورداری از قابلیت‌های فضایی در بهترین وضعیت قرار دارند و دارای ارتباط قوی با ویژگی‌های فضایی هستند. از این رو چهار مؤلفه زمینه‌ای در تناظر با چهار قابلیت فضایی منجر به تدوام حیات فضا می‌گردند.

با توجه به هدف تحقیق، بررسی یافته‌های حاصل در خصوص زمینه‌گرا بودن فضای تاب‌آور بازار نشان داد، بیشترین اثرگذاری بر تاب‌آوری به ترتیب مربوط به مؤلفه اقلیمی و تاریخی زمینه‌ای است؛ در حالی که زمینه اقلیمی و تاریخی بازار به ترتیب دارای کمترین و بیشترین امتیاز هستند. این امر حاکی از آن است که همخوانی فضا با شرایط اقلیمی و آسایش محیطی و نیز انطباق با گونه‌های بومی و خاطرات جمعی در بازه زمانی طولانی در حفظ حیات فضا نقش عمده‌ای دارند. ولی امتیاز پایین وضعیت زمینه اقلیمی بیانگر مشکل سرمایه‌اش و به ویژه گرمایش سراها و راسته‌هایی با سقف شیروانی و نیز کمبود فضای سبز است. در خصوص قابلیت‌های فضای تاب‌آور یافته‌ها نشان داد، بیشترین اثرگذاری بر تاب‌آوری به ترتیب مربوط به قابلیت‌های تطبیق‌پذیری و واکنش‌پذیری است. در صورتی که قابلیت تطبیق‌پذیری دارای کمترین امتیاز و قابلیت انعطاف‌پذیری دارای مطلوب‌ترین وضعیت است. می‌توان چنین تفسیر کرد که توانایی انجام تطبیق و سازگاری با شرایط جدید و متغیر و نیز انجام راهبردهای واکنشی ابتکاری و خودجوش در برابر تغییر و تحولات برای تدوام فعالیت بیشترین تأثیر را دارند که حکایت از وابستگی و همزیستی کسب‌وکار، معاصر سازی اصناف و کاربری‌های منسوخ شده، افزایش ریزدانی، سرمایه غنی اجتماعی و نیز خودسازماندهی، مرمت و بازسازماندهی کالبد با فعالیت جدید در بافت بازار دارد. امتیاز پایین وضعیت تطبیق‌پذیری فضا اشاره به کمبود پارکینگ، عدم خوانایی برخی ورودی‌ها، مسیر حرکت شلوغ و تنگ در راسته‌ها، ازدحام و مزاحمت‌های ایجاد شده برای مراجعان به خاطر شیوه حمل‌ونقل و جابه‌جایی کالاها در داخل بازار و کیفیت بد کف‌سازی در برخی عناصر فضایی دارد و وضعیت مطلوب انعطاف‌پذیری حاکی از چند عملکردی بافت بازار، تنوع (فضایی، اجناس، اصناف و خدمات) و حس تعلق خاطر مراجعان است. طبق نتایج تحقیق بین زمینه‌گرایی و قابلیت‌های فضایی با تاب‌آوری فضایی رابطه معنی‌داری وجود دارد، یعنی هرچه فضای زمینه‌گرا و کاربران فضا در گذر زمان در برابر تحولات، به واسطه پتانسیل ذاتی از توانایی انطباق و سازگاری و راهبردهای تاب‌آوری بالایی متناسب با نیازهای جدید و متغیر برخوردار باشد، میزان تاب‌آوری در سطح

رسیدن به تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحولات مؤثر است و این جنبه نوآوری پژوهش محسوب می‌شود. از این رو تاب‌آوری که بیانگر حفظ حیات کالبدی، عملکردی فضا و تداوم آن در طول زمان با حفظ هویت است، به واسطه همخوانی فضا با بستر و برخورداری از توانایی‌های فضا تحقق می‌یابد که به رضایت‌مندی کاربران و پویایی فضا منجر می‌گردد.

در مجموع تحلیل داده‌ها نشان داد، قابلیت‌های فضایی و سپس مؤلفه‌های زمینه‌ای بیشترین تأثیر را بر تاب‌آوری فضایی دارند و با توجه به این که در تحقیقات پیشین (Kärholm et al., 2014; Erkip Shirani et al., 2017; Erkip and Ozuduro 2015; Dolega et al. 2014 Celińska-Janowicz 2015) بر بالابودن میزان تاب‌آوری به واسطه ویژگی و قابلیت‌های محیط تأکید داشتند، تحقیق حاضر تأکیدی بر توجه توأم به هر دو عوامل زمینه‌ای و ویژگی‌های فضا است که در



تصویر شماره ۷: ارزیابی میزان برخورداری مؤلفه‌های زمینه‌ای از قابلیت‌های فضایی

کالبدی و غیرکالبدی زمینه در طراحی، قدرت و توانایی مقابله فضا در برابر شرایط جدید در طول زمان را ارتقا می‌بخشد.

با توجه به نتایج حاصل از داده‌های پرسشنامه، راهکارهای زیر برای حفظ زمینه‌گرایی و ارتقای توانایی فضا به‌ویژه در زمینه اقلیمی و قابلیت تطبیق‌پذیری فضا و در نتیجه تاب‌آوری فضایی بازار تاریخی تبریز پیشنهاد می‌شود:

- بهبود کیفیت آسایش زیستی که افزایش رضایت کاربران از فضای کالبدی بازار را به همراه خواهد داشت.

- شاخص کردن ورودی‌ها، ایجاد سهولت در مسیرهای حرکتی و پیش‌بینی پارکینگ‌های کافی.

- ایجاد و ارتقای سطح کمیت و کیفیت فضاهای خدماتی و رفاهی با افزایش رضایت کاربران فضا و نیز جذب گروه‌های مختلف سنی، جنسی و جمع‌های خانوادگی و دوستانه با ایجاد فرصت برای ارتباطات انسانی با پویایی بیشتر فضا مرتبط است.

- تشکیل و تقویت انجمن‌های صنفی رسمی و غیررسمی برای تمامی اصناف و افزایش آگاهی، فعالیت و مشارکت آنها در به‌روزرسانی بازار و ایجاد ارتباط نزدیک و تعاملات صمیمی انجمن‌ها با کسبه‌ها و نهادهای دولتی به‌منظور حل مشکلات.

- عرضه کالاهای متنوع با کیفیت و برندهای گوناگون و با گروه‌بندی‌های متنوع برای انواع سلیقه‌ها.

- افزایش ساعت فعالیت بازار در طول هفته و نیز فعالیت بازار در روزهای تعطیل.

- اتخاذ تدابیری برای حمل‌ونقل و جابه‌جایی کالا در داخل بازار، مانند موکول نمودن به روزها و ساعت‌هایی که مشتری در بازار حضور ندارد که باعث حرکت راحت و روان، درک بهتر زیبایی‌ها و جذابیت‌های محیطی و همچنین رضایت‌مندی می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

فضاهای بلااستفاده و رهاشده در سطح شهرها و اهمیت توجه به دوام فضاها و نقش آنها در پایداری اجتماعی از چالش‌های پیش رو در کلانشهرها محسوب می‌شوند که با آگاهی از نقاط قوت و ضعف می‌توانند در ارتقای پتانسیل‌ها و تاب‌آوری فضاهای معاصر مؤثر واقع شوند. مطالعه حاضر با هدف شناسایی چگونگی تأثیر زمینه‌گرایی و ویژگی‌های فضایی بر تاب‌آوری بازار تاریخی تبریز به‌روشنی میدانی و با استفاده از راهبرد همبستگی انجام گرفت. نتایج بررسی‌ها نشان داد، مؤلفه‌های زمینه‌ای و قابلیت‌های فضایی رابطه معنی‌داری با تاب‌آوری فضایی دارند که مبین اثبات فرضیه تحقیق است. به عبارتی توجه به هریک از مؤلفه‌های زمینه‌ای و توانایی‌های فضا منجر به افزایش تاب‌آوری و تداوم حیات فضا می‌گردد. زمینه‌گرایی فضا اشاره به سازگاری با شرایط اقلیمی، بهره‌گیری از گونه‌های تاریخی و انطباق با خاطرات، تداوم ارزش‌ها و باورهای ایرانی-اسلامی و انسجام و پیوستگی کالبدی دارد؛ قابلیت‌های فضایی نیز از طریق عواملی چون هماهنگی و سازگار شدن، راهبردهای مقابله‌ای و واکنش‌گرا، تغییرپذیری و انعطاف‌پذیری در برابر بحران‌ها و شرایط متغیر تأمین می‌شود که این عوامل نقش بسزایی در افزایش تاب‌آوری دارند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل‌ها بیانگر این است که به‌ترتیب قابلیت‌های فضایی و سپس مؤلفه‌های زمینه‌ای بر تاب‌آوری تأثیر بیشتری دارند و از میان مؤلفه‌ها بیشترین اثرگذاری مربوط به قابلیت تطبیق‌پذیری و زمینه اقلیمی محیطی است. این مهم نشانگر اهمیت قابلیت‌های فضایی در مواجهه با تحولات است که در رسیدن به تاب‌آوری یا به تعبیری تداوم عملکرد و کالبد با حفظ هویت و رضایت‌مندی کاربران و پویایی فضا، در اولویت قرار دارد. نتیجه جالب تحقیق حاضر این است که برای ارتقای تاب‌آوری علاوه بر ویژگی‌ها و توانایی‌های فضا باید به مؤلفه‌های زمینه‌ای نیز توجه گردد. از این رو تأکید بر توجه به ارزش‌های

References:

- Abbasi, Z., Habib, F., & Mokhtabad Amrei, S. M. (2015). Tadvin osul va meyarha-ye edrak-e fazaei dar memari bazaarha-ye tarikhi Iran [Principles and standards of architectural space perception traditional markets]. *Urban Management*, 14(39), 291-316. [in Persian]
- Alavizadeh, S. E., Islami, S. G. R., & Habib, F. (2018). The effect of contextualism of infill structures on the survival of historical context of Iranian traditional Bazaar (Case study: 2nd grade zone of the historical context of the traditional Bazaar of Ardebil). *Journal of Research in Islamic Architecture*, 6(1), 69-85. [in Persian]
- Barata-Salgueiro, T. (2009). Retail planning for cities sustainability-Replacis Final Report.
- Barata-Salgueiro, T., & Erkip, F. (2014). Retail planning and urban resilience. *Cities*, 36, 107-111.
- Bernier, Q., & Meinzen-Dick, R. (2014). Resilience and social capital (Vol. 4). Intl Food Policy Res Inst.
- Birkin, M., Clarke, G., & Clarke, M. P. (2002). Retail geography and intelligent network planning. John Wiley & Sons. Quoted in A. Singleton et al. 2016, 6.
- Borden, I., & Dunster, D. (1995). Architecture and the sites of history: Interpretions of buildings and cities. Butterworth Architecture.
- Brolin, B. C. (1980). Architecture in context: Fitting new buildings with old. (R. Rezazadeh, Trans.). Van Nostrand Reinhold New York. (Tehran: khak Press). [in Persian]
- Cachinho, H. (2014). Consumerscapes and the resilience assessment of urban retail systems. *Cities*, 36, 131-144.
- Capon, D. S. (1999). Architectural Theory – Volume 2: Le Corbusier's Legacy. John Wiley & Sons. Quoted in G. Çizgen 2012,75.
- Carmona, M., Heath, T., Tiesdell, S., & Oc, T. (2010). Public places, urban spaces: the dimensions of urban design. (F. Qaraei; M. Shokouhi; Z. Ahri & I. Salehi, Trans.). Routledge.(Tehran: University of Arts Press). [in Persian]
- Çizgen, G. (2012). Rethinking the role of context and contextualism in architecture and design. Eastern Mediterranean University (EMU)].
- Colburn, L., & Seara, T. (2011). Resilience, vulnerability, adaptive capacity, and social capital. 2nd National Social Indicators Workshop, NOAA Fisheries Service. September,
- Cumming, G. S. (2011a). Spatial resilience in social-ecological systems. Springer Science & Business Media.
- Cumming, G. S. (2011b). Spatial resilience: integrating landscape ecology, resilience, and sustainability. *Landscape ecology*, 26(7), 899-909.
- Cumming, G. S., & Collier, J. (2005). Change and identity in complex systems. *Ecology and society*, 10(1).
- Debertin, D. L., & Goetz, S. J. (2013). Social capital formation in rural, urban and suburban communities. University of Kentucky Staff Paper, 474.
- Dolega, L., & Celińska-Janowicz, D. (2015). Retail resilience: A theoretical framework for understanding town centre dynamics.
- Erkip, F., Kızılgün, Ö., & Akinci, G. M. (2014). Retailers' resilience strategies and their impacts on urban spaces in Turkey. *Cities*, 36, 112-120.
- Findlay, A., & Sparks, L. (2009). Literature review: policies adopted to support a healthy retail sector and retail led regeneration and the impact of retail on the regeneration of town centres and local high streets.
- Ghobadian, V. (2009). Theories and concepts in contemporary western architecture. Cultural Research Office.
- Golkar, K. (2008). Conceptual Evolution of Urban Visual Environment; From Cosmetic Approach Through to Sustainable Approach. *Journal of Environmental Sciences*, 5(4), 95-114. [in Persian]
- ICHHTO. (2009). Handicrafts and Tourism Organization (ICHHTO), 2007. In.
- Jokilehto, J. (1999). A History of Architectural Conversation. LIBERfabrica. Quoted in S. E. Alavizadeh et al. 2018, 72.
- Kärholm, M., Nylund, K., & de la Fuente, P. P. (2014). Spatial resilience and urban planning: Addressing the interdependence of urban retail areas. *Cities*, 36, 121-130.
- Lejano, R. P., & Kan, W.-S. (2015). Seeing urban regeneration through an institutional lens: Toward a new contextualism. *International Journal of Urban Sciences*, 19(3), 257-268.
- Martin, R., & Sunley, P. (2006). Path dependence and regional economic evolution. *Journal of economic geography*, 6(4), 395-437.
- Martin, R. (2012). Regional economic resilience,

- hysteresis and recessionary shocks. *Journal of economic geography*, 12(1), 1-32.
- Masoud, M., & Beigzadeh Shahraki, H. R. (2012). *Infill Buildings in Historical Urban Textures; Principles and Criteria*. Tehran: Azarakhsh Publication. [in Persian]
 - Meiss, P. v. (1990). *Elements of architecture: from form to place*. Routledge. Quoted in M. Masoud & H. R. Beigzadeh Shahraki 2012, 92-93.
 - Nejad Ebrahimi, A., Pour Rahimian, F., & Sahraei Loran, M. (2013). Impacts of urban passages on formation of Iranian bazaars: case study of the historic bazaar of Tabriz. *International Journal of Architectural Research (Archnet IJAR)*, 7(2), 61-75.
 - Nesbitt, K. (2007). *Postmodern Theories in Architecture*. (M. R. Shirazi, Trans.). Tehran: Ney Publication. [in Persian]
 - Nyström, M., & Folke, C. (2001). Spatial resilience of coral reefs. *Ecosystems*, 4(5), 406-417.
 - Ozuduru, B. H., Varol, C., & Ercoskun, O. Y. (2014). Do shopping centers abate the resilience of shopping streets? The co-existence of both shopping venues in Ankara, Turkey. *Cities*, 36, 145-157.
 - Rao, F., & Summers, R. J. (2016). Planning for retail resilience: Comparing Edmonton and Portland. *Cities*, 58, 97-106.
 - Rapoport, A. (1977). *Human aspects of urban form*. Pergamon Press.
 - Rossi, A. (1982). *The Architecture of the City*, trans. Diane Ghirardo and Joan Ockman. Chicago, Illinois: The Graham Foundation for Advanced Studies in the Fine Arts.
 - Shahizare, s., Karami, I., & Rafieian, M. (2019). Analysis the quality of residence in urban residential complexes through contextual components (Case Study: Ardabil City). *Environmental Studies*, 45(3), 431-451. [in Persian]
 - Shirani, Z., Partovi, P., & behzadfar, m. (2017). Spatial Resilience In Traditional Bazaars; Case study: Esfahan Qeisariye Bazaar. *Journal of Bagh-e Nazar*, 14(52), 49-58. [in Persian]
 - Simmie, J., & Martin, R. (2010). The economic resilience of regions: towards an evolutionary approach. *Cambridge journal of regions, economy and society*, 3(1), 27-43. Quoted in F. Erkip et al. 2014, 113.
 - Singleton, A., Dolega, L., Riddlesden, D., & Longley, P. (2016). Measuring the spatial vulnerability of retail centres to online consumption through a framework of e-resilience. *Geoforum*, 69, 5-18.
 - Speranza, C. I., Wiesmann, U., & Rist, S. (2014). An indicator framework for assessing livelihood resilience in the context of social-ecological dynamics. *Global Environmental Change*, 28, 109-119.
 - Stern, R. A. M. (1983). After modernist movement. *Architect*, 15, 201-205. Quoted in S. Shahizare et al. 2019, 435.
 - Venturi, R., Stierli, M., & Brownlee, D. B. (1977). *Complexity and contradiction in architecture (Vol. 1). The Museum of modern art*. Quoted in V. Ghobadian 2009, 100.
 - Wrigley, N., & Dolega, L. (2011). Resilience, fragility, and adaptation: new evidence on the performance of UK high streets during global economic crisis and its policy implications. *Environment and Planning A*, 43(10), 2337-2363.
 - Zhou, S., & Zhang, S. (2015). Contextualism and sustainability: a community renewal in old city of Beijing. *Sustainability*, 7(1), 747-766.

نحوه ارجاع به مقاله:

عبدالهی، راحله؛ کرمی، اسلام؛ نژادابراهیمی، احد؛ رحیمی، لیلا (۱۴۰۰)، بررسی اثر زمینه‌گرایی بر تاب‌آوری فضایی در بازار تاریخی تبریز با تمرکز بر قابلیت‌های فضایی، مطالعات شهری، 10 (38)، 107-120. doi: 10.34785/J011.2021.718/Jms.2021.133 .http://www.urbstudies.uok.ac.ir/article_61437.html

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



رنسانس خیابانی، تبیینی بر بازخوانی حیات اجتماعی بخش مرکزی شهر زنجان^۱

عبسی پیری - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
لیلا هاشمی^۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۴ فروردین ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۲۴ تیر ۱۳۹۹

چکیده

پژوهش حاضر مبتنی بر نگرش دیالکتیکی، تفسیری هرمنوتیکی از رنسانس خیابانی به عنوان ابزاری در دستیابی به استراتژی‌های نوزایی و برنامه‌ریزی‌های انسان محور به منظور بهبود کیفیت زیست اجتماعی و ارتقای روزمرگی شهروندان در قلمروهای باز شهری است. این مطالعه در صدد است تا تأثیرپذیری فضاهای باز شهری را از مقوله‌های متنوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیبایی شناسانه که سابقاً به واسطه رنسانس شهری به عنوان متأخرترین پارادایم در حل پرابلماتیک شهر شناخته شده است را در قالب استراتژی‌هایی بیان نماید. از آنجایی که این قلمروها تجلیگاه حیات اجتماعی شهر و مکانی بر تبلور اندیشه‌های مدنی شهروندان هستند، این مطالعه گامی در راستای نوزایی، تحولات فضایی و تولید و بازتولید فضاهای اجتماعی از دست رفته شهر و ایده‌ای برخاسته از نظریه با رویکرد انسان محوری است. در حالی که گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و میدانی با استفاده از پرسشنامه، مشاهده و شاخص سازی تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کیفی با تحلیل محتوای متن، کدگذاری و تحلیل با نرم افزار MAXQDA انجام می‌گیرد، به دلیل موردی بودن پژوهش، تجزیه و تحلیل یافته‌های کمی در راستای توجیه یافته‌های کیفی با Amos انجام شد. جامعه آماری پژوهش، پانل‌های هموزن از متخصصان امر هستند. نتایج حاصل از واکاوی‌ها، حکایت از وجود توان‌های بالقوه و پتانسیل‌های بالای محدوده مورد مطالعه و البته مطلوبیت شرایط در انسانی شدن فضا دارند که به واسطه استراتژی‌های رنسانس مبنای ارائه شده در متن محقق می‌شوند. این پژوهش رنسانس خیابانی را به عنوان پاسخی بر ارتقای این پتانسیل‌ها معرفی می‌نماید، در حالی که رنسانس خیابانی منجر به پایداری اجتماعی در محدوده مطالعاتی و در نهایت در کل شهر خواهد شد.

واژگان کلیدی: رنسانس خیابانی، پرابلماتیک خیابانی، بازخوانی فضا، استراتژی‌های رنسانس مینا.

نکات برجسته

- تجدید حیات خیابانی به عنوان ابزاری پاسخگو در حل مسئله‌ای مناطق عمومی شهر، به ویژه خیابان و بازخوانی زندگی اجتماعی، حفظ تمدن، دستیابی به ایده فضای تعاملی اومانستی.
- رنسانس به منظور تجدید مطلوبیت فضای باز شهری.
- احیای اجتماعی - فرهنگی خیابان.
- تجدید حیات خیابانی به عنوان ابزاری در تولید و تکثیر فضاهای اجتماعی انسان محور.
- در استراتژی‌های رنسانس مینا مرکز توجه ما انسان و برنامه‌ریزی و طراحی برای انسان است.

۱ این مقاله برگرفته و مستخرجی از پایان‌نامه نویسنده دوم، تحت «عنوان رنسانس خیابانی تبیینی بر بازخوانی حیات اجتماعی بخش مرکزی شهرها، جغرافیای مورد مطالعه بخش مرکزی شهر زنجان سبزه میدان» می‌باشد.

۲ نویسنده مسئول مقاله: Hashemi.leila@znu.ac.ir

۱. مقدمه

بی‌شک مدرنیسم به‌عنوان اثرگذارترین جنبش در تاریخ تحولات شهر و شهرنشینی است که متعاقب انقلاب صنعتی و باهدف اشاعه سبک خاصی از زندگی در دنیای مدرن متأثر از عصر روشنگری به شکلی فراگیر شهر و برنامه‌ریزی‌ها برای شهر را در بر گرفت. این جنبش عظیم، تحولات بزرگی را در برنامه‌ریزی شهری با اتکا به قدرت فناوریانه، مهندسی ماشین و هندسه‌گرایی ایجاد نمود که نتیجه آن ایجاد آرمان‌شهرهای مدرنیستی، گونه‌ای از فضای کلانشهری، با معضلات و پیچیدگی‌های مختلفی شد که حل این معضلات خود پارادایم‌هایی چون پسامدرنیسم و توسعه پایدار را می‌طلبد (Parsipour & Zia, 2013:8). در واقع مدرنیسم منجر به توسعه روزافزون شهری، شبکه ارتباطی، خیابان‌ها، میدان‌ها و مهم‌تر از همه فضاهای عمومی و آزاد شهر شد. در حالی که تبعات منفی آن به دلیل عدم مطابقت و سازگاری با فرهنگ بومی شهرها بیش از نقاط مثبت آن نمایان گشت. از پیامدهای منفی مدرنیسم آنست که همواره بار سنگینی از معضلات را بر شهر متحمل ساخته، فضاهای ناکارآمد شهری است. یکی از این فضاهای تأثیرپذیر و حساس کالبد شهر، خیابان است که مکان بروز معضلات ناشی از مدرنیسم نافرجم شهری است. اثرات نانسانی مدرنیسم بر فضای شهر و به خصوص خیابان، نمونه‌ای از این بست‌های پیش روی مدرنیسم شهری است. خیابان زیربنایی‌ترین عنصر شهر و از مهم‌ترین عرصه‌های عمومی تجربه فضا و مکانی برکنش گری فردی و اجتماعی است که بر اثر اعمال قدرت فناوری بر روزمرگی شهروندان نقش اجتماعی آن در مقابل کارکردهای دسترسی رنگ‌باخته است؛ در نتیجه گرفتار مسئله‌مندی خیابانی ناشی از مدرنیسم ناخشنود شهر شده است. معضلات ترافیکی و درهم‌تنیدگی و ابهام در مرزهای پیاده و سواره، برنامه‌ریزی‌های نا اندیشیده، طراحی‌های صرف اتومبیل محور، پیاده‌روهای ضد پیاده ناشی از نادیده‌انگاری انسان، اغتشاشات بصری، حذف منظر، مشکلات زیست‌محیطی، افول ارزش‌های انسانی - اجتماعی و خیابان‌مداری‌های ناکارآمد شماری چند از این آشفتگی‌ها هستند. اهمیت پرداختن به رنسانس خیابانی زمانی آشکار می‌شود که به خیابان به‌عنوان یک کالای عمومی ارزشمندی نگریسته شود و بدانیم که بیش از نیمی از مساحت زمین شهر به فضاهای عمومی از جمله به خیابان اختصاص دارد و ارتقای کیفیات زندگی شهری مطلوب در عرصه‌های عمومی با دستیابی به یک رنسانس موفق شهری میسر است؛ بنابراین ملاک اصلی برای کسب این موفقیت تحت تأثیر قرار گرفتن تمامی خیابان‌های شهر، به‌عنوان مکان‌هایی در مقبولیت اجتماعی است (Rogers, 2014:45). نادیده انگاری بُعد انسانی در برنامه‌ریزی‌های شهری به مدت چندین دهه به بهانه تحقق نظریه‌های مختلف به خصوص مدرنیسم که گل از آن به طرد روابط متقابل در فضاهای مشترک شهری به نفع فضاهای منفرد درون‌گرا یاد می‌کند، بر ضرورت پیاده‌سازی رنسانس و تجدید حیات اجتماعی در خیابان می‌افزاید (Gehl, 2015:3). آنچه مسئله‌مندی خیابان در شهرهای جهان‌سومی را دوچندان می‌کند این است که برنامه‌ریزی‌های این شهرها با تأثیر از ساختارهای فرهنگی - اجتماعی و هویت بومی همان شهر شکل نگرفته‌اند؛ در حالی که همواره بر این ساختارها تأثیر عمیقی گذاشته‌اند (Asghari & Haji Fath Ali, 2012:3).

پرواضح است که ناکارآمدی مدرنیسم شهری می‌تواند مسیری به سوی «شد شهری شدن» خیابان‌های شهر باشد (Rogers, 2014:9). در حالی که در تبیین مدرنیسم، مهم‌ترین دستاورد فناوریانه، هنری، فرهنگی و اجتماعی قرن «شهر» است، فضاهای عمومی آن از جمله خیابان، پارک، میدان و... مکان‌هایی با بیشترین مرزهای برخورد و کنشگری متقابل شهروندان است که مورد بیشترین تحدیدات هم واقع شده‌اند (Tibaldoz, 2014:1). مطالعات گسترده‌ای به وسیله برنامه‌ریزان، طراحان شهری و... در مورد نوزایی در قلمروهای باز کالبد شهری با عناوین مختلفی چون بازآفرینی، نوزایی، احیا و... انجام شده است. در پژوهشی با عنوان «احیای فضاهای شهری با استفاده از کافه‌های باز نمونه موردی خیابان چهارباغ اصفهان» که از سوی حقیقی بروجنی و همکاران انجام شد، به رنسانسی در خیابان تاریخی شهر پرداخته است که در پی راه‌حلی برای انسان‌محوری و اومانستی کردن فضا و زمینه‌های ایجاد کافه‌های باز است و با توجه به کوتاهی مراکز مسئول و محدودیت منابع، امکان اجرایی شدن این طرح را با همکاری کارآفرینان، شهروندان و سرمایه‌گذاران عملی دانسته است (Haghighi Borujeni et al., 2016:12). مطالعه حبیبی و سید برنجی نیز نشان می‌دهد که رنسانس و نوزایی در غنی‌ترین عرصه‌های عمومی شهرها که همان مراکز شهری هستند، می‌تواند مشکلات هویت فردی و جمعی شهروندان که ناشی از فقدان حس مکان و خاطره‌انگیزی است را برطرف نماید. این مطالعه رابطه بین خاطره‌انگیزی و مشارکت اجتماعی در تجدید حیات هویت شهری را در میدان شهرداری رشت با سه عامل کلیدی هویت مکان، خاطره‌انگیزی و مشارکت اجتماعی در کنار توانمندی‌های میدان شهرداری بررسی نموده و سعی بر بازتعریف مرکز شهر کرد؛ چراکه دور ماندن از حیات اجتماعی را عامل اصلی بحران‌های اجتماعی بیان کرده و تجدید حیات و نوزایی را به‌عنوان شیوه‌هایی در بازسازی بافت‌های قدیمی که مستلزم احیای اجتماعی و کالبدی هستند، می‌شناساند (Habibi & Seyed Baranji, 2016:11). نوزایی و بازسازی شهری به‌عنوان استراتژی جمعی در ایجاد زمینه‌های اقتصادی نوآورانه (رنسانس اقتصادی مبنا) در پژوهشی با همین عنوان از سوی گوگ سن و مادرس اُغلو تشریح شد که بهبود شرایط در مناطق فقیرنشین و ساختمان‌های حساس به زلزله در استانبول از طریق بهبود زیرساخت‌های شهری و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از نوسازی در دو پروژه انجام گرفته و بندر قالاتا ساری با هدف ارتقای بندر و منطقه زیتین بؤرنو به منظور بهبود شرایط زیست مورد مطالعه واقع شدند (Gökşin & Müderrisoğlu, 2005:2). احیای مرکز شهر برین نگراس پژوهشی است از سوی گوی سنی و مار چین در بررسی چگونگی تأثیرات رنسانس مرکز شهر در ساختار فضایی با عنوان «احیای مرکز شهر و فضای شهری». این پژوهش نشان می‌دهد که رنسانس و بازیابی فرآیندی خطی نیست و بخش عمومی به شدت متعهد به احیای مرکز شهر است و برنامه‌های جامع نقش کلیدی در اجرای استراتژی احیا دارند و عامل اصلی در بازگرداندن تصاویر واقعی مرکز شهر را سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و چشم‌اندازها می‌داند. تصاویر ایجاد شده در مرکز شهر با رخدادهای فرهنگی محلی که توسط انجمن مرکز شهر ترویج داده می‌شود، موجب تسهیل بازاریابی در مرکز شهر خواهد شد. در نتیجه این پژوهش علل احیای

موفق شهر را در بهبود چشم‌اندازها و بازاریابی شهری می‌داند (Giusti & Maraschin, 2017:11). شاید بتوان مدرنیسم ایرانی را هم نوعی از مدرنیسم توسعه‌نیافتگی مارشال برمن در کتاب تجربه مدرنیته دانست (Berman, 2007:210). زمانی که مدرنیسم وارداتی بر شهرها نشانده شد، ذهنیت و سوبژکتیویته (ذهنیت گرایی) شهر و فضاهای کالبدی آن رنگ و بوی سنتی و هویتی بومی داشت، این امر نوعی از غریب‌انگی فضا را بر کالبد فرتوت شهرهای سنتی به‌جا گذاشت؛ در نتیجه بخش مرکزی شهرهای ایران تحت تأثیر مدرنیسم نااندیشیده دگرگون و در مسیر گذار از سنت به مدرنیته دچار ابهام هویتی شدند. مدرنیسم سبزه‌میدان زنجان هم خوانشی است ناتمام از دیالکتیک سخت سنت و تکنولوژی، آنجایی که اتومبیل با نقش دسترسی بر کارکرد اجتماعی - فرهنگی غلبه نموده و موجب تزلزل خودانگیزگی اجتماعی محدوده شده است. نمود عینی تضعیف تعاملات و روابط اجتماعی در شعر شاعر شهر تبلور می‌یابد، زمانی که می‌گوید: فایدا سیزده منه بو گهنه شهیر/ گهنه سوز گهنه باخس ... (Jafari, 2018:16). به‌طور قطع مدرنیسم به وقوع پیوسته در شهر به‌واسطه خیابان‌کشی‌ها و تحولات مربوط به هوسمانیزیشن طبق منطق بولدوزر بر پیکر شهر نهاده شده‌اند. به‌واقع سبزه‌میدان زنجان فضایی مرکزی است که تا چندی پیش ضرورت‌های ترافیکی و اولویت‌های حرکت سواره بر پیاده غلبه داشته و با بهره‌گیری از یک نظام هندسی خاص جایگاهی برای مکث و تعاملات فرهنگی - اجتماعی باقی نگذاشته است (khanmohammadi, 2011:14). اکنون رنسانس به‌منظور تجدید مطلوبیت عرصه‌های باز شهری و رنسانس خیابانی به‌عنوان ابزاری در تولید فضاهای اجتماعی انسان‌محور مطرح می‌شود. در این راستا این پژوهش بنا دارد تا با بیان پرابلماتیک (دشواری) خیابانی و راهبردهای پیشنهادی که در محدوده مطالعاتی شهر زنجان اتفاق می‌افتد، نه‌تنها راهگشایی برای تجدید حیات اجتماعی - فرهنگی خیابان باشد، بلکه با بررسی تحولات خیابانی در لایه‌های تاریخی گذشته و حال آن، جایگاهی برای «خیابان شهروند طلب» خیابانی که ساکنان را به خود فرا می‌خواند، بیابد. در نتیجه رنسانس خیابانی را به‌عنوان پاسخی بر این سئوالات معرفی می‌نماید:

- آیا در تبیین رنسانس خیابانی می‌توان ارتباط معناداری بین شاخص‌ها و مؤلفه‌های تعریف شده فضا در محدوده سبزه‌میدان یافت؟

- آیا رنسانس خیابانی می‌تواند ابزاری پاسخگو در حل پرابلماتیک عرصه‌های عمومی شهر به خصوص خیابان و بازخوانی حیات اجتماعی، حفظ مدنیت، دستیابی بر ایده فضای اومانستی تعامل‌گرا باشد؟

۲. چارچوب نظری

۲.۱. مفهوم رنسانس و رنسانس شهری

واژه ایتالیایی ریناشیمینتو^۱ رنسانس به معنای تولد مجدد مفهومی است که نخستین بار جورج وازاری^۲ نقاش، معمار و نویسنده و بنیان‌گذار تاریخ هنر در کتاب پرابهت خود حیات پرآوازه‌ترین معماران، پیکرتراشان و نگارگران (۱۵۵۰ م، فلورانس) به کار برده (Benevolo,

3 Charles G. Nauert

4 Montefeltro

5 Ferrara

6 Allan Cochrane

7 Urban Rehabilitation

1 Rinascimento (Renaissance)

2 Giorgivrazi

عرصه‌های عمومی شهر به خصوص خیابان درصدد است با تجدید حیات اجتماعی، تولید و بازتولید فضای زیسته انسانی منجر به درک تجربیات متفاوتی از اَبزکتیو(حقیقی) فضا برسوبزکتیو(ذهنی) شهروندان شود. در واقع رنسانس خیابانی نوعی خاص بودگی از فضا است که می‌تواند با تولید مکان برای انسان بازتولیدی از فضاهای اجتماعی داشته باشد و البته می‌تواند پایانی بر آشفتگی‌های دیالکتیکی ناشی از پروژه مدرنیسم ناتمام و نامدرنیته حاکم بر فضای اجتماعی باشد.

۲.۳. مفهوم سازی شاخص‌ها

در راستای تبیین چگونگی اثرگذاری رنسانس خیابانی بر فضاهای شهری از مفاهیم کلیدی چون معیارهای پاسخ‌دهی محیطی، تولید فضای اجتماعی و انسان‌مداری فضا استفاده شده است. هیلر^۳ مکان‌های همگانی شهری را از طریق افزایش گزینه‌های قابل عرضه به مردم، محیطی دموکراتیک یا «محیط‌های پاسخ‌ده» معرفی می‌کند و در کتاب «فضا ماشین است» انعطاف‌پذیری را در کنار میزان یکپارچگی فضا و میزان نفوذپذیری به عنوان راندمان عملکردی فضا معرفی می‌کند، در حالی که پپونیس^۴ نفوذپذیری را راندمانی در به حداقل رساندن میزان نفوذ گروه‌ها و عناصر نامربوط در فضا می‌داند (Kiai et al., 2019:5). از نظر بنتلی و همکارانش یک محیط پاسخ‌ده ویژگی‌های نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف‌پذیری، تناسب بصری، غنای حسی و حس تعلق را دارا هستند (Bentley et al., 2016:15-16). بنا به نظر آندرتی زیلنیتس وقتی که اهمیت عرصه‌های باز شهری از جمله خیابان‌ها به‌عنوان فضاهای گذران روزمرگی شهروندان مطرح می‌شوند، درک تولید فضا همان‌گونه که لوفور بیان می‌کند برای مهیا کردن چارچوبی نظری در تحلیل مکان‌های خاص شهری، تولید فضاهای گردش، مبادله، فضاهای رسمی و غیررسمی، اوقات فراغت، تفریح و تعامل جمعی و ... اهمیت می‌یابند (Zieleniec, 2007:100). تولید فضا در قلمروهای همگانی منجر به انسان‌مداری فضا می‌شود که این امر اجتماعی خود با ایجاد پیاده‌راه، حضور پرسه‌زن و رویداد مداری محقق می‌گردد؛ بنابراین شاخص سازی در این مطالعه بر سه محور اصلی پاسخ‌دهی محیطی، تولید فضای اجتماعی و انسان‌مداری فضا تأکید دارد.

۲.۴. استراتژی‌های رنسانس مینا

استراتژی‌های رنسانس مینا^۵ راهبردهای عملکردی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و طراحی قلمروهای عمومی شهر هستند که دامنه فعالیت و مسیر حرکت به سوی شرایط مطلوب را فراهم می‌کنند. این راهکارها می‌توانند از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... عرصه‌هایی مانند خیابان، پیاده‌راه، میدان و ... را متأثر نموده و خط‌مشی و چشم‌اندازی از آنچه که بایستی باشند ارائه دهند. از آنجایی که معنی واژه استراتژی «آوردن نیرو به میدان» است، بنابراین راهکارهای رنسانس مینا نیروهایی هستند که در راستای ارتقا و تقویت کیفیت زیست فضاهای باز شهری به میدان آورده می‌شوند (تصویر شماره ۱).

باززنده‌سازی مقوله‌های اجتماعی - فرهنگی، احیای اقتصادی و سرزندگی اجتماعی که سیاست‌های عمومی فرهنگی و هنری را برای توسعه اقتصادی و احیای مجدد محله‌های شهری مبنا قرار می‌دهد (Wahabyan et al., 2016:4). یقیناً رنسانس شهری رویکرد طراحی مداری است که می‌تواند سبب بروز خلاقیت یا کشف مجدد موضوعاتی شود که زندگی شهری واجد آنها باشد و هدف از آن بازگشت به شهر و اندیشیدن به توسعه‌های یکپارچه با مقیاس محله‌ای و تفکر انسان‌مدارانه است (Rogers, 2014:7).

۲.۲. مفهوم خیابان و رنسانس خیابانی

خیابان برساخته بشر به واسطه زندگی روزمره و عنصر اصلی حیات مدنی شهر و البته سمت‌وسویی واضح و شناخته شده بر روزمرگی شهروندان است. این روزمرگی پژواکی بر امر زیبایی شناسانه از فضا هم است. خیابان شهر پست مدرن به‌عنوان بستر مکانی هم پیوندی انسان و فضا و نیز آغازی بر کنشگری‌های اجتماعی- فرهنگی، بالندگی‌های اقتصادی و تحولات سیاسی دوران ساز است. رودوفسکی^۱ خیابان‌ها را از لحاظ تاریخی، در شهرهای کوچک و بزرگ به‌عنوان فضاهایی برای تأمین نیازهای اساسی تعاملات، ارتباطات، فراغت، بقا و نیز انجام فعالیت‌های مختلف سیاسی، مذهبی، تجاری، مدنی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، معرفی می‌کند. در حالی که زیمل^۲ از عقلانی‌تر شدن مردم و روابط انسانی به واسطه خیابان‌های شهر صحبت کرده و فکوهی هم از قدرت یافتن کارکرد حمایتی خیابان در بسط و توسعه مفاهیم اجتماعی مانند عرصه‌های عمومی پاتوق‌ها، ارزش‌های اجتماعی، زندگی روزمره، پرسه‌زنی، اهمیت یافتن و بازخوانی ابعاد اجتماعی خیابان‌ها از منظر فضاهای عمومی در دهه‌های اخیر صحبت می‌کند (Mansour Rezaei & Modiri, 2014:2). خیابان بخش مرکزی شهر همان هویت دوران زده از بطن تاریخ است که همواره در دیالکتیکی سنگین از تجدد و سنت سعی بر حفظ اصالت نموده است. سای پامیر تصویر ذهنی از یک شهر والا را به‌طور گسترده‌ای به کیفیت قلمروهای همگانی آن مانند خیابان‌ها، بلوارها، پارک‌ها و میدان‌های شهر وابسته دانسته است. بنا به گفته وی از گذشته نیز مرکز شهر را محل تمرکز، زندگی اجتماعی و اقتصادی منطقه‌ای که مردم گرد هم می‌آمدند تا یکدیگر را ملاقات کنند و به تبادل کالا، خدمات، اطلاعات و عقاید بپردازند، می‌شناساند. مرکز شهر در آرای پامیر مرکزی فرهنگی - مدنی است که نماد هویتی جامعه شهری است (Paumier, 2015:11). اینک رنسانس خیابانی انقلابی است بر سپهر اندیشه تکنوکرات و نخبه‌گرای شهری که بی‌باکانه بر کالبد خسته و بی‌روح شهر می‌تازد و مبتنی است بر ارجمندی کرامات انسانی، جنبش مردم‌سالارانه و اجتماعی - فرهنگی که سعی دارد از قرون وسطی خیابان‌های نازیبا شهر که معبری بیش نیستند گذر کند و منجر به تجدید مطلوبیت بر ابعاد گوناگون ادراکی، عملکردی و زیبایی شناسانه از فضاهای همگانی شهر که می‌تواند خیابان، پیاده راه، میدان و یا گره‌گاه محله‌ای باشد، شود. از آنجایی که پرداختن به مسئله مدنی شهری با اندیشیدن بر خیابان‌های شهر شروع می‌شود، رنسانس خیابانی به‌عنوان ابزاری عملکردی در حل پرابلماتیک

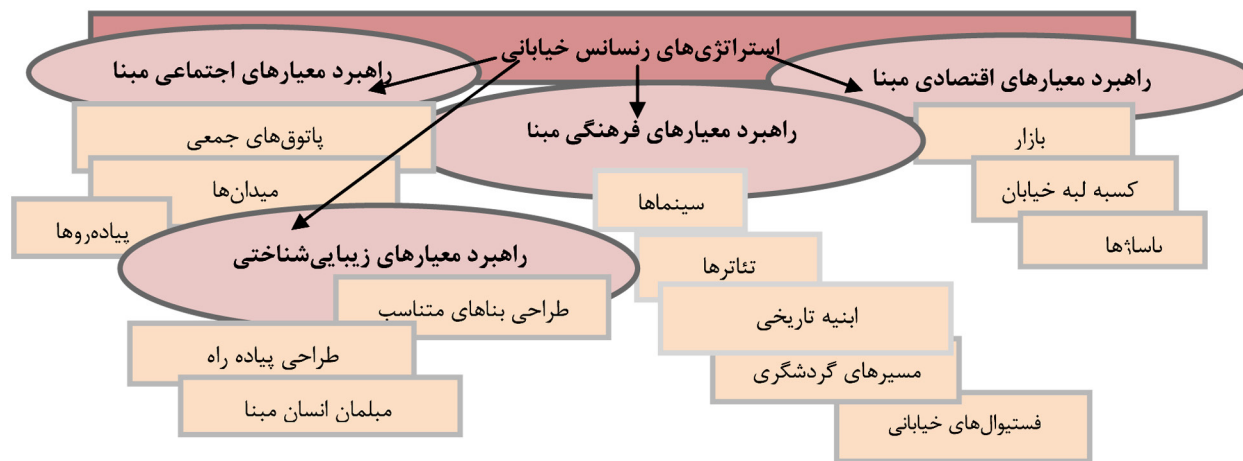
3 Hillier

4 Peponis

5 Base Renaissance Strategies

1 Rosovsky

2 George Ziel



تصویر شماره ۱: مدل مفهومی استراتژی های رنسانس خیابانی

نتایج مقدار CVR پرسشنامه ها روایی کامل و ۰/۵۹ را نشان می دهد. با توجه به محاسبات اعتبار سنجی از طریق SPSS، پایایی تحقیق، آلفای کرونباخ را برای هرکدام از شاخص ها ۹۴/۲ نشان داد که حاکی از اعتبار بالای پرسشنامه است.

$$vr = \frac{N_e - \frac{N_2}{2}}{N} = 0/59 \quad (1)$$

Reliability Statistics (۲)

Cronbach's Alpha	Cronbach's Alpha Based on Standardized Items	N of Items
.942	.942	64

Case Processing Summary (۳)

	N	%	
Cases	Valid	64	94.2

۳. استراتژی پژوهش

مطالعه حاضر تحلیلی دوگانه با هر دو روش کمی و کیفی است؛ بنابراین در راستای کشف چگونگی اثربخشی شاخص ها و مؤلفه های استخراج شده از محتوای متن ابتدا شاخص سازی پژوهش براساس معیارهای پاسخ دهی محیطی، تولید فضای اجتماعی و انسان مداری فضا انجام می گیرد (جدول شماره ۱). سپس فرم پرسشنامه ای از ۶۴ گویه و مصاحبه مستقیم از پانل های آماری متخصصان (به تعداد ۳ نفر) انجام گرفت. در این روش با بهره گیری از تکنیک دلفی با طیف لیکرت در راستای تأیید شاخص ها و مؤلفه ها، روایی پرسشنامه طبق مدل لاوشه با سنجش گزینه های ضروری، غیرضروری ولی مفید و غیر لازم از پانل های متخصص مورد ارزیابی قرار گرفتند که نتایج به دست آمده از این مدل نشانگر ضرورت بررسی ۶۰ گویه بود.

جدول شماره ۱: شاخص سازی پژوهش

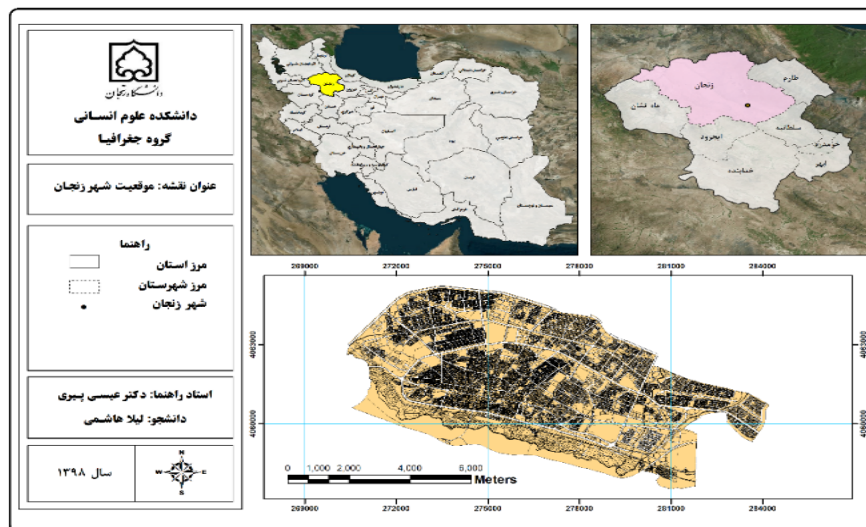
عنوان	شاخص	مؤلفه ها
عملکردهای ساختاری کالبدی	پاسخ دهی محیطی	نفوذپذیری
		تنوع
		خوانایی
		انعطاف پذیری
		تناسب بصری
		غنای حسی
		رنگ تعلق
عملکردهای اجتماعی	تولید فضای اجتماعی	بازار سنتی
		تجاری لبه خیابان
		پاساژها
		کافه های خیابانی
		سینما
		تئاتر
انسان مداری فضا	پیاده محوری حضور پرسه زن رویداد مداری	کتابخانه ها
		نمادهای فرهنگی
		ایجاد پیاده راه
		موجب ثبات و دیرپایی فضا
		پدیداری گذرا

مستطیل شکلی در هسته ابتدایی شهر از زمان قاجار به این سواست که به عنوان اصلی ترین عنصر کالبدی شهری علاوه بر عهداری مرکزیت اجتماعی، تجاری و گردشگری شهر، مکانی بر استقرار سه رکن محوری ولایت خمسه یعنی، وجود اداره مالیه (بخش حکومتی) در جبهه شمالی میدان، عناصر نشانه شهری مانند راسته بازار قیصریه و مسجد سیّد (بخش مردمی) در جبهه جنوبی میدان و اداره نظمیه (قدرت سیاسی) در هسته مرکزی میدان که بعدها شهربانی نام گرفت را معرفی می نماید (Rah-e Dana Information Network, 2015:1). سبزه میدان امروزی زنجان به عنوان یکی از فضاهای عمومی و مهم ترین عرصه تظاهرات فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سیاسی شهر و محلی بر تبلور فعالیت های اقتصادی - اجتماعی به صورت بازار و کسبه لبه خیابان، سینماها و مراکز تاریخی گردشگری همواره حضوری عمیق در تاروپود فضای ساختاری کالبدی شهری داشته است. موقعیت کنونی سبزه میدان و پیاده راه در (تصویر شماره ۳) همان سبزه میدان دیروز است که در بستر تحولات خیابانی و هوسمانیزیشن نقش های اجتماعی - فرهنگی آن روبه زوال رفته است.

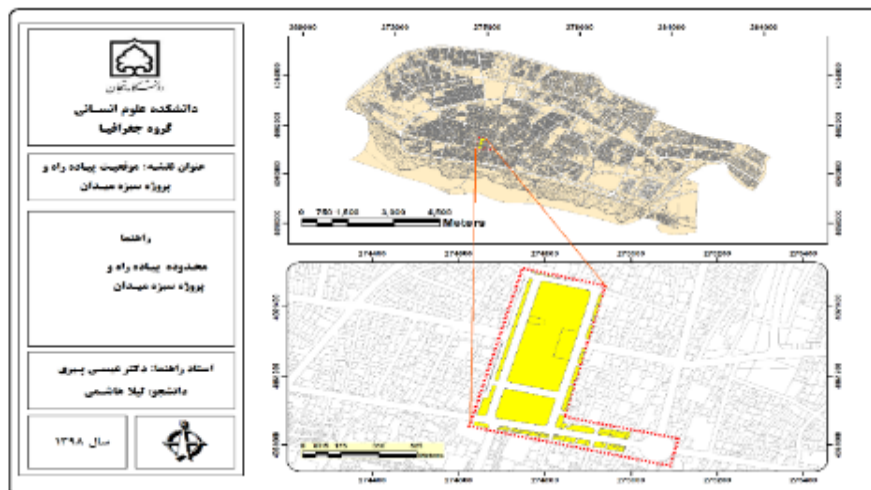
در ادامه پژوهش و در راستای تبیین اثربخشی شاخص ها بر رنسانس خیابانی آزمون تک نمونه ایی T انجام شد که نتایج در بخش یافته ها ارائه می شوند. از سویی به جهت موردی بودن و تحلیل محتوای متن تبیین و آشکارسازی روابط علی بین شاخص ها و مؤلفه ها با تحلیل کیفی به روش کدگذاری انجام می گیرد. که در نهایت مدلی کیفی با نرم افزار Maxqda ارائه می گردد.

۳٫۱. مورد مطالعه

زنجان کنونی یکی از شهرهای میانه اندام کشور، با جمعیت ۵۲۱ هزار و ۳۰۲ نفر، آرمیده در بستر ابریشمی، با زمینه های تاریخی - فرهنگی و انسانی بسیار غنی در شمال غرب کشور است. این شهر در موقعیت جغرافیایی ۴۸ درجه و ۲۸-۳۰ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۴۱-۴۰ درجه عرض شمالی و البته به عنوان نخستین نقطه شهری استان و شهرستان زنجان در دره جمعیتی ۵۰۰-۲۵ هزار نفری (تصویر شماره ۲) واقع شده است (Development and Development Plan, 2013: 1-2). سبزه میدان به عنوان میدانی حکومتی مرکزیت کالبدی منحصربه فرد و



تصویر شماره ۲: نقشه موقعیت شهر زنجان



تصویر شماره ۳: نقشه جغرافیای سبزه میدان شهر زنجان وضع موجود

۳.۲. پروژه سبزه میدان، طرح‌واره اجتماعی شهر

سبزه میدان به عنوان دموکراتیک‌ترین فضای شهر زنجان از گذشته تاکنون نقش بسزایی در تولید روابط اجتماعی به واسطه هم‌پیوندی عناصر مهم کالبدی شهر مانند بازار، مسجد و نمادهای قدرت (عمارت ذوالفقاری، دارایی و شهربانی) داشته است. این محدوده با سرگذشتی پرفرازونشیب از زمان تخریب‌ها (۱۳۶۷) به این سو با شماری چند از طرح‌های پیشنهادی از جمله مهندسی مشاور تجیر، طرح مهندسی مشاور نقشبند و... روبه‌رو شد. آخرین طرح پیشنهادی سبزه میدان توسط مهندسی مشاور ایجاد ابتدا در سال ۱۳۹۵ و برای بار دوم در سال ۱۳۹۷ ارائه شد. محدوده مداخلاتی این پروژه از سمت شمالی به خیابان هفت‌تیر و جنوب به خیابان امام خمینی و از غرب و جنوب شرقی به خیابان‌های شهربانی و سرچشمه (طالقانی) منتهی می‌شود. در حالی که عمارت ذوالفقاری در سمت شمال شرقی محدوده واقع شده است. این پروژه با هدف ارتقای معیارهای فرهنگی - اجتماعی شهر و تخصیص کاربری‌های فرهنگی - گردشگری مانند موزه باستان‌شناسی (عمارت ذوالفقاری)، موزه صنایع دستی (عمارت دارایی) و همچنین مجموعه فرهنگی - هنری تالار شهر، ساختمانی

در شمال مجموعه و کتابخانه عمومی شهر و گالری نمایشگاهی در قسمت‌هایی از مجموعه که می‌تواند مرکز شهر انسان مینارافراهم کند، طراحی شده است (Creation Group, work report from Consultants of Zanjan Municipality, 2018:8).

۴. یافته‌ها

۴.۱. تحلیل کیفی

مرحله نخست روش کیفی پژوهش با روند تحلیل محتوا از بررسی نکته به نکته و خرد کردن متن پژوهش و طرح پرسش با داده‌های خام برای مصاحبه چهره به چهره درباره محدوده مطالعه و دسته‌بندی عبارت‌ها براساس واحدهای معنایی و کدگذاری و واژه‌های کشف شده انجام گرفت. در واقع تحلیل محتوا با سه روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی برای کشف مقوله‌های مرکزی در رابطه با مفاهیم اصلی که همان شاخص‌های پایه‌ای مطالعه هستند، بررسی موشکافانه‌ای از جز به کل متن را در بر می‌گیرد. برای سهولت درک محتوایی رابطه کد واژه‌ها، مقوله‌ها و مفاهیم در جداول زیر نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۲: کدگذاری‌های مؤلفه‌های شاخص پاسخ‌دهی محیطی

کدها	مقوله‌ها	مفهوم اولیه	مفهوم کلیدی	شاخص اصلی
ترافیک درهم‌پیچیده انسان و اتومبیل	تقاطع	دعوت‌کنندگی	نفوذپذیری	
محله‌های تودرتو	هدایت‌گری اجتماعی	درگاه ارتباطی		
گل‌گاه محله‌ای	گره‌گاه			
تداخل با واحدهای مسکونی	کریدوری با بن بست محله			
واحدهای تجاری پوشاک	پیچیدگی ارگانیک کاربری‌ها	تبلور اشکال گوناگون فعالیت		
چاقوسازی	اختلاط قلمروها	بسنندگی	تنوع	
میلله‌کاری و...	کارایی کاربری‌ها			
مواد غذایی، اجناس لوکس، بانک‌ها و...	قواره‌های تجاری			پاسخ‌دهی محیطی
چشم‌انداز تاریخی	انعکاس هویتی تاریخ		خوانایی	
سازه‌های مردم	شفافیت			
مشخص‌ترین بنا	قابلیت فهم			
شکل محیط	شفافیت فرم و عملکرد	قابلیت شکل‌پذیری	انعطاف‌پذیری	
کالبد کارکردی معماری	تبلور توان‌های بالقوه			
آنچه آشکارا دیده می‌شود	وضوح	تراز چشمی	تناسب بصری	
مظروفی بر گنجایش کالبد	عدم بی‌کرانگی			
هر چیز خوبی که از محیط فهم شود	محرک‌های حسی ارزشمند	تجربه‌پذیری	غنای حسی	
درگیری حواس پنج‌گانه در رابطه با فضا	مقیاس درهم‌شکسته حواس در فضا	زنجیره ادراکی		

جدول شماره ۳: کدگذاری مؤلفه‌های شاخص تولید فضای اجتماعی

کدها	مقوله‌ها	مفهوم اولیه	مفهوم کلیدی	شاخص اصلی
فضای تولید روابط	محیطی بر عینیت بخشی فعالیت‌های انسانی	راسته تعاملات شهر	بازار سنتی	
فضایی درهم‌آمیخته از هویت و فرهنگ	همخوانی بارزهای هویتی	معیاری بر اصالت فضا		
محدوده منتج از مدرنیزاسیون	ویرترین فضای شهری	پیشخوان فضا	کسبه لبه خیابان (پیاده راه)	
لبه تعریف‌کننده محوطه درونی	سمبل مدرنیسم			تولید فضای اجتماعی
بازارچه مدرن مجاور بازار سنتی	محصول شهر مدرن	تبلور مدرنیته در فضا	پاساژها	
مکانی برای نفس تازه کردن	وقفه‌ای خوشایند بر ریتم تند روزمرگی	فضا قابلیت هنرمندانه از فضا	کافه‌های خیابانی، سینما، تئاتر، کتابخانه	
دیدار غریبه‌های آشنا	تبلور رفتارهای ارتباطی			
مرکز اطلاع‌رسانی	فریم رسانه‌ای			
قلمرو ادبیاتی فضا				
همنوايي سازه با فرهنگ	خودنمایی سمبلیک سازه	بازنمایی هویت در قالب سازه	نمادهای فرهنگی	
هویت تاریخی یک نماد	نشانی از دیرینگی			

جدول شماره ۴: کدگذاری مؤلفه‌های شاخص انسان‌مداری فضا

کدها	مقوله‌ها	مفهوم اولیه	مفهوم کلیدی	شاخص اصلی
فضا مسیری بر بودن	بهانه‌ای بر بودن در فضا	بالاترین حد نقش اجتماعی	پیاده محوری	
زندگی روی پا	سرزندگی فضایی	فراخوانی برای حضور		
محلی دیدن و دیده	ابراز وجودی برای انسان	عرصه تعامل متقابل	انسان‌مداری فضا	
فضایی مملو از پیاده‌ها	سوزه‌ای برای پرسه	شهروند، بازیگر صحنه	حضور پرسه‌زن	
فضایی مردم‌گرا	حضور پذیری			
بهانه‌ای بر برخورد‌های اجتماعی	محلی برای فستیوال‌ها، مناسبت‌ها، جشن‌ها	رخداد‌های یادمانی	رویدادمداری	
دفتر خاطراتی از گذشته		صحنه‌گردانی فضا		

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۹۸

۴.۲. تحلیل کمی

اصلی‌ترین خیابان شهر به پیاده راه، یک‌طرفه بودن معابر اصلی و... اتفاق نظر دارند (جدول شماره ۵).

در همین حال شاخص تولید فضای اجتماعی هم با میانگین مشابه ۳/۴۶ نشانگر مطلوبیت در شرایط و حاکی از وجود پتانسیل‌های بالقوه در محدوده است؛ اگرچه راسته تعاملات (بازار سنتی) با ضریب ۱۲/۰۹۲ و هویت در قالب سازه از نمادهای فرهنگی بیشترین اهمیت را شامل شدند، اما در مؤلفه‌های فضاهای جمعی، مفهوم وقفه در ریتم روزمرگی با ضریب ۴/۹۶۱ مربوط به کافه‌ها و فضاهای جمعی و مفهوم تبلور رفتارهای ارتباطی در مقوله‌هایی مانند سینما، تئاتر و کتابخانه، کمترین امتیاز ۵/۳۱۹ را به خود اختصاص دادند. نظر به فقدان کافه‌های خیابانی، پاتوق‌های جمعی، حذف قهوه‌خانه‌ها و به حاشیه رانده شدن گالری‌ها، تئاتر و... جامعه آماری ارزش‌های اجتماعی و تعاملات جمعی را به مناسبت نبود فضا و عدم تولید آن رو به زوال می‌بینند (جدول شماره ۶).

درواقع به دلیل تبیین و اثبات یافته‌های کیفی در رابطه با اثرگذاری شاخص‌ها در محدوده مطالعه تجلیل کمی انجام گرفت که وضعیت مؤلفه‌ها در سه شاخص اصلی پاسخ‌دهی محیطی، تولید فضای اجتماعی و انسان‌مداری فضا با آزمون تک نمونه‌ای T و مدل AMOS، میانگین مؤلفه‌های پاسخ‌دهی محیطی را برابر با ضریب ۳/۴۶ نشان می‌دهد و مفهوم قابلیت فهم با ضریب ۱۰/۱۳۹ از مؤلفه خوانایی و شفافیت و انعکاس هویتی با ضریب ۱۰/۷۸۴ از مقوله نمادهای فرهنگی بیشترین امتیاز را کسب کردند. در آرای متخصصان پاسخگو مقوله خوانایی و نیز نمادهای فرهنگی که شامل بازار سنتی، مسجد جامع، عمارت‌های ذوالفقاری و دارایی و... هستند، به دلیل دیرینگی و قدمت تاریخی از اعتبار هویتی بالایی برخوردارند. در حالی که مفهوم کریدور برای بن‌بست محله‌ای از مؤلفه نفوذپذیری با ضریب ۸۰۹/۰ - کمترین امتیاز را دارد و متخصصان هم بر ضعف این مقوله به دلیل تک هسته‌ای بودن شهر، فقدان پارکینگ، بافت قدیمی معابر فرعی، تبدیل

جدول شماره ۵: وضعیت مؤلفه‌های پاسخ‌دهی محیطی

معیار	مفهوم	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین
نفوذپذیری	کریدوری در بن‌بست محله‌ای	2/47	-0/809	29	000/0	-0/133
	گره‌گاه	3/38	7/537	29	000/0	0/933
	هدایت‌گری اجتماعی	3/64	7/507	29	000/0	1/233
تنوع	تقاطع	3/41	4/907	29	000/0	0/967
	قواره‌های تجاری	3/41	5/355	29	000/0	0/967
	کارایی کاربری‌ها	3/38	5/311	29	000/0	0/933
	اختلاط قلمروها	3/41	6/338	29	000/0	0/967
خوانایی	پیچیدگی ارگانیک کاربری‌ها	3/29	5/257	29	000/0	0/833
	قابلیت فهم	3/84	10/139	29	000/0	1/467
	شفافیت	3/81	10/784	29	000/0	1/433
انعطاف‌پذیری	انعکاس هویتی تاریخ	3/81	10/784	29	000/0	1/433
	تبلور توان‌های بالقوه	3/64	7/981	29	000/0	1/233
	شفافیت فرم و عملکرد	3/64	9/279	29	000/0	1/233
تناسب بصری	عدم بی‌کرانگی	3/41	5/953	29	000/0	0/967
	تراز چشمی	3/35	5/280	29	000/0	0/900
غنای حسی	زنجیره ادراکی	3/44	8/968	29	000/0	1/000
	تجربه پذیری	3/35	5/018	29	000/0	0/900
رنگ تعلق	مالکیت فضا	3/47	6/775	29	000/0	1/033
	ردپای انسان	3/55	6/205	29	000/0	1/133
کل (پاسخ‌دهی محیطی)						
		46/3	426/5	29	000/0	1/024

جدول شماره ۶: وضعیت مؤلفه‌های تولید فضای اجتماعی

معیار	مفهوم	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین
بازار سنتی	معیاری برای اصالت فضا	3/59	7/863	29	0/000	1/167
	راسته تعاملات	3/84	12/092	29	0/000	1/467
واحدهای لبه خیابان	سمبل مدرنیسم	3/67	8/628	29	0/000	1/267
	ویتترین فضای شهر	3/64	7/981	29	0/000	1/233
پاساژها	محصول شهرمدن	3/33	3/800	29	0/000	0/867
فضاهای جمعی	وقفه در ریتم روزمرگی	3/24	4/961	29	0/000	0/767
نمادهای فرهنگی	تبلور رفتارهای ارتباطی	3/24	5/319	29	0/000	0/767
کل (تولید فضای اجتماعی)	فرم رسانه‌ای فضا	3/38	5/943	29	0/000	0/933
	هویت در قالب سازه	3/76	10/469	29	0/000	1/367
	بازنمایی	3/61	6/674	29	0/000	1/200
		3/53	5/197	29	0/000	1/103

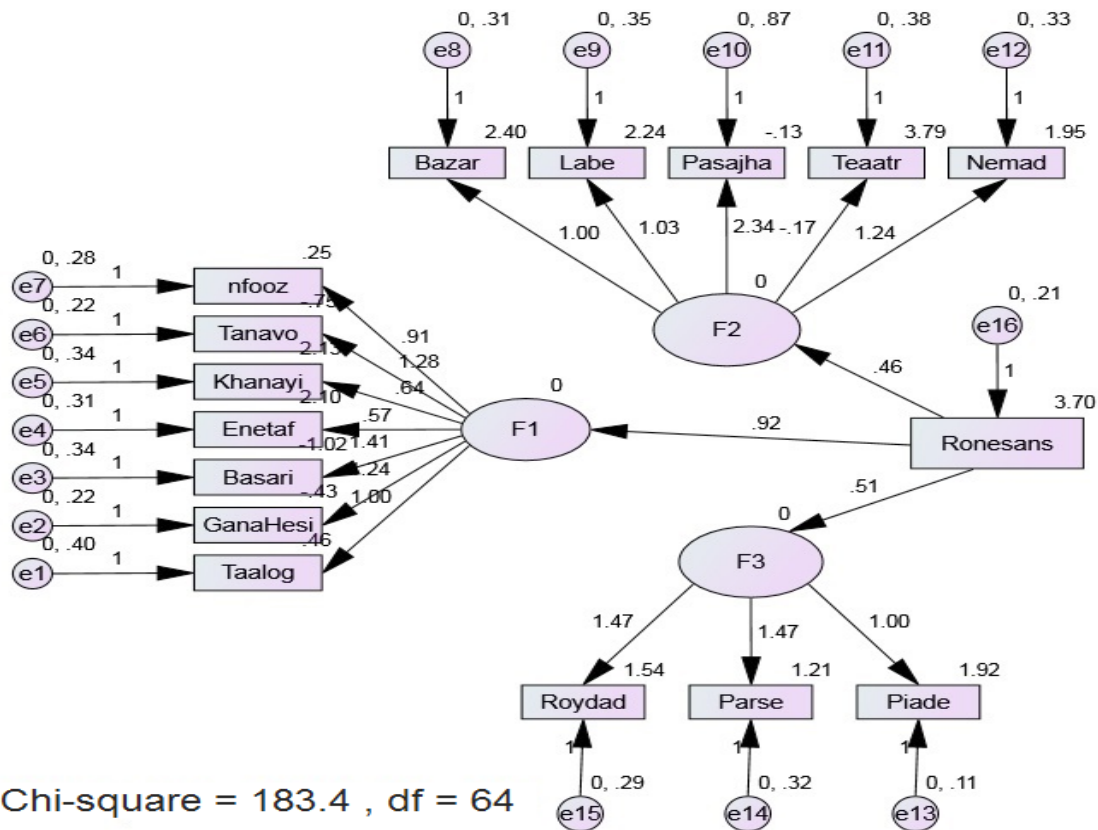
در کتاب پرابلماتیک زندگی روزمره بیان می‌کنند (kazemi, 2005:14) دانست. در واقع حضور پذیری فضای سبزه‌میدان بسیار متفاوت‌تر از گونه پرسه‌زنان خیابان سعدی است. تشخیص رابطه علی بین متغیرها در زمینه چگونگی دستیابی به رنسانس خیابانی محدودده با استفاده از نرم‌افزار Amos و مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تأییدی انجام شد که سطح نیکویی برازش بالایی را نشان می‌دهد و این رابطه ارتباط مستقیم تمامی مؤلفه‌ها و اثربخشی و اثرگذاری آنها بر یکدیگر را اثبات می‌کند. مدل معادلات ساختاری مؤثر بر رنسانس خیابانی سبزه‌میدان در تصویر شماره ۴ ارائه شد.

از سویی شاخص انسان‌مداری فضا با بیشترین امتیاز ۳/۵۸ بالاترین سطح معناداری را به خود اختصاص می‌دهد و با این تحلیل صحنه‌گردانی فضا ۹/۵۰۳ و رخدادهای یادمانی ۹/۲۷۹ از مقوله رویدادمداری بیشترین اهمیت را دارا شدند. علی‌رغم امتیازات بالای شاخص، به دلیل مرکزیت و محوریت در اتصال شریان‌های شهر و حضور خودجوش شهروندان از دیرباز در سبزه‌میدان، مفهوم مسیری بر بودن و ماندن که دلیلی بر مکث و توقف شهروندان است از کمترین امتیاز (۶/۷۷۹) برخوردار شد (جدول شماره ۷)؛ زیرا حضورپذیری سبزه‌میدان تنها به دلیل رفع نیازمندی‌هایی چون خرید و... است و نمی‌توان آن را از جنس آنچه والتر بنیامین^۱ در پروژه پاساژها و کاظمی

جدول شماره ۷: وضعیت مؤلفه‌های انسان‌مداری فضا

معیار	مفهوم	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین
پیاده محوری	ابراز وجود	3/64	9/279	29	0/000	1/233
	سرزندگی فضایی	3/35	6/979	29	0/000	0/900
حضور پرسه‌زن	مسیری بر بودن و ماندن	3/44	6/779	29	0/000	1/000
	حضور پذیری	3/50	7/266	29	0/000	1/067
رویدادمداری	سوزه پرسه‌زن	3/55	7/310	29	0/000	1/133
	صحنه‌گردانی فضا	3/72	9/503	29	0/000	1/333
	رخدادهای یادمانی	3/64	9/279	29	0/000	1/467
کل (انسان‌مداری فضا)		۳/۵۸	۶/۴۲۹	29	0/000	1/162

1 Walter Benjamin



Chi-square = 183.4 , df = 64

تصویر شماره ۴: مدل معادلات ساختاری مؤلفه‌های مؤثر بر رنسانس خیابانی در سبزه میدان شهر زنجان در قالب تحلیل عاملی تأییدی

رنسانس مینا پاسخی (سؤال نخست) بر حل پرابلماتیک عرصه‌های باز شهری به خصوص خیابان و بازخوانی حیات اجتماعی گذشته آن است. در حالی که در راستای پاسخ سؤال دوم و تبیین چگونگی اثربخشی رنسانس خیابانی به‌عنوان یک ابزار عملکردی و پیاده‌سازی استراتژی‌های رنسانس مینا در تولید فضای اجتماعی انسان محور، ارائه مدلی با کمک نرم‌افزار Maxqd ارتباط شاخص‌های پژوهش (تصویر شماره ۶) را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸ اثربخشی مؤلفه‌های پژوهش بر اساس مدل تحلیل مسیر وضعیت محدوده سبزه میدان را به واسطه اجرای پروژه پیاده‌راه، به نوعی متأثر از تحولات پنهان و آشکار در کل محدوده و حتی به طور غیرمستقیم بر کل شهر نشان می‌دهد.

نتایج حاصله از تحلیل‌های کمی و کیفی نشان داد که شاخص‌های پژوهش از سطح معناداری بالایی برخوردارند؛ بنابراین عدم معناداری در آماره‌ها رد و بر ارتقای پتانسیل‌های بالقوه موجود در فضا تأکید می‌شود. به‌واقع تحلیل‌های کمی و کیفی با ارائه استراتژی‌های

جدول شماره ۸: اثربخشی مؤلفه‌ها بر محدوده مطالعه و بر کل شهر

شاخص	ابعاد	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
پاسخ‌دهی محیطی	نفوذپذیری	0/352	0/018	0/370
	تنوع	0/483	0/093	0/576
	خوانایی	0/507	0/119	0/626
	انعطاف‌پذیری	0/338	0/207	0/545
	تناسب بصری	0/419	0/073	0/492
	غنای حسی	0/291	0/163	0/454
	رنگ تعلق	0/376	0/111	0/487
تولید فضای اجتماعی	بازار سنتی	0/461	0/188	0/649
	واحد‌های لبه خیابان	0/337	0/099	0/436
	پاساژها	0/327	0/215	0/542
	تئاتر	0/408	0/052	0/460
انسان‌مداری فضا	نمادهای فرهنگی	0/354	0/041	0/395
	پیاده محوری	0/319	0/064	0/383
	حضور پرسه‌زن	0/468	0/152	0/620
	رویدادمداری	0/297	0/174	0/471

جدول شماره ۱۰: پیشنهاد‌های پایانی

ارائه پیشنهاد‌های نهایی
تولید چشم‌انداز انسانی در سبزه‌میدان به مثابه پیشخوان اجتماعی شهر، تولید پیشران‌هایی به منظور تقویت ورود سرمایه به محدوده، تولید مرکز شهری سرزنده و با نشاط با ارتقای جایگاه عناصر فرهنگی به‌عنوان روح مکان در محدوده، افزایش مطلوبیت بصری محدوده در راستای ارتقای حس مکان در شهروندان، ارتقای توانمندی‌های گردشگری و استفاده از فرصت‌های طلایی در توسعه صنعت توریسم در محدوده سبزه‌میدان، تولید فضای اجتماعی چند عملکردی همراه با فعالیت‌های فرهنگی با در نظر داشتن پتانسیل‌های موجود، ایجاد فرصت‌های تعامل با تلفیق فعالیت‌های متنوع و تولید فضاهایی برای گذران اوقات فراقت برای شهروندان.

References:

- Alpopi, C., & Manole, C. (2013). Integrated urban regeneration–solution for cities revitalization. *Procedia Economics and Finance*, 6, 178-185.
- Asghari, R. Haji Fath Ali, M. (2012) A comparative study of the usefulness of urban streets in the process of one hundred years of contemporary developments. National Conference on One Hundred Years of Contemporary Iranian Architecture and Urban Planning. Alborz Province Building Engineering System Organization [in Persian].
- Benevole, Leonardo (2016). History of pre-Renaissance architecture towards utopias. First Edition. (Volume II) . Sadat Officer. Niloofar Publications.
- Benevolo, L. (2016). The architecture of the Renaissance (Vol. 1): Psychology Press.
- Bentley, A. (2016). Response environments (B. Far, Trans.): Iran University of Science and Technology Publications.
- Berman, M. (2007). The Experience of Modernity (F. Moradpour, Trans. Vol. 1): New Design Publications.
- Corrick, J. A. (2018). Renaissance (A. Yasai, Trans.): Phoenix Publications.
- Consultants of Zanjan Municipality work report from Creation Group (2018) . [in Persian]
- Davies, T. (2017). Humanism. 6: Routledge.
- Development and Development Plan (Comprehensive). (2013). Natural and Social Environmental Studies. Zanjan Housing and Urban Development Organization [in Persian].
- Gehl, j. (2015). Human city (A. Ghaffari & L. Ghaffari, Trans.): Royal Architect Science
- Giusti, C., & Maraschin, C. (2). Downtown revitalization and urban space: A case study in downtown Bryan, Texas. *Cities*, 60, 50-63.
- Gökşin, Z. A., & Müderrisoğlu, B. (2005). Urban

۶. نتیجه‌گیری

از آنجایی که رنسانس شهری به‌عنوان تکنیک قرن اخیر در مسائل شهر و باهدف نوآوری در اندیشیدن به شهر و تولید فضاهای انسان‌مبنا مطرح است و الگویی در راستای تغییر پارامترهای ناکارآمد و ایده‌ای موفق در برنامه‌های بازآفرینی شهری شناخته شده، رنسانس خیابانی هم ابزاری در مسیر تجدید حیات عرصه‌های عمومی شهر به خصوص خیابان است که می‌تواند با رویکردهای اقتصادی، فرهنگی، کالبدی - ساختاری و اجتماعی منجر به تجدید حیات اجتماعی بخش مرکزی شهر گردد. در حالی که تجدید حیات فضاهای شهری با اجرای اقدامات اصلاحی برای حفظ کالبد و روح فضا را «بازآفرینی» می‌نامیم، تغییر کالبد فضا و ایجاد طرحی نو با معیارهای انسان‌مداری «نوزایی» است. طبق نتایج به دست آمده، محدوده مطالعه از پتانسیل‌های بالایی برای پیاده‌سازی رنسانس خیابانی سبزه‌میدان با طرحی نو که همان رنسانس کالبدی است، برخوردار است. در نتیجه با تکیه بر استراتژی‌های اقتصادی مبنا موجب ارتقای توان‌های بالقوه عملکردی و ارزش‌های مادی و معنوی بازار سنتی به‌عنوان راسته تعاملات شهری و کسبه لبه پیاده راه (خیابان) به‌عنوان پیشخوان تجاری شهر خواهد شد. از سویی در تداوم شفافیت و چشم‌انداز تاریخی سازه‌های فرهنگی با هویت محدود، اجرای استراتژی‌های فرهنگ مبنا الزامی به منظور حفظ محرک‌های حسی ارزشمند و حذف غریبانی از فضا اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در نهایت پیاده‌سازی استراتژی‌های رنسانس مبنای اجتماعی هم به‌عنوان پیش‌ران‌هایی در تبلور حیات اجتماعی مجدد در سبزه‌میدان از طریق ارائه فضاهای انسانی، تولید و بازتولید فضا به‌عنوان مکان‌هایی بر فراخوانی و حضور مداوم شهروندان و تولید فضاهای شهروند طلب آرمان رنسانس خیابانی در محدوده سبزه‌میدان شهر زنجان است.

- regeneration: A comprehensive strategy for creating spaces for innovative economies.
- Habibi, S. M., Seyed Baranji, S., & Kahrba, S. (2017). The Relationship between Memorization and Social Participation in Recreating Urban Identity, Case Study: Rasht Municipality Square. *Utopia architecture and urban planning*, 9(17), 329-342. [in Persian].
 - Haghighi Boroujeni, H., Yazdanfar, & Behzadfar. (2015). Revitalization of urban spaces using outdoor cafes (case study of Chaharbagh Street, Isfahan). *Journal of Fine Arts-Architecture and Urban Planning* 20(3), 31-42. doi:10.22059/jfaup.2015.56876[in Persian]
 - Jafari, H. (2018). *Agh Atim Ile Gonesh (A. Yasai, Trans.):* Ons Publishing. [in Persian]
 - kazemi, a. (2005). Problematic daily life in cultural studies and its relation with Iran Cultural Studies and Communication 4. [in Persian]
 - khammadi. (2011). Studies and Plan for Organizing and Improving the Green Field. niversity of Science and Technology Employer of Zanjan Municipality.
 - kia, h. (2017). Review and upgrade the urban design components of Ian Bentley et al. (Responsive Environments Book) at the entrance of cities, Case study: Karaj city - Chalous road entrance. Paper presented at the Fifth International Congress of Civil Engineering, Architecture and Urban Development <https://civilica.com/doc/734553>[in Persian]
 - Mansour Rezaei, M., & Modiri, A. (2014). A reading of the urban experience in the streets of Istanbul to the mental wandering in the streets of Tehran Case study: the independence of Istanbul, Lalehzar, Tehran. *Journal of Fine Arts-Architecture and Urban Planning*, 19(1), 43-56. [in Persian]
 - Pamir, S. (2015). reation of a vibrant urban center, principles of urban design and re-creation (B. Far, Trans. Vol. 0): Iran University of Science and Technology Publications.
 - Parsipour, H., & Zia Tavana, M. H. (2013). Postmodernism and the city with an emphasis on urban planning patterns and designs. *Journal of Urban Research and Planning*, 4(13), 57-76. [in Persian]
 - Porter, L., & Shaw, K. (2013). Which Urban Renewal Comparison of International Reconstruction Strategies (Tabibian, Trans. Vol. 0): Tehran University Press.
 - Rah-e Dana Information Network. (2015(. [in Persian]
 - Rogers, R. (2014). Towards an urban renaissance: Tehran University Publishing Institute.
 - Tibaldoz, F. (2014). Human cities, focusing on improving the public environment (h. leghaei & f. jadali, Trans. Vol. 0): University of Tehran, Institute of Publishing and Printing.
 - Wahhabyan, F., Sajjadzadeh, H., & Babaei Morad, B. (2016). Investigating the effect of urban renaissance on the regeneration of worn-out urban service centers (a case study of Hamedan printing house). Paper presented at the National Conference on Architecture and Urban Planning. [in Persian]
 - Zieleniec, A. J. (2007). *Space and social theory*: Sage.

نحوه ارجاع به مقاله:

پیری، عیسی؛ هاشمی، لیلا (۱۴۰۰)، رنسانس خیابانی، تبیینی بر بازخوانی حیات اجتماعی بخش مرکزی شهر زنجان، مطالعات شهری، ۱۰ (۳۸)، ۱۲۱-۱۳۳،
doi: 10.34785/J011.2021.932/Jms.2021.133 .121-133

http://www.urbstudies.uok.ac.ir/article_61437.html

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



and social and aesthetic street strategies.

3. Methodology

The present study involved a dual analysis with both quantitative and qualitative methods; therefore, for specification of the effectiveness of the indicators and components extracted from the contents, indexing was first carried out based on the criteria of environmental response, generation of social spaces, and human orientation of the space.

- Questionnaire

A questionnaire with 64 items was made, along with a direct interview with statistical panels of experts (30 people). In this method, the Delphi technique was used with the Likert spectrum in order to confirm the indicators and components and the validity of the questionnaire according to Lavasheh's model, where the items are specified by the expert panels as necessary, unnecessary but useful, or unnecessary. 60 of the items were thus specified as necessary.

- Direct interview

The qualitative research method involved interviews and the content analysis procedure, composed of a point-to-point examination and fragmentation of the research text, a design of questions with raw data for face-to-face interviews on the research scope, and a classification of the phrases based on semantic units and coding of the detected words. In fact, content analysis was made with the three methods of open, axial, and selective coding to identify the core categories corresponding to the main concepts that made up the basic characteristics of the study, a careful bottom-up examination of the text.

- Amos software

The Amos software was used along with structural equation modeling and confirmatory factor analysis to identify the causal relationships between the variables in terms of how to obtain the street renaissance of the area. A proper level of fitness was indicated, besides a direct relationship between all the components and their effectiveness on each other, demonstrating that the proposed model of structural equations affected street renaissance.

- MAXQDA software

A model was presented using the MAXQDA software to demonstrate the relationship between the research indicators in order to account for the effectiveness of street renaissance as a practical tool and the implementation of renaissance-based strategies in the generation of human social spaces.

4. Results and Discussion

The quantitative and qualitative analyses demonstrated that the research indicators were of great significance. Therefore, the null hypothesis of insignificance was rejected, and emphasis was placed on promotion of potentials in space. In fact, quantitative and qualitative analysis, along with presentation of renaissance-based solutions, makes up the basis of a solution to the problem of urban open spaces, especially the street, and a reinterpretation of their past social lives.

5. Conclusion

Urban renaissance is a technique from the past century used in urban issues, which aims to innovate in the reflection on the city and the generation of human spaces. It is a model for modification of inefficient parameters and unsuccessful ideas in urban regeneration plans, especially for the street, which can lead to social revitalization of the central part of the city with economic, cultural, physical-structural, and social approaches.

Key words: Street Renaissance, Street Problematic, Space Reinterpretation, Basic Renaissance Strategies.

Citation: Piri, I., Hashemi, L., (2021) Street Renaissance: an explanation of the re-imagining the social life of the central part of Zanjan, *Motaleate Shahri*, 10(38), 121–133. doi: 10.34785/J011.2021.932/Jms.2021.133.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Street Renaissance: an explanation of the re-imagining the social life of the central part of Zanjan

Isa Piri - Department of Geography & Urban planning, Faculty of Human Sciences, Zanjan University, Zanjan, Iran.

Leila Hashemi¹ - Department of Geography Urban planning, Faculty of Human Sciences, Zanjan University, Zanjan, Iran.

Received: 12 April 2020 Accepted: 14 July 2020

Highlights

- Street renaissance as a responsive tool in problematic solution of public areas of the city, especially the street and re-reading social life, preserving civilization, achieving the idea of an interactive humanist space.
- Renaissance in order to renew the desirability of urban open spaces.
- Social-cultural revival of the street.
- Street renaissance as a tool in the production and reproduction of human-centered social spaces.
- In Renaissance strategies, the focus is on man and on human planning and design.

Extended abstract

1. Introduction

Addressing urban problematics by pondering urban streets and introducing street renaissance as a functional tool in solution of urban problems and social revitalization of public spaces will eventually generate and regenerate human living spaces that lead to different experiences of space objectivity on citizens' subjectivity

2. Theoretical Framework

- The concept of renaissance and urban renaissance

Renaissance means rebirth and a form of birth in a new life.

- The concept of street and street renaissance

Street renaissance is a revolution in the sphere of technocratic and elitist reflection on the city, which fearlessly attacks the distressed, soulless body of the city, and is based on human dignity and a democratic, socio-cultural movement that seeks to cross out the unsightly streets of the city, leading to the renewal of utility on various perceptual, functional, and aesthetic dimensions of urban public spaces, including streets, sidewalks, squares, and sometimes neighborhoods.

Urban renaissance is an idea aimed at the success of urban regeneration programs, promotion of sustainable lifestyles, design of physical spaces, and inclusion of all social groups in the city. On the other hand, urban renaissance is an approach to socio-cultural and economic revitalization.

- Conceptualization of the indicators

The ideal of street renaissance is to present human spaces, generate and regenerate spaces as places for invitation and constant presence of citizens, and generate spaces admired by citizens. Therefore, for specification of the effectiveness of the indicators and components extracted from the contents, indexing is first carried out based on the criteria of environmental response, generation of social spaces, and human orientation of the space.

- Renaissance-based strategies

Innovation strategies and human-oriented planning are aimed at improving the biosocial quality and enhancing the daily lives of citizens in open urban areas. Renaissance strategies are based on functional strategies in policy-making, planning, and design of public urban spaces that provide the scope of activity and the path to the desired conditions. These solutions can affect areas such as streets, sidewalks, and squares from economic, social, cultural, and other aspects and provide a policy and perspective on what they should be. They include economy-based strategies, culturally-oriented strategies,

1 Responsible author: Hashemi.leila@znu.ac.ir

This applied descriptive-analytical research was based on the analysis of questionnaires through a correlation strategy. The contextual variables and spatial capabilities were assessed as independent variables, and spatial resilience was examined as a dependent variable. To specify the sample size using Cochran's formula, 357 clients at Tabriz Historic Bazaar were selected to constitute the sample. For assessment of the reliability of the questionnaire, Cronbach's alpha coefficient was calculated as 0.899, which indicated the reliability of the research instrument. To analyze the data, the independent t-test was used to assess the current conditions, and correlation and regression tests were performed to examine the synchronous relationships between the variables.

Results and Discussion:

The findings of the data analysis demonstrated that Tabriz Historic Bazaar was in favorable conditions in terms of resilience, contextualism, and spatial capabilities, and there were significant relationships between space resilience and the contextual components (physical, historical, cultural, and environmental-climatic) and spatial capabilities (flexibility, adaptability, variability, and reactivity) with coefficients of 0.773 and 0.834, respectively. There was also a significant relationship between contextualism and spatial capabilities with a coefficient of 0.767. The greatest impact on the resiliency of the bazaar space was associated among the four spatial capabilities to the adaptability and reactivity of the space with beta coefficients of 0.365 and 0.351, respectively, and among the four components of contextualism to the climatic and historical contexts with beta coefficients of 0.378 and 0.212, respectively. However, the lowest score was associated with the adaptability and climatic context of the space, and the highest with its flexibility and historical context. This indicated, on the one hand, that the capability of adapting to changes and new conditions and of adopting spontaneous response strategies against changes was most effective on the continuity of the space activity. On the other hand, adaptation to climatic conditions and environmental comfort and to native species and collective memories played a major role in maintenance of the space vitality over a long period of time. Given that previous research has emphasized the high degree of resilience due to the characteristics and capabilities of the environment, the present study was focused on concern for both contextual factors and spatial capabilities that are effective in the achievement of resilience and reduction of vulnerability to change. This was considered as the innovative aspect of the research.

Furthermore, the findings indicated that all the four contextual components had the appropriate spatial characteristics required to continue the activity due to the significant relationship between contextualism and spatial capabilities. However, the cultural and climatic contexts were in favorable conditions in terms of spatial capabilities.

Conclusion:

The results demonstrated that Tabriz Historic Bazaar was influenced more by spatial capabilities than by contextual components in terms of resilience. That is, contextual components must be taken into account in addition to spatial capabilities to enhance resilience. Emphasis on both features will be effective in reduction of vulnerability and enhancement of resilience, and achievement of resilience requires the alignment of space with the context, where the ability to cope with disorders is realized as the capability of the space is raised through its inherent potentials.

Keywords: Tabriz Historic Bazaar, contextualism, resilience, spatial capability.

Citation: Abdollahi, R., Karami, I., Nejad Ebrahimi, A., Rahimi, L. (2021) Investigating the Effect of Contextualism on Spatial Resilience in Tabriz Historical Bazaar with a Focus on Spatial Capabilities, *Motaleate Shahri*, 10(38), 107–120. doi: 10.34785/J011.2021.718/Jms.2021.133.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Investigating the Effect of Contextualism on Spatial Resilience in Tabriz Historical Bazaar with a Focus on Spatial Capabilities

Raheleh Abdollahi - Department of Architecture, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

Islam Karami¹ - Department of Architecture, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

Ahad Nejad Ebrahimi - Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Leila Rahimi - Assistant Professor, Faculty of Civil engineering, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Received: 14 February 2020 Accepted: 12 July 2020

Highlights

- The favorable situation of Tabriz Historic Bazaar was revealed in terms of resilience, contextualism and spatial capabilities.
- The relationship between contextual components and spatial capabilities with spatial resilience was explored.
- The greatest effect of adaptability and climatic context on resilience of Bazaar was revealed.
- Emphasis was discovered on paying attention to both factors of contextualism and spatial capabilities in achieving resilience.

Extended abstract

Introduction

A new topic in the field of resilience, spatial resilience seeks space dynamism and vitality by preserving identity and function through focusing on particular features of space which provide an appropriate platform for possibility of vitality over time while maintaining efficiency and attendance. However, the existence of unused and abandoned spaces in cities and the importance of concern for the durability of spaces and their role in sustainability are among the leading challenges in metropolises, which seem to be modifiable and improvable due to their compatibility with the context and possession of environmental features that lead to the resilience required in addressing disorders. The purpose of the present study, designed to promote sustainability and urban identity, is to investigate the effects of contextualism and spatial capabilities on resilience in Tabriz Historic Bazaar.

Theoretical Framework:

Spatial resilience concerns the possibility of different applications, adaptations, and capabilities and even the acceptance of changes without modification of identity. Therefore, the four components of flexibility, adaptability, variability, and reactivity were evaluated in a case study as spatial capabilities affecting the survival of spaces through analysis of the key concepts in different areas of resilience studies. On the other hand, the significance of the context in the discussion of spatial resilience can be considered for assessment of the success of spaces in achievement of the resilience required by the degree of their contextualism. The four physical, historical, cultural, and climatic components were examined in the case study as important contextual components affecting the survival of spaces. In other words, the effects of contextualism and spatial capability on spatial resilience were investigated through assessment of the relevant relationships.

Methodology:

1 Responsible author: ArchitectLik@yahoo.com

The results of the Friedman ranking test demonstrated that physical flexibility ranked highest in average, and was the most important indicator affecting social interactions. The social homogeneity, interpersonal flexibility, and spatial arena sub-components were ranked next, averaging 10.34, 10.20, and 8.82, respectively. According to the findings, the indicators of physical flexibility, social homogeneity, interpersonal flexibility, and spatial arena exhibited the greatest impacts on social interactions, and those of dimensions, proportions, and hierarchy affected them less than the others. The results indicated that the components of territoriality, such as interpersonal distance, physical characteristics, spatial domains, and audio-visual privacy, could be regarded as variables affecting social interactions in the Sheshsad Dastgah residential complex with an approach to maintenance of privacy.

Keywords: housing, residential complex, privacy, territory, social interaction, Sheshsad Dastgah residential complex in Mashhad

Citation: Borhanifar, S., Mazhari, M.E., Taghvaei, V., Vasiq, B., Ashrafzadeh, R. (2021) Investigating the Components affecting Sociability in Residential Complexes using privacy-preserving approach (Case Study: sheshsad Dastgah Residential Complex in Mashhad), *Motaleate Shahri*, 10(38), 91–106. doi: 10.34785/J011.2021.982/Jms.2021.133.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Altman (1975) considers personal space and territoriality as the main mechanisms used for achievement of privacy (Lang, 2009: 165).

Communication means the ability to transfer human information, thoughts, and behaviors from one person to another. Social interaction is a need that involves actions and emotions such as the sense of belonging and attachment, joining a group, loving, and being approved (Siramkaya, 2017).

The factors effective on the promotion of social interactions with the privacy approach include the following:

- Physical characteristics,
- Borders and territories (hierarchy, border clarity, and controllability in the separation of private and public areas),
- Interpersonal distances,
- Audio and visual privacy.

Methodology

The research method is descriptive-analytical, adopted besides documentary and library methods to identify the components of privacy affecting social interactions. The population examined in the present study consists of the residents of the Sheshsad Dastgah residential complex in Mashhad. The sample size is set to 322 people using Cochran's formula. A questionnaire is used to collect the required information, and the data are analyzed using the SPSS and PLS software. Confirmatory factor analysis is applied to evaluate the research model and the validity of the questionnaire, along with the one-sample t-test to compare the means and the Friedman ranking test to rank the components.

Results and Discussion

The findings of the one-sample t-test of the population demonstrated that the mean values of all the components and subcomponents were higher than the obtained averages, and that all the specified components and indicators had relatively large impacts on social interactions ($p < 0.05$). The mean for the interpersonal distance component was 4.48, that for the boundaries and territories was 4.38, that for the physical characteristics was 4.12, and that for the visual-auditory space was 4.06. The results of the Friedman ranking test also indicated that the components of border and territory and interpersonal distance ranked highest in average, and therefore exhibited the greatest impacts on social interactions. Moreover, physical flexibility, social homogeneity, and interpersonal flexibility exhibited the highest average ranks among the subcomponents and the greatest impacts on social interactions.

Conclusion

As explained in the Methodology section, the SPSS 25 and PLS 3 software were used to analyze the data. The extracted average variance index (AVE) was used to verify the convergent validity. This index measures the amount of variance that a hidden variable gets from its markers, and its value ranges between 0 and 1, where higher values indicate greater convergent validity for the structure. The mean extracted variance, which measured the convergent validity, varied from a minimum of 0.53 for the boundary and a territory to a maximum of 0.70 for the physical characteristics. Since the mean values of extracted variance were close to or greater than 0.50, we could confirm the convergent validity (total validity of each component). Finally, the results demonstrated the validity and reliability of all the components and relevant questions. The effects of the four main criteria of privacy on social interactions in the examined residential complex could be analyzed using the Friedman test, ranking the criteria and the degrees of their impact on social interactions as follows. The findings on the ranking of the privacy criteria with respect to a chi-square value of 226.81 ($df = 3$) indicated significant relationships with social interactions ($P < 0.05$), from which it could be inferred that there was a significant difference between the four criteria of privacy affecting social interactions, and the extents and degrees of their impact on social interactions were also found to be different. The results of the Friedman ranking test demonstrated that the border and territory criterion ranked highest in average, and exhibited the greatest effect on social interactions in the residential complex. Shortly after that, there was the criterion of interpersonal distance, with an average rank of 2.97. According to the results, the two criteria of border and territory and individual intermediate distance had the greatest impacts on social interactions, and the criterion of audio-visual privacy affected them less than the others. There were significant differences between the fourteen indicators affecting socialization, the ranks and values of which were also different.

Investigating the Components affecting Sociability in Residential Complexes using privacy-preserving approach

(Case Study: sheshsad Dastgah Residential Complex in Mashhad)

Sahar Borhanifar - Department of Architecture, Ahvaz branch, Islamic Azad university, Ahvaz Iran.

Mohammad ebrahim Mazhari¹ - Department of Architecture, Shahid Chamran university Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Vida Taghvaei - Department of Architecture, Shariaty College, Technical and Vocational university, Tehran, Iran.

Behzad Vasiq - Department of Architecture, Jundi-Shapur university of Technology, Dezful, Iran.

Reza Ashrafzadeh - Department of Persian Language and Literature, Mashhad branch, Islamic Azad university, Mashhad, Iran.

Received: 21 February 2020 Accepted: 20 October 2020

Highlights

- This study examines the relationship between privacy and interactions together.
- The results show that the two criteria of border and territory, and interpersonal distances, have the greatest impact on social interactions and the criterion of audio-visual privacy has the least impact on social interactions compared to other components.
- The results of Friedman ranking test showed that the indicators of physical flexibility, social homogeneity, interpersonal flexibility and spatial planning have the greatest impact on social interactions and the indicators of dimensions, proportions and hierarchy have the least impact on social interactions. Compared to other indicators.
- The study of the results in sheshsad Dastgah Residential Complex in Mashhad also shows that the designer's attention to the criteria and indicators affecting interactions with an approach to maintaining privacy in the design, has played a significant role in promoting interactions between users and residents of the complex. Which has been considered by the designer more than other criteria.

Extended abstract

Introduction

In residential complexes, securing privacy, in its two main dimensions, namely family privacy and individual privacy, is prioritized as an effective component in ensuring the security and tranquility of residents. In fact, people's attitudes toward privacy are part of their socialization process. For establishment of social relations, the privacy of individuals and groups in the public must be considered. It is essential to provide a balance between privacy and social interaction in the light of the cultural values of the community. The purpose of this study is to identify and prioritize the indicators of privacy effective on social interactions in a residential complex with 600 apartments in the city of Mashhad, Iran.

Theoretical Framework

Privacy is a process undergone for determining the boundaries between individuals, through which the individual or group monitors how they interact with others (Altman, 2003).

1 Responsible author: m.e.mazhary@gmail.com

Theoretical Framework

In Nazrie et al. (2016), the consent rate of residents of informal settlements in the Afshar district, Kabul, Afghanistan to the promotion strategy was challenged through interviews with them. The findings highlighted that it was insufficient to consider only the physical aspects of upgrading settlements, and that the economic and social perspectives were as important as the physical features. In a study on the strategy of upgrading informal settlements in Egypt, Khalifa (2015) discussed the negligence of the residents of these areas. As long as the existing settlements are a kind of compensation for the lack of formal settlements, they must be assumed to have a positive aspect as well. These constructive features can contribute to any upgrading alternative model.

Methodology

The methodology of this research involves deep interviews with residents of Chabahar informal settlements and active in-field participation of the researchers. The natural lifestyle of the inhabitants is observed, and the culture dominant among the target community is interacted with more deeply. The data collection methods involve a physical study and assessment of units where the informal dwellers live.

Results and Discussion

In Chabahar, the Balochi word Kampan is used to refer to a residential unit with a unique role and distinct social, economic, and spatial features. Socially, the families inside each kampan can interact with each other. The members of these families have an ethnic relation with each other. Economically, a kampan is a place where the inside dwellers play the role of self-employers. Spatially, there is a courtyard inside each kampan where means of both livelihood and life are provided. The results indicate that a kampan has an organizing characteristic as a spatial module within the fabric of Chabahar informal settlements. Thus, a kampan can maintain its functions in any new pattern devised for promotion of the informal settlements. For application of the economic aspect to the pattern, the outside structure of the design is established, and the inside of the units is then completed by the residents in a post-occupancy process.

Conclusion

The main strategy adopted to confront informal settlements, incremental housing can be regarded as a productive, participatory process. In this strategy, the architect has a facilitating role, designing and preparing the outside and intermediate spaces. Then, the residents themselves complete the inside of the residential units. There are a number of rules governing the completion process. Firstly, development is restricted inside the courtyard, because of the importance of this space. Secondly, the residents can add up to one story to the existing buildings. Overall, the residents have an approach in parallel with the architects' toward a proper solution to the problem of upgrading informal settlements. From a certain step on, the residents themselves decide how to subdivide, aggregate, or complete the inner spaces. Thus, a sympathetic method of creation emerges within the target community.

Keywords: informal settlement, incremental housing, kampan, Chabahar

Citation: Nazarnia, A., Zare, L., Dolatabadi, F. (2021) The incremental housing as a strategy in upgrading housing in informal settlements (Case Study: Chabahar city), *Motaleate Shahri*, 10(38), 77–90. doi: 10.34785/J011.2021.809/Jms.2021.133.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



The incremental housing as a strategy in upgrading housing in informal settlements (Case Study: Chabahar city)

Alireza Nazarnia¹ - Department of architecture, College of art and architecture, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Leila Zare - Department of architecture, College of art and architecture, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Fariborz Dolatabadi - Department of architecture, College of art and architecture, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 24 April 2020 Accepted: 9 September 2020

Highlights

- The informal settlement, as a result of rapid urbanization, is created in or outside of formal and illegal skirts of cities.
- This research insists on the strategy of incremental housing as a process in the physical improvement of Chabahar informal settlements.
- In the final pattern for residents, besides enhancement in physical aspects, maintaining spatial units among residents is highlighted.
- compatibility of replaced plans with the culture of living in the community is a key aspect in any upgrading physical pattern.
- From one step to the end, the residents themselves decide how to subdivide, aggregate, or complete the inner spaces.

Extended abstract

Introduction

Informal settlement, as a result of rapid urbanization, takes place inside or outside the formal, legal limits of cities. These areas are mainly settlements of rural immigrants or poor urban dwellers. Inefficiency in the housing supply system and instability of the economic aspect of housing in the urban market are the main causes of the emergence of informal settlements. This research is focused on the strategy of incremental housing as a process effective in the physical improvement of informal settlements in the city of Chabahar, Iran. Moreover, it seeks to promote the quality of life in informal settlements and, consequently, integrate them into the official areas of the city. In the final model for the residents, maintenance of the spatial structures is highlighted besides enhancement of the physical aspects. This means that the alternative plans are compatible with the residents' culture. The residents' economic restrictions are considered besides all these features. The results demonstrate that a decent model can be achieved using incremental housing and its varieties: subdivision, aggregation, and expansion. This model assumes a more cooperative attitude than in the top-down type of development. The incremental approach is based on individuals' participation in the processes of making their own houses given their types of social network and cultural habits. The research method involves the researcher's active attendance of the study area and observation of the inhabitants' experiences. After all, the designer has no more than a facilitating role in this strategy. From a certain step on, the residents themselves decide how to subdivide, aggregate, or complete the inner spaces. Thus, a sympathetic method of creation occurs within the target community.

1 Responsible author: arnazarnia@gmail.com

processes can help to measure the effects of residential environment perception on social interaction.

Methodology

To investigate the effect of the perceived residential quality indicator on continuous social interaction, this research used the descriptive-analytic procedure and the survey method. The population of the case study involved the inhabitants of the Bagh-Shater neighborhood in Tehran, Iran. The sample size was selected based on factors such as location and urban planning and architecture features. First, the indicators and components of perceived residential quality were assessed, and the qualifications of the perceived residential environment quality indicator were then studied using Bonaiuto, Fornara, and Bonnes's (2003) questionnaire. Finally, the effect of the residential quality indicator on continuous social interaction was analyzed.

Results and Discussion

The results demonstrated that modeling the effects of the perceived residential quality indicator on continuous social interaction confirmed and explained nearly half of the variations therein. The indicators with the highest impact factors included the maintenance and care of the environment, attachment to the place, and urban streets, in that order. With respect to the main hypothesis of the study, there was a significant relationship between social interaction and the quality of perception of the residential environment in Bagh-Shater. This resulted in a positive, almost high correlation between the quality of environmental perception and social interaction, which increased as the quality of environmental perception rose. Based on the obtained results, the best policy to improve continuous social interaction was to enhance the capacity of local communities, thus enabling individuals to maintain the neighborhood spaces where they lived.

Conclusion

The results obtained on the effect of attachment to social interaction were in line with Fisher's (1977). Accordingly, this could be associated to a large extent with the way in which an individual has established social relations with people and social institutions. If it can facilitate the flow of citizenship through man's sense of attachment to the environment, urban space can serve to improve continuous social interaction and, consequently, the quality of the residential environment. The results of this study were in line with the views of Peter Kaltrop (1989) and the new principles and guidelines of urban planning, which have considered the creation of neighborhood units with high walkability as the main factor in establishment of social interactions and enhancement of environmental quality. Moreover, they were consistent with the promotion of social interactions according to the results of Torabi and Rafieian's research, based on the significant impact of the sociability of space, which is a physical characteristic of space, indicating the effect of the environmental quality in promotion of social interactions. This alignment can also be accounted for by the structure of the network of passages and the general ossification of the neighborhood, which plays an important role in formation of appropriate spaces compatible with social interactions despite its old, distressed quality.

Keywords: Perceived Residential Environment Quality, ongoing Social Interaction, Urban Neighborhood, Social Relations, Bagh-Shater.

Citation: saeedi motlagh, M.H., barati, N. (2021) The impacts of quality indicators of residential environment perception on ongoing social interaction in Bagh Shater neighborhood of Tehran, *Motaleate Shahri*, 10(38), 63–76. doi: 10.34785/J011.2021.617/Jms.2021.133.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



The impacts of quality indicators of residential environment perception on ongoing social interaction in Bagh Shater neighborhood of Tehran

Mohammad hasan saeedi motlagh¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Architecture & Urban Planning, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

Naser barati - Department of Urban Planning, Faculty of Architecture & Urban Planning, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

Received: 19 May 2020 Accepted: 23 October 2020

Highlights

- The quality of perception of the residential environment as a tool for urban planners in order to improve and organize the environment, have the ability to provide the necessary ground for the formation and promotion of social interactions.
- Using the residential quality perception index questionnaire by Bonito, Fornara and Bones in 2003, the effect of components of residential perception quality on continuous social interaction using dual regression was explained.
- Among the indicators, the highest impact factor belongs to the maintenance and care of the environment, fixation and the urban road, respectively.
- The indicators of the quality of perception of the residential environment have been able to explain about half of the changes in social interaction.
- There is a significant relationship between social interaction and quality indicators of perception of the residential environment in Bagh Shater neighborhood.

Extended abstract

Introduction

A tool for urban planners to improve and organize the environment of residence, the quality of its perception can provide the requirements for the formation and promotion of social interaction. The obligations of neighborhoods and neighborhood units include the provision of a tool to enhance social interaction and of a place for citizens to meet each other and the management and coordination of civic activities. Accordingly, the purpose of this article is to investigate the effects of the indicators of residential environment quality perception on continuous social interaction.

Theoretical Framework

A factor that affects the quality of life involves the establishment of an appropriate level of collective and social interaction in living environments. The perceived quality of the residential environment is defined as the experience of life satisfaction and happiness. Likewise, the process of perceiving the urban environment is a determining factor in an individual's image drawn and stored of his surrounding environment, and plays a fundamental role in the formation of his residential environment and his satisfaction with it. Environmental perception is a process where one chooses the required data according to his needs from the environment. Environmental quality is complex, and includes the mental perceptions, attitudes, and values of different groups and individuals. The quality of the environment can be defined as a fundamental part of the broader concept of quality of life.

The process of social interaction is the key to the perception of social processes. Environment information is achieved through perceptual processes that are evoked by mental images and guided by human needs. Finally, perception of these

1 Responsible author: shayansaeedimotlagh@gmail.com

way the concept can be used. Architectural designers and thinkers have different professional views on the process of participation in design, and the views of participation-oriented architects and participatory design have been considered as a new approach in the specialized training of architects. Collaborative design has assumed various manifestations in architecture, all of which have in common the use of opinions and the participation of more and more people in the design, especially in the architecture, of public spaces.

Methodology:

The present research is an applied deductive-review study.

Results and Discussion:

The present article aimed to explain the participatory factors by presenting and analyzing a conceptual-structural model of the impacts of the effective factors in the process of designing public spaces. Accordingly, the three main components, including the individual, social, and spatial dimensions, were extracted as the main influential factors in participatory design. The intersections of these three with concepts such as the sense of place (in the semantic dimension), physical and functional diversity (in the socio-spatial dimension), and permeability and readability (in the spatial dimension) played the major roles in specification of the levels of participatory intervention. At the secondary level, the components of access, security, and invitation (in the spatial dimension) exhibited the next greatest parts. The secondary level of influence of the place facilitates people's presence in public places, while the primary level of influence deepens the participation in public places, and creates an emotional, unconscious, semantic structure at the place.

Conclusion:

This research emphasizes the essential role of the concept of participation in the design process, which is multiple, complex and multi-level. The findings obtained in the design process can be applied at three levels: in the field of decision-making and design planning management, in the field of physical planning and urban design, and, finally, in the field of architecture and micro-space design. The first level deepens participation in public places, and creates an emotional, unconscious, semantic structure. The second level causes this deepening process to continue, and the third level makes it possible to facilitate people's presence at public places.

Keywords: Participation, Design process, Public space, Social factor.

Acknowledgment:

This article was taken from the Master's thesis in Architecture entitled Designing a neighborhood house with the approach of social participation of citizens in the ancient fabric of Ardabil (Mansouria neighborhood), which was defended by the first author under the second author's supervision at the Islamic Azad University of Ardabil.

Citation: Norozi, S., Javan Forouzandeh, A. (2021) Analyzing the aspects of participation concept in the process of public space design , *Motaleate Shahri*, 10(38), 49–62. doi: 10.34785/J011.2021.503/Jms.2021.133.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Analyzing the aspects of participation concept in the process of public space design

Sevda Norozi - Department of Architecture, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

Ali Javan Forouzandeh¹ - Department of Architecture, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

Received: 8 September 2019 Accepted: 22 September 2020

Highlights

- Participation is a concept in various fields and includes a wide range of meanings appropriate to its field of application.
- Despite the relatively broad theoretical background of participation, its efficiency in the field of public space design process has been less.
- Three components of individual, social and spatial dimensions are the main factors influencing the participatory design process of public spaces.

Extended abstract

Introduction:

It is important to consider the participation of public space users in the process of architectural design, and each of the various definitions of public participation that is reviewed somehow expresses the richness of people's involvement in urban affairs at different levels, viewing public participation as an essential, inseparable component of urban development and noting the positive, undeniable results of the public's contribution to the design and architecture process. On the other hand, this issue has been considered by many researchers and designers of urban public spaces in recent years, where participatory design solutions have been presented in practical examples at the three levels of design, planning, and decision-making. Despite the existence of a specific method of participatory motivation in design, concern for the issue is limited in Iran mainly to low-level methods of receiving information involving, for example, interviews and recorded user opinions, and a kind of deception is observed at macro levels of design, planning, and decision-making. Thus, the results obtained from these measures are restricted to purely-written or low-level operational intervention. The important point in this regard is the improper explanation of the effective components of participation, on the one hand, and the ineffective structure of these components and its relationship with the design process, on the other hand. Therefore, it is necessary to address the various dimensions of public participation and identify the components that affect the participatory design of public spaces. Knowledge of the components affecting these spaces allows designers, planners, and urban officials to design and plan quality public spaces with the people's participation.

Theoretical Framework:

Participation is a concept that comes in a variety of contexts, and includes a wide range of meanings tailored to its social, cultural, and practical aspects. It is regarded as a kind of notion that is easy to discuss but difficult and complex in practice. Despite the growing significance of public participation in architecture, urban planning, and urban management and the dedication of an important part of research in recent years to this issue, many architects, designers, planners, urban managers, and citizens still often disagree on public participation. Recognizing a black box on the path to individuals' effective participation in the process of designing public spaces, they emphasize that efforts made in the field of public participation have often been ineffective, and efficiency has hardly been achieved in practice, especially in the field of design and architecture, even with the relatively broad theoretical background of participation. On the other hand, the diversity that is there in the field of participation in different disciplines has caused persistent problems with the

1 Responsible author: alijavanforouzandeh@gmail.com

revision of urban development documents, and revision of the relevant laws.

Key words: Urban design, River, River-centeredness, Public places

Acknowledgement

The present article has been developed based on the PhD dissertation of Seyed Mojtaba Safdarnejad in Urban Planning, entitled Regeneration of Urban Rivers as Sustainable Public Places, in progress at the Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology under supervision of Dr. Sayed Abdolhadi Daneshpour and advisory of Dr. Mustafa Behzadfar.

Citation: Safdarnejad, S.M., Daneshpour, S.A., Behzadfar, M. (2021) Functional explanation and identification of values of river-centered public places from the perspective of urban design , *Motaleate Shahri*, 10(38), 31–48. doi: 10.34785/J011.2021.532/Jms.2021.133.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



in confrontation with urban rivers. The review of the research literature indicates that most studies have examined aspects of the role and value of rivers along with their focuses. Specifically, domestic studies have not attempted to comprehensively investigate the issue, and involve minor references to certain functions or qualities of rivers. In addition, these studies have not examined the centrality of rivers in settlements and public places.

Methodology

This developmental-applied research seeks to reform the attitudes and perspectives of urban management professionals and experts in river-related branches of science (including urban planning and design) and to note the importance of a holistic view for their protection and use by reviewing the roles and functions of rivers and their qualities and values for humans and settlements. In addition, the present study attempts to investigate the centrality of the river in public places that are based on this natural phenomenon. It is based on the empiricism paradigm and a qualitative approach, where the method of multi-case study is adopted to examine the status of theoretical concepts extracted from the literature in order to collect the necessary data for description, analysis, and comparison of the case samples along with field surveys.

Results and Discussion

The present study has examined the related literature including field surveys conducted in different Iranian cities with rivers, identified, formulated, and presented the roles and functions/values and qualities of the river as environmental/ecological, physical/spatial, functional, economic, social/cultural, perceptual and psychological, legal, geographical, and other systems of study, and shown the scopes of investigation of various branches of science for them. In addition, it has introduced the multiple dimensions of rivers and indicated the necessity of overhaul and metamorphosis treatment of rivers due to their multifaceted nature after provision of the required framework within river-related branches of science. On the one hand, the study has identified the items that can be inferred as differentiating factors in river-based public places using river characteristics with logical conclusions drawn from river roles/functions/values/qualities. On the other hand, the findings confirm that water and its effects and characteristics (i.e. the status of the river as basis) are the most important factors used for distinguishing river-centered public places from others. Therefore, it is necessary in the planning and design of such places to consider the central features of the river and use them as components that shape the distinct personality of the place. Thus, effectiveness of the river and river-centeredness in public places with rivers as basis at sustainable place-making requires particular concern for activity and attempt, function and use, climatic comfort, economic competitiveness, social interaction, identity and culture, energy supply, education and culture, landscaping, physical and mental well-being, self-actualization, pedestrianism, meaning creation, infrastructure, appearance and landscape, internal cohesion, external cohesion, and connection with the nature.

Conclusion

Playing numerous, diverse roles, rivers provide many values and qualities for the settlements involving them and their inhabitants. Although Iran is located mostly in arid and semi-arid climates, many of its settlements experience the presence of small and large rivers, permanent and seasonal. Taking advantage of this opportunity and enjoying such qualities and values as a competitive advantage requires a well-codified, comprehensive plan and transcendental, intelligent, creative management. The results of the research demonstrate that most of the interviewees believe that the river can be used as a public place provided that the required training is offered to users, and proper planning, design, and maintenance is established under the supervision of the government and urban management as designated domains for the river free of the risk of damaging it. Potential applications of this research include the integration of planning, design, and management of rivers, sustainable place-making and reconstruction with a focus on rivers,

Functional explanation and identification of values of river-centered public places from the perspective of urban design

Seyed Mojtaba Safdarnejad - PhD Candidate of Urban Planning, Department of Urban studies, Faculty of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science & Technology, Iran, Tehran, Iran.

Seyed Abdolhadi Daneshpour¹ - Associate Professor of Urban Planning, Department of Urban studies, Faculty of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science & Technology, , Tehran, Iran.

Mostafa Behzadfar - Professor of Urban Planning, Department of Urban studies, Faculty of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science & Technology, , Tehran, Iran.

Received: 6 June 2019 Accepted: 28 August 2019

Highlights

- Playing various diverse roles by rivers and their abundant quality values for humans and their habitats.
- Utilizing the competitive advantage of urban rivers according to a comprehensive planning and a holistic, multi-sectoral, intelligent, and creative management.
- Necessity of paying attention to the core characteristics of the rivers and their use as character shaping components of public places based on urban rivers in planning and design process.

Extended abstract

Introduction

Rivers have been effective in the location, appearance, and development of settlements, everywhere including in Iran, and have offered them various qualities. The current problem of water in the country has emphasized the issue of water quality and health of rivers. However, simultaneous protection of rivers, response to the concern of how to handle them in the development of settlements, and utilization of this gift to the benefit of the public requires an identification of their dimensions, functions, and values within different branches of science. Recognition of the importance of rivers, along with avoidance of an incomprehensive view in their planning, management, and exploitation, provides a collective consensus among the people, officials, and professionals, which paves the way for the use of rivers to improve the quality of life.

Theoretical Framework

By reviewing the functions, values, and qualities of rivers, while emphasizing the need for their protection, this study seeks to re-examine and re-emphasize their importance for settlements and their inhabitants and the need for comprehensive consideration of these natural phenomena. It also highlights the need to change attitudes toward rivers and avoid sectoral planning and management in different scales and systems of study, and indicates the importance of adopting a comprehensive view. In the context of urban design, the study explains the central role of rivers in distinguishing public places. Accordingly, the primary purposes of the research are to review and account for the functions, values, and qualities of rivers for settlements and to explain the dimensions of river-centeredness in cities and public places. The secondary purposes are to account for the different dimensions of urban rivers in accordance with the systems of study in different branches of science and to explain the necessity of adopting a holistic approach

1 Responsible author: Daneshpour@iust.ac.ir

of individuals with similar positions in the labor market or with similar lifestyles and cultures. According to Weber's socio-economic theory of capitalism, economic conditions alone do not necessarily determine one's way of life.

Methodology

This is an applied quantitative descriptive-causal study. For investigation of the orientation toward the central fabric and its effects on this fabric, different aspects of questionnaire data analysis and in-depth interview were considered using structural equation modeling and the Smart-PLS software.

Results and Discussion

The findings demonstrated that the central fabric of Arak has appealed to the population, contrary to Borges' theory. The high prices of land in this fabric is mainly associated with its validity and authenticity (T value = 2.682). Its easy access to the city center is another factor affecting the orientation toward this fabric and the increase in land prices therein. These high prices have led to the demolition of single-family houses that are not yet very old, to be turned into multi-story apartment buildings. The effect of the low cost of transportation on the individuals' decision to choose these neighborhoods to live in was not confirmed (T value = 1.306). The regeneration of the fabric has changed its demographic conditions and the departure of low-income classes (T value = 23.861). The output of the final matrix and the design of the interpretive structural model placed the two variables of transportation and social status in the dependent zone, the housing price variable in the linking zone, and the variables of demographic change and land use diversity in the independent zone.

The central fabric of Arak appeals to citizens due to its originality, prestige, and expensive land. This is contrary to Borges' theory, which describes the fabric around the city center as one with distressed neighborhoods and a miserable, destructed appearance where immigrants live.

Conclusion

Given that the original neighborhoods with indigenous populations in Arak provide proper opportunities for regeneration, gentrification of this fabric must be avoided, since land is a scarce resource in cities, and it is extremely costly to meet the infrastructure requirements of development. Moreover, urban managers should consider the current trend as an opportunity to provide a plan for efficient use of these lands because the lands in central Arak involve capacity and demand for housing. Thus, infrastructure and superstructure facilities and services also increase proportionally to the increase in density and residential construction.

Key words: Regeneration, Status and social prestige, Arak, Gentrification, Structural equation method.

Acknowledgments

The authors hereby express their gratitude to the Municipality of Arak for provision of the required information.

Citation: Esmailpoor, F., Sarai, M.H., Esmailpoor, N. (2021) Explaining the role of neighborhood social status in the tendency to its regeneration by applying the structural equation model (case study: city of Arak), *Motaleate Shahri*, 10(38), 17–30. doi: 10.34785/J011.2021.840/Jms.2021.133.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Explaining the role of neighborhood social status in the tendency to its regeneration by applying the structural equation model (Case Study: city of Arak)

Fatemeh Esmailpoor - Department of Geography, Faculty of Human Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

Mohammad Hossein Sarai¹ - Department of Geography, Faculty of Human Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

Najma Esmailpoor - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.

Received: 30 June 2020 Accepted: 11 October 2020

Highlights

- The prestige and identity of the middle tissues of Arak has been effective in the cost of land and has resulted in the destruction of usable residential units.
- Contrary to Bergess's theory - which describes the central fabric as a fabric with depressing neighborhoods with a sad and sometimes ruined appearance and the habitat of immigrants and low-income cities - the high price of land and the profitability of investing in the central fabric of Arak make it attractive. And has become the residence of the upper social and economic classes.

Extended abstract

Introduction

Throughout history and all around the world, the living spaces of different classes in cities have been segregated given their socio-economic conditions. The central fabric of the city of Arak, Iran is characterized by the highest housing and land prices, and many citizens wish to live there. The high price of land in this area has led to a high demand for housing. As a result, many of the buildings are demolished and converted into new, multi-story condominiums although usable by the owners and builders. Problems have arisen currently, and inappropriate prospects are expected for the future due to the replacement of single-family houses with multi-family apartment buildings without other residential needs considered, such as transportation, provision of health services, education, open and public green spaces, and parking spaces. The purpose of this article is to provide a structural modeling of the reasons for the above tendency and for the high prices of land in this fabric and of the impact of social status in the neighborhoods on regeneration.

Theoretical Framework

The urban ecology perspective distinguishes cities from three aspects of household: socio-economic, family, and ethno-racial. The purpose of this paper is to investigate the role of the socio-economic status of high social classes on the high prices of land in the central fabric of Arak and its impact on the regeneration of the central city neighborhoods. Just as the lower classes and ethno-racial groups regard segregation as a way of uniting and preserving their identity, the upper classes try to maintain their residential territory in terms of habits and behaviors by segregating prestigious neighborhoods. Dignity or prestige results from approval by others. Therefore, social class can be defined as a group

1 Responsible author: msaraei@yazd.ac.ir

a larger number of indicators over Iran, and considered issues such as meaningfulness, proportionality, flexibility, and functional compatibility for the first time.

Conclusion

Coastal areas are one of the most important zones around the world as they have a variety of advantages. Since there are different aspects to be considered in regard to coastal areas, it requires a comprehensive approach to plan and manage this kind of area. Theoretically, environmental quality can be addressed given a range of indicators corresponding to different dimensions of coastal areas. This research considered coastal users as the link between environmental quality and coastal areas, using structural equation modeling to examine the theoretical model. According to the PLS outputs, the indicators of environmental quality in coastal areas are prioritized as follows: permeability, flexibility, functional compatibility, efficiency, meaningfulness, proportionality, variety, presence of different groups of individuals, and sustainability. Thus, permeability is the most significant factor affecting the desirability of this kind of space.

Key words

Urban coast, Environmental quality, Structural Equation Modeling, Coastal user, Bandar Anzali.

Citation: Rafieian, M., Giyahchi, G. (2021) Identify and prioritize environmental quality indicators in coastal areas, *Motaleate Shahri*, 10(38), 3–16. doi: 10.34785/J011.2021.284/Jms.2021.133.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



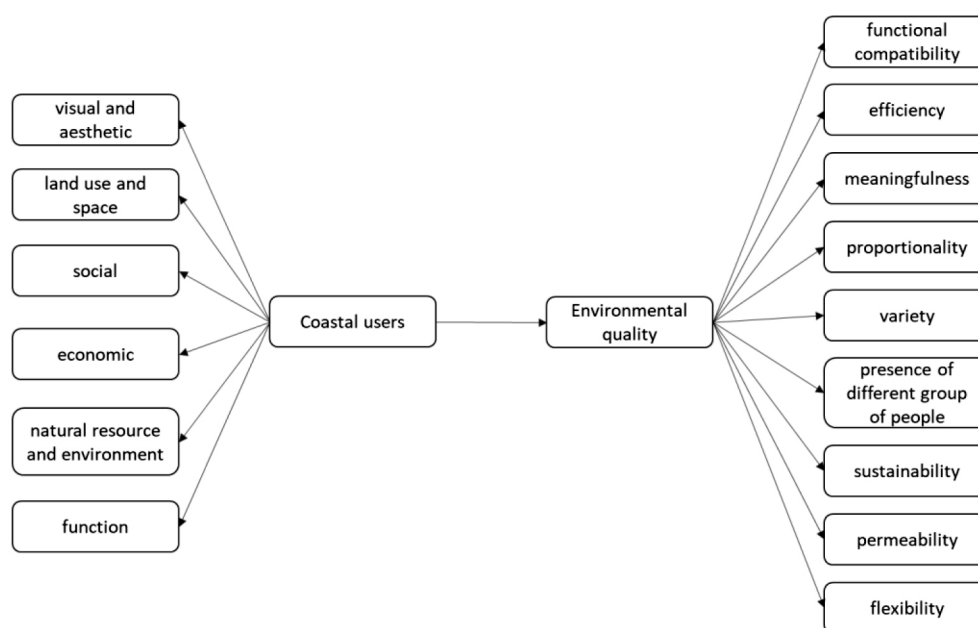


Fig. 1. Theoretical framework

Methodology

Most of the dimensions that affect citizen satisfaction are determined by the concept of environmental quality. This study sought to prioritize the components of environmental quality based on user opinions. According to the literature, national and international documents, and authors' views, a questionnaire was made to collect different indicators of the nine components. Moreover, coastal areas have some aspects that have been identified by other studies. Fig. 1 shows the theoretical framework of this study, which involved different aspects of coastal areas and environmental quality.

The method of analysis used in this study is based on Structural Equation Model (SEM). The data were analyzed using the SmartPLS 3 software. For testing the model, data were collected from 160 questionnaires based on the Likert spectrum distributed in the coastal area of Bandar Anzali. According to the SmartPLS outputs, space users had an indirect impact on the nine indicators of environmental quality derived from the theoretical framework.

Results and Discussion

Desirable environmental quality zones have nine features, of which permeability is the most powerful. According to this model, changes in environmental quality affect those in the permeability of the coastal zone by up to 87%. In this study, permeability is defined through four indicators, including absence of space confusion, quality of bike paths and sidewalks, visibility of natural and significant sights, and walkability and cyclability. According to coastal users, therefore, these four features are the most significant in this type of area.

In addition to permeability, the flexibility variable is more influential than the others. In this research, flexibility was defined by four indicators: flexibility of outdoor spaces, services for individuals with disabilities, flexibility of buildings, and individuals' unblocked access to spaces. If environmental quality is there in a coastal zone, therefore, the above four indicators are expected to be in desirable conditions.

According to earlier experts' and researchers' findings on the indicators of environmental quality and a comparison to the results of the present study, we found that the proportionality indicator has been neglected in the definitions of environmental quality, as well as efficiency. Moreover, the comparison demonstrated that the present study examined

Identify and prioritize environmental quality indicators in coastal areas

Mojtaba Rafieian¹ - Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Art & Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Golkou Giyahchi - Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Art & Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Received: 3 November 2019 Accepted: 31 May 2020

Highlights

- Prioritization of Environmental quality indicators were done by structural equation modelling (SEM) method.
 - Smart PLS software was used in order to analyzing data.
 - Environmental quality indicators of coastal areas were investigated based on users' opinions.
 - Permeability is the most efficient factor in desirability of coastal areas.
-

Extended abstract

Introduction

Human societies have always been interested in beaches and their surrounding areas. This can be attributed to the existence of two territories of land and water in these areas, which lead to the creation of competitive advantages in social, economic, physical, and other aspects. The considerable demand of the population for exploitation of coastal areas has caused systematic problems and disruptions in these areas. As explained by Iran's Vice President for Strategic Planning and Supervision, these problems have a variety of dimensions, such as environmental, land use, political and security, and regulatory and legal aspects. Therefore, these areas require the adoption of an integrated planning and management approach. Hence, the comprehensive integrated coastal zone management plan has begun to link planning at the national, regional, and local levels since the early 90's around the world and after less than a decade later in Iran (in the late 90's).

Theoretical Framework

Since 1976, the concept of environmental quality has been examined in the field of urban studies (urban planning and design), which addresses all the aspects of urban environments and spaces (Rafieian et al., 2013). It has been discussed and developed by many theorists over the past few decades. In terms of content, the previous decade can be regarded as the period of maturity of this notion, but there are still a large number of challenges involved in the implementation and operation. The need for a comprehensive, integrated approach to coastal areas at the micro and macro scales, as well as the multidimensional concept of environmental quality, has provided an opportunity to view coastal areas from the perspective of this notion, to identify its indicators, and to prioritize them. Based on a review of the literature on coastal areas and environmental quality, the authors found that coastal users can provide one of the most important links between them.

1 Responsible author: rafiei_m@modares.ac.ir

Motaleate Shahri

Content

- **Identify and prioritize environmental quality indicators in coastal areas**
Mojtaba Rafieian, Golkou Giyahchi
- **Explaining the role of neighborhood social status in the tendency to its regeneration by applying the structural equation model**
Case Study: city of Arak | Fatemeh Esmaeilpoor, Mohammad Hossein Sarai, Najma Esmaeilpoor
- **Functional explanation and identification of values of river-centered public places from the perspective of urban design**
Seyed Mojtaba Safdarnejad, Seyed Abdolhadi Daneshpour, Mostafa Behzadfar
- **Analyzing the aspects of participation concept in the process of public space design**
Sevda Norozi, Ali Javan Forouzandeh
- **The impacts of quality indicators of residential environment perception on ongoing social interaction in Bagh Shater neighborhood of Tehran**
Mohammad hasan saeedi motlagh, Naser barati
- **The incremental housing as a strategy in upgrading housing in informal settlements**
Case study: Chabahar city | Alireza Nazarnia, Leila Zare, Fariborz Dolatabadi
- **Investigating the Components affecting Sociability in Residential Complexes using privacy-preserving approach**
Case study: sheshsad Dastgah Residential Complex in Mashhad | Sahar Borhanifar, Mohammad ebrahim Mazhari, Vida Taghvaei, Behzad Vasiq, Reza Ashrafzadeh
- **Investigating the Effect of Contextualism on Spatial Resilience in Tabriz Historical Bazaar with a Focus on Spatial Capabilities**
Raheleh Abdollahi, Islam Karami, Ahad Nejad Ebrahimi, Leila Rahimi
- **Street Renaissance: an explanation of the re-imagining the social life of the central part of Zanjan**
Isa Piri, Leila Hashemi

Motaleate Shahri

Journal of Urban Studies - University of Kurdistan

Director: Hooshmand Alizadeh, Associate Professor, University of Kurdistan

Editor-in-Chief: Mozafar Sarrafi, Professor, University of Shahid Beheshti

Secretary : Kayoumars Irandoost, Associate Professor, University of Kurdistan

Administrative Manager: Kayoumars Habibi, Associate Professor, University of Kurdistan

Coordinator: Mohammad Bashir Robati

Editorial Board:

Azizi, Haji Hussein, Professor, University of Kurdistan

Behzadfar, Mostafa, Professor, University of Science and Industry

Habibi, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Hejazi, Mehrdad, Associate Professor, University of Esfahan

Irandoost, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Lotfi, Sedigheh, Professor, University of Mazandaran

Nourian, Farshad, Associate Prof. University of Tehran, Iran

Pakzad, Jahanshah, Professor, University of Shahid Beheshti

Partovi, Parvin, Professor, University of Tehran

Sadr Mousavi, Mirsatar, Professor, University of Tabriz

Sajadzadeh, Hassan, Urban Planning, Associated Professor, Buali Sina University

Shahabi, Himan, Associate professor, Geomorphology Department, Natural Resources Faculty, University of Kurdistan

Shieh, Esmaeil, Professor, University of Science and Industry

Soltani, Ali, Professor, University of Shiraz

Zebardast, Esfandyar, Professor, University of Tehran

International Editorial Board:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

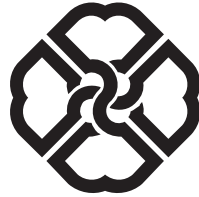
Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

Cover Design: kuresh Anbari

Layout: Javad Dadejani, Lecturer, University of Kurdistan

Persian Editor: Farahnaz Nobakht

English Editor: Navid Baradaran Hemmati



University of Kurdistan

Motaleate Shahri

No.38, Spring 2021